

30 درس در 30 روز رمضان



تأليف:

استاذ عبدالظاهر "داعی"

1437 هـ ق = 2015 م -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این کتاب از کانال
کتابخانه کامل
در تلگرام دانلود شده است

کتابخانه کامل



[KetabKhanaEKamel](https://t.me/KetabKhanaEKamel)

إهداء

این کتابم را اهداء میکنم به :

آن شخصیت بزرگی که الگوی من در سراسر زنده گی بوده ، از او آموختم ، هرگاه به او نگریستم ، مرا به کهکشان انسانیت رهنمون کرد ، دستم گرفت و بسوی ایمان و اخلاص کشانید ، اسوه ، رهنا و رهبرم ، جناب رسول الله (صلی الله علیه و سلم) تقدیم میدارم .

به مادرم که اشک ریخت و مرا تربیت نمود.....

به پدرم که مرا بدینجا رسانید ...

همیشه برای شان دعا میکنم : (رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا)

به برادرانم آنانی که امید دعا دارند

به تمامی خواهرانم

به همسرم که همکارم در علم و عمل بوده

به فرزندانم ، انس ، سمیه ، اسماء ، نسیم و خوله

به کاکا ها و ماما هایم

به برادر زاده ها و خواهر زاده هایم

به تمامی خانواده

به دوستان همیشه با من قاری طاهر ، حاجی بریالی

به هر کسی که بمن خیر خواسته

به هر کسی برایم توفیق خواسته

به هر کسی که مرا دوست داشته

و برای هر دوست محترمی که در چاپ و نشر این کتاب به شکلی از اشکال سهم گرفته و میگیرد.....

بر تمامی شما این تحفه را با تمام محبت قلبی تقدیم میدارم و از خالق متعال استدعا میکنم که این زحماتم را وسیلهء برای نجاتم در روز آخرت گرداند ، و آنرا در میزان حسانم در روزی بگرداند که یوم لا ینفع مال ولا بنون إلا من أتى الله بقلب سليم.



مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ، وَنُسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ لَهُ، فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾⁽¹⁾ ترجمه: ای مؤمنان! از الله (ﷻ) چنانکه سزاوار اوست بترسید و نمیرید مگر در حالیکه مسلمانان باشید.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾⁽²⁾

ترجمه: ای مردم! از پروردگارتان بترسید، آنکه شما را یک شخص خلق نمود و از آن همسرش را خلق کرد و از آن دو مردان و زنان بسیاری را خلق کرد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾⁽³⁾ ترجمه: ای مؤمنان! از الله (ﷻ) بترسید و سخن درست و استوار

1- سوره ال عمران، آیت: 102..

2- سوره الأحزاب، آیت: 71..

3- سوره الأحزاب، آیت: 71/70..

بگویند. تا اعمال تانرا برای تان اصلاح کند و گناهان تانرا برای شما بیامرزد و هر کس که از الله (ﷻ) و رسول او اطاعت کند (بداند که) به کامیابی بزرگ نایل آمده است. (۱)

مؤمنان یکتا پرست: یک نقطه را که همه باید بدانیم اینست که هر مسلمان یکتا پرست یک داعی الهی است، او باید بداند که در هر رشته که تحصیل کرده است و یا هر وظیفه و پیشه که دارد در نخست او یک مسلمان است، تاریخ مسلمان بودن ما از روز (ألست برّیکم) شروع میگردد، بناً ما قبل ازینکه در کدام قوم و ملتی نسبت حاصل کنیم نخست به رحمت الهی مؤمنان بوده ایم روزیکه تولد شدیم نیز با همان ایمان فطری تولد شده ایم و از رحمت الهی که فعل منحیث یک مؤمن موحد، درین جهان زنده گی میکنیم هرگاه نعمت های الهی را حساب کنیم شمرده نمیتوانیم. در کشور ما متأسفانه بسیاری از مردم بیخبر از دین چنین گمان میکنند که رساندن دین به دیگران تنها وظیفه علمای متخصص و امامان مساجد است، اگر چه علما و امامان در سر خط مسؤولیت نشر و رساندن عقیده توحید و احکام الهی و تطبیق نظام اسلام قرار دارند ولی هر مؤمنی که کلمه توحید را از طی دل خوانده و میخواهد با آن زنده گی میکند نمیتواند از رساندن دین به دیگران غافل باشد. سوره (العصر) نجات یافتگان را معرفی نموده و شرط نجات را جمع نمودن بین سه چیز بیان داشته است:

ایمان، اعمال صالحه، دعوت به حق، صبر و به نجات.

به این اساس اکنون که ماه مبارک رمضان این ماه رحمت الهی بازهم مهمان یکماهه در نزد هر مسلمان است، و هر کسی به اندازه ایمان، تقوا و اخلاص خود این مهمان گرامی را گرامی میدارد و در استقبال آن سعی و تلاش می ورزد؛ لازم دیدم که ما و شما نیز سعی و تلاش ورزیده این مهمان عزیز را مطابق قوانین شریعت اسلامی استقبال کنیم.

۱. خطبه این کتاب خطبه ماثوره است، که رسول الله (ﷺ) به اصحابش آنرا یاد میداد و من آنرا از کتاب شیخ ناصر الدین البانی گرفتم: خطبة الحاجة التي كان رسول الله (ﷺ) يعلمها أصحابه تأليف محمد ناصر الدين الألباني، بيروت: المكتب الإسلامي- (1400)، ص: 2.. را

هدف نوشتن این بحث:

هدف اول: کسب رضایت خالق متعال سبحانه و تعالی در رساندن احکامش به مردم.

هدف دوم: رهنما برای روزه داران .

هدف سوم: رهنما برای واعظان ، داعیان و خطیبان .

هدف چهارم: خدمت برای کسانی که در برنامه های تلویزیونی و رادیویی در ماه مبارک رمضان برنامه دارند و میخواهند مطالب رمضان برای مردم تشریح کنند.

هدف پنجم : گذاشتن چیزی برای باقیات صالحات که بعد از مرگ مولف اعمال نامه اش بسته نشود و هر کسی ازین کتاب استفاده کند ، اجرش به مولف فقیر الی الله برسد.

هدف ششم : آموزش امور مهم روزه و رمضان .

به اساس این اهداف این برنامهء درسی رمضانی را نوشتم و خدمت شما دوستان عزیز تقدیم میدارم که هر برادر مؤمن ما نخست آنرا پیش خود مطالعه نموده این تقسیم اوقات را بالای خود تطبیق نماید سپس برای رساندن آن به سایر مؤمنان سعی و تلاش ورزیده و چي خوب است که حلقات درسی را در ماه مبارک رمضان در مسجد های خود زنده ساخته و هر مؤمنی ازین کتاب استفاده نموده، یک درسی را با همکاری سایر دوستان آماده گی گرفته برای دوستان تقدیم بداریم، چي خوب است اگر بتوانیم ازین درس ها در منازل خود، برای خواهران، مادران، دختران و همسران خود نیز برنامه ریزی کنیم.

ارائه مسأله: امروز دوستان ما خوش دارند که درس کوتاهی برای شاگردان شان داشته باشند ، ویا علمای ما در روز های رمضان یک یک درس برای مردم بدهند ، به این اساس خواستم که یک رهنمای کوچکی را درین راستا تهیه کنم .

سوالها: این بحث به این سوالات پاسخ ارائه میگردد:

1) احکام رمضان چیست ؟

2) روزه چند قسم میباشد؟

- (3) اعتقاد روزه دار چگونه باشد؟
- (4) عبادات مهم در رمضان چیست؟
- (5) رسول الله (ﷺ) در مورد روزه و رمضان چی فرموده است؟
- (6) اعتکاف چیست؟
- (7) فضایل و منافع مادی و معنوی روزه چیست؟
- (8) قرآن عظیم الشان چی کتابی است؟

اهمیت تحقیق: این تحقیق برای روزه داران اهمیت زیادی دارد بخصوص کسانی که میخواهند منحیث یک دعوتگر مومن احکام روزه و رمضان را برای مردم تبلیغ نمایند و یا خود شان در منزل شان احکام رمضان را بدانند.

منهج و روش تحقیق: روش تحقیق این کتاب به شکل کتابخانه است که آنرا از روش استقرائی تحلیلی و گاهی هم به شکل میدانی استفاده نمودم.

در قسمت نوشتن مراجع و مصادر از سیستم اکادمیک جهانی استفاده نمودم، نخست وقتی از کتابی استفاده نمودم، نخست نام کتاب، سپس نام مؤلف و بعد از آن مکان تالیف، طبع و تاریخ آنرا با جلد و صفحه کتاب نوشتم و هرگاه بار دوم استفاده مینمودم، فقط نام کتاب با جلد و صفحه آنرا نوشتم.

در اخیر لست مصادر و مراجع را نخست با تخلص مؤلف، سپس نام و بعداً سایر معلومات بیلوگرافی با ترتیب ابجد بیان داشتم.

ازینکه در کلمات عربی (ال) زیاد استعمال میگردد، در ترتیب ابجدی (ال) را اعتبار نداده ام. آیات قرآن کریم را با تشکیل (فتحه، ضمه، کسره، مد و شد) نوشته، نمبر آیت و سوره را بیان داشتم.

در تهیه مأخذ تمامی معلومات بیلوگرافی را در نظر گرفتم، در صورتیکه کدام معلومات در کتاب مورد نظر یافت نشد، برایش رمز ها و علاماتی را به شکل ذیل بیان داشتم.

برای کتابی که مؤلف نداشت به عوض کلمهء بدون مؤلف رمز (ب م)، کتابی که ناشر آن معلوم نبود (ب ن) یعنی بدون ناشر، کتابی که تاریخ طبع آن معلوم نبود، بدون تاریخ به رمز (ب ت) و کتابی که طبع آن معلوم نبود (ب ط) نوشتم.

پیشینهء تاریخی موضوع: موضوع روزه و رمضان از زمان نزول قرآن عظیم الشان در بزرگترین مصادر اسلام موجود میباشد، قرآن عظیم الشان آیاتی در مورد روزه و رمضان دارد، رسول گرامی اسلام ﷺ احادیث زیادی درین مورد دارند و علماء، دانشمندان و فقهای اسلام در کتابهای شان موضوع رمضان را به شکل بسیار عالی تشریح و تفسیر نموده اند.

از آنجا که هر تحقیقی مطابق توان بشری انسان میباشد، بناء آنچه ازین بحث درست و صواب بوده از توفیق پروردگار عالم میباشد هر کاستی بی در آن، از تقصیر و عجز انسانی خودم و وسوسه شیطان می باشد از الله (ﷻ) استدعا میکنم که این عمل بنده را در جمله صالحات اعمال محاسبه نموده و سبب بخشش گناهانم گرداند.

در اخیر بازهم هزاران هزار مرتبه شکر میکنم خالق متعال را که برایم فرصت عمر، صحت و عافیت بخشیده که این کتاب را بخاطر رضایتش بنویسم و از بارگاه رحمتش استدعا میکنم که این اثر را که به هدف بیان حقیقت های اسلامی تهیه، ترتیب و نوشته شده است، ضمن اعمال صالحه و بخصوص در باقیات صالحاتم محاسبه نماید: "وما ذلک علی الله بعزیز".

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

الفقیر الی رحمة ربہ استاد عبدالظاهر داعی



هنگامیکه از استقبال رمضان صحبت میکنیم، سوالی برای ما مطرح میگردد که از رمضان چگونه

استقبال کنیم؟

استقبال از رمضان با اشکال ذیل صورت میگیرد:

1- استعداد ایمانی : با ایمان صادقانه به استقبال این ماه مبارک باشیم ، الله (سبحانه و تعالی)

میفماید : ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا ﴾ سوره النساء ، آیت : 136.

این ایمان را در قلبهای ما تجدید کنیم ، توحید را تجدید کنیم ، تقوای خود را از ریا و نفاق دور سازیم.

2- استعداد قلبی : قلبهای خود را به کمک با فقراء و مسکینان ، دلسوزی به حال آنها آماده سازیم.

همچنان آماده گی قلبی با نیت قلبی به ترک تمامی امور حرام و منکرات و توبه از گناهان سابقه.

دلهای خود را از فریب ، حقد ، حسادت ، شحنا ، بغض ، عداوات میان برادران ، اعضای خانواده ، اقارب ، همسایگان ، همکاران و سایر مسلمانان پاک سازیم .

عن ابی هریره قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ وَلَا يَجْذُلُهُ. التَّقْوَى هَاهُنَا وَبُشَيْرٌ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِحَسَبِ أَمْرٍ مِنْ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ. كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِزُّهُ » رواه مسلم.

ترجمه : از ابو هريره رضي الله عنه روايت است كه:

رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: با همدیگر حسد نکنید، با همدیگر بیع نجش ننمایید (نجش این است که در قیمت متاع بیفزاید در حالیکه قصد خرید ندارد به خاطر آنکه دیگری را بفزاید) با همدیگر بغض و کینه نکنید، به هم پشت نگردانید و بعضی شما بر فروش بعضی دیگر نفروشد، ای بندگان الله (سبحانه و تعالی) با هم برادر باشید. مسلمان برادر مسلمان است، بر او ظلم نمی کند، او را تحقیر ننموده، و خوارش نمی سازد. تقوي اینجاست "و به سینه اش اشاره کرده و سه بار این سخن را تکرار نمود" برای شرارت شخص کافیست که برادر مسلمانش را تحقیر کند. همهء مسلمان بر مسلمان حرام است، خون و مال و آبرویش.

3- استعداد بدنی : قبلا باید آماده گی داشته باشیم که با تمامی اعضای بدن خویش روزه میگیریم ، تصمیم بگیریم که گوش خود را از موسیقی ها حرام نگاه میداریم ، چشم خود را از تماشای فلمهای مبتذل نگاه میداریم ، دست خود را از نزدیک نمودن به حرام حفظ میکنیم ، پای خود را از رفتن به اماکن و جاهای حرام حفظ میکنیم ، از اختلاط حرام خود را حفظ میکنم ، زبان خود را از آنچه مخالف اخلاق اسلامی است حفظ میکنم.

4- استعداد ادبی : باید خود را آمادهء اخلاق رمضان و احترام وادب به رمضان بسازیم ، ادب رمضان اینست که تقوای یک انسان روزه دار را حاصل کنیم ، بی ادبی به رمضان در بی صبری میباشد .

5- اهمیت دادن به رمضان : مسلمانان صدر اول اسلام از صحابه کرام (رضی الله عنهم) و تابعین به ماه رمضان اهتمام ویژه ای می دادند از الله (ﷻ) می خواستند. که آنها را تا ماه رمضان زنده نگه دارد تا اینکه بتوانند این ماه پر فیض را روزه بگیرند و با قدوم رمضان خوشحال می شدند روزهای آن را روزه و شب هایش را با نماز شب و تلاوت قرآن کریم زنده نگه می داشتند و در این ماه با انجام انواع طاعات نفس خود را تزکیه و پاک می نمودند و همچنین خود را برای جهاد با دشمنان آماده می کردند

و همچنانکه ذکر کردیم بزرگترین غزوه و جنگ یعنی جنگ بدر در ماه رمضان اتفاق افتاد فتح مکه نیز در ماه رمضان بود.

6- استعداد برای کار قوی در رمضان : مسلمانان در عصر نبوت می دانستند که ماه رمضان ماه کسالت و تنبلی و خواب نیست چنانکه برخی چنین گمان می کنند بلکه باید گفت ماه رمضان ماه عبادت، جهاد، و عمل است پس باید این ماه پر برکت را گرامی بداریم و این فرصت را غنیمت بشماریم و این ایام را با انواع عبادت و طاعات از ذکر و تلاوت سپری کنیم.

7- تصمیم بر گشت صادقانه : قبل از هر چیز باید تصمیم بگیریم که بسوی الله (ﷻ) بر گردیم و خالصانه از تمام گناهان توبه کنیم و با پروردگار خویش عهد ببندیم که بسوی گناهان باز نخواهیم گشت و بنده مخلص و فرمانبری خواهیم بود.

قبل از رمضان تصمیم داشته باشیم که تمامی عباداتی که بالای ما فرض، واجب، سنت و مستحب است ادا کنیم حتی سعی و تلاش و رزیم که برای ادای نوافل برنامه داشته باشیم؛ زیرا نفل درین ماه مانند نفل در بقیه اوقات نیست نماز نفل رمضان مساوی نمازهای فرض سایر ماههاست.

8- استعداد مالی : قبل از رمضان در اموال خود برای فقراء و مساکین برنامه داشته باشیم، غذای خود را با فقراء تقسیم کنیم، به این نظر باشیم که وقتی یک وقت غذای نمیخورم، آنرا باید به فقراء بدهم.

در مورد پول خود فکر کنیم من مسلمان... در اموال خود چند فیصد برای فقراء و مساکین تخصیص داده ام ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾⁽¹⁾

ترجمه: آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند.

۱- سوره البقره، آیت: ۲۷۴..

همچنان درین فکر باشیم که مطابق این ایت چقدر عمل کرده ایم که: ﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾⁽¹⁾ ترجمه: و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود.

9- تصمیم به تقسیم اوقات ماه رمضان رسول الله (صلی الله علیه و سلم) :

تصمیم بگیریم که در ماه مبارک رمضان برنامه ما مطابق تقسیم اوقات اسلامی رسول الله (صلی الله علیه و سلم) باشد، تصمیم بگیریم که در لباس های خود و اولاد های خود برای فقراء سهم داشته باشیم.

10- آماده گی به توبهء واقعی : قبل از رمضان تصمیم بگیریم که برای روزهء خود ، خود را پاک بسازیم ، توبهء صادقانه کنیم ، از تمام برنامه ها، فلم ها، سریال ها، موسیقی ها، شوخی ها و کدورت ها توبه کنیم و به بارگاه الهی عهد کنیم که ماه مبارک رمضان را با ترک گناهان و رجوع به بارگاه الهی استقبال کنیم.

11- آماده گی دعوتی : دعوت یکی از وظایف و مکلفیت های انسان مومن میباشد ، قبل از رمضان تصمیم بگیریم که در دعوت به اسلام نشر برنامه های اسلامی سعی و تلاش ورزیم و تعهد کنیم که هر وقتی به اندازه توانایی در نشر و پخش اسلام سهم بگیریم، از کمک های مادی، مالی و جانی بخاطر تطبیق و نشر احکام اسلام دریغ نکنم.

12- آماده گی زبانی : قبل از رمضان تصمیم بگیریم که عفت زبان را مراعات نموده زبان خود را با دروغ، غیبت، دشنام و بدگویی آلوده نسازیم؛ قلب خود را از تمامی کدورت ها پاک کنیم، بغض، کینه، عداوت، دشمنی و سایر بدی ها را از قلب خود پاک کنیم.

13- آماده گی برای زنده نگهداشتن شب قدر : قبل از رمضان تصمیم بگیریم که شبهای قدر را که پروردگار قدر داده است ما نیز قدردانی کنیم در زنده نگهداشتن آن سعی و تلاش ورزیم عبادت این شب را حتمی دانسته و برای زنده نگهداشتن عبادت در شب های قدر تقسیم اوقات خود را آراسته سازیم.

1- سوره الذاریات، آیت: 19..

شما جوانان عزیز! با خود نشسته تصمیم بگیرید... فکر کنید... شب قدر شب مبارکی که از هزار ماه یعنی ۸۳ سال و چهار ماه افضل و بهتر است این شب مبارك در ده شب تاق دههء آخر رمضان است با زنده داری این ده شب اخير با ذکر، دعا، استغفار و تلاوت قرآن عظيم الشأن بتوانيم فضيلت شب قدر را حاصل كنيم.

14- آماده گی برای اعتكاف : قبل از رمضان فكر كنيم كه اعتكاف سنت ديگري است كه سالها در كشور ما فراموش شده است در هر قريه يك موفيد سالخورده را انتخاب ميكنند تا در اعتكاف بنشيند امروز روز جوانان و انسانهاي قدرتمند و توانمند است من با خود ميگويم چي كنم؟ من منحيث يك انسان با ايمان ميخواهم از آغاز جواني و توانايي با پروردگار خود رابطه داشته باشم در تقسيم اوقات خود بايد از اعتكاف و داخل كردن برنامه اعتكاف سخن بزنم؛ ماه مبارك رمضان كه ماه قرآن عظيم الشأن است از خود پرسيم كه قرآن كريم بالاي من چي حق دارد حقوق قرآن كريم را از اين كتاب بياموزيم و با خود فكر كنيم كه کدام حقوق قرآن كريم را ادا نموده ام و کدام حقوق آن باقيمانده است در ادای حقوق قرآن عظيم الشأن فوراً در ماه مبارك رمضان تصميم بگيريم.

روز اول رمضان

درس اول (شناخت رمضان)

تعریف رمضان در لغت و اصطلاح :

رمضان در لغت : رمضان از کلمه (رمضاء) گرفته شده که به معنای شدت حرارت میباشد عربها میگویند: "رمض الیوم" گرمی امروز بسیار شدت گرفت. همچنان میگویند: "رمض النصل" ⁽¹⁾ شمشیر را در بین دو سنگ هموار گذاشت سپس آنرا خوب مالید تا خوب هموار گردد.

علت تسمیه رمضان را دانشمندان اسلامی به معانی آن سوق میدهند و میگویند که این ماه را رمضان نامیدند؛ زیرا "لِأَنَّهُ يَرْمِضُ الذُّنُوبَ، اِی: یُحْرِقُهَا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ" ⁽²⁾ زیرا گناهان را با اعمال نیک میسوزاند و بعضی هم گویند ازینکه دلها با کثرت شنیدن ارشادات و موعظه ها چنان گرفته میشوند و گرم میگردند: مثل اینکه ریگ ها و سنگ ها در وقت گرمی حرارت قوی میداشته باشند و بعضی ها میگویند که کلمه رمضان از کلمهء (رمضت الشی) چیزیکه میان دو سنگ آرد شود، بدین معنا که گناهان انسان در میان اعمال صالحه زیاد متلاشی میگردد و از بین میرود.

رمضان در اصطلاح شریعت اسلامی: رمضان ماه نهم از ماه های مبارک سال قمری بوده که در بین ماه شعبان و شوال واقع بوده و گرفتن روزه در آن بالای هر مؤمن یکتاپرست فرض میباشد ماه نزول قرآن کریم و در آن شبی است که از هزار ماه عبادت برتریت دارد این ماه، ماه بخشایش گناهان و خلاصی گنهکاران از عذاب الهی میباشد.

1- المحيط المحيط، معلم بطرس البستانی، بیروت: مکتبة لبنان، (1987م) ص: 351.
2- الکتاب: البحر المحيط فی التفسیر المؤلف: أبو حیان محمد بن یوسف بن علی بن حیان أثیر الدین الأنطلسی (المتوفی: 745هـ) المحقق: صدقي محمد جمیل الناشر: دار الفكر - بیروت الطبعة: 1420 هـ (ترقیم الکتاب موافق للمطبوع، و هو ضمن خدمة مقارنة التفسیر)

صوم (روزه) در لغت: صوم در لغت خود داری و خاموشی از انجام عملی را گویند و همچنان برای خود داری از خوردن، نوشیدن، نکاح، راه رفتن، سخن و غیره استعمال می‌گردد. (1)

امام قرطبی می‌فرماید: که امساک (خود را نگهداشتن) و ترک انتقال از یک حالت به حالت دیگر می‌باشد و همچنان برای خاموشی نیز صوم گویند؛ زیرا خاموش نگهداشتن زبان از سخن گفتن است، ایت شریف در مورد حضرت بی بی مریم علیها السلام می‌گوید: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» (2)

ترجمه: من برای الله تعالی روزه گرفته ام، یعنی سکوت از سخن گفتن را اختیار نموده ام.

صوم (روزه در اصطلاح شریعت اسلامی): عبارت از خود داری نمودن از خوردنی ها، نوشیدنی ها، خواهشات شهوانی و امور منفی اخلاقی می‌باشد که با نیت از طلوع فجر صادق تا غروب آفتاب دوام میداشته باشد.

روزه کامل روزه است که تمامی اعضای بدن از تمامی امور منفی و ناروا محافظت گردد چرا که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: که هر که سخن بد و عمل به بدی ها را ترک نکند.

الله تعالی ضرورتی به ترک خوراک و نوشیدنی هایش ندارد. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: «مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ» (3) ترجمه:

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس که دروغ گویی و عمل به مقتضای آن را ترک نکند الله تعالی نیازی ندارد که او خوردن و نوشیدن را ترک کند.

رمضان ماه رحمت و فضایل: الله تعالی ذات مهربان است، «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (4)

رحمت الهی تقاضا میکند. که برای فرصت دادن برای انسانهای گنهکار راه هایی را باز کند تا این انسانی که اشتباه نموده است و سرگردان است حیران مانده است چی کند، فکر میکند که گناهی که او کرده است او را تباه نموده است، نمیتواند که خود را خلاص کند.

1- مرجع سابق، ص: 525.

2- سوره مریم، آیت: 26.

3- صحیح بخاری، حدیث نمبر: (1903).

4- سوره فصلت، آیت: 2.

بناءً این انسان مؤمن وقتی صفات پروردگار را می‌شنوند که «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»⁽¹⁾ است وقتی ندای پروردگار را می‌شنود که:

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾⁽²⁾

ترجمه: بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت الله ﷻ نومید نشوید که الله ﷻ همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

همچنان این بنده مؤمن می‌بیند که ماه رمضان ماه نزول رحمت الهی است، فرصتی است برای داخل شدن به رحمت الهی، فرصتی است که درین ماه شیطان‌های جنی بسته است، تنها درین ماه کسانی از رحمت الهی محروم می‌شوند که خود به شیطان مبدل شده است با وجود دانستن گناه به آن اصرار می‌ورزد، با وجود داشتن فرصت از فرصت‌ها استفاده نمی‌کند کسی که درین ماه رجوع نمی‌کند در ماهیکه دروازه‌های رحمت الهی باز، شیطان‌های جنی زنجیر پیچان، دروازه‌های جنت باز، دروازه‌های دوزخ بسته ولی بازهم این انسان توبه نمی‌کند معلوم‌دار که خودش به شیطانی انسانی مبدل شده است.

اما کسیکه اشتباه نموده است، کسیکه منتظر فرصت است، کسیکه از گناهان خود پشیمان است و کسیکه حق را میداند ولی به اساس ضعف بندگی از حق دور مانده است فوراً با دانستن این فرصت، از رحمت الهی استفاده نموده، از اشتباهات توبه می‌کند، و به بارگاه الهی تسلیم می‌گردد.

روزه ماه مبارک رمضان دارای فضایل زیادی میباشد از جمله فضایل روزه ماه مبارک رمضان را میتوان در نقاط ذیل توضیح نمود:

1) روزه را الله ﷻ بالای تمامی امت‌ها فرض نموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾⁽³⁾

1- سوره فصلت، آیت: 2..

2- سوره الزمر، آیت: 53

3- سوره البقره، آیت: 183..

ترجمه: ای مؤمنان بالای شما روزه فرض شده، چنانچه بالای امت های قبلی فرض شده بود، شاید که با تقوا شوید.

(2) کورس یکماه تقواست. ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (1)

ترجمه: تا پرهیزکار شوید.

(3) وسیله مغفرت گناهان است، عن ابی هریره رضی الله عنه أن النبی صلی الله علیه و آله قال: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» (2)

ترجمه: یعنی هر کسیکه ماه رمضان را با ایمان داشتن به الله تعالی و رضایت به فرضیت روزه و امیدوار بودن به اجر و ثواب آن روزه گیرد گناهان قبلی وی بخشیده میشود.

(4) ثواب آن مقید به کدام عددی نیست؛ زیرا الله تعالی ثواب آنرا بدون حساب میدهد.

وعنه رضی الله عنه الحدیث المتقدم: «كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصَّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ» وقال فی آخره: «لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ». (بخاری: 1904) (۱)

ترجمه: حدیث ابوهریره رضی الله عنه قبلاً بیان گردید که: (الله تعالی می فرماید): هر عملی که فرزند آدم انجام دهد، برای خودش می باشد جز روزه که مخصوص من است و من خودم پاداش آنرا خواهم داد» و در پایان حدیث، رسول الله اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «روزه دار، دو بار خوشحال می شود: یکی هنگامی که افطار می کند و دیگری، زمانی که با پرودگارش ملاقات می نماید، از روزه اش شادمان می شود».

(5) روزه دار واقعی دارای عالترین مرتبه اخلاقی میباشد: «فَإِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْخَبْ» (4) و یقیناً ایضا من النار ولذلك رُوی عن جابر رضی الله عنه أن النبی صلی الله علیه و آله قال: «الصَّيَامُ جَنَّةٌ يَسْتَحِبُّ بِهَا الْعَبْدُ مِنَ النَّارِ» (5)

1- سوره البقره آیت: 183..

2- منقول علیه

3- صحیح بخاری حدیث نمبر (919).

4- صحیح بخاری حدیث نمبر (1771).

5- رواه الإمام أحمد بإسناد حسن.

6) بوی دهان روزه دار از بوی مشک به نزد الله ﷻ خوشبوتر است: رسول الله ﷺ فرمود: «خُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمَسْكِ»⁽¹⁾. معنای «خُلُوف» یا به نقل از مسلم «خُلْفَةُ» تغییر بوی دهان روزه دار است، به خصوص بعد از زوال خورشید.

7) روزه دار دارای دو خوشی میباشد؛ رسول الله ﷺ فرمود: که الله ﷻ میفرماید «كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصَّيَّامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ» وقال في آخره: «لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ»⁽²⁾

ترجمه: رسول الله ﷺ فرمود که الله ﷻ میفرماید: هر عملی که فرزند آدم انجام دهد، برای خودش می باشد، جز روزه که مخصوص من است و من خودم پاداش آنرا خواهم داد و در پایان حدیث، رسول الله ﷺ فرمود: روزه دار، دو بار خوشحال می شود: یکی، هنگامی که افطار می کند و دیگری زمانی که با پرودگارش ملاقات می نماید، از روزه اش شادمان می شود.

8) روزه در جنت دروازه خاصی دارد که بنام ریان است: وعن سهل بن سعدٍ رضی الله عنه عن النبی ﷺ قال: « إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ: الرِّيَّانُ، يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، يُقَالُ: أَيْنَ الصَّائِمُونَ؟ فَيَقُومُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ» متفقٌ عليه⁽³⁾

از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که:

رسول الله ﷺ فرمود: هر اینه در بهشت دروازه ای است که به آن ریان گفته می شود و روزه داران در روز قیامت از آن داخل می گردند که هیچکس غیر از ایشان از آن داخل نمی گردد. گفته می شود: روزه داران کجایند! پس ایستاده می شوند و از آن کسی غیر از ایشان داخل نمی گردد و چون داخل شوند بسته می شود و هیچکس از آن وارد نمی شود.

1- صحیح بخاری حدیث نمبر (1771).

2- صحیح بخاری حدیث نمبر (بخاری: 1904).

3- الکتاب: ترجمه ریاض الصالحین حدیث شماره: (1217)، ج: 2، ص: 326.

9) از فضایل روزه است که برای صاحبش روز قیامت شفاعت میکند عن عبد الله بن عمر رضی الله عنهما أن النبي ﷺ قال: «الصيام والقرآن يشفعان للعبد يوم القيامة يقول الصيام: أي رب منعته الطعام والشهوة فشفعني فيه ويقول القرآن: منعته النوم بالليل فشفعني فيه قال: فيشفعان» (1)

10) ملائکه ها برای شان تا زمان افطار طلب مغفرت میکنند.

11) الله ﷻ هر روز جنتش را برای آنان آراسته میکند.

12) ثواب روزه رمضان را الله ﷻ میدهد، که اندازه آن مشخص نیست:

وعن ابی هريرة (رضی الله عنه) «كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصَّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ» وقال في آخره: «لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ» (2)

ترجمه: حدیث ابوهریره رضی الله عنه قبلاً بیان گردید که: الله ﷻ می فرماید: هر عملی که فرزند آدم انجام دهد، برای خودش می باشد جز روزه که مخصوص من است و من خودم پاداش آنرا خواهم داد. روزه وسیله نگهداری از گناهان و سپر نفس روزه دار در برابر پیروی از خواهشهای نفسانی در دنیا و در برابر عذاب الله ﷻ در روز رستاخیز است. روزه دژی مستحکم برای روزه دار در برابر دام فریب شیطان است رسول الله ﷺ فرمود: «الصَّوْمُ جَنَّةٌ» (3) روزه سپری است.

13) روزه روح و روان روزه دار را پاک می کند و زبان و اعضای بدنش را از سخنان دروغ یا به کار بردن نیرنگ، باز می دارد. رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه یکی از شما روزه گرفت، بیهوده سخن نگوید و کار جاهلانه انجام ندهد. پس اگر کسی او را دشنام داد یا با او کشمکش کرد و درگیر شد، بگوید: من روزه هستم.» (4)

1- رواه أحمد والطبرانی والحاكم. وقال: صحيح على شرط مسلم، وقال المنذري: رجاله محتج بهم في الصحيح.

2- صحيح بخاری حدیث نمبر (بخاری: 1904).

3- رواه مسلم في الصحيح.

4- (متفق عليه، البخاري 1894. مسلم 1151).

14) روزه انسان را به عالیترین مقام اخلاقی میرساند: رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که سخنان دروغ و عمل کردن به آنها را ترك نکند، الله ﷻ هیچ نیازی ندارد که خوردنی و نوشیدنی اش را ترك کند». (1)

15) بوی دهان شخص روزه دار در نزد الله ﷻ از بوی مشک خوشتر است. رسول الله ﷺ فرمود: «خُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ». (2)

1- (البخاري 1903).
2- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: "كل عمل ابن آدم يضاعف الحسنة بعشر أمثالها إلى سبعمائة ضعف قال الله تعالى: إلا الصوم فإنه لي وأنا أجزي به يدع شهوته وطعامه من أجلي للصائم فرحتان: فرحة عند فطره وفرحة عند لقاء ربه ولخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ والصَّيَّامُ جَنَّةٌ وَإِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْخَبْ وَإِنْ سَابَهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي امْرُؤٌ صَائِمٌ" (متفق عليه)

روز دوم رمضان

درس دوم (ماه مبارک رمضان ماه تقوا و پرهیزکاری)

تقوا در لغت: تقوا در لغت معنای نگهداشتن، حفظ، و خود داری را در بردارد، ابن فارس میگوید: تقوا در لغت کمی سخن را گویند.

تقوا در اصطلاح: به مفهوم حفظ و نگهداشت (وقایه) جسم و روح خود از عذاب های دنیوی و اخروی بواسطه انجام اعمال نیک و دوری از اعمال نا پسند و غیر مشروع میباشد. دانشمندان اسلامی تقوا را به گونه های مختلفی معرفی نموده اند:

(1) تقوا عبارت از عمل به واجبات و ترك منهیات میباشد، یعنی اعمالی را که بالایش واجب است، انجام دهد، و از اعمالی که منع شده است خود را نگهداری نماید.

(2) در عربی گفته اند: التقوی: (الخوف من الجلیل، و العمل بالتنزیل، و الاستعداد لیوم الرحیل) یعنی خوف یا ترس از الله ﷻ و عمل به آنچه بالای رسول الله ﷺ از قرآن و حدیث نازل شده است، و آماده کی برای روز قیامت میباشد.

(3) تقوا عبارت از وقایه است، یعنی انسان با اعمال نیک و دوری از آنچه منع شده خود را از عذاب الهی وقایه نماید.

(4) تقوا عبارت از وقایه انسان از عذاب الهی با انجام اعمال نیک و پرهیز از منکرات میباشد.

عمر بن الخطاب رضی الله عنه از ابی هلننه در مورد تقوا پرسید: او برایش گفت: آیا راه پر از خار را دیده اید، گفت بلی، گفت در آن راه چگونه حرکت مینمایید: گفت: با بسیار احتیاط. گفت: همین تقوا است.

ابن المعتز همین معنا را چنین در شعر بیان داشته است:

خل الذنوب صغيرها وكبيرها ذاك التقى ***** واصنع كماش فوق أرض الشوك يحذر ما يرى

لا تحقرن صغيرة ***** إن الجبال من الحصى

گناهان صغیره وکبیره را ترك کردن تقوا است، مثل شخصی که در زمین خاردار در حرکت باشد عمل نما، گناهان صغیره را حقیر مشمار زیرا اکثریت کوه ها از ریگ های کوچکی تشکیل شده اند.

در قرآن عظیم الشان کلمه تقوا به همین چهار مفهوم دلالت دارد:

(1) ترس از الله ﷻ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (1)

ترجمه: ای مؤمنان از الله ﷻ بترسید و با مردمان راستگو باشید.

(2) عمل به اعمال نیک (ایمان، اخلاص، فرض، واجب، سنت، مستحب و مباح)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (2)

ترجمه: ای مؤمنان از الله ﷻ بترسید، البته با تقوای حقیقی، و نمیرید مگر مسلمانان یعنی کوشش نمایید که با ایمانیکه تقوا جزء آن است بمیرید.

(3) اجتناب از اعمال بد (کفر، شرک، حرام، مکروه و مشکوک).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (3)

ترجمه: «ای مؤمنان از الله بترسید و آنچه از سود خوری باقیانده است، آنرا ترك نمایید، اگر حقیقتاً مؤمنان هستید.

(4) خود را از عذاب الهی (دوزخ) وقایه نمودن: ﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ

أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ (4)

ترجمه: پس خود را از آتش دوزخ که هیزم آن از انسانها و سنگها میباشد وقایه نمایید، دوزخیکه برای کافران آماده شده است.

1- سوره التوبه، آیت: 119..

2- سوره آل عمران، آیت: 102..

3- سوره البقره، آیت: 278..

4- سوره البقره، آیت: 24..

قرآن کریم و تقوا: ﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ﴾ (1)

ترجمه: بگو ای بنده گان مؤمن من، از پروردگارتان بترسید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (2)

ترجمه: ای مؤمنان از الله ﷻ بترسید و هرکسی توجه نماید که برای فردای قیامت خویش چی چیزی با خود گرفته است، از الله ﷻ، یقینا که الله بر سایر اعمال شما با خبر است.

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى﴾ (3)

ترجمه: هر که بخشش نمود و تقوا کرد و خوبی را تصدیق نمود، او را بسوی آسانی ها حرکت میدهم).

امام قرطبی رحمه میگوید: متقی کسیست که با اعمال نیک و دعای با اخلاص، خود را از عذاب الهی وقایه مینماید.

ابویزید بسطامی رحمه میگوید: متقی کسیست که، وقتی سخن میگوید، برای رضایت الله ﷻ سخن میگوید، و هرگاه عملی میکند بخاطر رضایت الله عمل میکند. أبو سلیمان دارانی میگوید: متقیان کسانی اند که الله ﷻ محبت شهوات را از قلبهای شان دور نموده است.

پیامبران علیهم السلام و تقوا: تمامی پیامبران امت های خویش را به تقوا دعوت مینمودند

1) نوح علیهم السلام برای قومش میگفت: ﴿أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا﴾ (4)

الله متعال ﷻ را عبادت نمایید، تقوا نمایید، و مرا اطاعت کنید.

﴿إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ (5)

وقتیکه برادر شان ﷻ برایشان گفت: آیا از الله نمیترسید؟

1- سوره الزمر، آیت: 10..

2- سوره الحشر، آیت: 18..

3- سوره الليل، آیت: 5..

4- سوره نوح، آیت: 3..

5- سوره الشعراء، آیت: 106..

2) ابراهیم علیه السلام نیز قوم خود را به عبادت و تقوا دعوت مینمود: ﴿وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (1)

3) شعیب علیه السلام نیز قوم خود را به عبادت و تقوا دعوت مینمود: ﴿إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ (2)
وقتی شعیب برای شان گفت که آیا نمیرسید؟

4) لوط علیه السلام نیز قوم خود را به عبادت و تقوا دعوت مینمود: ﴿إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ (3)
وقتی برادر شان لوط علیه السلام برای شان گفت: آیا تقوا نمیکنید؟

5) صالح علیه السلام نیز قوم خود را به عبادت و تقوا دعوت مینمود: ﴿إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ (4)
وقتی برای شان برادر شان صالح علیه السلام گفت: آیا تقوا نمیکنید؟

6) هود علیه السلام نیز قوم خود را به عبادت و تقوا دعوت مینمود: ﴿إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ (5)
وقتی برادر شان هود علیه السلام برای شان گفت: آیا تقوا نمیکنید؟

ارتباط روزه با تقوا: الله تعالی تقوا را فلسفهء حقیقی روزه بیان داشته است، ﴿أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (6)

ترجمه: ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیز کار شوید.

روزه مانند يك كورس يكماهه تمرین نفس انسان میباشد، به همان سانیکه برای عساکر تمرین داده میشود، تا اسلوب عسکری را خوب یاد گیرند، و به همانسانیکه برای بعضی از متخصصین كورس های ترینگ، و سیمینارهای تخصصی برای پیشرفت سطح دانش و توانایی دایر میگردد، به همین سان سال يك مرتبه برای تقویت بخش معنوی وجود انسان كورس يكماهه رمضان تعیین گردیده که انسان مؤمن نه تنها از امور حرام بلکه از خوردن و نوشیدن چیزهای حلال و لذت گرفتن از بسیاری

1- سوره العنکبوت، آیت: 16..
2- سوره الشعراء، آیت: 177..
3- سوره الشعراء، آیت: 161..
4- سوره الشعراء، آیت: 142..
5- سوره الشعراء، آیت: 124..
6- سوره البقره، آیت: 183..

مشروعات روزانه اجتناب میورزد، این عمل به مثابه يك كورس آموزشی او را توانایی وقوت ایمان میبخشد، زیرا مؤمن روزه دار که مفهوم حقیقی روزه را درك نموده باشد، میداند که به امر الله حلال را ترك نمودم، اکنون بعد از رمضان که نعمات حلال برایم اجازه شده، از حرام خود را وقایه مینماید. و هرگاه کسی ماه مبارك رمضان را روزه بگیرد ولی روزه در شخصیت وی اثر نکرده بعد از ختم رمضان دوباره به گناهان رو آورد، و علاقه خویش را با نماز و مسجد قطع نماید، روزه وی هدف حقیقی اش را که تقوا است حاصل نکرده و معلوم میشود که روزه اش درست نبوده است.

اولیاء الله (دوستان) کدام مردمان اند: قرآن عظیم الشان برای ما اولیاء الله را معرفی مینماید، و میگوید: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ هُمُ الْبَشَرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (1)

ترجمه: آگاه باشید که اولیاء الله (دوستان الله) را ترسی نیست، و آنها افسرده نیز نمیشوند، اولیاء الله کسانی اند که ایمان آورده و با تقوا میباشند، برای شان در زنده گی دنیا و آخرت خوشخبری است، سخنان الله تعالی تبدیل نمیگردد، اینست پیروزی بسیار بزرگ.

اولیاء الله (دوستان الله) ترسی ندارند، و غمگین هم نمیشوند، زیرا آنان با اعمال خوب خود به مقامی که نیل رضایت الله ﷻ است کامیاب شده اند، الله ﷻ این مقام عالی آنانرا در قرآن عظیم الشان ذکر نموده است.

اکنون سؤال مطرح میگردد که اولیاء الله کدام اشخاص هستند؟ قرآن عظیم الشان برای ما آنانرا معرفی نموده که ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ (2)

اولیاء الله کسانی اند که ایمان آورده و با تقوا هستند.

و چون آنان با ایمان و تقوا دوستی الله ﷻ را انتخاب نمودند، الله ﷻ نیز دوستی آنانرا قبول مینماید، و از آیات قرآن معلوم میگردد که:

1- سوره یونس، آیت: 62 الى 64..

2- سوره یونس، آیت: 63..

1) الله ﷻ دوست متقیان است: الله ﷻ در قرآن عظیم الشأن در دوستی خویش با متقیان جنین بیان میدارد: ﴿وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (1)

ترجمه: مردمان ظالم یکی دوست دیگراند، و الله تعالی دوست متقیان است.

آنانیکه بر خود ظلم میکنند بجز الله ﷻ کسانی دیگری را دوست میکیرند، ولی ازینکه مؤمنان با تقوا الله ﷻ را دوست خود گرفته اند، الله ﷻ نیز دوست آنان است.

2) دوستی دیگران مخالف تقوا است: هرگاه به آیات قرآن عظیم الشأن دقیقاً نظر اندازیم میابیم که مؤمنان حقیقی دوستی الله ﷻ را نسبت به تمامی مردم ترجیح میدهند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ (2)

عضی از مردم، معبودهایی غیر از الله ﷻ برای خود انتخاب می کنند؛ و آنها را همچون الله (سبحانه و تعالی) دوست می دارند. اما آنها که ایمان دارند، محبت به الله (سبحانه و تعالی)، (از مشرکان نسبت به معبودهایشان)، شدیدتر است.

امتیازات مادی و معنوی تقوا در دنیا و آخرت: الله ﷻ برای انسانهای متقی يك سلسله ویژه گی های خاصی را که شامل بخش دنیا و آخرت میگردد بیان داشته است که میتوان بشکل ذیل دسته بندی نمود:

امتیازات معنوی تقوا:

1- الله ﷻ یار و یاور متقیان است ﴿وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (3)

بعضی از ظالمان دوست ظالمان دیگر میباشند، و (الله ﷻ) دوست متقیان است.

2- مقام متقیان مقام امن است: هرگاه بخواهید در مقام با امن قرار داشته باشید تقوا کنید ﴿إِنَّ

الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ آمِنٍ﴾ (4) به تحقیق مردمان با تقوا در مقام با امن قرار خواهند داشت.

1- سوره الجاثیه، آیت: 19..
2- سوره البقره، آیت: 165..
3- سوره الجاثیه، آیت: 19..
4- سوره الدخان، آیت: 51..

3- هرگاه بخواهید در جنت الهی در زیر سایه ها در نزدیکی چشمه های قرار داشته باشید تقوا کنید: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ﴾ (1)

ترجمه: (در آن روز) پرهیزگاران در سایه های (درختان بهشتی) و در میان چشمه ها قرار دارند.

4- هرگاه بخواهید در نجات از عذاب الهی قرار داشته باشید تقوا کنید: ﴿وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ (2)

ترجمه: و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم!

﴿ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًا﴾ (3)

ترجمه: سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می بخشیم؛ و ظالمان را -در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو درآمده اند- در آن رها می سازیم.

﴿وَسَيَجْزِيهَا الْأَتَقَى﴾ (4)

ترجمه: و بزودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می شود.

5- هرگاه بخواهید در کامیابی دنیا و آخرت قرار داشته باشید تقوا کنید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (5)

ترجمه: و هر کس از خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند!

6- هرگاه بخواهید در جنت الهی قرار داشته باشید تقوا کنید: ﴿تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا﴾ (6)

ترجمه: این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، به ارث می دهیم.

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ﴾ (7)

1- سوره المرسلات، آیت: 41..

2- سوره النمل، آیت: 53..

3- سوره مریم، آیت: 72..

4- سوره الليل، آیت: 17..

5- سوره النور، آیت: 52..

6- سوره مریم، آیت: 63..

7- سوره الطور، آیت: 17..

ترجمه: متقیان در جنت های و نعمات ها میباشند.

7- هرگاه بخواهید که الله ﷻ همراه شما باشد تقوا کنید: ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ (1)

ترجمه: الله ﷻ با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند و کسانی که نیکوکارند.

8- هرگاه بخواهید الله ﷻ شما را دوست داشته باشد تقوا کنید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (2)

ترجمه: الله ﷻ متقیان را دوست دارد.

9- هرگاه بخواهید ولی دوست الله ﷻ باشید تقوا کنید: ﴿إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (3)

ترجمه: دوستان الله ﷻ بجز متقیان کسان دیگری نیستند، ولی بسیاری آنان نمیدانند.

10- هرگاه بخواهید در رحمت الهی قرار داشته باشید تقوا کنید: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (4)

رحمت من همه چیز را در بر میگیرد، و من این رحمت خویش را برای متقیان، زکات دهنده کان، و کسانی که به آیات ما ایمان دارند، خواهم داد.

11- هرگاه بخواهید که برکت های آسمان و زمین بالای تان نازل شود تقوا کنید ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (5)

ترجمه: اگر مردم قریه ها ایمان میاوردند و تقوا مینمودند ما بالای شان برکت های آسمان و زمین را باز مینمودیم.

12- هرگاه بخواهید که گناهان شما بخشوده شود تقوا کنید ﴿ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾ (6)

1- سوره النحل، آیت: 128..

2- سوره التوبه، آیت: 7..

3- سوره الأنفال، آیت: 34..

4- سوره الأعراف، آیت: 156..

5- سوره الأعراف، آیت: 96..

6- سوره الطلاق، آیت: 5..

ترجمه: این امر الله تعالى است که بالای شما نازل نموده است و هر که از الله ﷻ ترسید گناهانش را میبخشد و اجرش را بزرگ میسازد.

13- هرگاه بخواهید که امور زنده گی تان به آسانی انجام پذیرد تقوا کنید ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾ (1)

ترجمه: هر که از الله ﷻ ترسید برایش کارهایش را آسان میگرداند.

14- هرگاه بخواهید که از مشکلات خلاصی یابید تقوا کنید: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ (2)
ترجمه: هر که تقوا نمود برایش راه خلاصی را پیدا مینماید.

15- هرگاه بخواهید که جنت نصیب تان گردد، تقوا نمایید ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ﴾ (3)

ترجمه: ولی پرهیزگاران در میان باغهای بهشت و نعمتهای فراوان جای دارند.

﴿لَفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ﴾ (4)

ترجمه: (در آن روز) بهشت را به پرهیزگاران نزدیک می کنند، و فاصله ای از آنان ندارد!

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ﴾ (5)

ترجمه: یقیناً پرهیزگاران در باغها و نهادهای بهشتی جای دارند.

16- هرگاه بخواهید که در جمله اولیاء الله حساب شوید تقوا نمائید ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ (6)

17- بزرگترین ثمره تقوا انجام یا خاتمه یی همهء خوبی ها نصیب متقیان میشود، الله ﷻ

میفرماید: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (7)

1- سوره الطلاق، آیت: 4.

2- سوره الطلاق، آیت: 2.

3- سوره الطور، آیت: 17.

4- سوره ق، آیت: 31.

5- سوره القمر، آیت: 54.

6- سوره یونس، آیت: 62 الی 63.

7- سوره القصص، آیت: 83.

ترجمه: (آری،) این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است!

امتیازات مادی تقوا :

1- نقش تقوا در اقتصاد: انسانهای با تقوا نسبت به مردمان بی تقوا دارای اقتصاد خوب می‌باشند؛ زیرا مؤمنان متقی معتقدند که انسان در روز قیامت از تمامی نعمت‌های الهی پرسیده میشوند، و در قسمت مال دوسوال از انسان می‌گردد: نخست اینکه این مال را از کدام راه بدست آورده است، (حرام است یا حلال) و دوم اینکه این پول اگر حلال بوده در کدام راه‌ها مصرف گردیده، راهیکه در آن رضایت الله ﷻ است و یا در راهیکه رضایت الله ﷻ مراعات نشده بلکه بخاطر غرور، خود خواهی، شهوت پرستی مصرف گردیده است، مصارف بیجا اسراف شمرده میشود و کسانی که اموال خویش را بدون مراعات حلال و حرام بیجا اسراف مینمایند، برادران شیطان هستند ﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾⁽¹⁾ یکی از عادات مخالف تقوا، تکبر و خود خواهی است، بسیاری از مردم بی تقوا (خود خواه) هزاران نه بلکه ملیون‌ها افغانی خویش را بخاطر همین خود خواهی و تکبر مصرف میکنند، در شب نشینی‌هاییکه تمام لحظات آن در معصیت الله ﷻ می‌گذرد بول هنگفتی را به مصرف میرسانند و بخاطر اینکه در نظر دیگران کم نیابند، لکها افغانی قرض نموده و آنرا به مصرف میرسانند.

2- نقش تقوا در اجتماع: انسانهای با تقوا میدانند که مراقب آنان ذات پرورگار متعال است، آنان به هیچ پولیسی ضرورت ندارند، بلکه میدانند که ﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ مَّا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾⁽²⁾ ترجمه: (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند.

1- سوره‌ه الأسرار، آیت: 27..

2- سوره‌ه ق، آیت: 17 الی 18..

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است!

او با داشتن چنین اندیشه غیبت، بد گویی، مسخره گی، بد بینی، شیطنت، نمیکنند، همچنان خواهران و اعضای فامیل همسایگانه و سایر مردمان را با چشم حیا نظر نموده، هیچگاهی سبب اذیت و بد بختی دیگران نمیگردد.

3- نقش تقوا در صحت جسمی: انسانهای با تقوا نسبت به دیگران صحتمند و دارای جسم سالم میباشند، اگرچه مردمان غرب در زمان فعلی توانستند که خود را در بخش مادیات به نهایت درجه قوت و مدنیت برسانند، ولی ازینکه مدنیت آنان مادی بوده، بخش تقوا و معنویت آن بسیارضعیف میباشد، آنان از نگاه مادی برای شرقیان وسایل خوب و تکنولوژی را صادر میکنند و ازینکه فاقد تقوا و معنویت اند اکثریت امراض خطرناك مانند ایدس، سارس، انواع مختلف سرطان ها، معتادی به مخدرات، و صد ها نوع امراض خطرناك انسانی را نیز به شرق صادر میکنند، همچنان این امراض خطرناك به علت نداشتن تقوا نصیب مردمان بیدین و یاکسانی نیز میشود که از بیدینان پیروی میکنند و یا صرف بنام مسلمان اند ولی هوش، فکر، محبت، رواج، عادات، تقالید، برنامه های و سایر امور غربیان را پیروی میکنند، هرگاه از دکتوران علوم طبی پرسیم، خواهیم دانست که تمامی این امراض به سبب ارتباطات جنسی نامشروع، نوشیدن و استعمال مخدرات و الکول ها بوجود آمده است، خوردن کوشتهای حیواناتیکه آنرا الله ﷻ حرام قرار داده است، نیز سبب دیگری از اسباب مرض است و همینکه شاعر میگوید:

صد ها چراغ دارد و بیراهه میرود بگذار تا که افتد و بیند سزای خویش

4- نقش تقوا در صحت روانی: مؤمن با تقوا هدف موجودیت خویش در دنیا، رفتن از دنیا، زنده گی چند روزه، را خوب درك نموده و میفهمد که دنیا برای انسان خلق شده و انسان برای آخرت، خوردن برای تقویت جسم برای عبادت است و انسان برای خوردن خلق نشده است، این انسان با تقوا میداند که خوردن حلال بزرگترین نعمتی است که برای بسیاری از غافلان میسر نیست

و با عقیده کامل در صورت نداشتن امکانات مادی به همان زنده گی فقیرانه خویش قناعت میکند و دست به حرام نمیبرد، هرگاه بهترین نعمات الهی بشکل حلال برایش یافت شود از آن استفاده مینماید، و خوب میداند که هرکسی از تمامی داشته های خود، در روز قیامت جوابگو خواهد بود. این انسان خود را با الله ﷻ دوست میداند و الله ﷻ را دوست خود میداند، اطاعت بروردگار را کرده، قلبا احساس را حت مینماید، او با فهمیدن مفهوم ایمان میداند که "وَالْقَدْرَ خَيْرَهُ وَشَرَهُ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى" همه خوبی ها و مشکلات انسان از طرف الله ﷻ میباشند، اگر به نعمتی دست یابد شکرکنان از آن استفاده میکند و هرگاه به مصیبتی مبتلا گردد، آنرا يك امتحان دانسته صبر مینماید، و اینرا خوب میداند که (به اندازه ایمان قوی، انسان راحت میباشد) و هر قدر ایمان ضعیف شد به همان اندازه، انسان در زنده گی خویش سرگردان میباشد.

اگر به دنیا غرب سفر نماییم میبینیم که آنان چقدر وسایل راحت مادی دارند، آنقدر مادیات در نزد آنان فراوان است که حتا از بسیاری آنان خسته شده اند، از بلند منزل ها به جنک ها رو میاورند، ولی نداشتن تقوا سبب شده که سالانه به هزاران انسان خود را انتحار میکند، به مجرد يك ناکامی بسیط در زنده گی خود را میکشند، محبت والدین با اولاد، و اولاد با والدین روز بروز ضعیف میشود، امراض زیاده میشود، به عوض صلح و آرامش روز بروز جنک و کشتارهای دسته جمعی زیاد میشود، به عوض محبت نفرت زیاد میشود، زیرا یکانه دوی تمامی این امراض تقوا است که به اساس توحید انسان را وادار میسازد که خیر خواه همه باشد.

علامات انسانهای با تقوا:

1- نشست و برخاست با صادقان: انسانهای با تقوا، راه حق را در پیش گرفته، با کسانی دوستی و مجالست میکند که دانشمندان راستگو و نیکو کار باشند، این یک امر الله ﷻ است که انسان با تقوا از نشست و برخاست با گمراهان و مردمان دروغگو و فریب کار اجتناب ورزند.

الله ﷻ میفرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (1)

1- سوره التوبه، آیت: 119..

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) الله ﷻ پرهیزید و با صادقان باشید!

صادقان کدام مردم اند؟ مردمانی اند که با صداقت به قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ باور دارند، و برای تطبیق آن صادقانه سعی و تلاش میکنند.

2- دوری از شبهات: مردمان بی تقوا هر چیزی را به بهانه حلال بودن، بی تفاوتی و بهانه جویی های مختلف انجام میدهند، ولی انسانهای با تقوا با در نظر داشت این قول رسول الله ﷺ که فرمود: «دَعْ مَا يَرِيكَ إِلَى مَا لَا يَرِيكَ» هر چیزیکه ترا به شک میاندازد آنرا ترک نموده و در مقابل کارهای بدون شک و شبهه را انجام بده.

3- عظمت دادن به شعائر اسلامی: یکی از نشانه های مهم انسانها بیدین و گمراه، بی توجهی به احکام الهی میباشد، انسانهاییکه شیطان بر آنها مسلط بوده و آنانرا تحت تاثیر شهوات و یا غلام شهوات ساخته است، متوجه عبادات، رهنمایی ها و ارشادات الهی و سنت نبوی نبوده، همیشه به بیراهه میروند ولی انسانهای با تقوا، هر حکم الهی را به نظر قدر نگریسته و همه را به صورت دقیق عمل مینماید، الله ﷻ میفرماید: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»⁽¹⁾

ترجمه: این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

4- وقایع، خود و اعضای خانواده از گناه: مسلمان در حقیقت اعمال خویش تنها به خود فکر نمیکند، بلکه مسلمان حقیقی کسی است که خوبی ها را برای خود، اعضای فامیل، اقارب، دوستان، سایر مردمان و حتی غیر مسلمانان آرزو مند است، و همیشه وظیفه دعوت به الله ﷻ که یکی از وجایب مهم يك مسلمان است، در نظر میداشته باشد، بگونه مثال زمانی در راهی در حرکت هستیم و میبینیم که وسیلهء انتقال سودای کسی سوراخ شده کدام میوه یا سبزیجات که شاید قیمت یکدانه آن بسیار ناچیز باشد، بیرون میافتد، درین لحظه خاموش ننشسته و فوراً صدا میکنیم که، برادر احتیاط کنید، و متوجه شوید، این توجه به يك امر دنیوی وظیفه انسانی و ایمان يك متدین است زیرا بگفته:

1- سوره الحج، آیت: 32..

اگر بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است

به همین سان هرگاه در خانه ما يك چوپهء پشك داشته باشیم و متوجه شویم که در تنور یا داش افتاده میسوزد، درین لحظه با تمام قوای خویش برای نجات آن حیوان سعی میورزیم، روی همین علت وقتی میبینیم که یکی از اعضای فامیل ما، اشتباهها، ویا هم نادانسته مرتکب گناهی میگردد که نتیجه آن برایش آتش دوزخ و بدبختی در آخرت است، لازم است در قسمت وقایه آنها تلاش نماییم، و برای آن دوست خود بفهمانیم که حق چیست، و نتیجه گناه او را به کجا میکشاند، با توجه به این مطلب الله متعال ﷻ تمامی مؤمنان را چنین دعوت مینماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ (1)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان الله (سبحانه و تعالی) را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!

این آیت مبارک به تمامی مؤمنان با تقوا امر مینماید که در وقایه اعضای فامیل خویش کوشش نمایند.

5- سعی برای تقوا تا اندازه توان: بعضی از مردمان فکر میکنند که انسان باید از حد

توان زیاده تر کوشش نماید و به اندازه تقوا نماید که او توان آنرا نداشته باشد، الله ﷻ برای مؤمنان میگوید که: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (2)

ترجمه: الله ﷻ هیچ کسی زیاده تر از توانایی اش مکلف ننموده است.

و در قسمت تقوا الله ﷻ برای انسانها میگوید که شما به اندازه توانایی تان تقوا کنید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يَوْقْ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (3)

1- سوره التحریم، آیت: 6..

2- سوره البقره، آیت: 286..

3- سوره التغاین، آیت: 16..

ترجمه: پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است؛ و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگاراند!

6- حفظ زبان: انسانهای با تقوا زبان خود را در اختیار خویش میداشته باشند، منافقان نخست سخن میگویند، سپس در مورد آن فکر میکنند ولی انسانهای مؤمن با تقوا، نخست فکر میکنند و هرگاه سخن شایسته باشد آنرا به زبان میاورند و هرگاه ، سخنش بی فایده باشد، آنرا ترک میکنند؛ زیرا گفتار نیک تاثیری مهم در سایر اعمال انسان دارد الله ﷻ میفرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ (1)

ترجمه: ای مومنان، از الله ﷻ بترسید و سخنان شایسته گوید تا اعمال شما اصلاح شده، و گناهان شما بخشوده شود.

7- پیروی از حق: الله ﷻ برای انسانها یک راه مستقیم را که در آن تمامی صفات خوب انسانی نهفته است، اختیار نموده و برای شان بیان داشته که همین راه قرآن عظیم الشان راه حق است: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (2)

ترجمه: این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راههای پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که الله ﷻ شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!

سه درجه اساسی تقوا: انسانهای با تقوا حایز سه درجه الهی میگردند:

- 1- فرقی میان او و سایر اشخاص بی تقوا میباشد.
- 2- گناهان قبلی انسانهای متقی از بین میرود و پوشیده میشود. این انسان در روز قیامت از شرمنده گی درمقابل مردم نجات میابد.
- 3- گناههای وی مغفرت میگردد.

1- سوره الأعراب، آیت: 70 الی 71..

2- سوره الأنعام، آیت: 153..

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (1)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) الله ﷻ بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد؛ (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛) و گناهانتان را می‌پوشاند؛ و شما را می‌زمرزد؛ و الله ﷻ صاحب فضل و بخشش عظیم است!

صفات انسانهای با تقوا: يك انسان با فهم و با دانش برای صحت خود و اعضای فامیل خویش يك سلسله مسائلی صحی را مراعات مینماید با که انسانهای تقوا نیز در امور معنوی خویش همین را نقاط را مراعات میکند:

1) نخست اسباب مرض را درك میکند و از آن اجتناب می‌ورزد، انسان با تقوا نیز اسباب گناه را درك کرده از آن خود را وقایه میکند.

2) هرگاه در کدام خوراك و یا نوشیدنی شك تلوث و مكروب باشد، از آن اجتناب میکند، انسان متقی نیز از چیز هاییکه در آن شك حرام است، اجتناب می‌ورزد.

3) كوشش مینماید كه مرض را تشخیص نماید، انسان با تقوا نیز در كوشش می‌باشد تا گناه را خوب بشناسد؛ زیرا شناخت مرض قبل از تداوی بسیار مهم است.

4) برای تداوی مرض فوراً اقدام مینماید، انسان متقی نیز برای تداوی این مرض (گناه) فوراً اقدام میکند.

5) نسخهء داکتر را فوراً خریداری نموده، دواها خریداری کرده استعمال مینماید، انسان متقی نیز نسخهء راکه الله ﷻ در قرآن عظیم الشأن برای محو گناهان بیان داشته استعمال میکند: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ (2) ترجمه: اعمال نیک و حسنه گناهان را محو مینماید.

1-سوره الأنفال، آیت: 29..
2-سوره هود، آیت: 114..

6) پرهیزی را که داکتر برایش توصیه نموده مراعات مینماید، انسان متقی نیز برای رهایی از امراض برهیز از بسیاری مقدمات گناهان بزرگ برهیز مینماید، مثلاً: از نشستن با انسانها بد کار سبب مبتلا شدن به گناه میگردد.

الله ﷻ میگوید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا﴾⁽¹⁾ شما به زنا نزدیک نشوید.

منظور اینست که شما کوشش نمایید از اموری که مقدمه برای زنا میباشد اجتناب ورزید. همچنان آزادی ها و بی بند وباری های زیاد بسیاری از فامیل ها سبب بد بختی فامیل میگردد، انسان متقی کوشش مینماید که بیش از مبتلا شدن به کدام گناه و معصیتی که او را بد بخت نماید و آخرتش را برباد کند، اسباب آن بدبختی را کشف نموده و از تجارب دیگران بند گرفته پشوی نیکی ها میشتابد.

منافع تقوا: تقوا دارای منافع ذیل میباشد :

1- تقوا قلب را به محبت الله ﷻ میکشاند: تقوا قلب انسانرا برای محبت الله ﷻ آماده

ساخته و محبت هرچیزیکه خارج دایره محبت الهی باشد از قلب انسان دور میسازد؛ زیرا قلب انسان تنها در تصرف یک موجود شده میتواند، محبت الله ﷻ و محبت غیر الله، یکجا باهم بوده نمیتوانند. منظور از محبت همان محبت حقیقی است که بخاطر آن انسان حیات خویش را قربان میکند، ابراهیم علیهِ السلام با وجود علاقمندی زیاد به پسرش، او را برای قربان نمودن در راه الله ﷻ آماده ساخت، و پسرش اسماعیل نیز برای محبت حقیقی الهی، به تقدیم جسمش آماده شد و برای اینکه محبت مجازی و شفقت پدرانه ابراهیم، مانعی در راه محبت الله ﷻ نگردد به پدرش گفت: تا دستانش را بسته او را از عقب گردن ذبح نماید.

محبت الله ﷻ سبب اطاعت رسول الله ﷺ میگردد: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾⁽²⁾

1- سوره الإسراء، آیت: 32..

2- سوره آل عمران، آیت: 31..

2- تقوا ایمان را در قلب مستقر میسازد: فرق است میان کسیکه خودش در ایمان داخل

شده است، و دعا میکند که او مؤمن است و میان کسیکه ایمان در قلبش داخل شده است.

آنانیکه ادعای ایمان میکنند مانند کسانی اند که در منزلی داخل شده و میخواهند، ساختمان و دیزاین منزل را مطابق آرزوی های خویش تغییر و تبدیل نمایند، ولی کسانیکه ایمان در قلب آنان مستقر شده و ازینکه قلب در وظایف مادی خویش خون را به تمامی اعضای بدن میرساند، در امور معنوی نیز تمامی اعضای بدن را به احکام الهی آراسته میسازد.

3- تقوا وسوسه های شیطان را از بین میرد: شیطان خیلی ها ماهرانه میکوشد تا انسانرا

به بیراهه کشاند، زمانی شیطان خواست تا آدم و بی بی حوا علیهم السلام را از جنت بیرون سازد، برای شان در لباس دوست آمده و بیان داشت که شما خیلی ها حساس نباشید و الله تعالی آنقدر در نخوردن ازین درخت جدی نیست، بروید و بخورید و بدین شکل آنان را لغزاند، در عصر حاضر نیز شیطان با مهارت تام برای بعضی ها وسوسه میکند که الله تعالی مهربان است، رحمن و رحیم است و هر گناهی که کنید، شما را میبخشد، شیطان با این اسلوب اندیشه این انسانرا را در مورد عدل الهی از بین میرد؛ زیرا همین مهربانی الله تعالی تقاضا میکند که عادل نیز باشد، استاد مهربان هیچگاهی شاگردان تنبل و نالایق را 100 نمره نمیدهد؛ زیرا اول نمره صنف و ناکام را یکسان قرار دادن، نه تنها مهربانی نیست، بلکه ظلم است در حق شاگردان لایق.

قاتل، شراب خوار، زنا کار، رشوت خوار، جنایت کار، بی نیاز، سنگین دل و بالاخره مرتکبان گناه های بزرگ هیچگاهی نمیتوانند، منتظر رحمت الهی باشند، مهربانی بالای گرکان خون آشام ظلم است در حق بره های مظلوم.

انسان با تقوا تمامی صفات الهی را بصورت کامل دانسته و کوشش میکند که خودش زحمت بکشد و سپس منتظر مکافات خوب از جانب پروردگار باشد.

مانند شاگردی است که تمامی زحمات خویش را کشیده و در خاتمه منتظر مهربانی و شفقت استاد باشد. و استاد نیز که شاگردانش را خوب میشناسد، در هنگام مشاهده بعضی اشتباهات شاگردش

در هنگام امتحان، همان زحمتکشی‌ها و کوشش‌هایش را در نظر داشته، رحمت خود را نصیبش میکند.

الله ﷻ نیز بنده گان مخلص و با تقوای خویش را بخوبی شناخته و بعضی اشتباهات آنانرا بخاطر گثرت اعمال نیک شان و توجه آنان به حق و خدمت در راه الله ﷻ مورد عفو قرار میدهد. ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾^(۱)

ترجمه: پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (الله (سبحانه و تعالی) و پاداش و کفر او) می‌افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند.

4-تقوا غفلت را از بین میبرد: بزرگترین گناه در زنده گی انسان، غفلت است؛ زیرا انسانهای گناهکار، با توجه و دانستن عاقبت گناهان خویش، بالاخره به بارگاه الهی رو آورده و توبه میکنند، ولی غفلت و ویروس خطرناکی است که انسان را از راه حق دور ساخته و برایشان راه هدایت را بی اهمیت جلوه میدهد، انسانهای غافل چشم دارند ولی دیده نمیتوانند: ﴿لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا﴾ گوش دارند ولی شنیده نمیتوانند و قلب دارند ولی درک کرده نمیتوانند: ﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا﴾^(۲)

5-تقوا حاکمیت شیطان را از قلب دور میکند: شیطان کوشش میکند که قلب انسان را در تسخیر خویش داشته و مطابق حدیث رسول الله ﷺ هرگاه انسان مرتگب گناهی میشود، یک داغ سیاهی در قلب او مانند سر سوزن جاگزین میشود و هرگاه انسان توبه نموده و اعمال نیک را انجام دهد، آن نقطه سیاه زایل میشود ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾^(۳) و لی بالمقابل زمانی انسان با زهم به کناهان خویش ادامه میدهد، آن نقطه سیاه بزرگتر شده، و بالاخره تمامی قلب انسانرا فرا میگیرد و هرگاه قلب سیاه شد حاکمیت شیطان در قلب جاری شده و هر نیکی در نظرش بد و

1- سوره الأعراف، آیت: 201..

2- سوره الأعراف، آیت: 179..

3- سوره هود، آیت: 114..

ناپسند می‌گردد و برعکس گناهان و اعمال زشت و رزیلانه برایش پسندیده و زیبا جلوه میکند: ﴿فَزَيْنَ
هُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ﴾ (1)

6- تقوا حاکمیت شیطان را نابود میکند: تقوا انسان را از حاکمیت شیطان نجات می‌دهد

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا﴾ (2)

ترجمه: (اما بدان) تو هرگز سلطه‌ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها هیچ گاه به دام تو گرفتار
نمی‌شوند)! همین قدر کافی است که پروردگارت حافظ آنها باشد.

7- تقوا سبب پذیرش اعمال می‌گردد: هر مسلمانی کوشش مینماید که با انجام اعمال نیک،

رضایت پروردگار را حاصل نماید، عمل کردن و شدن آن عمل زمانی دارای ارزش می‌گردد که مورد

قبول بارگاه الله ﷻ قرار گیرد و الله ﷻ اعمال متقیان را قبول مینماید: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (3)

1- سوره النحل، آیت: 63..

2- سوره الإسراء، آیت: 65..

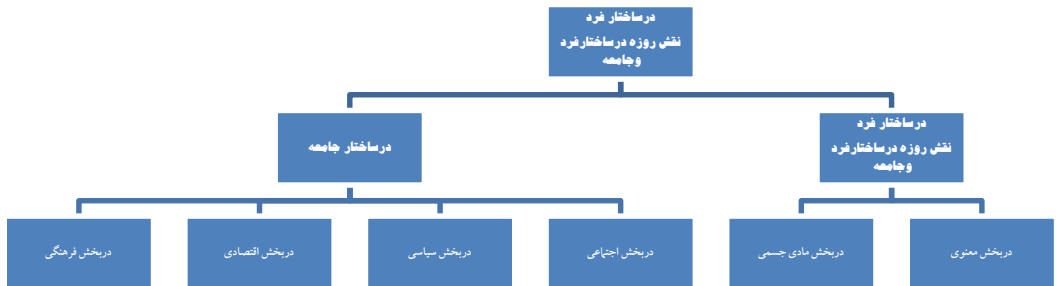
3- سوره المائده، آیت: 27..

روز سوم رمضان

درس سوم (نقش روزه در ساختار فرد و جامعه)

نقش روزه در ساختار فرد: به اساس ارشادات قرآنی و با استفاده از احادیث رسول الله ﷺ روزه ماه مبارک رمضان یکی از ارکان اساسی دین مقدس اسلام بوده که درجمله پنج بنای اساسی اسلام رکن سوم دین مقدس اسلام میباشد روزه ماه مبارک رمضان اگر چه در ظاهر نگهداشتن اعضای بدن از خوراک ها، نوشیدنی ها و شهوت رانی ها میباشد ولی هرگاه به مفاهیم آن عمیق شویم و در مورد این حکم اسلامی فکر نماییم، رمضان و روزه گرفتن درین ماه دارای بعضی از

مزایای بسیار مهمی است که میتوان آنرا در نقاط ذیل مورد مطالعه قرار داد:



روزه ماه مبارک رمضان و سایر روزه های واجب و سنت مانند سایر احکام و دستورات اسلامی نقش مهمی را در زنده گی انسان مؤمن بازی نموده که این نقش ها هم در ساختار شخصیت از دیدگاه مادی و معنوی آن و هم از دیدگاه اجتماعی آن تاثیر مهمی را بجا میگذارد، که درین بحث این مطالب را مورد مطالعه قرار میدهیم:

1- نقش روزه در ساختار شخصیت فردی انسان روزه در ساختار شخصیت فرد مؤمن نقش بسیار مهمی داشته و انسان را منحصیث یک فرد مؤمن در دو بخش مادی و معنوی آن تربیت میکند:

الف: در بخش معنوی: هر مؤمن یکتا پرست را لازم است که برای ارتقای سطح معنویت خویش همیشه سعی و تلاش ورزد؛ زیرا اساس دین مقدس اسلام به معنویت گذاشته شده است و یک مؤمن حقیقی تمامی زنده گی خویش را به معیار های معنوی آراسته میسازد.

الله ﷻ برای رشد سطح معنوی مؤمنان راه های زیادی را بیان داشته است تا انسان مؤمن در جانب مادی وجود خویش و استفاده از مادیات در بخش معنویات نیز پیشگام باشد، روزه ماه مبارک رمضان یکی از راه های رشد معنویت مؤمن آن میباشد و این امر را در نقاط ذیل میتوان بیان داشت:

1- **حاصل نمودن تقوا:** یکی از مهمترین اثر روزه، متقی ساختن بنده گان بیان شده است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾⁽¹⁾

ترجمه: ای مؤمن آن روزه بالای شما فرض شده است، چنانچه بالای امت های قبل از شما فرض شده بود، شاید که شما تقوا حاصل نمایید.

در ماه مبارک رمضان انسان مؤمن بسیاری از اموری را که برایش حلال بودند ترک مینماید خوردنی های حلال، نوشیدنی های حلال، ارتباطات جنسی با همسران که برای شان همه حلال بود فقط بخاطر رضایت الله ﷻ ترک میگردد به این صورت، این انسان مؤمن صاحب تقوا میگردد این تقوا در ماه رمضان به مثابه یک کورس عملی تربیت تقوا است که آثار آن در یازده ماه دیگر در وجود

1 - سورة البقرة، آیت: 183

انسان روزه دار باقیاند و بعد از اینکه این انسان مؤمن به تقوا عادت نموده ماههای بعد از رمضان را نیز با تقوا سپری مینماید.

اصلاً انسان روزه دار مطابق احکام الهی و ارشادات رسول الله ﷺ سعی و تلاش می ورزد که تمامی احکام الهی را بصورت کامل انجام دهد از تمامی اموری که الله ﷻ او را منع نموده است اجتناب ورزد و حتی کسانی که قبل از رمضان به یک سلسله از گناهان مبتلا بودند نمیتوانند که درین ماه گناهان خویش را دوام دهند؛ زیرا با ارتکاب هرگناهی روزه وی به فساد کشانده میشود او مجبور است که عادات قبلی را ترک نموده مجالس فسق و فساد را به مجالس عبادت مبدل سازد بسیاری از اماکن فساد درین ماه بسته میگردد کسی که حقیقتاً از اعمال زشت قبلی خویش پشیمان باشد میتواند در خلال این یکماه مکمل خود را به نیکی ها عادت دهد و با استفاده ازین ماه مبارک خود را متقی سازد.

2- تربیت روحی: در جامعهء امروزی بزرگترین مشکل مردم ضعف بخش روحی و معنوی انسان است این ضعف معنویت سبب بسیاری از بدبختی ها میگردد و بالاخره انسان را به یک حیوان درنده مبدل میکند که یک انسان، انسان دیگری را شکار کند به قتل رساند از وجود و سرمایه اش استفاده کند و فقط در بارهء خود فکر کند روزه ماه مبارک رمضان، روح انسان را تقویت داده و در وجود انسان روحانیت و معنویت را زنده میکند، انسان مؤمن ارتباط قوی با خالق حاصل نموده این قوت روحانی وی سبب میشود که در فکر فقراء شده با آنان کمک کند، بخاطر آشتی با کسانی که با ایشان مخالفت داشته فکر میکند در فکر دیگران میشود از خوردن حرام اجتناب می ورزد و با این همه ارتباطات قوی که با خالق و سایر مخلوقات پیدا میکرد برای این انسان مؤمن یک نوع راحت معنوی پیدا میشود که همهء روان شناسان جهان در عقب همین آرامش روحی سرگردان میباشند.

3- تربیت اخلاقی: یکی از معنویت اخلاقی یا ارتقای سطح اخلاق به عالیترین مقام آن (اخلاق اسلامی) است که مطابقت با احکام و ارشادات اسلامی باشد. اگرچه هر فرد مؤمن در

ارتقای سطح اخلاقی خویش همیشه سعی و تلاش ورزیده و از ارشادات اسلامی برای این هدف استفاده میکند ولی کسانی که خود را آراسته به 100٪ اخلاق اسلامی میسازند مراحل اخلاقی را نیز مد نظر داشته و سعی میورزند که به همان مرحله عالی آن خود را نایل سازند. ماه مبارک رمضان یکی از راه هایست که برای رسیدن به این مرحله انسان مؤمن را آماده میسازد.

اکنون لازم است نخست این مراحل را مورد مطالعه قرار دهیم و سپس نقش ماه مبارک رمضان را در آن ارزیابی نماییم:

الف: اخلاق خوب: اخلاقی است که خود انسان دارای صفات عالی اخلاقی باشد.

ب: اخلاق عالی: اخلاقی است که با وجود متصف بودن خود انسان به صفات عالی اخلاقی، ضرر وی برای دیگران نرسد و هیچگاهی در مقابله با مردم آسیبی متوجه دیگران نشود در بسا حالات است کسانی که اخلاق خوب دارند احکام و ارشادات الهی را بالای خود خوب تطبق میکند ولی در معامله با دیگران بعضی از امور را فراموش میکنند.

ج: اخلاق عالی (ممتاز): اخلاقی را گویند که با وجود اینکه خودش دارای صفات عالی است و به دیگران نیز ضرری نمیرساند بلکه در هنگام ضرر رسانیدن دیگران نیز عکس العمل منفی نداشته و چنانچه در ماه مبارک رمضان انسان به عالی ترین مقام اخلاقی میرسد که: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «الصَّيَّامُ جُنَّةٌ فَلَا يَرْفُثُ وَلَا يَجْهَلُ وَإِنْ امْرُؤٌ قَاتَلَهُ أَوْ شَاتَمَهُ فَلْيَقُلْ: إِنِّي صَائِمٌ مَرَّتَيْنِ» (1)

ترجمه: از ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «روزه، سپری (در برابر آتش دوزخ) است روزه دار نباید ناسزا بگوید و عمل جاهلانه انجام دهد اگر کسی با او درگیر شود و یا به وی ناسزا گوید در جوابش بگوید: من روزه هستم، من روزه هستم.

قوت و توانایی انسان زمانی در جامعه ثابت میگردد که او در هنگام توانایی ها الله ﷻ را فراموش نکرده و اخلاق خود را به معیار های عالی آن رساند، انسان زمانی دارای اخلاق بسیار عالی میباشد

1- الکتاب: mokhtasar-sahih-bukhari-farsi حدیث شماره (913) ج: 1، ص: 768.

که در هنگام غضب صبور بوده و هیچگاه خشمگین نشود و زمانی به مراحل عالی اخلاقی میرسد. که در هنگام جنگ و دشنام دادن دیگران صبر نموده زبان خود را از گفتن سخنان زشت حفظ نموده و در مقابل آن شخص عکس العمل فزیکشی نشان نداده بلکه در همین لحظات سخت و دشوار که برای بسیاری انسانهای ضعیف الاخلاق بسیار مشکل میباشد ولی انسانهاییکه اخلاق شان مثل اخلاق رسول الله ﷺ شده است این عملکرد را در ماه مبارک رمضان جامعه عمل پوشانده و خود را برای نیل به این اخلاق عالی عادت میدهند.

حضرت اَبی هُرَیْرَةَ رضی الله عنه میفرماید که رَسُولَ الله ﷺ فرمود: روزه سپرست، انسان روزه دارد نه به زشتی ها رو آورد و نه هم به گناه مبادرت ورزد و هرگاه کسی با او بحث کند و یا دشنامش دهد برایش دو مرتبه بگوید: من روزه دار هستم.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ الله ﷺ قَالَ: «الصَّيَامُ جُنَّةٌ فَلَا يَرُفْتُ وَلَا يَجْهَلُ وَإِنْ أَمْرٌ قَاتَلَهُ أَوْ شَأْنٌ فَلْيَقُلْ: إِنِّي صَائِمٌ مَرَّتَيْنِ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ الله تَعَالَى مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ، يَتْرُكُ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ وَشَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِ الصَّيَامِ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا». (1)

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «روزه، سپری (در برابر آتش دورخ) است روزه دار نباید ناسزا بگوید و عمل جاهلانه انجام دهد. اگر کسی با او درگیر شود و یا به وی ناسزا گوید، در جوابش بگوید: من روزه هستم، من روزه هستم و افزود: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست بوی دهان روزه دار نزد الله ﷻ از بوی مُسْكِ، خوشبو تر است. الله ﷻ می فرماید: روزه دار خوردن، آشامیدن و ارضای تمایلات جنسی را بخاطر من، ترك می کند. روزه از آن من است و خود من پاداش آنرا می دهم و هر نیکی ده برابر پاداش دارد».

4- تربیهء نفس و ارتقای آن به نفس مطمئنه: روزهء ماه مبارک رمضان یک سیستم

تربییوی برای تربیهء نفس انسان میباشد درحقیقت نفس انسان با ارتباط داشتن با محیط فاسد و دوستان گمراه و سایر خواهشات به نفس (اماره با سوء) تبدیل میشود این نفس انسانرا همیشه به

بدی ها سوق داده او را از حقیقت عبادات دور میسازد ولی انسان مؤمن کوشش میکند که این سیستم منفی خویش را با عبادت های پی در پی از حالت علاقمندی به گناه به نفس (لوامه) مبدل سازد نفس لوامه نفسی است که زمانی انسان گناهی میکند نفسش او را از داخل ملامت مینماید و برایش میگوید که در اشتباه است به این معنای که وجدانش را زنده ساخته در هنگام ارتکاب و یا نزدیک شدن به گناه احساس ملامتی و شرم مینماید.

انسان مؤمن بازهم با عبادات بیشتر کوشش میکند تا نفس خود را به مراحل عالی وی رسانده او را به نفس (مطمئننه) برساند، نفس مطمئننه نفسی است که با درک حقیقت های زنده گی و ارتباط قوی با خالق یکتای کاملاً مطمئنانه زنده گی میکند او میداند که اکنون ذات بزرگی با وی است در تمامی مشکلات او را یاری میرساند و این ارتباط قوی با خالق جهان اطمینانی را نصیب وی میکند که هیچ انسان بی دین با ملیون ها و رفاهیت مالی حاصل کرده نمیتوانند.

نفس مطمئننه همان نفسی که در روز آخرت برایش خطاب میشود. که ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ﴾⁽¹⁾ ترجمه: تو ای روح آرام یافته! ﴿ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾⁽²⁾ ترجمه: به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است. ﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي﴾⁽³⁾ ترجمه: پس در سلک بندگانم در آی. ﴿وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾⁽⁴⁾ ترجمه: و در بهشتم وارد شو.

5- ارتقای ایمان به درجه 100 %: در ماه مبارک رمضان قوت ایمان آنقدر بلند می باشد رمضان برای هر کسی ثابت میکند که او چقدر الله (سبحانه و تعالی) شناس است؛ زیرا در لحظات روز انسان هنگام در مقابل یخچال پر از میوه، غذا، آب و غیره خوردنی ها و نوشیدنی ها قرار میگیرد که هیچگسی از انسانها با وی نیست او میتواند هر چیزی خواسته باشد، بخورد ولی این انسان به این عقیده است که درینجا مراقبی وجود دارد که ذات الله ﷻ است که مرا مراقبت میکند او با وجود تنهایی بازهم مراقبت خود، الله ﷻ را دانسته از خوردن و نوشیدن اجتناب میکند.

1- سوره فجر، آیت: 27..

2- سوره فجر، آیت: 28..

3- سوره فجر، آیت: 29..

4- سوره فجر، آیت: 30..

قویترین ایمان همین است که انسان مراقب خود الله ﷻ را دانسته در هنگام مقابل شدن با گناهان و اشتباهات او را بیاد آورده، از آن گناه اجتناب ورزد.

الله ﷻ میفرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (۱) الله بالای شما مراقب است.

این قوت ایمان در هر روزه دار، پیدا میشود، روی همین لحاظ است که الله ﷻ فرموده است که: الصَّيَّامُ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ (۲) روزه از من است، ومن آنرا پاداش میدهم.

6- آماده گی برای مبارزه بر خواہشات: ماه مبارک رمضان برای انسان قدرت

میبخشد تا بر علیه خواہشات نفسانی و شہوانی خویش آماده مبارزه گردد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ! مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ وَأَوْحَشُ لِلْفَرْجِ أَوْ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ. (۳)

عبد الله بن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می فرماید: رسول الله ﷺ فرمودند: ای جوانان هر کس از شما توانایی فراهم کردن خانه و مسکن را دارد ازدواج کند؛ زیرا با ازدواج بهتر می توان چشم پوشی و پاکدامنی نمود و اگر کسی توانایی ندارد روزه بگیرد؛ زیرا روزه شهوت را ضعیف می کند.

این حدیث پیغمبر ﷺ برای روزه نفلی است که برای جوانانی که توانایی مصرف و نفقه را نداشته باشند لازم است تا روزه بگیرند که از ارتکاب گناهان شان وقایه شود ولی روزه ماه مبارک رمضان نیز درسی برای حاکمیت انسان بالای نفس وی میباشد؛ زیرا رمضان وی را تربیه میکند که درین ماه که از امور حرام صرف نظر نموده در باقیانده ماهها میتواند از امور حلال استفاده کند.

7- ذوب نمودن برای کادرسازی: انسان مؤمن توسط عبادت ها ذوب میگردد تا مانند

پارچه هایی گردد که برای ساختن یک جامعه مکمل اسلامی آماده باشد روزه مبارک رمضان در ذوب انسانها برای کادر سازی بی نهایت مهم و ارزشمند بوده و هرگاه کسی روزه ماه مبارک

1- سوره النساء، آیت: ۱..

2- (بخاری: 4981).

3- الکتاب: ترجمه عمدة الأحکام، حدیث شماره: (299)، ج: 1، ص: 205.

رمضان را به همان شرایط حقیقی آن بگیرد از وی یک کادر با ایمانی ساخته میشود که برای خدمت رسانی به به جامعه انسانی هر لحظه آماده خدمت میباشد.

ب: دربخش جسمی: دکتوران و اطباء مسلمان برای منافع مادی رمضان در صحت و جسم انسان بحث های بسیاری جالبی دارند که بهترست در زمینه با داکتران مسلمانیکه درین زمینه تحقیقاتی داشته اند صحبت صورت گیرد.

نقش روزه در ساختار جامعه: روزه ماه مبارک رمضان نقش اساسی که در ساختار جامعه انسانی داشته که این نقش ها را میتوان در نقاط ذیل مورد مطالعه قرار داد:

1- دربخش اجتماعی:

الف: در عصر امروزی کسانی زیادی وجود دارند که از حقوق انسان و حقوق بشر سخن میزنند ولی در هنگام ضرورت گامهای عملی آنان با وجود توانایی های بیشتر بسیار ضعیف میباشد علت اساسی همین است که انسان نمیتواند دردی را احساس نماید که خودش به آن مبتلا نشده باشد وقتی برای انسانی که در زنده گی خویش هیچگاهی گرسنگی را ندیده باشد و یا هم هیچ روزی تشنه نشده است چگونه میتواند احساس کند که کسانی که در اثر خشکسالی ها و جنگها هفته ها غذا نمیابند و ماهها از تشنگی رنج میبرند، روزه ماه مبارک رمضان این احساس را در وجود انسان زنده میکند.

ب: مشکل دیگری که جامعه امروزی از آن خسته شده است مشکل جنگهای خانانوسوز است که حتی تکنالوژی پیشرفته را به عوض منفعت بشر نه بلکه به ضرر آنها استعمال میگردد روزه رمضان انسان را به بزرگترین مرحله اخلاق انسانی تربیه میکند و حسن انسان دوستی را در وجود انسان زنده میکند و برایش میفهماند که جنگهای بی هدف و دشنام دادن دیگران شایسته یک انسان مؤمن نیست و حتی اگر کسی او را دشنام داده و به جنگ و بداخلاقی دعوت کند برایش میگوید: که من روزه دار هستم و این شخصیت سازی در رمضان تمرینی است برای ماههای بعدی.

2- در بخش سیاسی: ماه مبارک رمضان مسلمانان را تقویت ایمانی داده و آنانرا برای خدمت گذاری بیشتر و تطبیق کامل دین مقدس اسلام وادار میسازد هرگاه مسلمانان جهاد با نفس را تمرین کنند و بالای نفس خود غالب شوند جهاد با دشمنان دین و وطن خویش را نیز میتوانند بصورت عالی به پیش ببرند تاریخ اسلام و بخصوص عصر نبوت بهترین نمونه این حقیقت است بزرگترین حادثات سیاسی و عسکری عصر نبوت در ماه مبارک رمضان صورت گرفته است غزوه بدر که آنرا الله ﷻ بنام یوم الفرقان (روز جدایی بین حق و باطل) دانسته و بزرگترین پیروزی برای مسلمانان بود و توانست نخستین پایهء حکومت اسلامی را در مقابل تجاوز گران مستحکم سازد.

در همین ماه مبارک رمضان صورت گرفت فتح مکه که بزرگترین پیروزی در سطح جزیره العرب و راهی بسوی انتقال اسلام به جهانیان شد در ماه مبارک رمضان صورت گرفت همین قوت ایمانی قوی مؤمن آن در ماه مبارک رمضان بود که آنانرا به چنین پیروزی ها رساند و حکومت اسلامی و مدنیت اسلامی تا زمانی نمیتواند در کشوری مستحکم گردد که پایه های معنویت آنان ضعیف باشد.

3- در بخش اقتصادی: ماه مبارک رمضان اسلوبی را برای اقتصاد و عدم اسراف در زنده گی مسلمانان تعلیم میدهد هرگاه مسلمانان روزه ماه مبارک رمضان را مطابق احکام الهی به همان کیفیت و اصلیتی که رسول الله ﷺ روزه میگرفت انجام دهند بهترین فرصتی برای تربیت نفس به اقتصاد متوسط و میانه میباشد و هرگاه با انجام این عمل در اموال خویش حقی برای فقراء و مساکین قایل شوند و برای کمک رسانی به آنان موسساتی را ایجاد نمایند و زمینه کار را برای آنان مساعد سازند در حقیقت بساط فقر از جامعه اسلامی کاملاً برداشته میشود.

ولی متأسفانه در عصر امروزی به عوض اینکه مصارف فامیل در ماه مبارک رمضان نصف گردد بلکه به اساس تسلیمی به خواهشات نفسانی و انتقال عبادت ها به عادات مصارف فامیل ها سه چند و چهار چند میشود و به عوض اینکه رمضان ماه بیداری و مبارزه باشد چنانچه فتح مکه و غزوه بدر در همین ماه صورت گرفته ماه رمضان به ماه خواب و استراحت و بیکاری مبدل گردیده است.

4- در بخش فرهنگی: ماه مبارک رمضان مسلمانان را از پیروی فرهنگ های شیطانی و جاهلیت به پیروی از فرهنگ اسلامی میکشاند ارتباط مؤمن آن را با الله ﷻ بیشتر و قویتر ساخته و محبت آنان نسبت به پروردگار مهربان بیشتر میشود پیروی از فرهنگ های جاهلیت به اساس محبت به این فرهنگ ها میشود و وقتی قلب انسان به محبت الهی تمایل بیشتر حاصل نماید به همان اندازه تطبیق فرهنگ ایمانی در داخل و خارج وجود انسان قویتر میگردد.

روز چهارم رمضان

درس چهارم (فتاویٰ رضائی)

سوال: حکم روزه رمضان چیست؟

جواب: روزه ماه مبارک رمضان بالای هر مسلمان فرض عین می‌باشد.

سوال: دلیل فرض بودن رمضان چیست؟

جواب: روزه ماه مبارک رمضان به اساس آیات قرآنی، احادیث رسول الله ﷺ و اجماع امت اسلامی فرض عین می‌باشد.

الف: دلیل فرضیت روزه رمضان از قرآن کریم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۱)

ترجمه: ای مومنان! روزه بر شما فرض شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند فرض شد؛ تا پرهیزکار شوید.

همچنان ایت شریف ﴿فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ (۲) ترجمه: پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد!

ب: دلیل از احادیث: عبدالله بن عمر رضی الله عنهما میفرماید که: رسول الله ﷺ فرمود: اسلام به پنج اساس بنا شده است شهادت دادن به لا اله الا الله وَاَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ خواندن نماز، دادن زکات، حج و روزه ماه رمضان. (۳)

ج: دلیل اجماع امت اسلامی برین است که روزه رمضان فرض می‌باشد و منکر آن کافر می‌باشد.

1 - سوره البقرة، آیت: 183

2 - سوره البقرة، آیت: 185

3- فحدیث ابن عمر رضی الله عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: « بني الإسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله، وأن محمداً رسول الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، والحج، وصوم رمضان ».

زمان فرضیت روزه: روزه ماه مبارک رمضان در سال دوم هجری بالای مسلمان فرض

گردیده است: لتخیر بین الصیام والإطعام مع تفضیل الصیام علیه.

زمان وجوب: روزه رمضان تا زمانی بالای کسی فرض نمیشود که ماه رمضان نیامده باشد به

همین سبب است که رسول الله ﷺ از روزه گرفتن یکروز یا دو روز قبل از رمضان منع کرده است:

«عن أبي هريرة رضی الله عنه، عن النبي ﷺ قال: «لا يتقدمن أحدكم رمضان بصوم يومٍ أو يومين، إلا أن يكونَ رجلٌ كانَ يصُومُ صَوْمَهُ، فَلْيَصُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ» متفقٌ عليه (1)

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که:

رسول الله ﷺ فرمود: هیچکدام شما یک روز یا دو روز پیش از رمضان روزه نگیرد، مگر اینکه

کسی باشد که همان روز را روزه می گرفته، پس آن روز را روزه بگیرد.

داخل شدن رمضان به دو صورت حکم میشود:

الف: زمانی که مهتاب دیده شود، الله ﷻ میفرماید: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (2) ترجمه:

پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد.

رسول الله ﷺ میفرماید: «إذا رأيتم الهلال فصوموا» (3) و شرط نیست که همه ببینند بلکه وقتی

کسی شهادت داد که شهادتش مورد قبول مسلمانان است بالای همه واجب میگردد.

ابن عباس رضی الله عنه گفت: جَاءَ أَعرَابِي إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: إِنِّي رَأَيْتُ الْهَلَالَ فَقَالَ: «أَتَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ؟» قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: «يَا بَلَّالُ نَادِ فِي النَّاسِ فَلْيَصُومُوا غَدًا» (4)

«لَقَوْلِ ابْنِ عَمْرِو رضی الله عنه: تَرَأَى النَّاسَ الْهَلَالَ فَأَخْبَرْتُ النَّبِيَّ ﷺ أَنِّي رَأَيْتُهُ فَصَامَ وَأَمَرَ النَّاسَ

بصيامه» (5)

1 - الكتاب: ترجمه ریاض الصالحین، حدیث شماره: (1224)، ج: 2، ص: 328.

2 - سورة البقرة، آیت: 185..

3 - متفق علیه..

4 - أخرجه الخمسة إلا أحمد.

5 - رواه أبو داود والحاكم وقال: على شرط مسلم.

ب: در صورتیکه ماه قبلی 30 روزش پوره شده باشد: ازینکه ماه قمری از 30 روز بیشتر نمیباشد، در صورتیکه آسمان ابر باشد، بناءً با پوره شدن 30 روزه ماه قبلی روزه بالای همه فرض میگردد: «صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَيْهِ فَإِنْ عُمَّ عَلَيْكُمْ فَعُدُّوا ثَلَاثِينَ»⁽¹⁾ و در نزد بخاری «فَإِنْ غُمِيَ عَلَيْكُمْ، فَأَكْمَلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ»⁽²⁾ و روز 30 ماه قبلی روزه گرفته نمیشود خواه ابر باشد و یا نباشد نظر به حدیث عمار بن یاسر رضی الله عنه: «مَنْ صَامَ الْيَوْمَ الَّذِي يَشْكُ فِيهِ فَقَدْ عَصَى أَبَا الْقَاسِمِ رضی الله عنه»⁽³⁾

ترجمه: آنکه در روزی که در آن شک است روزه گیرد، همانا در برابر ابو القاسم رضی الله عنه نافرمانی نموده است.

سوال: حکمت روزه در کدام نقاط است؟

جواب: حکمت روزه در نقاط ذیل است:

- 1- روزه وسیله شکر نعمت است: «وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»⁽⁴⁾ وسیله تقوا است «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»⁽⁵⁾ وسیله غلبه بر خواهشات شهوانی میباشد.⁽⁶⁾
- 2- موجب رحمت والطف بر مساکین است.
- 3- موافقت با فقر است.
- 4- بند شدن راه های شیطان است.

سوال: به کدام شرایط روزه بالای کسی فرض میشود؟

جواب: با شرایط ذیل روزه بالای یک شخص فرض میشود:

- 1) مسلمان باشد بناءً بالای کافر روزه فرض نیست.
- 2) عقل داشته باشد، بناً بالای دیوانه روزه فرض نیست.

1 - بروایت مسلم.
2 - صحیح بخاری حدیث نمبر (1776).
3 - رواه أبو داود والترمذی والنسائی، و ذکره البخاری تعلیقا.
4 - سوره البقرة، آیت: 185..
5 - سوره البقرة، آیت: 21..
6 - «یا معشر الشباب: من استطاع منكم البائة فلیتزوج، فإنه أغض للبصر، وأحصن للفرج، ومن لم یستطع فعلیه ب روزه، فإنه له وجاء».

3) بالغ باشد، بناءً بالای طفل نا بالغ روزه فرض نیست، بالغ شدن در دین مقدس اسلام به اساس علامات بلوغ میباشد، سن مشخص ندارد؛ زیرا به اساس گرمی و سردی و تغییر وضعیت جغرافیایی در بلوغ تفاوت هایی وجود دارد.

4) به فرض بودن روزه علم داشته باشد هرگاه کسی در منطقهء باشد که هیچ از روزه خبر نباشد بالایش روزه فرض نیست، این شرط در زمان سابق ممکن بود ولی در عصر امروز که وسایل ارتباط جمعی زیاد هست هر کسی در هر جایی دنیا باشد از روزه با خبر میشود.

سوال: شرایط وجوب روزه بالای یک شخص چیست؟

جواب: شروط وجوب اداء روزه عبارت است از:

1-: سالم بودن از مرض ﴿وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾⁽¹⁾ ترجمه: هرگاه کسی از شما مریض یا در سفر باشد، میتواند در روزهای دیگری روزه بگیرد.

2-: مقیم بودن یعنی مسافر نباشد برای مسافراجازه است که روزه نگیرد، ولی اگر مسافری توان روزه گرفتن را داشته باشد، میتواند روزه بگیرد.

3-: سالم بودن زنان از حیض (عادت ماهوار) و نفاس (مریضی بعد از ولادت) زنان در حالت حیض و نفاس روزه گرفته نمیتوانند، بلکه روزه شانرا افطار نموده سپس در ماه های بعدی افطار میکنند.

سوال: شروط صحیح شدن روزه چیست؟

جواب: شروط صحت روزه:

1-: پاکی از حیض و نفاس: هرگاه زنی که در حالت حیض و نفاس باشد روزه بگیرد روزه اش درست نمیشود.

2-: اجتناب از همبستری: هرگاه کسی همبستری کند روزه اش فاسد میگردد.

1- سوره البقرة، آیت: 185..

3- داشتن نیت روزه: هرگاه کسی تمام روز گرسنه باشد و نیت روزه نداشته باشد و در هنگام

مغرب افطار کند روزه گفته نمیشود.

4- اجتناب از خوردن و نوشیدن: هرگاه کسی چیزی را قصداً بخورد و یا بنوشد روزه اش باطل

میگردد.

سوال: کدام امور در روزه مستحب است؟

جواب: امور ذیل مستحب است:

- 1) تاخیر نکردن در افطار بلکه به عجله افطار نمودن.
- 2) افطار نمودن با خرما و هرگاه خرما نباشد با آب.
- 3) دعا نمودن در هنگام افطاری.
- 4) به سحری بر خواستن.
- 5) بسیار قرآن کریم تلاوت نمودن.
- 6) بالای اولاد های خود در رزق و سعت نمودن.
- 7) بسیار صدقه دادن.
- 8) اعتکاف نشستن.
- 9) عدم مبالغه در مضمضه (شستن دهان)

سوال: کدام چیز ها روزه را فاسد میکند؟

جواب: اموری که روزه را فاسد میکند:

- 1) رسیدن چیزی به شکم، طعام، نوشیدنی، دوا، سگرت و غیره.
- 2) نزدیک شدن باهمسر.
- 3) قطره ریختن دوا در بینی و گوش.
- 4) استفراغ نمودن به پری دهن.
- 5) مرتد شدن.

(6) حایضه شدن.

(7) نفاسه شدن.

سوال: خوردن، نوشیدن و یا نزدیک شدن جنسی در روزه چند حالت دارند؟

جواب: چهار حالت دارد:

(1) حالت اول: كفاره لازم میشود.

(2) حالت دوم: تنها قضایی لازم میشود.

(3) حالت سوم: هیچ چیز لازم نمیشود.

(4) حالت چهارم: لازم شدن فدیة.

سوال: كفاره چیست و چی وقت بالای روزه دار كفاره لازم میشود؟

جواب: كفاره گرفتن روزه دو ماه پی در پی میباشد و در سه حالت كفاره لازم میشود:

(1) خوردن چیزی، به شکل قصدی.

(2) نوشیدن چیزی به شکل قصدی.

(3) نزدیک شدن در شرمگاه.

كفاره بر روزه دار وقتی واجب میشود كه عمداً روزه خود را فاسد نماید مثلاً اینکه جماع كند. كفاره دو ماه روزه پی در پی را میگیرد، در صورتیکه در این دوماه رمضان و روزه هایكه روزه در آن منع گردیده است نباشد. اگر به گرفتن دو ماه روزه نیز قادر نبود، به شصت مسکین طعام دهد. كفاره در روزه فرضی بوده در فساد روزه غیر رمضان كفاره وجود ندارد، اگر چه قضای رمضان هم باشد. دادن طعام به ۶۰ مسکین، فقیر، محتاج، نه برای کسانی كه نفقه ایشان بر او فرض باشد (مانند پدر، مادر، زن) همچنان میشود مقدار طعام را به پول نیز تادیه گردد و همچنان میتوان همان مسکین را برای ۶۰ روز كامل طعام داد (طعام شامل نان چاشت، شب و نان صبح میگردد).

سوال: تنهایی قضایی روزه بدون كفاره چى وقت بالای روزه دار لازم میشود؟

جواب: تنها قضایی در حالت ذیل میباشد:

- (1) هرگاه كسى بدون نزدیک شدن در شرمگاه خود را احتلام نماید.
- (2) هرگاه به غیر از شرمگاه نزدیکی نماید.
- (3) هرگاه در صورت لمس یا بوسیدن احتلام شده باشد.
- (4) نزدیک شدن در شرمگاه بغیر از رمضان.
- (5) قطره ریختن در بینی و گوش.
- (6) قصداً خود را استفراق دادن.
- (7) تداوی نمودن جراحت شکم و یا در سر و دماغ با دوائی که به شکم و یا دماغ برسد.
- (8) خوردن چیزیکه در غذا حساب نمیشود، مثل سنگریزه، خاک و غیره.
- (9) نا فهمیده خوردن و نوشیدن، مثلاً: كسى روزه بیادش است ولی در هنگام وضو آب به معده اش میرود و یا اشتباها قبل از آذان مینوشد و یا میخورد.
- (10) در صورتیکه بزورکاری بالایش انجام داده شود. مثلاً: بزورکسی برایش غذا بخوراند و یا بنوشاند و یا نزدیکی (همبستری) نماید.
- (11) داخل نمودن انگشت و یا دوائی در شرمگاه.
- (12) هرگاه روزهء نفلی را نیت کند و سپس بخورد.
- (13) هرگاه كسى بخاطر سفر روزه اش را بخورد.
- (14) هرگاه خانمی بخاطر حیض و نفاس افطار نماید.
- (15) هرگاه كسى بخاطر مریضی افطار نماید.
- (16) داخل نمودن قصدی دود به خالیگاه حلقوم، مثل كش نمودن دود مشك، عنبر و غیره.
- (17) زن حامله (زنیکه طفلی در بطنش باشد): هرگاه خانمیکه حامله است و بالای خود یا طفلش میترسد بعد از مشوره داکتر مسلمان روزه اش را بخورده باشد.

18) زن شیردهنده: هرگاه خانمی طفلش را شیر میدهد و داکتر مسلمان برایش توصیه نموده باشد که روزه اش را افطار نماید.

سوال: در کدام حالات بالای روزه دار قضایی و كفاره نیست؟

جواب: در حالات ذیل نه قضایی و نه كفاره بلکه عفو میباشد:

- 1) هرگاه به فراموشی چیزی بخورد یا بنوشد و یا هم نزدیکی و همبستری کند.
و یا هرگاه در خواب احتلام شود.
- 1) استعمال کریم روی و کریم جلد.
- 2) غسل نمودن با ضرورت و یا بدون ضرورت.
- 3) سر مه نمودن.
- 4) خون دادن.
- 5) داخل شدن دود در حلقوم و مری بدون قصد.
- 6) داخل شدن غبار در حلقوم و مری بدون قصد.
- 7) بلعیدن نمودن آب دهن و آنچه در دهن و گلو میباشد.
- 8) داخل شدن آب در گوش به شکل سهوی.
- 9) خوردن چیزی که در میان دندانها باشد بشرطی که کمتر از یک نخود باشد.
- 10) استفراغ نمودن به شکل غیر قصدی.
- 11) هرگاه بالای کسی در حالت جنابت صبح شود یا روز شود.
- 12) غیبت نمودن.
- 13) چرب نمودن بدن با روغن، تیل و غیره.
- 14) شستن دهن.
- 15) شستن بینی.
- 16) خود را در چیزی نم دار پیچیدن.

سوال: فدیة چیست و چی و چی وقت بالای روزه دار فدیة لازم میشود؟

جواب: فدیة مقدار خورد کم یک چارک گندم و یا معادل پول آن است که بالای کسیکه توانایی

روزه گرفتن را در تمام عمر نداشته باشد لازم میگردد:

1. کسیکه شیخ فانی باشد.

2. کسیکه مریضی داشته باشد که قابل صحتمندی نیست.

3. کسیکه روزهء تمام عمر را نذر کرده و توانایی نداشته باشد.

سوال: شکننده های روزه کدام ها اند؟

جواب: شکننده های روزه هفت قسم است:

(1) خوردن.

(2) نوشیدن (السَّعُوطُ فِي الْأَنْفِ كَالْأَكْلِ وَالشَّرْبُ لِقَوْلِهِ ﷺ فِي حَدِيثِ لَقِيطِ بْنِ صَبْرَةَ):

«وَبَالِغٌ فِي الْإِسْتِشْقَاقِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِمًا»⁽¹⁾ ترجمه: و در آب در بینی کردن جز در صورتی که

روزه دار باشی، مبالغه کن.

(3) جماع.

(4) انزال قصدی.

(5) هر چیزیکه در حکم خوردن باشد. مثل: پیچکاری های تغذیه کننده.

(6) قی قصدی: «من ذرعه القیء فلیس علیه قضاء ومن استقاء عمدا فلیقض»⁽²⁾

خارج شدن خون حیض و نفاس نظر به حدیث رسول الله ﷺ: «أَلَيْسَ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَلَمْ

تَصُومَ؟»⁽³⁾

سوال: منظور از اختلاف افق ها و تأثیر آن در اثبات فرا رسیدن ماه قمری یا پایان یافتن آن

چیست؟

جواب: هلال ماه در کشوری يك شب زودتر از کشورهای دیگر دیده شود علت این امر اختلاف

افق های آن کشورهاست همان طور که زمان طلوع خورشید در کشورها متفاوت است. اختلاف افق

ماه در فاصله کمتر از بیست و چهار فرسنگ امکان پذیر نیست. هر فرسنگ سه میل یعنی تقریباً

1 - رواه الخمسة وصححه الترمذی.

2 - رواه الخمسة إلا النسائي وصححه الحاكم.

3 - صحیح بخاری حدیث نمبر (1815).

5544 متر است. بنابراین بین دو کشوری که مسافت بین آنها کمتر از (5544م×24) = 133056م = 133 کیلومتر و 56 متر است اختلاف افق طلوع ماه وجود ندارد.

سوال: چند کیلو متر سفر کنیم که مسافر گفته شویم؟

جواب: مسافت قصر نماز در سفر شانزده فرسنگ 89 کیلومتر است.

سوال: کدام شرایط را انسان داشته باشد که بالایش روزه فرض گردد؟

جواب: مسلمان باشد، هوشیار باشد، بالغ باشد، از وجوب روزه آگاهی داشته باشد الله قضای

روزه رمضان را (که چند روز قضا شده) با صیغه جمع «ایام» و نکره و با تنوین بیان کرده

سوال: کدام چیز هاست که قضایی دارد ولی کفاره ندارد؟

جواب:

1- خوردن چیزی که عادتاً خورده نمی شود و نوشیدن چیزی که عادتاً نوشیده نمیشود.

2- خطا یا اشتباه، مثلاً: روزه بیادش است ولی از نزدش اشتباه میشود.

3- خارج شدن آب منی به شکل دیدن و یا مسح، بدون همبستر شدن.

سوال: کدام کار هایی سبب کفاره میشود؟

جواب: همبستری شدن به شکل اختیاری.

سوال: کفاره چیست؟

جواب: آزاد کردن برده، اگر نیافت دو ماه پیاپی روزه بگیرد، اگر توانایی انجام آن را نداشت، غذا

دادن به شصت انسان فقیر.

سوال: اگر کسی در کفاره دوماه را قصد کرد ولی در وسط چند روزی را خورد چی حکم دارد؟

جواب: وضعیت آن فرد و علت خوردن و قطع پیاپی بودن مورد بررسی قرار می گیرد. اگر

روزه خواری و قطع پیاپی بودن به خاطر عذری باشد که روزه خواری را مباح کند مانند حیض یا

بیماری، در این صورت پیاپی بودن قطع نمی شود بلکه فرد با ادامه دادن به روزه اش شصت روز را

کامل می کند، اما اگر قطع پیوسته بودن روزه بدون عذر مباح کننده روزه خواری باشد و

خوردن روزه هم عمدی باشد، در اینجا پیوستگی و پیایی بودن روزه قطع می‌گردد و بر او لازم است که روزه دو ماه را به طول کامل از اول آغاز کند. الله داناتر است.

سوال: اگر کسی در روزه قضایی قصدا خورد، نوشید و یا همبستری کرد، چي حکم دارد؟ آیا بالایش کفار لازم می‌گردد.

جواب: تنها روزه اش باطل میشود ولی کفاره ندارد.

سوال: کارهایی که به روزه نقصی نمیرساند کدام کارهاست؟

جواب: قرارذیل اند:

13- فرو بردن آب دهان، حتی اگر آن را در داخل دهان جمع کند و یکباره فرو برد.

14- فرو بردن بلغم مادامی که از حلق به ظاهر دهان نرسیده باشد.

15- بو کردن چیزی بودار یا فرو بردن گرد و غبار راه.

16- خوردن یا نوشیدن در حال فراموشی.

17- استفاده از عطر و بوی خوش، یا استفاده از حنا.

18- مضمضه و استنشاق، اما اگر روزه دار در مضمضه و استنشاق مبالغه کند (یعنی بیشتر از سه مرتبه آنها را انجام دهد) و آب به داخل شکم برود، در حالی که او روزه دار بودنش را به یاد داشته باشد و به مکروه بودن مبالغه در مضمضه و استنشاق در حالت روزه بودن آگاه باشد، روزه اش باطل می‌شود؛ چون رسول الله ﷺ روزه دار را از مبالغه در مضمضه و استنشاق نهی کرده است.

19- فرو بردن مقدار کمی از آثار غذایی که در لای دندانها باقی مانده باشد بدون قصد و غیر عمدی، یا این که از جدا کردن آن و بیرون انداختنش ناتوان باشد.

20- استفراغ کردن، وقتی که بر او غلبه کند.

21- بوسیدن همسر و امثال آن بدون تحريك شهوت.

22- بیرون آمدن مذي با نگاه کردن زیاد به همسر.

23- تکرار نگاه کردن بدون انزال منی.

24- بیرون آمدن منی یا مذي با فکر کردن.

25- مسواك زدن در طول روز.

26- کشیدن سرمه بر چشم.

27- بوییدن هوایی که آمیخته به بوی عطر یا مشک یا گل و نظیر آن است. اما از بوی عطر قصدی و استعمال آن احتیاط شود.

28- حجامت.

29- غسل کردن، روزه را باطل نمی کند و مکروه هم نیست، حتی اگر به خاطر خنك شدن بدن باشد.

30- ریختن قطره در ذکر (مسیر ادرار) مرد روزه را باطل نمی کند.

سوال: کدام اشخاص مريض میتوانند روزهء خود را بخورند؟

جواب: در سه حالت:

1. هرگاه بترسد از اینکه اگر روزه بگیرد امکان دارد تلف بشود.

2. هرگاه بترسد از این که اگر روزه بگیرد، به شدت دچار ضرر می شود، مانند این که یکی از

اعضایش همچون شنوایی، بینایی یا نظیر آنها آسیب می بیند و از کار می افتد.

3. هرگاه یقین پیدا کند که با روزه گرفتن بر بیماری اش افزوده می شود، یا بیماری اش دیر بهبود می یابد، یا گرفتن روزه در حالت بیماری بر او بسیار دشوار و غیر قابل تحمل باشد.

سوال: اندازه سفر که میتوان روزه را خورد چقدر تخمین شده است؟

جواب: این مسافت را دو مرحله که چهار برد یا 16 فرسنگ است، تخمین زده و اندازه گرفته اند. هر فرسنگی 5544 متر است، پس مسافتی که مباح کننده روزه خواری برای مسافر می شود در حدود 88 کیلومتر و 704 متر است.

سوال: ستهای روزه کدام ها اند؟

جواب:

- 1- حفظ تمامی اعضای بدن، مثل زبان و چشم و گوش و دست و پا، قلب و غیره.
- 2- اجتناب از دروغ گفتن، غیبت کردن، سخن چینی، استفاده از سخنان بیهوده، مجادله و جنگ کردن.
- 3- برای جلب محبت و خشنودی الله ﷻ به ذکر، تلاوت قرآن کریم و سخنان ارزشمند و راستین مشغول شدن.
- 4- حفظ چشمان از محرمات مثل دیدن به زنان نامحرم از هر طریقی باشد، خواه مستقیماً باشد و یا از طریق فلم، سریال و غیره.
- 5- حفظ گوش از شنیدن موسیقی، ساز، فکاهیات و سخنان بیهوده.
- 6- حفظ زبان از محرمات.
- 7- مبالغه در صدقه دادن، با فقراء کمک کردن.
- 8- صله رحم به جای آوردن.
- 9- بر خانواده و زیر دستانش آسان بگیرد و راه انفاق کردن را به روی آنان بگشاید.

10- کشیدن صدقه های فرضی و نفلی: ما در زمان خودمان مشاهده می کنیم که افراد فراوانی از ثروتمندان در ماه رمضان به دادن زکات مالشان روی می آورند، همچنین صدقه بیشتری می دهند. این کار بسیار پسندیده و موجب زنده گرداندن سنت رسول الله ﷺ است. پس روزه داران باید در این ماه کارهای خیر فراوانی انجام دهند و انفاق بیشتری کنند انجام این گونه کارها نشانه قبولی عبادت (به خصوص روزه) و زیاد شدن اجر و پاداش اخروی است.

11- افطاری دادن به روزه داران، گرچه يك دانه خرما يا يك جرعه آب باشد رسول الله ﷺ فرمود: «من فطر صائها كان له مثل أجره، غير أنه لا ينقص...»⁽¹⁾ کسی که به روزه داری افطاری دهد، برای او همانند پاداش روزه دار است، بدون اینکه آن چیزی از پاداش روزه دار کم کند.

12- سحری خوردن.

13- تاخیر در سحری خوردن.

14- عجله در افطار کردن.

15- افطار کردن با چند دانه خرما، اگر خرما نیافت با چند جرعه آب.

16- خواندن دعاهای مأثور در هنگام افطار کردن، رسول الله ﷺ فرمود: «ثلاثة لا ترد دعوتهم: الإمام العادل، والصائم حتى يفطر، ودعوة المظلوم»⁽²⁾ «دعای سه نفر رد نمی شود: حاکم دادگر، روزه دار تا افطار کند، دعای مظلوم».

مشغول شدن به علم و تلاوت قرآن کریم، به خصوص مشغول شدن به مدارس قرآن کریم و مواظبت و پایبندی بر اذکار، چون رمضان ماه قرآن کریم است.

1- ترمذی گوید: این حدیث حسن صحیح است (807).

2- ابن ماجه حدیث نمبر (1752).

روزه پنجم رمضان

درس پنجم (انواع روزه و اقسام مردم) (1)

روزه چهار نوع است

روزه حرام

روزه مکروه

روزه سنت

روزه فرض

روزه فرض	1- روزه ماه مبارک رمضان. 2- روزه نذری. 3- روزه قضایی رمضان. 4- روزه کفاره ها.
روزه های نفلی	1- یک روز روزه و یکروز افطار در طول سال رسول الله ﷺ به عبدالله بن عمرو فرمود: «صُمْ يَوْمًا وَأَفْطِرْ يَوْمًا، وَذَلِكَ صِيَامُ دَاوُدَ، وَهُوَ أَعْدَلُ الصَّيَامِ» (2) يك روز روزه بگیر و يك روز بخور، این نوع روزه بهترین روزه است و داود؛ چنین روزه می گرفت. 2- سه روز روزه گرفتن در هر ماه قمری ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گوید: «دوستم مرا به

1- من این درس را از کتاب روزه سپر پارسایان که ترجمه کتاب: (الصوم جنة) تألیف دکتر خالد بن عبدالرحمن الجریسی میباشد و آنرا إسحاق بن عبدالله العوضی به فارسی ترجمه نموده است، با کمی تصرف واختصار درینجا نقل نمودم، که الله ﷻ هردو شاترا اجر بسیار زیاد عنایت فرماید. (داعی) چاپ اول 1429/1387 هـ.
2- (متفق علیه، البخاری 1976. مسلم 1159).

انجام سه چیز سفارش کرد: **الف** - سه روز روزه گرفتن در هر ماه، **ب** - دو رکعت نماز چاشت (ضحی)، **ج** - پیش از خوابیدن نماز وتر بخوانم»^(۱)

3- روزه گرفتن دو روز (دوشنبه و پنجشنبه) در هر هفته به روزه گرفتن دوشنبه بیش از پنجشنبه تأکید شده است از رسول الله ﷺ در باره روزه دوشنبه سؤال شد فرمودند: «ذَلِكَ يَوْمٌ وُلِدْتُ فِيهِ، وَيَوْمٌ بُعِثْتُ، أَوْ أُنْزِلَ عَلَيَّ فِيهِ»^(۲) ترجمه: آن روزی است که در آن دیده به جهان گشوده ام و روزی است که در آن به رسول الله ی برگزیده شده‌ام یا بر من قرآن کریم نازل شده است.

4- روزه در ماه شعبان: عایشه رضی الله عنها در حالی که روزه رسول الله ﷺ را توصیف می کرد گفت: «ندیدم که رسول الله در هیچ ماهی به اندازه ماه شعبان روزه بگیرد».^(۳)

5- شش روز روزه در ماه شوال به طور پیاپی که بهتر همین است یا به طور نامرتب و پراکنده رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ»^(۴) «هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد سپس شش روز (روزه) شوال را به آن ملحق کند گویا تمامی سال را روزه بوده است».

6- روزه نه روز اول ماه ذوالحجه، که روز نهم (روز عرفه) مؤکدتر است روزه عرفه، کفاره گناهان کوچک یا موجب تخفیف گناهان بزرگ دو سال گذشته و آینده است یا موجب ارتقای درجات مؤمن آن (در بهشت) می شود رسول الله ﷺ فرمود: «امیدوارم الله ﷻ روزه روز عرفه را کفاره گناهان سال گذشته و آینده قرار دهد».^(۵)

7- روزه ماه الله ﷻ یعنی محرم روزه گرفتن در محرم بهترین روزه بعد از رمضان است

1- (متفق علیه، البخاری 1981. مسلم 721).

2- صحیح مسلم حدیث نمبر (1162).

3- (متفق علیه، البخاری 1969. مسلم 1154).

4- صحیح مسلم حدیث نمبر (1164).

5- صحیح مسلم حدیث نمبر (1162).

از رسول الله ﷺ سؤال شد: چه روزه‌ای بعد از روزه ماه رمضان بهتر و ارزشمندتر است؟ فرمود: «أَفْضَلُ الصَّيَامِ بَعْدَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ الْمُحَرَّمِ» (1) «بهترین روزه بعد از روزه ماه رمضان، روزه ماه الله ﷻ است».

8- روزه نهم (تاسوعا) و دهم (عاشورا) در ماه محرم الحرام: رسول الله ﷺ پس از هجرت به مدینه منوره دید که یهود (مدینه) روز عاشورا (دهم محرم) روزه می‌گیرند پرسید: «این چه روزه‌ای است؟ گفتند: این روز فرخنده و مبارکی است در این روز الله ﷻ بنی اسرائیل را از شر دشمنانشان نجات داده است. (به شکرانه این نعمت) موسی ﷺ در این روز، روزه گرفت رسول الله ﷺ فرمود: «ما به موسی ﷺ از شما نزدیک‌تریم» سپس رسول الله ﷺ در آن روز روزه گرفت و به اصحاب کرام هم دستور داد که روزه بگیرند. (2) رسول الله ﷺ برای مخالفت با یهود فرمود: «سال آینده اگر الله ﷻ بخواهد روز نهم هم روزه می‌گیریم. عبدالله بن عباس رضی الله عنه میگوید: قبل از اینکه سال بعد فرا رسد رسول الله ﷺ وفات کرد. (3)

9- روزه در پایان هر ماه قمری سنت است که هیچ ماهی بدون روزه نباشد حتی ماه شعبان به جز روزه یوم الشک که روز سی‌ام شعبان است که روزه گرفتن در آن درست نیست رسول الله ﷺ فرمود: «يَا أَبَا فَلَانٍ أَمَا صُمْتَ سَرَرَ هَذَا الشَّهْرِ» (4) «ای ابا فلان آیا آخر این ماه را روزه نگرفتی؟

10- روزه گرفتن يك روز یا بیشتر از آن به هنگام جهاد در راه الله ﷻ: رسول الله ﷺ فرمود: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَصُومُ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا بَاعَدَ اللَّهُ بِذَلِكَ الْيَوْمِ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا» (5) متفقٌ علیه.

1- صحیح مسلم حدیث نمبر (1163).
2- متفق علیه، البخاری 2004. مسلم (1130).
3- صحیح مسلم حدیث نمبر (1134).
4- متفق علیه البخاری 1983. مسلم (1161).
5- متفق علیه، البخاری 2840. مسلم (1153).

هیچ بنده نیست که روزی در راه الله ﷻ روزه گیرد، مگر اینکه الله ﷻ به آن روز وی را هفتاد سال از دوزخ دور می دارد.

روزه های مکروه

1- روزه گرفتن فقط در روز جمعه رسول الله ﷺ فرمود: « لَا يَصُومَنَّ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا يَوْمًا قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ » ⁽¹⁾ ترجمه: هیچ کدام از شما فقط روز جمعه روزه نگیرد، مگر اینکه روز قبل یا بعد از آن را هم روزه بگیرد. همچنین فرمود: از میان شب ها فقط شب جمعه را به شب زنده داری اختصاص ندهید و در میان روزها روز جمعه را به روزه گرفتن اختصاص ندهید مگر آن که مصادف باشد با روزی که شما در آن روزه می گیرید». (مسلم).

2- اختصاص روز شنبه به گرفتن روزه: علت مکروه بودن اختصاص شنبه به روزه این است که یهود روز شنبه را تعظیم و گرامی می دارند پس فقط روزه گرفتن در این روز، به ظاهر شباهت با یهود دارد همچنین اختصاص دادن روز یکشنبه به طور عمدی به گرفتن روزه مکروه است برای جلوگیری از شباهت به نصارا بنابراین هر عیدی که مربوط به یهود و نصاراست روزه گرفتن در آن مکروه است و نیز روزه گرفتن در هر روزی که یهود و نصارا آن را گرامی میدارند مکروه است مگر اینکه آن روز با عادت روزه دار مصادف باشد. ⁽²⁾ همچنان ما کوشش کنیم که از روز های که مخصوص غیر مسلمانان است تجلیل نکنیم مثل تجلیل از نوروز و روزه گرفتن در آن روز که روز مقدس مجوسی ها میباشد.

3- روزه گرفتن حاجی در روز عرفه در عرفات هنگامی که مردم در مورد روزه گرفتن رسول الله ﷻ در روز عرفه در عرفات شك و تردید کردند میمونه عنه همسر

1- متفق علیه، 1985، مسلم (1144).
2- (الموسوعة الفقهية 15/25).

رسول الله ﷺ مقداری شیر برای او فرستاد رسول الله ﷺ در جایی در عرفات ایستاده بود در حالی که مردم به او نگاه می کردند از آن شیر خورد. (1) 4- روزه روز شك که روز سی ام ماه شعبان است: روزه روز شك نزد جمهور علما (حنفیه کراحت تحریمی) مالکیه و حنابله مکروه است شافعی معتقد است که روزه آن حرام است. 5- گرفتن روزه وصال: یعنی اینکه روزه دار بعد از غروب خورشید افطار نکند و روزه فردا را هم به روز قبل متصل کند و در بین دو روز افطار نکند. 6- روزه گرفتن همه روزهای سال (در تمامی عمر) رسول الله ﷺ فرمود: «لا صَامَ مَنْ صَامَ الْأَبَدَ، لا صَامَ مَنْ صَامَ الْأَبَدَ» (2) رسول الله ﷺ سه بار فرمود: «کسی که همیشه روزه بگیرد (ثواب) روزه ندارد».	
---	--

روزه حرام	1- روزهای عیدین. 2- گرفتن روزه در ایام عدت (حیض و نفاس).
--------------	--

مردم در روزه به ده قسم تقسیم شده اند:

نوعیت انسان	حکم
قسم اول: کافر، مشرک.	بالای وی روزه فرض نیست و در صورت مسلمانی قضایی هم ندارد.
قسم دوم: مسلمان، عاقل، بالغ، مقیم و صحتمند است.	بالای وی روزه فرض است.

1- (متفق علیه، البخاری 1989. مسلم 1124).
2- (متفق علیه، البخاری 1977. مسلم 1159)

بالای وی روزه فرض نیست ولی در صورت توانایی تشویق شوند خوب است تا با حکام اسلام آهسته آهسته عادت کنند.	قسم سوم: مسلمان خورد سال.
بالای دیوانه نیز روزه فرض نیست.	قسم چهارم: مسلمان است که دیوانه شده.
اینگونه اشخاص بعد از اینکه یک داکتر با تقوا برایش مشوره بدهند که روزه گرفته نمیتواند در صورت تثبیت بالای وی در مقابل هر روزه فدیة لازم میشود: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ (1) ترجمه: پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید؛ وقال: ﴿لَا يَكُلُّهُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (2) ترجمه: الله ﷻ هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند.	قسم پنجم: کسیکه از گرفتن روزه عاجز شده، یا سبب مریضی و یا هم به سبب بزرگی سان به شکل دوامدار نمیتواند روزه بگیرد.
این مسلمان مریض میتواند که روزه اش را بخورد ولی در آینده وقتی صحتمند میشود روزه اش را قضایی می‌آورد. مریضی که امکانات صحتش موجود است سه حالت دارد: حالت اول: مریضی برایش ایجاد مشقت هم نکند و روزه برایش ضرر نداشته باشد درینصورت بالای شان روزه فرض است و باید روزه بگیرد. حالت دوم: روزه برایش مشقت ایجاد کند و لکن برایش ضرر میرساند میتواند افطار کند ﴿وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ (3) ترجمه: هرگاه کسی از شما مریض یا در سفر باشد، میتواند در	قسم ششم: مسلمان مریض موقت است.

1- سوره التغابن، آیت: 16..

2- سوره البقره، آیت: 286..

3- سوره البقره، آیت: 185..

روز های دیگری روزه بگیرد. و بهمرای مشقت روزه گرفتن برایش مکروه است؛ زیرا از رخصتی که الله ﷻ برایش داده است استفاده نکرده است و خود را بدست خود عذاب نموده است در حدیث است که «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخْصَتُهُ، كَمَا يَكْرَهُ أَنْ تُؤْتَى مَعْصِيَتُهُ» (1) ترجمه: الله ﷻ دوست دارد که به رخصت ها عمل شود به همان اندازه که بد میبیند که گناهی انجام داده شود. حالت سوم: روزه برای ضرر داشته باشد درین صورت بالایش واجب است که افطار کند و برایش روزه گرفتن جایز نیست؛ زیرا الله ﷻ میفرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (2) ترجمه: و خودکشی نکنید! الله ﷻ نسبت به شما مهربان است. و نظر به حدیث رسول الله ﷺ: «وَإِنَّ لِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا» (3) و از حق نفس اینست که برایش ضرر نرساند: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (4) ترجمه: نه زیان باید رساند و نه زیان باید دید.	
برای مسافر اجازه است که روزه اش را بخورد ولی بالایش قضایی نیز است. مسافری که سفرش 16 فرسنگ یا بیشتر باشد و سفر او برای معصیت نباشد می تواند از رخصت فطر استفاده نماید مشروط به اینکه پیش از اذان صبح سفر خود را آغاز نموده باشد و با وجود این روزه گرفتن بهتر است مگر اینکه روزه او را بی تاب سازد	قسم هفتم: مسلمان مسافر است.

1- رواه أحمد وابن حبان وابن خزيمة في صحيحيهما وفي سنده شيء من الاضطراب لكن له شواهد من الحديث وأصول الشريعة.

2- سورة النساء، آیت: 29..

3- رواه البخاري.

4 - أخرجه ابن ماجه والحاكم، قال النووي: وله طرق يقوي بعضها بعضها.

می‌تواند افطار نماید و قضا لازم می‌گردد (1) فرسنگ = 6 کیلومتر). ﴿وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ﴾ (1) ترجمه: آن کس که بیمار یا در سفر است روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرد! الله تعالی، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را! هدف این است که این روزها را تکمیل کنید. عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا نَسَافِرُ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ فَلَمْ يَعِْبِ الصَّائِمُ عَلَى الْمُفْطِرِ وَلَا الْمُفْطِرُ عَلَى الصَّائِمِ. (2) ترجمه: انس بن مالک رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: «با رسول الله ﷺ سفر کردیم. (بعضی در سفر روزه می‌گرفتند و برخی روزه نمی‌گرفتند) روزه داران از کسانی که روزه نداشتند ایراد نمی‌گرفتند و کسانی که روزه نبودند روزه داران را سرزنش نمی‌کردند».	
این زنها روزه گرفته نمیتوانند ولی بالای شان قضایی است.	قسم هشتم: زنانی اند که در عادت ماهوار اند و یا طفلی را ولادت نموده اند.
هرگاه توبه کند بالایش دوماه کفاره لازم است. یعنی دوماه روزه بگیرد.	قسم نهم: مسلمان، عاقل، بالغ، مقیم، صحتمند است. ولی روزه نمیگیرد.

1- سوره البقره، آیت: 185.
2 - الكتاب: mokhtasar-sahih-bukhari-farsi، حدیث شماره: (941)، ج: 1، ص: 783. متفق علیه.

بالای وی دوماه کفاره لازم میشود ولو که یک لقمه را هم قصدا خورده باشد و یا یک قطرهء آبراقصدا نوشیده باشد.	قسم دهم: مسلمان، عاقل، بالغ، مقیم، صحتمند است. روزه گرفته است، ولی در جریان روز آب و یا خوراکی را قصدا میخورد.
انسانی که روزه را سهوا خورده است ولو که با شکم سیر هم غذایی را خورده باشد برایش عفو است.	قسم یازدهم: مسلمان، عاقل، بالغ، مقیم و صحتمند است ولی روزه را فراموش نموده است غذایی خورده.
بالای این شخص قضایی همان روز لازم است او بقیهء روز را روزه گرفته، ولی همان روز را باید روزه بگیرد.	قسم دوازدهم: مسلمان، عاقل، بالغ، مقیم و صحتمند است روزه گرفته ولی اشتباه کرده است مثلاً: در هنگام وضو در دهانش آب رفته و یا اینکه قبل از مغرب به فکر این شام است روزه اش را خورده و یا اینکه سحر را غلط نموده بعد از طلوع فجر غذا خورده است.
زن باردار و زن شیرده در حکم روزه چهار حالت دارند: الف: هرگاه هیچ نوع زیانی در اثر روزه داری به ایشان و	قسم سیزدهم: مسلمان، عاقل، بالغ و مقیم ولی حامله و

یا شیر دهنده است.

فرزندشان نرسد لازم است روزه بگیرند و رخصتی در ترک روزه ندارند.

ب: هرگاه زیان متوجه خود زن شود و جنین یا طفل زیان نبیند حق افطار را دارد و قضا لازم می‌گردد.

ج: هرگاه در اثر روزه داری جنین یا طفل زیان بیند حق افطار را دارد.

د: هرگاه «مادر و فرزند» هر دو زیان بینند، فقط قضا لازم می‌گردد.

نظر به حدیثی که: «عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا نُسَافِرُ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ فَلَمْ يَعْصِ الصَّائِمُ عَلَى الْمُفْطَرِ وَلَا الْمُفْطَرُ عَلَى الصَّائِمِ». (1)
ترجمه: انس بن مالک رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: «با رسول الله ﷺ سفر کردیم. (بعضی در سفر روزه می‌گرفتند و برخی روزه نمی‌گرفتند) روزه داران از کسانی که روزه نداشتند ایراد نمی‌گرفتند و کسانی که روزه نبودند روزه داران را سرزنش نمی‌کردند».

1- الکتاب: mokhtasar-sahih-bukhari-farsi، حدیث شماره: (941)، ج: 1، ص: 783. متفق علیه.

روز ششم رمضان

درس ششم (حکمت های روزه)⁽¹⁾

تمامی احکام دین مقدس اسلام دارای حکمت های گوناگونی است که به نفع بشریت است؛ الله ﷻ برای امتحان بنده گان خویش عبادت های مختلفی را فرض نموده است تا اینکه انسان دین را به شکل کامل دانسته و تنها به یک دو عبادت اکتفا نکند. الله ﷻ برای تکمیل شخصیت ایمانی انسان و بند نمودن راه های دروغ گویان انواع مختلف عبادت را فرض نموده است تا انسان های خلص عبادت های مختلف را انجام دهند این عبادت ها به اشکال مختلف میباشند. مثل: عبادت مالی، عبادت بدنی، عبادت مالی بدنی، عبادت فکری، عبادت های داخلی که متعلق به قلب، نفس و غیره میشود. رمضان و روزه رمضان هم دارای حکمت هایست که عبارت اند از:

(1) حکمت فرصت ها: ماه مبارک رمضان ماه فرصت هاست در حقیقت چانس خوبی است برای همه فرصت نزول رحمت ها، فرصت نجات از شر شیطان، فرصت توبه و بازگشت به بارگاه الهی، فرصت دوری از گناه، فرصت خدمت به دیگران، فرصت ازدیاد اعمال، فرصت ليله القدر، فرصت باز بودن دروزه های جنت، فرصت بسته بودن دروازه های دوزخ، فرصت بسته شدن شیطانهای جنی، فرصت بلند رفتن حساب نفل ها به اندازه فرض و فرصت بلند رفتن حساب فرض ها به هفتاد چند.

(2) حکمت ثواب رمضان: ثواب روزه مثل سایر عبادات از 10 إلى 70 مرتبه نبوده بلکه اندازه ثواب آنرا الله ﷻ برای خود گذاشته است که من این ثواب را برای بنده کان خویش میدهم امام قرطبی درین مورد میگوید: فضیلت ماه مبارك رمضان بسیار زیاد و ثواب بسیار بزرگ دارد در

1- من این درس را از کتاب روزه سیر پارسایان که ترجمه کتاب: (الصوم جنه) تألیف دکتر خالد بن عبدالرحمن الجریسی میباشد و آنرا إسحاق بن عبدالله العوضی به فارسی ترجمه نموده است، با کمی تصرف و اختصار درینجا نقل نمودم، که الله ﷻ هر دو شائرا اجر بسیار زیاد عنایت فرماید. (داعی) چاپ اول 1429/1387 هـ.

فضیلت این ماه مبارک کافی است که الله ﷻ این ماه را به خود واگذار نموده است چنانچه در حدیث شریف پیامبر ﷺ فرموده است: «وَقَالَ: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصَّوْمُ؛ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ»^(۱) ترجمه: الله ﷻ میفرماید: تمامی اعمال پسران آدم برای خود شان است مگر روزه که خاص برای من است و ما آنرا باداش میدهم. زیرا روزه رمضان دو ویژه گی خاصی دارد:

الف: روزه انسانرا از لذت های نفسی و شهوانی مانع شده که سایر عبادات نمیتواند چنین مانعی را ایجاد نماید.

ب: روزه رازی است بین بنده و بروردگارش، که این اسرار را بجز الله ﷻ کسی دیگری نمیداند بناءً روزه مخصوص الله ﷻ است و سایر عبادت های در ظاهر و آشکار میباشد که امکان ریا و مردم فریبی دارد ولی در روزه هیچ نوع ریا رخ نمیدهد.

(۳) حکمت تحکیم ارتباطات سه گانه: ایمان حقیقی سه گونه ارتباط را تأمین میکند (ارتباط انسان با خودش، خالقش و جامعه اش) ماه مبارک رمضان این سه نوع ارتباط را نسبت به قبل محکمتر و قویتر میسازد انسان روزه دار نخست در ارتباط با اعضای بدن خودش سعی می ورزد که همه را مثبت استعمال نماید سپس ارتباط خود را با خالقش مستحکم میکند و هیچگاهی کاری را که مخالف اوامر الهی باشد انجام نمیدهد و در مرحله سوم روابطش را با جامعه خویش بصورت انسانی و اخلاقی تأمین میکند.

(۴) حکمت کورس انسان سازی: دانشمندان تمامی رشته ها برای زیر دستان خود کورس های عملی را سالانه ترتیب مینمایند که متخصصین این رشته با استفاده ازین کورس ها برای تقویت مسلک خویش در آن اشتراک میورزند و این تقویت مسلک در بقیه اوقات سال برای آنان زمینه رشد بیشتر و خدمات عالی را امکان پذیر میسازد؛ ماه مبارک رمضان یک کورس عملی برای انسان سازی است؛ زیرا انسان مؤمن درین ماه تمامی اعضای بدن خویش را مطابق احکام الهی آماده ساخته

1- الکتاب: تفسیر القرآن المؤلف: أبو المظفر، منصور بن محمد بن عبد الجبار ابن أحمد المروزی السمعانی التمیمی الحنفی ثم الشافعی (المتوفی: 489هـ) المحقق: یاسر بن ابراهیم وغنیم بن عباس بن غنیم الناشر: دار الوطن، الرياض - السعودية الطبعة: الأولى، 1418هـ - 1997م [ترقیم الکتاب موافق للطبوع، وهو ضمن خدمة مقارنة التفسير].

و حتی در حالاتیکه تنها میباشد و تمامی امکانات استفاده از خوردنی ها، نوشیدنی ها و شهوت ها
برایش مساعد باشد بازهم با بیاد داشتن خالق خود ازین اشتباهات خود را محافظه میکند در هنگام
جنگ و اشتباه دیگران فوراً برای جانب مقابل که او را دشنام داده است میگوید که من روزه هستم،
درین ماه مسلمان حقیقی حتی از خوردن خوردنی ها و نوشیدنی های حلال و پاک پرهیز میکند او
بعد از رمضان بدین فکر میباشد که من درین ماه از حلال ها خود را محافظه نموده و در سایر ماهها
سعی و تلاش میورزد تا از حرام ها خود را محافظه کند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا
كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (1)

ترجمه: ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما
بودند نوشته شد؛ تا پرهیز کار شوید.

5) حکمت روزه کامل: یکی از شرایط روزه ماه مبارک رمضان، داشتن روزه تمامی
اعضای بدن انسان میباشد؛ زیرا رسول الله ﷺ میفرماید: هرگاه کسیکه سخنان بد و عمل به بدی
ها را ترک نکند الله ﷻ هیچ نیازی به ترک خوراک و نوشیدنی هایش ندارد. انسان مسلمان کوشش
میکند که در ماه مبارک رمضان با تمامی اعضای بدن خویش الله ﷻ را عبادت کند.

الف- گوش روزه دار: اساس ارشادات الهی و سنت نبوی ﷺ انسان روزه دارد گوش خود
را روزه دارد میسازد و از شنیدن تمامی اموری که در آن رضایت الله ﷻ نبوده اجتناب میورزد گوش
خود را به شنیدن تلاوت قرآن کریم، احکام الهی، نصیحت ها و سایر امور مثبت مشغول میسازد.

ب- زبان روزه دار: مسلمان با زبان خود روزه میگیرد زبان خود را از گفتن سخنان ناجایز
مانند غیبت، سخن چینی، مزاح های بیجا، زیاد سخن گفتن و ریشخند بالای دیگران حفظ میکند تا
زبانش به دوری از بدیها عادت نموده و به برکت روزه ماه مبارک رمضان در سایر ماهها نیز زبان
خود را به عبادت الله ﷻ عادت دهد.

1- سوره البقرة: آیت: 183..

شخص روزه دار نه تنها خودش با کسی جنگ، تجاوز و بی ادبی نمیکند بلکه در حالاتیکه شخص دیگری برایش اذیتی برساند و یا دشنامش دهد نیز صبر میکند.

حضرت رسول الله ﷺ میفرماید که هرگاه کسی با روزه دار جنگ کند و یا او را دشنام دهد او برایش میگوید که من روزه دار هستم.

ج- چشمان روزه دار: انسان روزه دار سعی و تلاش می ورزد تا چشمان خود را از دیدن نامحارم حفظ نموده و هر لحظه چشمان خود را به دیدن قرآن کریم و مطالعه کتب و نشستن با صالحان و دانشمندانیکه او را به نیکی ها تشویق میکند عادت میدهد.

د- قلب روزه دار: قلب انسان زمانی روزه دار میباشد که فکر و اندیشه اش را بسوی نیکی ها داشته باشد او هیچگاهی برای بدی ها فکر نمیکند بلکه کوشش میکند که با داشتن روزه اندیشه خود را به مثبت گرایی توجیه نماید از اشتباهات قبلی دیگران که در حق وی نموده اند گذشت نموده و خود را آماده دوستی و محبت با دیگران سازد.

س- نفس روزه دار: انسان روزه دار کوشش میکند که نفس خود را تربیه نموده او را از نفس اماره بالسوء به نفس لوامه و از آن به بعد به نفس مطمینه که قبلاً تشریح نمودیم مبدل سازد.

ی: دست روزه دار: هرگاه کسی دستانش را به نیکی ها عادت داده و برای دسترسی به فقراء مصروف سازد و برای رفع مشکلات انسانهای مظلوم سعی و کوشش ورزد.

6) حکمت بستن شیطانها و دروازه های دوزخ: در ماه مبارک رمضان شیطانها با زنجیرها بسته میشوند و این یک نوع رحمت الهی است که شیطان های جنی را که انسان را هر لحظه به گناهان و نا فرمانی از احکام الهی وسوسه میکنند و نمیگذارند که انسان بسوی نیکی ها سیر و حرکت نماید به برکت ماه مبارک رمضان این شیطانان بسته شده و برای انسان مؤمن فرصت است که خود را در مقابل شیطان تقویه نموده و با قدم گذاشتن به نیکی ها، درماههای دیگری چنان مقاومت داشته باشد که حتی شیطانهای جنی نتوانند او را وسوسه نمایند و به این صورت نفس

مطمئنانه اش هر لحظه ارتباط قوی با الله ﷻ داشته و هر که با الله ﷻ ارتباط داشته باشد شیطان از وی فرار میکند.

بعضی از مردم تمامی ملامتی های زنده گی شانرا بالای شیطان میاندازند و میگویند این شیطان است که مانع من از رفتن به راه نیک میگردد ولی حالاً این بهانه هم از بین میرود و شیطان نمیتواند او را وسوسه کند.

در اینجا سوال مطرح میگردد که در صورتیکه شیطان ها بسته باشند پس چرا تعدادی از مردم در ماه مبارک رمضان گناه میکنند؟

در پاسخ این سوال نخست موضوع مهمی را باید یاد آوری نمود و آن اینکه هرگاه شخصی در زنده گی خویش گناهی میکند، داغ سیاهی در قلب وی ظهور میکند که معنویت قلبش را لکه دار میسازد، ولی هرگاه این شخص دو باره توبه نموده و بسوی نیکی ها میشتابد این لکله سیاه از قلبش پاک میشود؛ زیرا الله ﷻ میفرماید ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾⁽¹⁾ ترجمه: چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می‌برند؛ به این شکل میتوان گفت که هر نیکی اعمال بد را نابود (Delete) نموده و قلب انسان را دو باره پاک و صاف میسازد ولی کسانی که همیشه گناه میکنند و به نافرمانی الله ﷻ همیشه مشغول اند و هیچگاهی فکر توبه و بازگشت به نیکی ها را نمیکند این لکه های سیاه باز یادت هر گناه بیشتر شده و بالاخره تمامی قلب انسان سیاه میگردد و زمانی کسی به چنین مرض معنوی قلبی مبتلا شد شیطان قلبش را در تسخیر خود آورده او را به یک شیطان انسانی مبدل میکند او را چنان تحت تاثیر خویش قرار میدهد که هر نیکی در نظرش بدی و هر بدی در نظرش نیکی جلوه میکند و زمانی شیطان بالای قلب انسان حاکمیت حاصل نمود او را پیرو خود ساخته برایش یک وظیفه شیطانی میدهد این شخص خودش اکنون شیطان شده است و زمانی حدیث قبلی را میخوانیم که شیطان های جنی بسته میشوند پس نباید فراموش کرد که انسانهایی که خودشان با انجام اعمال زشت خود را به شیطان ولی در لباس انسان مبدل نموده اند و نفس آنان (نفس اماره

1- سوره هود، آیت: 114..

بالسوء) گشته است، با وجود اینکه شیطان های جنی بسته باشد این نفس شیطانی وی هر وقتی او را به بدی میکشاند و حتی در ماه مبارک رمضان.

به اساس رحمت الهی برای این مردم نیز فرصت است که دو باره رجوع کنند و قبل ازینکه با ملک الموت ملاقات نموده دروازه های توبه و مغفرت بر روی شان باز گردد فوراً به سوی نیکی ها رفته و از فرصت ماه مبارک رمضان که ماه نزول رحمت ها برای همه است استفاده کند؛ زیرا در رمضان دروازه های رحمت، مغفرت و خلاصی از آتش دوزخ برای همه باز است و راه توبه نیز برویش چنان باز است که در هر لحظه ازین ماه مبارک میتواند توبه کند و خود را در صف نیکان شامل کند.

(7 حکمت ماه رحمت: درین ماه تمامی اطراف جامعه انسان را رحمت الهی گرفته و بزرگترین این رحمت فرصتی است که برای انسانهای گناهگارداده میشود که با استفاده از ماه مبارک رمضان خود را از هلاکت نجات داده و به مردمانی پیوندند که مورد رحمت الهی قرار گرفته اند و در صف جنتی ها میباشند.

ماه رمضان درحقیقت برگشت دو باره به رحمت الهی میباشد و ما انسان هستیم که از ما اشتباهاتی صورت میگیرد و انسان مؤمن میتواند که ازین فرمان عفو الهی استفاده نموده و خود را در زمره نبیین، صدیقین، شهدا و صالحین قرار دهد.

(8 حکمت بخش الهی: بسیاری از مردم فکر میکنند که با ارتکاب گناهان زیاد اکنون در جمله مردمان شرمنده و روی سیاه هستند و هیچ راهی ندارند که خود را در قطار نیکان داخل نمایند، اکنون فرصت برای اینگونه اشخاص است که بیاپید از گناهان قبلی شان هر قدر بزرگ هم باشد توبه کنید زیرا دوراه مغفرت و بخشایش درین ده روز برای همه باز است.

(9 حکمت رهای از زندان دوزخ: برای همه واضح است که بسیاری از روسای جمهور، شخصیت های بزرگ دولتی و شاهان هنگام عید ها، جشن های استقلال و آزادی و روز های خوشی شان هزاران محبوس را مورد عفو قرار داده و آنانرا رارهایی میبخشد، در ماه مبارک رمضان برای کسانی که با انجام بعضی از اشتباهات و گناهان مستحق دوزخ شده و در لست دوزخیان نام

شان ثبت است فرصت داده میشود تا از رحمت الهی استفاده نموده، دوباره راه هدایت را درپیش گیرند و با استفاده از این ماه مبارک که ماه نزول رحمت هاست میتوان خود را در صف نیکان پیوسته در قطار عفو شده گان و در جمع نجات یافتگان قرارداد.

(10 حکمت باز شدن دروازه های آسمان: امام مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ، فَتَحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ»

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله ﷺ فرمود: چون رمضان اید، درهای بهشت باز شده و درهای دوزخ بسته گشته و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند.

وفی صحیح البستی عنه قال قال رسول الله ﷺ: «إِذَا كَانَ رَمَضَانُ فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الرَّحْمَةِ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلِّسَتِ الشَّيَاطِينُ» ⁽¹⁾ ترجمه: وقتی که رمضان بیاید دوازه های رحمت باز می شود و دروازه های دوزخ بسته میشود و شیاطین با زنجیرها زنجیر پیچ میشوند.

(11 حکمت بوی دهان روزه دار: بوی دهان روزه دار، به نزد الله ﷻ از مشک بهتر تراست اگر چه الله ﷻ انسانرا به نظافت و پاکی امر نموده و رسول الله ﷺ برای پاکی دهان مسواک نمودن و شستن دهان را سنت قرار داده است تا دهان کسی مکروبی نشده و بوی ندهد و همچنان رسول الله ﷺ کسانرا که سیر و پیاز خام خورده باشند از رفتن به مسجد منع نموده است تا بوی دهان آنان سبب اذیت نیاز گزاران نکردد ولی دهان انسان روزه دار در جریان روزه شاید بویی دهد که این بوی در حالیکه خوشایند هم نباشد به نزد الله ﷻ بی نهایت با ارزش بوده و نسبت به مشک برتر است؛ زیرا علت این بوی بی توجهی در نظافت نه بلکه روزه داشتن مطابق حکم الهی است. ⁽²⁾

(12 حکمت عمرهء رمضان: بخاطر قدسیت ماه مبارک رمضان فضایل عمره درین ماه نیز بیشتر میگردد و در روایت است که عمرهء رمضان مساوی با حج فرضی میباشد.

1 - روی مسلم
2 - : حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ عَنْ مَالِكٍ عَنْ أَبِي الزِّنَادِ عَنْ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ الصَّيَّامُ جُنَّةٌ فَلَا يَزِفُّهُ وَلَا يَجْهَلُ وَإِنْ أَمْرُو قَاتِلُهُ أَوْ شَاتِمُهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي صَائِمٌ مَرَّتَيْنِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ يَتْرُكُ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ وَشَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِ الصَّيَّامِ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا) البخاري/ حديث 1761.

13 حکمت شبهای قدر: شاید برای یک مسلمان این سوال پیدا شود که امت های پیامبران علیهم السلام قبل از عمر زیادی داشتند و شاید عبادت آنان نسبت به عبادت ما بیشتر باشد. مثلاً: عمر پیروان نوح علیه السلام بیش از هزار سال بود ولی من که عمرم شاید از شصت و هفتاد تجاوز نکند هر قدر عبادت کنم به اندازه آنان رسیده نمیتوانم الله به اساس رحمتش عبادت یک شب را به اندازه هزار ماه عبادت بیان داشته است: **﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾** ⁽¹⁾ ترجمه: ماه قدر بهتر است از عبادت 1000 ماه میباشد. هرگاه 1000 را تقسیم 12 ماه کنیم مساوی میشود به 83 سال و هرگاه شخصی در شصت سال عمر خود شبهای قدر را عبادت نماید و 60 را ضرب 83 کنیم مساوی میشود به 4980 سال که چهار چند عمر امت نوح علیه السلام میشود.

14 حکمت ریان: ریان از کلمه ری به معنای (سیراب شدن) است که هرگاه شخصی بخاطر رضایت پروردگار خویش روزه بگیرد و احساس تشنگی میکند الله برایش در جنت دروازه را تخصیص داده که بنام ریان میباشد، یعنی دروازه سیرابی این دروازه مخصوص روزه دارانی میباشد که با وجود شدت تشنگی بخاطر کسب رضایت الله خود را از نوشیدن حفظ نمودند و وقتی مینوشند که ندای الله اکبر به گوشش شان رسد حضرت سهل رضی الله عنه میفرماید که: رسول الله فرمود: در جنت دروازه است که ریان نام دارد و از آن در روز قیامت روزه داران داخل جنت میشوند و هیچکسی بدون آنها داخل نمیشوند گفته میشود روزه داران کجا هستند؟ هیچیکی بغیر آنان داخل نمیشود و هنگامیکه داخل جنت شدند آن دروازه بسته میشود و هیچکسی بدون آنان داخل نمیشود. ⁽²⁾

15 حکمت شکر نزول قرآن: فعلاً در تمامی دنیا هر قانونی را که هر مکتب سیاسی تطبیق نموده نتوانست که مردم را متحد سازد، بلکه دامنه جنگ و وحشت روز بروز زیاد شده میرود ولی قرآن عظیم الشان با احکام الهی خویش توانست که بسیاری از ملت های تاریک و وحشی را بسوی

1- سوره القدر، آیت: 3..
2- عَنْ سَهْلِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرَّيَّانُ يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ يُقَالُ أَيْنَ الصَّائِمُونَ فَيَقُومُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ الْبَخَارِيُّ..

مدنیت رسانید گوستاولوبون اعتراف میکند که قانون الهی توانست که جزایر عرب را که در حالت بسیار وحشت قرار داشت متحد ساخت انسانهاییکه دختران خود را زنده به گور میکردند بعد از نزول قرآن عظیم الشان به محبت و افتخار به دختر داشتن نمودند.

ماه رمضان ماه نزول قرآن کریم ماه نزول رحمت بالای انسانیت است روزه ماه مبارک رمضان در حقیقت شکری است بخاطر نزول این رحمت الهی بالای بشریت.

16) حکمت شدن و قبول شدن روزه: بسیاری مردم سوال میکنند که آیا روزه فلان شخص که نماز نمیخواند روزه اش میشود؟ درینجا لازم است که فرق بین شدن و قبول شدن را بدانیم روزه انسان بی نماز میشود ولی سوال مهم اینجاست که آیا روزه اش مورد قبول الله ﷻ قرار میگیرد؟ روزه برای اینست که انسان را به تقوا سوق دهد و زمانی روزه قبول میشود که آثار تقوا در وجود یک شخص دیده شود و انسان بی نماز هیچگاهی با تقوا نمیباشد.

بناءً با وجود اینکه فرض وی ادا شده و روزه اش میشود، ولی مورد قبول الله ﷻ قرار نمیگیرد؛ زیرا الله ﷻ روزه نیکو کاران را میپذیرد و کسیکه با الله ﷻ قطع سخن نموده و سخن نمیگوید نیکو کار نیست؛ زیرا نماز سخن گفتن با پروردگار است و ترک نماز ترک ارتباط با الله ﷻ است.

17) حکمت درک حقیقت رمضان: هرگاه میخواهیم در ماه مبارك رمضان روزه گیریم دو سؤال مهمی است که لازم است در مورد آنها از خود سوال کنیم. سؤال اول در نخستین روزهای رمضان به جواب ضرورت دارد و سؤال دومی را در آخرین روزهای رمضان و یا هم بعد از ختم رمضان.

سوال اول: روزه يك مسلمان به چی شرایطی قبول بارگاه الهی قرار میگیرد؟

سوال دوم: آیا روزه ام بعد از ادای این همه مشقات مقبول بارگاه الهی شده است؟

در پاسخ سؤال اول میتوان گفت: قبول هر عمل در دین مقدس اسلام سه شرط اساسی دارد که این دو شرط اساسی باید در روزه رمضان نیز موجود باشد.

شرط اول: موجودیت اخلاص در عمل: هرگاه هر عمل انسان خاص برای رضایت الله ﷻ نباشد بلکه در ادای آن انسانها مصلحت ها، خواهشات نفسانی و غیره دخل داشته باشند عمل انسان مورد قبول بارگاه الهی قرار نمیگیرد.

شرط دوم: مطابقت این عمل نیک با سنت رسول الله ﷺ: هرگاه مسلمان عملی نیکی را انجام دهد ولی در عملکرد آن مطابق فکر و اندیشه خود کاری کند و گفته های رسول الله ﷺ را در عملش مراعات نکند آن عمل نیک او مورد قبول بارگاه الهی قرار نمیگیرد.

شرط سوم: استفاده از غذای های حلال برای افطار و سحر.

18) حکمت دانستن اغنیا نعمت های الهی را: هنگامیکه یک شخص غنی روزه

میگیرد و سختی گرسنگی و تشنگی را درک میکند میداند که الله ﷻ چقدر بروی نعمت های بزرگی را داده است که همیشه درین نعمت ها غرق است و به همین سبب بود که رسول الله ﷺ سخی ترین مردمان در ماه مبارک رمضان میبود:

«وَعَنْهُ جِبْرِيلُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَجْوَدَ النَّاسِ وَكَانَ أَجْوَدُ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جِبْرِيلُ وَكَانَ يَلْقَاهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَيُدَارِسُهُ الْقُرْآنَ فَلَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَجْوَدُ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ. (بخاری: 6)

ترجمه: همچنین ابن عباس رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ سخاوتمندترین انسانها بود و سخاوتمندتر از هر وقت زمانی بود که در ماه رمضان جبرئیل علیه السلام نزد ایشان می آمد جبرئیل علیه السلام در تمام شب های رمضان قرآن کریم را با رسول الله ﷺ تکرار می نمود و آنحضرت ﷺ در پخش خیر و نیکی، از بادهای و زنده نیز سبقت میگرفت.

19) حکمت تمرین بر ضبط نفس وقوت داشتن به نگهداری نفس از خواسته

هایش: انسان روزه دار تمامی اوامر الهی را تطبیق نموده بناءً تمامی خواسته های نفس و بطن را در ماه مبارک رمضان تسلیم احکام الهی میسازد و این کار در وی ملکهء را ایجاد میکند که او را در مقابله با خواسته های نفس قوت میدهد.

روز هفتم رمضان

درس هفتم (روزه دار موحّد)⁽¹⁾

تعریف توحید در لغت و اصطلاح:

توحید در لغت: توحید در لغت به معنای انفراد، یکتایی، قطع مثل و مانند شریک و همتا میباشد.

توحید در اصطلاح: یگانگی الله ﷻ در ذات، صفات، افعال، عبادت، تطبیق شریعت و نامهایش بیان میدارد.

حکم فراگیری توحید: یاد گرفتن توحید بر مرد و زن مسلمان فرض عین میباشد دلیل آن آیت شریف است که الله ﷻ میفرماید: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾⁽²⁾
ترجمه: پس بدان که قطعاً هیچ معبودی جز الله ﷻ نیست.
درین آیت کلمهء ﴿فَاعْلَمْ﴾ دلالت به فرضیت میکند.

فایدهء توحید قرآنی: کسانی که توحید را مطابق آیات قرآن عظیم الشان و احادیث نبوی میدانند:

- 1- آنان موحدین واقعی میشوند.
- 2- با قناعت کامل پروردگار شانرا میشناسند.
- 3- اطاعت از شریعت الهی را به عوض تطبیق قانون انسانی ترجیح میدهند.
- 4- عبادت را فقط به الله ﷻ انجام میدهند.
- 5- صفات خالق را به مخلوق و صفات مخلوق را به خالق نسبت نمیدهند.

1- من این درس را از کتاب روزه سپر پارسایان که ترجمه کتاب: (الصوم جنة) تألیف دکتر خالد بن عبدالرحمن الجریسی میباشد و آنرا إسحاق بن عبدالله العوضی به فارسی ترجمه نموده است، با کمی تصرف و اختصار درینجا نقل نمودم، که الله ﷻ هردو شانرا اجر بسیار زیاد عنایت فرماید. (داعی) چاپ اول 1429/1387 هـ.
2- سوره محمد، آیت: 19..

6- قلب شان به محبت خالق متعال وابسته شده، از مخلوق پرستی نجات میابیند.

7- از افراط در شخصیت مخلوقات نجات حاصل میکنند.

8- مطابق مفهوم نامهای الهی زنده گی میکنند.

9- ادب با مقدسات برخورد میکنند.

10- سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت را حاصل مینمایند.

اهمیت توحید: بخاطر اهمیت عقیده توحید رسول الله ﷺ سیزده سال عمر خود را در مکه و مکره فقط بخاطر عقیده اسلامی سپری کرد، تا مردم اول عقیده توحید را درست یاد بگیرند، در ده سال بعدی باقیانده تمامی احکام، عبادات، معاملات، اخلاق، اقتصاد، سیاست و غیره را شرح نمود.

فضائل توحید:

1- قبول شدن بقیه اعمال با صحت عقیده قبول میگردد؛ زیرا با شرک تمامی اعمال باطل میشود.

2- گرفتن اعمالنامه به دست راست؛ زیرا فقط موحدین اعمالنامه را بدست راست میگیرند و کسانی که در ذات، صفات، عبادت، قانون و نامهای خالق، مخلوقی را شریک کنند اعمال شان در ترازوی میزان هیچ ارزشی ندارد.

3- سختی های دنیا و آخرت با توحید آسان میگردد؛ زیرا رابطه با الله ﷻ بزرگترین علاج مشکلات روحی و روانی میباشد.

4- از شر حاکمیت شیطانهای انسانی و جنی نجات میابیند، انسانهای ضعیف الایمان همیشه به فال بینی، جادوگری، تعویذ گری، رمل اندازی، بخاطر ضعف عقیده مشغول میشوند و شیطانها بر آنها حاکمیت میکنند.

5- مانع باقی ماندن در دوزخ میگردد؛ شاید یک انسان یکتا پرست به اساس کدام گناه کبیره مستحق رفتن به دوزخ گردد، ولی به اساس عقیده توحید در دوزخ ابدی باقی نمیماند.

6- سبب بخشش گناهان می‌گردد؛ قوت ایمان و قوت محبت خالق متعال سبب می‌شود که خالق متعال نیز با این انسان محبت داشته گناهانش را ببخشد.

7- سبب متابعت واقعی از رسول الله ﷺ می‌گردد.

اقسام توحید: توحید سه قسم می‌باشد:

اول: توحید افعال که در زبان عربی (توحید ربوبیت) نامیده شده است.

دوم: توحید اطاعت و عبادت که در زبان عربی (توحید الوهیت) نامیده شده است.

سوم: توحید نامها و صفات که در زبان عربی (توحید اسماء و صفات) نامیده شده است.

به این اساس اقسام توحید را در سه بحث مورد مطالعه قرار می‌دهم:

بحث اول: توحید ربوبیت توحید افعال (الله ﷻ).

بحث دوم: توحید الوهیت توحید عبادت و اطاعت از قانون الله ﷻ.

بحث سوم: توحید اسماء و صفات.

ربوبیت در لغت و اصطلاح:

ربوبیت در لغت: ربوبیت از کلمه رب گرفته شده است که به معنای ملک، حفظ، تدبیر و

تربیه می‌باشد.

ربوبیت در اصطلاح: منظور از توحید ربوبیت توحید افعال الله ﷻ می‌باشد. مثلاً: ایمان داشته

باشیم که:

1- الله ﷻ خلق کننده تمامی مخلوقات است.

2- الله ﷻ مالک تمامی مخلوقات است.

3- الله ﷻ حفظ کننده کاینات است.

4- الله ﷻ تدبیر کننده تمامی عالم هستی است.

5- الله ﷻ شفا دهنده امراض است.

6- الله ﷻ تصرف کننده در مخلوقات است.

حافظ بن احمد حکیمی میگوید: اقرار نماید که الله ﷻ پروردگار، مالک، خالق، تدبیر کننده، متصرف همه مخلوقات است.

روز هشتم رمضان

درس هشتم (توحید ربوبیت) (1)

قاعده اول: افعال مخصوص خالق را بشناسیم

قرآن عظیم الشان که کتاب عقیده است، افعال خالق متعال را برای ما معرفی نموده است، این افعال توانائی الله ﷻ را در تصرف در تمامی مخلوقات نشان میدهد.

فعل	دلیل از قرآن عظیم الشان
خلق کردن	﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ (2) ترجمه: او ذاتی است که در زمین همه چیز را خلق نموده است.
حفظ کردن	﴿إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ (3) ترجمه: الله ﷻ آسمانها و زمین را نگاه میدارد تا از نظام خود منحرف نشوند؛ و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمیتواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و غفور است!
مالک بودن	﴿قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا﴾ (4) ترجمه: بگو: کیست که از الله ﷻ مالک چیزی گردد؟
انجام دادن بدون ضرورت	﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (5) ترجمه: فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن

- 1- من این درس را از کتاب روزه سیر پارسایان که ترجمه کتاب: (الصوم جنّة) تالیف دکتر خالد بن عبدالرحمن الجریسی میباشد و آنرا إسحاق بن عبدالله العوضی به فارسی ترجمه نموده است، با کمی تصرف و اختصار درینجا نقل نمودم، که الله ﷻ هر دو شانرا اجر بسیار زیاد عنایت فرماید. (داعی) چاپ اول 1429/1387 هـ.
- 2- سوره البقره، آیت: 29..
- 3- سوره فاطر، آیت: 41..
- 4- سوره المائده، آیت: 17..
- 5- سوره یس، آیت: 82..

می گوید: «موجود باش!» آن نیز بی درنگ موجود میشود!	به وسایل
﴿يَدْبِرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾ ⁽¹⁾ ترجمه: امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر میکند.	تدبیر و تصرف کننده
﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ ⁽²⁾ ترجمه: هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر الله ﷻ است!	روزی دادن
﴿هُوَ يَحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ ⁽³⁾ ترجمه: اوست که زنده میکند و می میراند، به سوی او بازگردانده میشود!	زنده نمودن و میراندن
﴿أَمَنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ ⁽⁴⁾ ترجمه: کیست که انسانی را که در حالت اضطرار قرار دارد، در حالت سختی قرار دارد اجابت نماید و مشکلاتش را دور نماید.	اجابت نمودن دعا
﴿وَإِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾ ⁽⁵⁾ ترجمه: و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می دهد.	شفا دادن
﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ ⁽⁶⁾ ترجمه: حکم و فرمان، تنها از آن الله ﷻ است.	حکم نمودن

قاعدهء دوم: افعال مخصوص مخلوق را بشناسیم: مخلوقات افعالی دارند که مربوط به

مخلوق میگردد، هرگاه به این افعال فکر کنیم، دلالت به ضعف و ناتوانی یک مخلوق مینماید، که

- 1- سوره السجده، آیت: 5..
- 2- سوره هود، آیت: 6..
- 3- سوره یونس، آیت: 56..
- 4- سوره النمل، آیت: 62..
- 5- سوره الشعراء، آیت: 80..
- 6- سوره الأنعام، آیت: 57..

نمی‌تواند بدون این افعال زنده گی نماید، این افعال گاهی مثبت و گاهی هم منفی می‌باشد؛ این افعال عبارت اند از:

افعال مثبت	افعال منفی
(1) خوردن.	دلالت به ضعیفی مخلوق میکند، زیرا مخلوق بدون خوردن زنده گی نمی‌تواند.
(2) نوشیدن.	دلالت به ضعیفی مخلوق میکند، زیرا مخلوق بدون نوشیدن زنده گی کرده نمی‌تواند.
(3) خوابیدن.	دلالت به ضعیفی مخلوق میکند، زیرا مخلوق بدون خوابیدن زنده گی کرده نمی‌تواند.
(4) ازدواج کردن.	دلالت به ضعیفی مخلوق میکند، زیرا مخلوق بدون ازدواج زنده گی نورمال کرده نمی‌تواند.
(5) گرسنه شدن.	دلالت به ضعیفی مخلوق میکند، زیرا مخلوق بدون غذا زنده گی کرده نمی‌تواند.
(6) تشنه شدن.	دلالت به ضعیفی مخلوق میکند، زیرا مخلوق بدون آب زنده گی کرده نمی‌تواند.
(7) خسته شدن.	دلالت به ضعیفی مخلوق میکند، زیرا مخلوق بدون رفع خسته گی زنده گی نورمال کرده نمی‌تواند.
(8) حیران ماندن	دلالت به ضعیفی مخلوق میکند، زیرا انسان عاجز است در بعضی حالات حیران می‌ماند.

افعال منفی	
حسادت کردن	
دروغ گفتن.	
غیبت کردن.	
پشیمان شدن.	
ناکام شدن.	
تهمت کردن.	
دزدیدن.	

قاعده سوم: فرق بین افعال خالق و مخلوق را از دیدگاه عقیده بشناسیم:

افعال خالق دلالت به جلال، بزرگی، عظمت، قدرت و توانائی کامل الله ﷻ مینماید. مثلاً: وقتی که الله ﷻ خواسته باشد که چیزی را پیدا کند، با گفتن یک کلمه آن چیز پیدا میشود: ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (۱)

ترجمه: فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن میگوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود میشود.

بناءً خالق متعال برای پیدا کردن چیزی، ضرورتی به وسائل و اسباب ندارد، این جهان را از هیچ پیدا نمود، آدم ﷺ را بدون مادر و پدر خلق نمود، عیسی ﷺ را بدون پدر خلق نمود، آفتابی را که میلیونها تن مواد سوخت ضرورت دارد به قدرت خود روشن نموده است.

ولی افعال مخلوق دلالت به عاجزی، ناتوانی، ضعفی و مخلوق بودن این مخلوق مینماید، هرگاه خواسته باشد که چیزی را بسازد، به وسائل، اسباب، تعلیم و تربیه، وقت و غیره اشیای ضرورت و احتیاج دارد.

قاعده چهارم: افعال خالق را به مخلوق نسبت ندهیم:

اگر چه در میان مخلوقات شخصیت های بسیاری بزرگی وجود دارد مانند: ملائکه، پیامبران علیهم السلام، صحابه کرام رضی الله عنهم، آل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله، تابعین کرام، اولیاء الله، شهدای اسلام و غیره ولی همه آنان مخلوق هستند، ازینکه مخلوق هستند نمیتوانند افعال خالق را داشته باشند. عقیده توحید اینست که افعال خالق را به مخلوق نسبت ندهیم و هرگاه کدام فعل خالق به مخلوق نسبت داده میشود درینجا سبب کفر نسبت دهنده میگردد.

فعل خالق	مشکل نسبت دادن آن به مخلوق
خلق کردن	مشکل بعضی مردم اینست که با وجود دانستن این آیت که: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ ⁽¹⁾ ترجمه: و ذاتی است که همه آنچه را از نعمتها در زمین وجود دارد، برای شما آفرید.
حفظ کردن	مشکل بعضی مردم اینست که با وجود دانستن این آیت که: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ ⁽²⁾ ترجمه: الله تعالی آسمانها و زمین را نگاه میدارد. حفظ شهرها و کشورها را به مخلوقات نسبت میدهند و میگویند فلان شخص شهر کابل را نگهداری میکند، در حالیکه آن شخص وفات نموده است.
مالک بودن	مشکل بعضی مردم اینست که با وجود دانستن این آیت که: ﴿قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا﴾ ⁽³⁾

1- سوره البقره، آیت: 29..

2- سوره فاطر، آیت: 41..

3- سوره المائده، آیت: 17..

ترجمه: بگو: کیست که از الله ﷻ مالک چیزی گردد؟ عقیده میکند که مالک این کائنات کدام مخلوقی است، به این سبب در وقت مشکل به بتها و قبرها رجوع میکنند.	
مشکل بعضی مردم اینست که با وجود دانستن این آیت که: ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (1) ترجمه: فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن میگوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود میشود. سوالاتی میکند که ضرورت خالق را به اشیای برای خلق کردن اشیای دیگر، نشان میدهد.	انجام دادن بدون ضرورت به وسایل
﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ (2) ترجمه: هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر الله ﷻ است!	تدبیر و تصرف کننده
مشکل بعضی مردم اینست که با وجود دانستن این آیت که: ﴿هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (3) ترجمه: اوست که زنده میکند و می‌میراند، به سوی او بازگردانده میشوید! به نزد مجسمه ویا قبر مخلوقات رفته از آن مخلوق دختر و پسر میخواهد.	روزی دادن زنده نمودن و میراندن
مشکل بعضی مردم اینست که با وجود دانستن این آیت که: ﴿أَمِنْ	اجابت نمودن دعا

1- سوره یس، آیت: 82..

2- سوره هود، آیت: 6..

3- سوره یونس، آیت: 56..

يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ ﴿١﴾ ترجمه: کیست که انسانی را که در حالت اضطرار قرار دارد، در حالت سختی قرار دارد اجابت نماید و مشکلاتش را دور نماید. دست دعا به بارگاه مخلوق بلند میکند، از مخلوق برای رفع مشکلات دعا میکند.	
مشکل بعضی مردم اینست که با وجود دانستن این آیت که: ﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾ (2) ترجمه: و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می دهد. به بارگاه و درگاه مخلوقات رفته از آنان که در عالم برزخ هستند، طلب شفا میکنند.	شفا دادن
مشکل بعضی مردم اینست که با وجود دانستن این آیت که: ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (3) ترجمه: حکم و فرمان، تنها از آن الله ﷻ است. به قانون مخلوق رجوع نموده، قانون مخلوق را از شریعت الهی برتر میدانند.	حکم نمودن

قاعده پنجم: افعال مخلوق را به خالق نسبت ندهیم: قبلاً خواندیم که انسانها

مخلوق اند مخلوقات افعالی دارند که به مخلوق بودن آنها محتاج بودن آنها وضعف و ناتوانی آنها دلالت میکند برای یک انسان موحد (یکتاپرست) لازم است که افعالی را که مربوط به مخلوق میگردد، به

1- سوره النمل، آیت: 62..

2- سوره الشعراء، آیت: 80..

3- سوره الأنعام، آیت: 57..

خالق نسبت ندهد؛ زیرا نسبت دادن افعال مخلوق به خالق، نسبت دادن عاجزی، ناتوانی، ضعف و مخلوق بودن میباشد، این بی ادبی سبب کفر و بی دینی میگردد.

به همین علت است که قرآن عظیم الشان صفات مخلوق را که دلالت به ضعف مخلوقات مینماید، از خالق متعال بصورت اجمالی و تفصیلی نفی نموده است:

﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾^(۱)

ترجمه: منزّه است الله ﷻ از آنچه توصیف میکنند.

قاعده ششم: افعال خالق را از مخلوق تقاضا نکنیم: تقاضا نمودن افعال

خالق از مخلوقات به معنای شریک نمودن مخلوقات در افعال مخصوص خالق میباشد، این عمل شرک میباشد.

مشکل مشرکین قریش این بود که از بتها و قبرها شفا میخواستند، به نزد مجسمه های صالحین و یا قبرهای انسانهای نیک رفته از آنان پسر و دختر میخواستند.

قریشیان با وجود اینکه خود را پیروان ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام میدانستند، ولی به سبب نسبت دادن افعال خالق به مخلوق مشرک شدند؟

1- سوره الصافات، آیت: 159..

روز نهم رمضان

درس نهم (توحید الوهیت)

الوهیت در لغت واصطلاح:

الوهیت در لغت: الوهیت در لغت از کلمهء (اله) گرفته شده است که به معنای عبادت است، صاحب لسان العرب میگوید: "جمع اله آلهة" میباشد که بتها را (آلهه) میگفتند زیرا عقیده داشتند که آنها مستحق عبادت هستند. (1)

اله در عقیده برای کسی گفته میشود که ذاتش عبادت و قانونش تطبیق میگردد.

الوهیت در اصطلاح: یگانگی الله ﷻ در عبادت و شریعت به شکل اعتقادی و عملی آن میباشد.

نامهای این نوع توحید: این قسم توحید را به نامهای مختلف به اسباب مختلف یاد میکنند:

- اول: توحید الوهیت:** وقتی این توحید به طرف الله ﷻ نسبت یا اضافت شود آنرا توحید الوهیت میگویند؛ زیرا اله کسیست که ذاتش عبادت و شریعتش تطبیق میگردد.
- دوم: توحید عبادت:** وقتی این توحید به طرف مخلوق نسبت داده میشود، آنرا توحید عبادت میگویند؛ زیرا عبادت خالق با تقدیم عبادت ها و تطبیق شریعتش صورت میگیرد.
- سوم: توحید عملی:** ازینکه این توحید به شکل عملی در اعمال انسان به شکل عبادت و تطبیق قانون میگردد، بناءً این توحید را توحید عملی مینامند.

اقسام توحید الوهیت: توحید الوهیت دو قسم میباشد:

قسم اول: توحید عبادت.

1- الصحاح فی اللغة تألیف الجوهري: 440 / 1.

قسم دوم: توحید در تشریع و تقنین (توحید اطاعت).

قواعد توحید عبادت:

قاعده اول: مفهوم عبادت را بشناسیم.

تعریف عبادت در لغت و اصطلاح:

عبادت در لغت: عبادت در لغت به معنای ذلت، خواری و اطاعت می‌باشد. (۱)

عبادت در اصطلاح: (۲) عبادت به دو شکل عام و خاص تعریف می‌گردد:

اول: تعریف عام عبادت: عبادت هر عمل ظاهری و باطنی است که در مقابل کسی به قصد عظمت به او و اظهار ذلت خودش برای نیل اجر و ثواب انجام داده شود.

دوم: تعریف خاص عبادت: "اسم جامع لكل ما يحبه الله ويرضاه من الأقوال والأعمال الباطنة والظاهرة" نام کامل برای تمامی آنچه که الله ﷻ آنرا دوست دارد و رضایت الله ﷻ را حاصل میکند از جمله اعمال ظاهری و باطنی.

شروط قبولی عبادت: عبادت با شرایط ذیل قبول می‌گردد:

۱- اخلاص: الله ﷻ فقط عملی را قبول میکند که مخلصانه برای او انجام داده شود: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ (۳)

ترجمه: و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه الله ﷻ را پرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند.

۱- الصحاح في اللغة تاليف الجوهري 440/1..

۲- به گفته دکتور قرضاوی: عبارت از نوعی از خضوع در نهایت درجه آن و ناشی از آگاهی و اعتقاد قلبی نسبت به عظمت و سلطه معبود است که ماهیت و منشأ آن دریافت نمیشود. عبادت در اسلام، تالیف دکتور یوسف قرضاوی، ص: ۳۷ وسط پیامبر ﷺ ابلاغ گردیده است، این چیزی است که عنصر اطاعت و خضوع در برابر خدا را عینیت می بخشد.

۳) اینکه این التزام و پایبندی از دلی سرشار از محبت الله ﷻ برخیزد. محمد عبده: به ریشه این خضوع و تسلیم توجه دارد، اگر ریشه و علت آن يك امر سطحی و ظاهری مانند حکومت، قدرت و غیره باشد عبادت بشمار نمیرود و اگر ریشه اش عقیده به عظمت و قدرت ادرکی وحسی و بیزه ای برای زمامدار باشد عبادت محسوب می‌گردد. محمد عبده که یکی از دانشمندان مشهور مصر و شاگرد سید جمال الدین افغان بود فرق میان عبادت و تسلیمی ظاهری را بیان میدارد و میگوید که شرط اساسی عبادت اینست که ریشه آن عقیده به عظمت خدای عزوجل باشد، و هرگاه چنین ریشه اعتقادی نداشته باشد و علت آن یک امر سطحی و ظاهری باشد عبادت نیست.

بنظر این قیم: عبادت مطلوب دین در برگرفته معنی خواری و محبت باهم است و متضمن نهایت کوچکی در برابر الله ﷻ بانهایت بنده گی نسبت به او میباشد. (۲) عبادت در اسلام، ص: ۳۸ علامه ابن قیم برای عبادت دو شرط اساسی را بیان میدارد و آن اینکه: اظهار خواری و کوچکی در مقابل خالق همه.

۳- سوره البینه، آیت: ۵..

2- متابعت از رسول الله ﷺ: الله ﷻ عملی را میپذیرد که موافق به هدایت رسول الله ﷺ باشد: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (1)

ترجمه: آنچه را رسول الله ﷺ برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید و از آنچه نهی کرده خود داری نهایید.

قاعده دوم: عبادات اصلی را به شکل توقیفی با اقسام آن بشناسیم.

عبادات اصلی: عبادات اصلی عباداتی اند که در قرآن عظیم الشأن و سنت رسول الله ﷺ سند داشته و صحابه کرام ~~رضی الله عنهم~~ بالای آن عمل نموده باشند و فقهای اسلام در مورد آن تحقیق نموده برای مردم بیان داشته باشند که این عبادت است.

عبادات عبارت از: فرض، واجب، سنت و مستحب میباشند.

توقیفی بودن عبادت ها: توقیفی نسبت به توقیف است که اصلاً از کلمه (وقف) گرفته شده است به معنای ایستادن و توقف نمودن است و کلمه (التوقیفی) را مجمع لغت عربی به مفهوم نص شریعت که در بعضی امور میباشد، بیان داشته و گفته اند که (توقیفی) منسوب به توقیف است. (2)

و در اصطلاح اموریست که با نص قرآن عظیم الشأن و سنت رسول الله ﷺ تعیین شده و کسی حق زیادت، نقصان و اجتهاد را در آن نداشته باشد.

صاحب معجم لغة الفقهاء در تعریف توقیفی مینویسد: توقیفی چیزی است، آنرا شریعت آورده است و هیچکسی حق زیادت و نقصان در آنرا نداشته و در آن مجال نظر و رأی نمیباشد و از آن جمله تعداد رکعات نماز است ماه رمضان ماهای حج و غیره. (3)

قاعده سوم: مستحق عبادات و مفهوم تخصیص عبادات را بشناسیم. برای مسلمانان کلمه طیبیه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» مستحق عبادت را معرفی میدارد.

1- سوره الحشر، آیت: 7..

2- المعجم الوسيط، إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات - حامد عبد القادر - محمد النجار، دار النشر: دار الدعوة، تحقيق/ مجمع اللغة العربية، 1051/1.

3- ما أتى به الشرع وليس لاحد الزيادة عليه ولا الانقاص منه ولا مجال للرأي فيه، ومنه: عدد ركعات الصلاة توقيفية. معجم لغة الفقهاء - محمد قلنجي 151/1.

معنای اله: اله کسی است که ذاتش عبادت می‌گردد و قانونش تطبیق می‌گردد وقتی می‌گوییم که لا اله الا الله یعنی نیست هیچ کسی مستحق اینکه ذاتش عبادت گردد و قانونش تطبیق گردد، به غیر از الله ﷻ.

شناخت اله:

معنای اله در لغت: در معجم وسيط آمده است: (الإله) كل ما اتخذ معبودا (ج) آلهة. (1)

صاحب تهذيب اللغة می‌گوید: والتَّالُّهُ: التَّعْبُدُ، (2)

صاحب الفروق اللغوية مینویسد: ((وسمى غير الله إلهًا على وجه الخطأ وهي تسمية العرب الاصنام آلهة، وأما قول الناس لا معبود إلا الله فمعناه أن لا يستحق العبادة إلا الله تعالى.)) (3)

(4)

معنای اله در اصطلاح عقیده: اله در قرآن عظیم الشان کسی را گویند که ذاتش عبادت و

اوامر واحکامش اطاعت می‌گردد.

وَلَا يَشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا] (26) سورة الكهف، [.. وَلَا يَشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا] (110) سورة الكهف،

وقتی می‌گوییم که لا اله الا الله یعنی نیست هیچ کسی مستحق اینکه ذاتش عبادت گردد و اوامر واحکامش تطبیق گردد، به غیر از الله ﷻ.

دکتر عبد الله قادری می‌گوید: هنگامیکه انبیاء مردم را به توحید و اقرار به معنای "لا إله إلا الله" دعوت مینمودند، میدانستند و اقوام خود را نیز می‌فهماندند، که معنای آن تطبیق شریعت الهی و تسلیم شدن مطلق به احکام الهی میباشد و درین راستا برای شان هرگز اختیاری نیست؛ زیرا معنای "لا إله إلا الله" هیچ حاکمی را به غیر از الله ﷻ نمی‌پذیرد مگر حاکمی که به حکم الله ﷻ حکم نماید، پس حاکم مطلق که هیچ حکمی مخالف حکم وی شده نمیتواند، الله ﷻ است بناءً این کلمه "لا إله إلا

1- المعجم الوسيط. موافق للمطبوع تأليف إبراهيم مصطفى. أحمد الزيات. حامد عبد القادر. محمد النجار، دار النشر: دار الدعوة، تحقيق / مجمع اللغة العربية 1/ 25..

2- تهذيب اللغة تأليف الأزهري 2/ 370..

3- الفروق اللغوية تأليف أبو هلال العسكري 1/ 68..

الله " شامل تسلیمی کامل به الله ﷻ در همه چیز میباشد، در نفس، در عقل، در نسل، در اموال و هر حکمی که مخالف حکم الله ﷻ باشد حکم طاغوت است و باید به آن کافر شویم و هرگاه کسی به غیر از الله ﷻ کسی دیگری را اطاعت نمود و به حکم وی به عوض حکم الله ﷻ رضایت نشان داد، به معنای (لا اله الا الله) ایمان نیاورده است. (1)

چون معنای کلمه طیه ارتباط مستقیم با سیاست داشتند، پیامبران ﷺ اسلام همیشه در مقابل سیاست مداران و فرمان روایان ظالم قرار داشتند و به ضد آنها مبارزه مینمودند.

در کلمهء طیه دو بخش است:

اول: نفی عبادت و اطاعت از غیر الله ﷻ.

دوم: اثبات عبادت و اطاعت به الله ﷻ.

﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾ (2)

ترجمه: کسانی که به طاغوت کافر میگردند و ایمان به الله ﷻ میاورند یقیناً که به ریسان محکم (قرآن کریم) چنگ زده اند.

شناخت طاغوت:

طاغوت در لغت: طاغوت در لغت به معنای سرکش، طغیانگر، نافرمان است. صاحب تهذیب

اللغة مینویسد: ((الطاغوت تأوها زائدة، وهي مشتقة من طغا)) (3)

ترجمه: تای طاغوت زاید میباشد، و از کلمهء طغا (سرکش) اشتقاق شده است.

طاغوت در اصطلاح: مخلوقی است که مردم را به عبادت خود و یا تطبیق قانون خودش دعوت

میکند.

صاحب لسان العرب میگوید: الطاغوت ما عُبِدَ من دون الله عز وجل وكلُّ رأسٍ في الضلالِ

(طاغوت)) (1) ترجمه: هر کسی که به غیر از الله ﷻ عبادت شود، و هر رهبر گمراهی طاغوت است.

1- السياق إلى العقول تأليف دكتور عبد الله بن عبد القادر الأهلل 1/116.

2- سورة البقرة، آیت: 256.

3- تهذیب اللغة، 3/92.

شرط طاغوت شدن: مخلوقی طاغوت گفته میشود که هرگاه به عوض عبادت به او عبادت شود، ازین کار راضی باشد، و یا قانونی بسازد که ضد شریعت الهی باشد. هرگاه کسی بعد از مرگش عبادت شود، ولی خودش از عبادت آنان درزنده گی راضی نباشد، طاغوت گفته نمیشود.

سوال: آیا طاغوت فرد است و یا حزب و گروه و یا هم فکر و اندیشه؟

اقسام طاغوت: طاغوتان سه نوع میباشند:

قسم اول: طاغوت در لباس فرد.

قسم دوم: طاغوت در لباس یک حزب یا گروه.

قسم سوم: طاغوت در لباس اندیشه و مکتب فکری.

قسم اول: طاغوت در لباس فرد: گاهی در لباس فرد ظاهر میشود؛ مثل: فرعون، هامان،

شداد، نمرود، علماء سوء، راهبان گمراه و غیره.

فرعون میگفت: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي﴾⁽²⁾

ترجمه: فرعون گفت: ای جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم.

علامه سید قطب رحمته میگوید: فرعون ادعا نمیکرد که او خالق و تدبیر کننده کائنات است، همچنان برای مردم نمیگفت که او شعائر عبادت را در مقابل وی انجام دهند، بلکه ادعای حاکمیت و تطبیق قانونش را بالای مردم مینمود، آنان او را عبادتی مینمودند که مربوط به تسلط وی به تطبیق قوانین، اوامر و تطبیق نظامش میشد...

اگر کسی مردم را به سجده کردن به خود دعوت کند، طاغوت است.

اگر کسی مردم را به تطبیق اوامر خودش که مخالف اوامر الهی است دعوت کند، طاغوت است.

اگر کسی به انجام عبادات در مقابلش راضی باشد، طاغوت است، خواه این عبادت رکوع باشد، سجده باشد، ذبح باشد و غیره.

1- لسان العرب تألیف محمد بن مکرم بن منظور الأفريقي المصري، بیروت: دار صادر، ط 1، 8/444.

2- سوره القصص، آیت: 38..

قسم دوم: طاغوت در لباس حزب و گروه: گاهی طاغوتان در لباس حزب ظهور

میکند، مثل احزاب و گروه هاییکه قانون الهی را نپذیرفته برای انسان حق میدهند که خودش برای خود قانون خوب، خراب، حلال، حرام و سایر نظامهای را بسازد.

هرگاه کسی حزبی بسازد که برنامه اش مخالف قرآن کریم و سنت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) باشد، مؤسس این حزب طاغوت و پیروانش طاغوت پرست هستند.

قسم سوم: طاغوت در لباس اندیشه ها: گاهی هم طاغوت در لباس یک فکر و اندیشه، یا

مکتب و فلسفه ظهور میکند که اساس آن کفر و گمراهی و انکار خالق میباشد، مثل: کمونیزم، سوسیالیزم، سیکولریزم، نشنلیزم، فاشیزم، شیطان پرستی و غیره.

هرگاه کسی به یکی ازین مکاتب باور داشته باشد، و اندیشه های این مکاتب فکری را نسبت به عقیده اسلامی ترجیح دهد، پیروی از طاغوت نموده است.

قاعدهء چهارم: معبودان باطل را بشناسیم.

در قرآن عظیم الشان یکی معبود بر حق است که الله سبحانه و تعالی میباشد.

یکی هم غیر الله است که به غیر از الله هر کسی که است، معبود حق نمیشود.

الله سبحانه و تعالی میفرماید: ﴿قُلْ أَغْفِرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ﴾ الزمر-۶۴.

ترجمه: بگو: «آیا به من دستور می دهید که غیر الله ﷻ را پرستم ای جاهلان؟!»

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

ترجمه: و یقیناً که به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمال تباه

می شود و از زیانکاران خواهی بود!

در جملهء معبودان ناحق همهء مخلوقات شامل میشوند.

قاعدهء پنجم: عبادات غلط و مراجعش را بشناسیم:

عبادت های غلط عبادت هایی است که اصل و اساس در قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ

نداشته باشد و از یکی از مراجع ذیل گرفته شده باشد:

الف: از ادیان دیگر: یهودیت، نصرانیت، مجوسیت، آفتاب پرستان، مهتاب پرستان، آتش پرستان، بت پرستان و ادیان دیگر عبادت هایی دارند که مربوط عقیده آنان میشود مثلاً: هندوها توسط ساز و موسیقی در مقابل بتها عبادت میکنند، نصرانی ها در کلیسا توسط پیانو عبادت میکنند؛ نصرانی ها ترک ازدواج را عبادت میدانند؛ هندوها و نصرانی ها توسط دود کردن و روشن نمودن شمع در معابد شان عبادت میکنند که داخل نمودن این امور در اسلام نه تنها عبادت نمیشد، ثوابی ندارد، برعکس آن بدعت و گمراهی میباشد، پوشیدن کره های هندو ها، انداختن یک لاکت خاص بت پرستان بنام منگل سوترا و غیره.

ب: از فرهنگ ها و رواج ها: مردمان هر کشور رواج هایی دارند که این رواج ها مربوط اعتقادات قبلی آنان و یا تعصبات و قوم پرستی و یا هم فرهنگ های عادی آنان میباشد. مثلاً: در کشور ما بعضی از عادات و رواج هایی است که از قدیم الزمان باقی مانده است مثلاً: پختن سمنک، دیکچه، نان خوردن در منزل متوفی، روز دو، روز سه، شب جمعه گی، چهل، طویانه و غیره داخل کردن این امور در اسلام ناروا و بدعت میباشد.

ج: از جادوگران و فال بین ها: در بسا از کشور به اساس مراجعهء مردمان بیدین جاهل به جادوگران، فال بین ها، تعویذ گران، رمل اندازان، کف شناسان و غیره بسیاری از افکار و اندیشه های جادوگران که بخصوص در کشور ما اساس آنرا سکهای بت پرست و یهودی ها گذاشته اند، متأثر شده اند؛ دود کردن سپند، بوربو، گذاشتن موی اطفال در فرق سر، استخدام حروف ابجد (786) به عوض بسم الله الرحمن الرحیم، حروف (66) به عوض لفظ الله ﷻ.

د: عبادات ساختگی: بعضی از امور هستند که عبادت نمیشدند و اصل هم در قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ ندارند، ولی مردم آنرا بنام عبادت انجام میدهند، مثل سفر نمودن برای یک زیارت، گرم کردن لنگر، روشن نمودن شمع در قبرستانها و غیره.

خلاصه میتوان گفت که عبادات غلط همان عبادت هایی اند که به شکل بدعت داخل دین شده

اند:

روز دهم رمضان

درس دهم (توحید تشریح)

تعریف شریع در لغت: شریع در زبان عربی از کلمهء شریعت گرفته شده به جایی اطلاق میگردد که از آن آب خارج میشود، یعنی چشمه یا محل سیراب شدن سپس عربها کلمهء شریعت را برای طریقهء راست و مستقیم استعمال نموده اند و به همینگونه که آب راهی برای حیات و سلامتی بدن است، همین قسم شریعت راه مستقیمی برای سلامتی نفس و عقل میباشد و آنرا به طریقهء درست سیراب میکند.

الله ﷻ میفرماید: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا﴾⁽¹⁾ ترجمه: سپس تو را بر شریعت و آیین حقّی قرار دادیم.

تعریف شریع در اصطلاح: «ما شرعه الله لعباده من العقائد والعبادات والأخلاق والمعاملات ونظم الحياة، في شعبها المختلفة لتنظيم علاقة الناس بربهم وعلاقات بعضهم ببعض، وتحقيق سعادتهم في الدنيا والآخرة»⁽²⁾

ترجمه: آنچه که الله ﷻ برای بنده گانش مشروع نموده است از عقاید، عبادات، اخلاق، معاملات، نظامهای زنده گی در تمامی بخش های مختلف آن برای تنظیم رابطهء مردم با پروردگار شان و رابطهء

1- سوره الجاثیه، آیت: 18..

2- تاریخ التشریع الاسلامی تألیف مناع بن خلیل القطان (المتوفی: 1420هـ)، مکتبه وهبه، ط5، (1422هـ-2001م) 14-13/1. دکتر علی سید حسن میگوید: "إن الشريعة اسم للنظم والأحكام التي شرعها الله أو شرع أصولها أو كلف المسلمين إياها ليأخذوا بها في علاقاتهم بالله وعلاقاتهم بالناس" " المدخل إلى علم القانون / د. علي سيد حسن ص 125 دار النهضة العربية. ط سنة 1983 مصر. ترجمه: شریعت نامی برای نظامها و احکامیست که الله ﷻ آنرا مشروع نموده است، و یا اینکه اصول آنرا تشریع نموده و مسلمانان را مکلف نموده که آنرا در روابط شان با الله ﷻ و مردم بدوش گیرند. شریعت به این معنی مخصوص آنچه میشود که از جانب الله ﷻ آمده و توسط پیامبران ﷺ تبلیغ شده بناء استعمال شریعت برای قوانین ساخت بشر جایز نمیشد. تاریخ التشریع الإسلامی، 14-13/1.

بعضی شان با بعضی دیگری برای تحقیق سعادت دنیا و آخرت. صاحب قاموس الحیط میگوید: «الشريعة ما شرعه الله لعباده» شریعت چیزی است که الله ﷻ برای بنده گانش مشروع نموده است.

ارتباط کلمه طیبه با تشریع: ارتباط کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» با تشریع احکام و تطبیق احکام الهی و ترک قوانین غیر الله ﷻ وقتی واضح میگردد که معنای اله و رب را در قصه عدی بن حاتم رضی الله عنه که يك نصرانی بود و به دین مقدس اسلام مشرف شده بود بدانیم او میگوید:

« عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ قَالَ أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفِي عُنُقِي صَلِيبٌ مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَ يَا عَدِيُّ اطْرَحْ عَنْكَ هَذَا الْوَتْنَ وَاسْمِعْتَهُ يقرأُ فِي سُورَةِ بَرَاءَةِ [اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ] قَالَ أَمَا إِنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَعْبُدُونَهُمْ وَلَكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا أَحَلُّوا لَهُمْ شَيْئًا اسْتَحَلُّوهُ وَإِذَا حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ شَيْئًا حَرَّمُوهُ » (1)

از عدی بن حاتم روایت است که فرمود: به نزد رسول الله ﷺ آمدم و در گلویم صلیبی از طلا بود. رسول الله ﷺ گفت: این بت را از گردنت دور بیاور، و شنیدمش که قرائت مینمود: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» آنان (یعنی یهودیان و نصرانی ها) علمای دینی و پارسایان خود را بدون الله ﷻ به ربوبیت گرفتند.

رسول الله ﷺ فرمود: آنان علماء و راهبان خود را عبادت نمینمودند، بلکه وقتی آنان چیزی را برای شان حلال مینمودند، آنرا حلال میدانستند و هنگامیکه چیزی را برای شان حرام مینمودند، آنرا حرام میدانستند.

ازین تفسیر رسول الله ﷺ معلوم میگردد که قرار دادن کسی به ربوبیت معنایش همین است که ذاتش را عبادت نماید و شریعت و احکامش را تطبیق نماید، وقتی کسی قانون انسانی را به عوض شریعت الهی تطبیق نماید، این شخص را رب خود قرار داده است.

و در خاتمه همین آیت شریف الله ﷻ میفرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا» (2) و امر نشدند مگر اینکه عبادت کنند اله واحد را. «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (3)

2- سوره توبه، آیت: 31..

2- سوره توبه، آیت: 31..

3- سوره توبه، آیت: 31..

روز یازدهم رمضان

درس یازدهم (توحید اسماء و صفات)

اسماء و صفات در لغت و اصطلاح: اسماء جمع اسم به معنای نام میباشد. و صفات جمع صفت است، اسم کلمه است که دلالت به معنی نماید مثل احمد، محمود، خالد، فاطمه، عائشه و غیره. و صفت اسمیست که دلالت به بعضی از احوال ذات مینماید.

اسماء و صفات در اصطلاح: یگانه شمردن الله ﷻ به نامها و صفاتش به همانگونه که در قرآن کریم و سنت صحیحہ آمده، بدون تحریف، تعطیل، تکیف و تشبیه به شکل توقیفی آن.

قواعد اسماء الله الحسنى:

قاعده اول: مفهوم اسماء الله الحسنى (اسماء الصفات) را بدانیم:

اسماء الله الحسنى (نامهای نیک الله ﷻ در لغت و اصطلاح:

اسماء الحسنى در لغت: اسماء جمع اسم است و حسنى به معنای زیبا میباشد که اسماء الحسنى به معنای نامهای زیبای خالق متعال میباشد.

اسماء الحسنى در اصطلاح: علامه ابن تیمیه در تعریف اسماء الله الحسنى میگوید: "هى التى يدعى الله بها وهى التى جاءت فى الكتاب والسنة وهى التى تقتضى المدح والثناء بنفسها" (1)

ترجمه: نامهایی اند که الله ﷻ توسط آن دعا میشوند در کتاب و سنت آمده اند، و نامهایی اند که خودشان تقاضای مدح و ثنا را میکنند.

درین تعریف گفته شده که الله ﷻ بواسطه این نامها دعا میشوند، که این مطابق آیت شریف است که میفرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ (2)

ترجمه: و برای الله ﷻ نامهای نیک است؛ الله ﷻ را به آن نامها بخوانید.

1 - شرح العقيدة الأصفهانية تأليف أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، رياض: مكتبة الرشد، ط1، (1415)، 19/1.
2- سورة الأعراف، آيت: 180..

همچنان گفته است که در کتاب و سنت آمده باشند، که این دلالت به توقیفی بودن اسماء الحسنی مینماید.

چرا اسماء الله الحسنی را اسماء الصفات هم مینامند: نامهای الله ﷻ را اسماء الصفات میگویند، زیرا نامهای الله ﷻ دارای همان صفاتی است که الله ﷻ به آن وصف میشود مثلاً: الرحمن نامی است برای الله ﷻ که از صفت رحمت گرفته شده است، هم نام خالق متعال است و هم دارای صفتی است که خالق متعال به آن وصف میشود.

اما نامهای انسانها اسماء الصفات نیستند؛ زیرا یک شخص میشود که نامش زیبا باشد ولی خودش صفت زیبایی را نداشته باشد و یا شخصی را شجاع بگویند ولی خودش صفات شجاعت را نداشته باشد.

حکم اسماء الحسنی: اسماء الحسنی دارای احکام ذیل میباشد:

1- اثبات آنچه را که الله ﷻ برای خودش ثابت نموده است: یعنی هر نامی را که الله ﷻ در کتابش و یا رسول الله ﷺ در احادیثش بیان نموده اند، به الله ﷻ بیان داریم. به این علت برای دریافت نامهای خالق متعال به جستجو در قرآن کریم و سنت مکلف هستیم.

2- آنچه که در قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ نفی نکنیم: یعنی وقتی یک نامی را الله ﷻ و یا رسول الله ﷺ بیان داشته، آنرا بپذیریم و بگوییم که این نام با معنایی که داری مطابق به شان، جلال و عظمت خالق است و هیچ نامی را نفی نکنیم که بگوییم قرآن کریم و سنت گفته و ما قبول نداریم.

3- فقط الله ﷻ را به نامهایی مسمی کنیم که در کتاب خودش یا زبانی رسولش ثابت باشد. یعنی مؤمن مکلف است که نامهایی را به الله ﷻ نسبت دهد که در قرآن کریم و احادیث صحیحه رسول الله ﷺ ثابت باشد و نامی را از دل و اجتهاد خود به الله ﷻ نسبت ندهد. (1)

1 - معتقد أهل السنة والجماعة في أسماء الله الحسنی تألیف محمد بن خلیفة بن علی التمیمی، ریاض: أضواء السلف، ط1، (1419هـ/1999م) 38/1.

درین تعریف گفته شده که الله ﷻ بواسطه این نامها دعا میشوند، که این مطابق آیت شریف است که میفرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ (1)

ترجمه: و برای الله ﷻ نامهای نیک است؛ الله ﷻ را به آن نامها بخوانید.

همچنان گفته است که در کتاب و سنت آمده باشند، که این دلالت به توقیفی بودن اسماء الحسنی مینماید.

قاعده دوم: حقوق اسماء الله الحسنی (اسماء الصفات) را بدانیم: اسماء الله

الحسنی دارای حقوق ذیل میباشند:

حق اول: یکی از حقوق اسماء الله الحسنی شمردن آن است.

نامهای الله ﷻ به عدد معینی حصر نمیشود.

بخاطر دانستن این موضوع این حدیث شریف بسیار مهم است: عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَا أَصَابَ أَحَدًا قَطُّ هَمٌّ وَلَا حَزَنٌ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَا ضَى فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَاؤِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَتُورَ صَدْرِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي إِلَّا أَذْهَبَ اللَّهُ هَمَّهُ وَحُزْنَهُ وَأَبْدَلَهُ مَكَانَهُ فَرَجًا، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا نَتَعَلَّمُهَا؟ فَقَالَ: بَلَى يَنْبَغِي لِمَنْ سَمِعَهَا أَنْ يَتَعَلَّمَهَا» (2)

ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: برای هر کسی کدام غم یا سختی برسد و بگوید: یا الله ﷻ من بنده ات هستم و پسر بنده ات هستم و پسر کنیزت هستم، پیشانی ام بدست تست، به حکم و فرمان تو در حرکت است، راست به قضای تست، از تو سوال میکنم به هر نامی که خود را به آن نام مسمی نموده ای، یا آنرا در کتابت نازل نموده ای، یا برای یکی از مخلوقات تعلیم داده ای، یا در علم غیب خودت برای خودت نگهداشته ای، اینکه قرآن عظیم

1- سوره الأعراف، آیت: 180..

2- المستدرک 391/1 (3712)، ورواه ابن حبان في صحيحه، باب ذكر الأمر لمن أصابه حزن أن يسأل الله ذهابه عنه وإيداله إياه فرحا 253/3 (972)، والحاكم في المستدرک 690/1 (1877)، وانظر السلسلة الصحيحة للشيخ الألباني 383/1.

الشان را سیراب کننده قلبم، و نور سینه ام، و دور کننده غمهایم، و برداشتن سختی هایم بگردانی، مگر اینکه الله ﷻ سختی و غمش را دور نموده و برایش به عوض آن گشایشی را میاورد، گفته شد: ای رسول الله ﷺ آیا این را یاد نگیریم؟ گفت: بلی، شایسته است برای کسیکه آنرا بشنود، آنرا یاد بگیرد.

به اساس این حدیث شریف نامهایی را که الله ﷻ خود را به آن مسمی نموده است سه قسم میباشند:

قسم اول: نامهایی اند که در کتاب الله ﷻ (قرآن کریم) بیان شده اند: «أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ».

قسم دوم: نامهایی اند که به یکی از مخلوقات تعلیم داده ای «أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ».

قسم سوم: نامهایی اند که الله ﷻ آنرا در علم غیب به نزد خود نگهداشته است. «أَوْ اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ».

به این اساس ما تعداد دقیق تمامی نامهای الله ﷻ را نمیدانیم، بلکه فقط همان تعداد را میدانیم که در قرآن عظیم الشان و احادیث صحیح رسول الله ﷺ برای ما خبر داده شده است.

در قسمت اینکه رسول الله ﷺ نامهای الله ﷻ (99) نام درین حدیث ذکر نموده است. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ». (1) صحیح البخاری

ترجمه: ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «الله ﷻ نود و نه اسم دارد. یعنی یکی کمتر از صد هر کس که آنها را حفظ نماید، به بهشت میرود».

علمای متخصص عقیده میگویند: أما قوله، ﷺ: "إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مِنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ" فلا يدل على حصر الأسماء بهذا العدد، ولو كان المراد الحصر لكانت العبارة: "إِنَّ أَسْمَاءَ اللَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعُونَ اسْمًا مِنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ" أو نحو ذلك.

1- صحیح البخاری، حدیث شماره: 2531، ج: 9، ص: 261.



إذاً فمعنى الحديث: أن هذا العدد من شأنه أن من أحصاه دخل الجنة، وعلى هذا فيكون قوله "من أحصاها دخل الجنة" جملة مكملة لما قبلها، وليست مستقلة، ونظير هذا أن تقول: عندي مائة درهم أعددتها للصدقة، فإنه لا يمنع أن يكون عندك دراهم أخرى لم تعدها للصدقة. ولم يصح عن النبي ﷺ، تعيين هذه الأسماء. والحديث المروى عنه في تعيينها ضعيف.

حق دوم: حفظ کردن اسماء الله الحسنى: یکی از حقوق اسماء الحسنى حفظ آن میباشد، ابو هريره رضی الله عنه در صحیح بخاری روایت میکند که: رسول الله ﷺ فرمود: «لِلَّهِ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ اسْمًا، مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا، لَا يُحْفَظُهَا أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَهُوَ وَثَرٌ يَحِبُّ الْوَثَرَ»⁽¹⁾. ترجمه: الله ﷻ نود و نه اسم دارد؛ یعنی یکی کمتر از صد؛ هر کس که آنها را حفظ نماید وارد بهشت خواهد شد؛ و الله ﷻ فردا است و عدد فرد را دوست دارد.

حق سوم: دانستن معانی اسماء الحسنى: انسان مؤمن یکتا پرست باید معانی نامهای خالقش را بداند؛ زیرا معنای هر نام خالق، ارتباط مستقیم به عقیده اش دارد و کسانی که معانی اسماء الحسنى را نمیدانند به شکلی از اشکال به مشکل شرک مبتلا میشوند.

حق چهارم: زنده گی کردن مطابق اسماء الحسنى: زنده گی واقعی توحیدی، زنده گیی است که مطابق معانی و مفاهیم اسماء الله الحسنى باشد، خالق اوست، رب اوست.

حق پنجم: دعا کردن الله با اسماء الحسنى: الله ﷻ به ما امر نموده است که او را با نامهای زیبایش دعا کنیم ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾⁽²⁾

ترجمه: و برای الله ﷻ نامهای نیک است؛ الله ﷻ را به آن نامها بخوانید.⁽³⁾

دعا دو قسم میباشد:

اول: دعای عبادت.

1- فتح الباري (226/11).

2- سوره الاعراف، آیت: 180.

3- احکام القرآن ابن العربي (805/2).

دوم: دعای مسألت.

حق ششم: در هر مشکل مطابق همان ضرورت نامی از نامهای الله ﷻ را دعا کنیم: دانشمندان دینی به ما گوشزد کرده‌اند که لازم است کسی که دعا میکند، برای هر دعایی نام مناسب دعای مورد نظر را انتخاب کند و الله ﷻ را با آن فرا خواند.

ابن قیم میگوید: «الله ﷻ را با نامی که مناسب محتوای دعا است، بخوانید و اگر کسی به دعا‌های رسول الله ﷺ توجه نماید، خواهد دید که دعاها مطابق با نامهای الله ﷻ است» (1)

همچنین در جایی دیگر میگوید: «فرد دعا کننده الله ﷻ را با نامی که مناسب محتوای دعا است، بخواند؛ مانند اینکه: ای خالق متعال! مرا مورد مغفرت و رحمت خود قرار ده؛ زیرا تو غفور و رحیم هستی و پسندیده نیست که بگوید: چون که تو سمیع و بصیری.» (2)

ابن العربی میگوید: «با هر اسمی از الله ﷻ، چیزی را بخواهید که شایسته‌ی آن نام است؛ به عنوان نمونه بگویید: ای خدای رحیم! به ما رحم کن. ای خدای حکیم! کارهای مرا منظم و استوار گردان. ای ای خالق متعال رازق! مرا رزق و روزی ده. ای ای خالق متعال هدایت کننده! مرا هدایت فرما» (3)

همچنین ابن العربی یادآوری مینماید که برخی از اسماء الله ﷻ مانند الله و پروردگار عام هستند؛ لذا میتوان در هر جا و برای هر کاری الله ﷻ را با این نامها صدا زد و خواند. (4)

حق هفتم: حق رساندن اسماء الحسنی به دیگران: اگر نامهای الله ﷻ را به مردم بخصوص مردم عوام نرسانیم، بخصوص مردم عوام و بیسواد، شیطانهای انسی و جنی، آنان را به نامهای مخلوقات دعوت میکنند و با دعا بنام مخلوقات مردم را به شرک مبتلا میسازند و مسؤولیت جوانان دعوتگر بسیار زیاد شده، در روز قیامت محاسبه خواهند شد.

1- بدائع الفوائد (164/1).

2- بدائع الفوائد (160/1).

3- احکام القرآن ابن العربی (805/2).

4 - من این مطالب حقوق اسماء الحسنی را از کتاب اسما و صفات الهی تألیف: دکتر عمر سلیمان اشقر ترجمه: گروه فرهنگی انتشارات حر مین گرفتم و با ترتیب و تنظیم آن به شکل حقوق اسماء الحسنی تنظیم نمودم. (داعی).

قاعدهء چهارم: الحاد در اسماء الله الحسنى را بدانیم: تعريف الحاد در لغت واصطلاح:

تعريف الحاد در لغت: الحاد در لغت به معنای میل نمودن است. در قبر وقتی به یک جانب قبر میل میشود، آنرا لحد میگویند، و ملحد را بخاطریکه از حق بطرف باطل میل میکند، ملحد میگویند. (1)

تعريف الحاد در اصطلاح: علامه ابن القيم رحمه الله میگوید: "هُوَ الْعُدُولُ بِهَا وَبِحَقَائِقِهَا وَمَعَانِيهَا عَنِ الْحَقِّ الثَّابِتِ لَهَا" (2)

اقسام الحاد در نامهای الله ﷻ: الحاد در نامهای الله ﷻ به اشکال ذیل صورت میگیرد:

اول: انکار این نامها به شکل کامل.

دوم: انکار معانی و تعطیل آن.

سوم: تحریف و تغییر نامها با تأویلات عجیب و غیر و یا هم نام برای بدعت های خود. (3)

که این سه قسم الحاد را میتوان در مثالهای های ذیل بخوبی تشریح نمود:

مثال اول: نام گذاشتن بتها به نامهای خالق متعال: مثل لات، عزى، الهه. [يَلْحَدُونَ فِي أَسْمَائِهِ]
[یعنی لات را إله ساختند، عزى را از عزیز ساختند.

مثال دوم: نام دادن الله ﷻ به نامهایی که به جلال و عظمت الله ﷻ شایسته نیست، مثل استعمال کلمات عاشق، معشوق، موجب بالذات، جوهر، عرض و غیره.

مثال سوم: دادن صفات و افعالی مخلوق به خالق متعال، مثل سخنان یهود انه فقیر، يد الله مغلوله.

مثال چهارم: تعطیل الفاظ از معانی مثلاً طایفه جهیمه میگفتند که این نامها الفاظ بدون داشتن معنی اند.

1- قَوْمُهُ اللَّحْدُ، وَهُوَ الشَّقُّ فِي جَانِبِ الْقَبْرِ، الَّذِي قَدْ تَمَالَ عَنِ الْوَسْطِ، وَمِنْهُ الْمُلْحَدُ فِي الدِّينِ: الْمَائِلُ عَنِ الْحَقِّ، الْمُدْخِلُ فِيهِ مَا لَيْسَ مِنْهُ (شرح العقيدة الواسطية لشيخ الإسلام ابن

تيمية تالیف محمد خلیل هراس، ط1، الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، (1413هـ - 1992م)، 410.

2- بدائع الفوائد 1690.

3- شرح العقيدة الواسطية لشيخ الإسلام ابن تيمية تالیف محمد خلیل هراس، ط1، الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، (1413هـ - 1992م)،

مثال پنجم: انکار خالق به شکل کامل مثل ملحدین معاصر.

مثال ششم: مخلوقی را به خالق نسبت پدر، پسر، همسر، شریک و غیره.

مثال هفتم: داخل نمودن نامهایی که در کتاب و سنت ثابت نیست. التمهید لشرح کتاب

التوحید، 220-221.

حکم الله ﷻ در مورد الحاد در اسماء الحسنی: الله ﷻ به مومنان واقعی امر میکند که:

﴿وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوْهُ بِهَا وَذَرُوْا الَّذِیْنَ یَلْحِدُوْنَ فِیْ اَسْمَائِهِۦ سَیْجَزُوْنَ مَا كَانُوْا یَعْمَلُوْنَ﴾⁽¹⁾

ترجمه: و برای الله ﷻ، نامهای نیک است؛ الله (سبحانه و تعالی) را به آن (نامها) بخوانید! و کسانی را که در اسماء الله (سبحانه و تعالی) تحریف می کنند (و بر غیر او می نهند، و شریک برایش قائل می شوند)، رها سازید! آنها بزودی جزای اعمالی را که انجام می دادند، می بینند!

[فَادْعُوْهُ بِهَا]: در تفسیر این عبارت قرآن کریم، علمای عقیده میگویند: ((إِمَّا مِنَ الدَّعْوَةِ بِمَعْنَى التَّسْمِيَةِ، كَقَوْلِهِمْ: دَعَوْتُهُ زَيْدًا، أَوْ يَزِيدَ أَيْ: سَمَّيْتُهُ، أَوِ الدُّعَاءِ بِمَعْنَى النَّدَاءِ، كَقَوْلِهِمْ: دَعَوْتُ زَيْدًا، أَيْ: نَادَيْتُهُ.))⁽²⁾ ترجمه: یا از دعوت به معنای نامگذاری است مثلاً او را زید یا یزید نامگزاری نمودم، و یا هم دعا به معنای ندا، آواز کردن و صدا کردن است، یعنی صدایش کردم.

به این اساس الله ﷻ را به همان نامهای نامگذاری کنیم که اسماء الحسنی است، و به همین نامها او را صدا کنیم، و از او به همین نامهایش طلب کمک و استغاثه کنیم.

[ذَرُوْا] فعل امر است یعنی: ترک کنید، و این بالای مسلمان فرض و واجب میگرداند که از حالت

کسانیکه در الحاد در نامهای الله ﷻ مبتلا هستند دوری کنند.

1- سوره النحل، آیت: 103..

2- قطف الثمر فی بیان عقیده اهل الأثر تألیف محمد صدیق حسن خان القنوجی، ط1، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية،

..245-244/1، (1421هـ).

روز دوازدهم رمضان

درس دوازدهم (توبه و احکام آن)

ماه مباره رمضان ماهیست که برای مسلمانان فرصت خوبی برای توبه و برگشت است، ماهی رحمت است، ماهی بخشایش گناهان است و ماهیست که انسان میتواند از تمامی اشتباهات خود به بسیار ساده گی توبه کند.

دوستان عزیز! روزه داران محترم! انسان هر قدر سعی و تلاش کند که از گناهان اجتناب ورزد بازهم به شکلی از اشکال لغزش نموده و به گناهی از گناهان مبتلا میگردد. لکن رحمت الله ﷻ تقاضا میکند که بنده های خود را ببخشد و برای شان فرصتی برای برگشت را محیا سازد.

امام مسلم از رسول الله ﷺ روایت میکند که فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ لَمْ تُذْنِبُوا لَذَهَبَ اللَّهُ بِكُمْ وَلَجَاءَ بِقَوْمٍ يُذْنِبُونَ فَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ» (1)

رسول الله ﷺ فرمود: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، اگر گناه نمی کردید، الله ﷻ هر اینه شما را از بین برده قومی را می آورد که گناه کنند و به تعقیب آن از الله ﷻ آمرزش طلبند و الله ﷻ بر ایشان بیامرزد..

توبه در لغت: توبه در لغت به معنای رجوع و بازگشت میباشد. فعل تاب که به معنای رجوع است هم برای انسان و هم برای خالق استعمال میگردد عربها میگویند: تاب فلان یعنی فلان شخص از گناه و معصیت رجوع نمود و همچنان میگویند: "وتاب الله عليه ای: عاد عليه بالمغفرة" (1) یعنی الله ﷻ به مغفرت رجوع نمود؛ زیرا انسانی که گناه میکند سبب غضب و قهر الهی میشود ولی وقتی

1- رواه مسلم ح 6914.2

توبه کرد او را دوباره میبخشد و در ایت شریف «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا»^(۲) ترجمه: و همگی بسوی الله ﷻ باز گردید.

توبه در اصطلاح: توبه در اصطلاح عبارت از پشیمانی به گناهان سابق، قصد وعزم به ترک آن

به شکل دائمی بخاطر رضایت الله ﷻ نه بخاطر منفعت دنیا و ضرر دنیوی میباشد.

فضیلت های توبه: توبه دارای فضیلت های زیادی میباشد که عبارت اند از:

1- حاصل نمودن محبت الله ﷻ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»^(۳)

ترجمه: الله ﷻ، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد.

2- خشنود نمودن الله ﷻ رسول الله ﷺ میفرماید «اللَّهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ حِينَ يَتُوبُ إِلَيْهِ مِنْ

أَحَدِكُمْ كَانَ عَلَى رَاحِلَتِهِ بِأَرْضٍ فَلَاةٍ، فَانْفَلَتَتْ مِنْهُ وَعَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ، فَايَسَ مِنْهَا فَأَتَى شَجَرَةً فَاضْطَجَعَ فِي ظِلِّهَا، وَقَدْ آسَ مِنْ رَاحِلَتِهِ، فَبَيَّنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ هُوَ بِهَا قَائِمَةٌ عِنْدَهُ، فَاخَذَ بِخِطَامِهَا ثُمَّ قَالَ مِنْ شِدَّةِ الْفَرَحِ: اللَّهُمَّ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ، أَخْطَأُ مِنْ شِدَّةِ الْفَرَحِ»^(۴)

ترجمه: به تحقیق که الله ﷻ شادتر می شود به توبهء بندهء خود از یکی از شما که شتر گم شده اش را

در بیابان بیابد در روایت دیگر آمده: همانا الله ﷻ شادتر می شود به توبهء بندهء اش هنگامی که به

درگاه او توبه می کند، از یکی از شما که در بیابان بر شترش سوار بوده، ناگهان شترش از نزدش فرار

کرده، در حالیکه طعام و آبش بر بالای شتر باشد و چون از رسیدن به شترش مایوس و نا امید شده

آمده و در سایهء درختی غلطیده است در این هنگام ناگهان متوجه می شود که شترش در کنارش

ایستاده است و او زمامش را بدست می گیرد و از نهایت شادمانی میگوید: ای خالق متعال ! تو

بندهء منی و من خالق تو ام! و از نهایت شادمانی "الفاظ را اشتباه تلفظ می کند"

1- الآداب الشرعية ابن مفلح 74/1- انظر لسان العرب لابن منظور مادة توب.

2- سورة النور، آیت 31 ...

3- سورة البقرة: آیت: 222.

4- روه مسلم: 4.

سوال: از این حدیث استفاده می شود چنین سخنی را که انسان در چنین حالات می گوید عفو است و این ضرب المثل برای بهتر فهماندن مطلب و هدایت است بر اینکه انسان همواره نفس خویش را محاسبه نماید.

3- حاصل نمودن سعادت دنیا و آخرت ﴿وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ﴾ (1)

ترجمه: و اینکه: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید؛ سپس بسوی او بازگردید؛ تا شما را تا مدت معینی، (از مواهب زندگی این جهان،) به خوبی بهره مند سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد! و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم.

4- ابن کثیر رحمه الله میگوید: منظور از ﴿يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا﴾ (2) در دنیا می باشد و منظور از ﴿إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ﴾ (3) یعنی در آخرت.

5- روزه سبب جلب نیکی ها، برکت ها، نزول باران و زیادت قوت بر دشمنان میگردد ﷺ به حکایت از هود عليه السلام میگوید: ﴿وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مَجْرِمِينَ﴾ (4)

6- تبدیل گناهان به نیکی ها: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ (5)

ترجمه: مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند که ﷻ گناهان آنان را به حسنات مبدل می کند؛ و ﷻ همواره آمرزنده و مهربان بوده است.

1- سوره هود، آیت: 3..

2- سوره هود، آیت: 3..

3- سوره هود، آیت: 3..

4- سوره هود، آیت: 52..

5- سوره الفرقان، آیت: 70..

به عوض اعمال زشت الله ﷻ برای شان اعمال نیک را نصیب میکند.

حکم توبه: توبه بالای هر مسلمان واجب و لازم میباشد؛ زیرا در آیات و احادیث مسلمانان هم به توبه تشویق و هم امر شده اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾^(۱) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسوی الله ﷻ توبه کنید، توبه‌ای خالص.

وقوله ﴿وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^(۲) ترجمه: و همگی بسوی الله ﷻ بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.

امام نووی رحمه میگوید: دلائل از قرآن کریم، سنت و اجماع امت برین است که توبه واجب میباشد به همین علت است کسانی که توبه نمیکنند ظالم و تجاوز گر شناخت هشده ان ﴿وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^(۳)

ترجمه: و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند.

قبول توبه بزرگترین مظهر رحمت الهی: الله ﷻ بسیار ذات مهربان است و مهربانی

الله ﷻ را نمیتوان محاسبه نمود عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِسَبْيِ فَإِذَا امْرَأَةٌ مِنَ السَّبْيِ تَسْعَى، إِذْ وَجَدَتْ صَبِيًّا فِي السَّبْيِ أَخَذَتْهُ فَأَلَزَقَتْهُ بِبَطْنِهَا، فَأَرْضَعَتْهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَتَرُونَ هَذِهِ الْمَرْأَةَ طَارِحَةً وَلَدَهَا فِي النَّارِ؟ قُلْنَا: لَا وَاللَّهِ. فَقَالَ: «لَهُ أَزْحَمُ بَعِيدِهِ مِنْ هَذِهِ بَوْلِدَهَا» متفقٌ عليه. (۴)

ترجمه: عمر بن الخطاب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت می کند که:

رسول الله ﷺ بردگانی را آوردند، زنی از برده ها این طرف و آن طرف می دوید و ناگهان پسری را در میان کودکان پیدا نموده او را گرفت و به شکم خود چسباند و او را شیر داد. سپس رسول الله ﷺ فرمود: ایا گمان می کنید که این زن پسرش را به آتش افکند؟

گفتیم: نه قسم به الله !

1- سوره التحریم، آیت: 8..

2 سوره النور، آیت: 31..

3- سوره حجرات، آیت: 11..

4- (3) رواه مسلم.

فرمود: **الله** به بندگان بیش از آنچه این مادر به پسرش مهربانی دارد، مهربان است.

بخاطر همین رحمت است که **الله** میفرماید: ﴿وَاللَّهُ يَرِيدُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا﴾⁽¹⁾ ترجمه: **الله** می خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید) اما آنها که پیرو شهواتند می خواهند شما بکلی منحرف شوید.

برای گنهکاران میگوید: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾⁽²⁾ ترجمه: بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت **الله** نومید نشوید که **الله** همه گناهان را می آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

رسول **الله** میفرماید: «اللَّهُ أَشَدُّ فِرْحًا بِتُوبَةِ عَبْدِهِ حِينَ يَتُوبُ إِلَيْهِ مِنْ أَحَدِكُمْ كَانَ عَلَى رَاحِلَتِهِ بِأَرْضٍ فَلَاحٍ، فَأَنْفَلَتْ مِنْهُ وَعَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَايَسَ مِنْهَا، فَأَتَى شَجَرَةً فَاضْطَجَعَ فِي ظِلِّهَا، وَقَدْ آيَسَ مِنْ رَاحِلَتِهِ، فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ هُوَ بِهَا قَائِمَةٌ عِنْدَهُ، فَاخَذَ بِخَطَامِهَا ثُمَّ قَالَ مِنْ شِدَّةِ الْفَرَحِ: اللَّهُمَّ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ، أَخْطَأَ مِنْ شِدَّةِ الْفَرَحِ».⁽³⁾

ترجمه: به تحقیق که **الله** شادتر می شود به توبه بنده خود از یکی از شما که شتر گم شده اش را در بیابان بیابد در روایت دیگر آمده: همانا **الله** شادتر می شود به توبه بنده اش هنگامی که به درگاه او توبه می کند، از یکی از شما که در بیابان بر شترش سوار بوده، ناگهان شترش از نزدش فرار کرده، در حالیکه طعام و آبش بر بالای شتر باشد و چون از رسیدن به شترش مایوس و نا امید شده آمده و در سایه درختی غلطیده است در این هنگام ناگهان متوجه می شود که شترش در کنارش ایستاده است و او زمامش را بدست می گیرد و از نهایت شادمانی میگوید: ای خالق متعال! تو بنده منی و من خالق تو ام! و از نهایت شادمانی "الفاظ را اشتباه تلفظ می کند"

1- سوره النساء، آیت: 27..

2- سوره الزمر، آیت: 53..

3- (1) رواه مسلم.

سوال: از این حدیث استفاده می شود چنین سخنی را که انسان در چنین حالات می گوید عفو است و این ضرب المثل برای بهتر فهماندن مطلب و هدایت است بر اینکه انسان همواره نفس خویش را محاسبه نماید.

شروط توبه: توبه دارای یک سلسله از شروطی میباشد که فرد مسلمان باید این شروط را مراعات کند تا توبه اش قبول گردد، این شروط عبارت اند از:

(1) **خاص برای الله ﷻ:** وقتی کسی توبه میکند باید توبه اش فقط بخاطر رضایت الله ﷻ باشد در آن مقصدی دیگری نداشته باشد. مثلاً: ترس از مخلوقی و یا از مرض؛ ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ﴾ (1)

ترجمه: و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه الله ﷻ را بپرستند.

همچنان عمل انسان وابسته به نیت وی میباشد هرگاه ترک یک کار و توبه فقط بخاطر رضایت الله ﷻ باشد، برایش پاداش داده میشود اما اگر کاری را بخاطر کدام مریضی، مثلاً: زنا نمیکند بخاطری که به ایدز مبتلا نشود؛ بناءً پاداش این کار را نمیگیرد.

(2) **ترک فوری گناه:** هرگاه کسی میخواهد توبه کند فوراً به توبه مبادرت می ورزید الله ﷻ

میفرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (2) ترجمه: و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند به یاد الله ﷻ می افتند؛ و برای گناهان خود طلب آمرزش می کنند و کیست جز الله ﷻ که گناهان را ببخشد؟ و بر گناه، اصرار نمی ورزند با اینکه می دانند.

1- سوره البینه، آیت: 5..
2- سوره آل عمران، آیت: 135..

(3) پشیمانی بر گناه: انسان مؤمن زمانی توبه میکند باید از اعمال زشت قبلی خویش پشیمان باشد؛ رسول الله ﷺ برای بی عایشه رضی الله عنها گفت: «یا عائشةُ إِنَّ كُنْتَ أَلَمْتَ بِذَنْبٍ فَاسْتَغْفِرِي اللَّهَ، فَإِنَّ التَّوْبَةَ مِنَ الذَّنْبِ: النَّدَمُ وَالِاسْتِغْفَارُ»⁽¹⁾ ای عایشه! هرگاه به کدام گناهی مبتلا شدی از گناه خود طلب مغفرت کن، زیرا توبه از گناه: پشیمانی و مغفرت است.

(4) وقت و وقت توبه باشد: انسان و عمر انسان یک فرصت بسیار بزرگ است که انسان میتواند تا زمانی که این فرصت را دارد توبه کند، ولی در بعضی اوقاتی است که زمان توبه گذشته و توبه در آنصورت قبول نمیگردد از شرایط توبه است که اول قیامت نشده باشد عن مُعَاوِيَةَ رضی الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَا تَنْقَطِعُ الْهَجْرَةُ حَتَّى تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ، وَلَا تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا»⁽²⁾ وقت سكرات شخص نباشد «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»⁽³⁾ ترجمه: برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید: «الان توبه کردم!» توبه نیست؛ و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می روند؛ اینها کسانی هستند که عذاب درد ناکی برایشان فراهم کرده ایم.

و عن ابن عمر عن النبي ﷺ قال: " إِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُ تَوْبَةَ الْعَبْدِ مَا لَمْ يَغْرُغْ " ^(۴)

ترجمه: الله ﷻ تا قبل از رسیدن روح به حقلوم توبه بنده را می پذیرد

(5) برگشتاندن حقوق مردم: هرگاه کسی توبه میکند و در حق کسی ظلم کرده است، باید حق آنرا ادا کند «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيْنُوا فَاُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»⁽⁵⁾ ترجمه: مگر آنها که توبه و بازگشت کردند و (اعمال بد خود را، با اعمال نیک،) اصلاح نمودند (و آنچه را که آنرا کرده بودند؛ آشکار ساختند؛) من توبه آنها را می پذیرم؛ که من تَوَّاب و رحیمم.

1- رواه الإمام أحمد وصححه الألباني رحمه الله في المسلسلة الصحيحة (1208).

2- رواه أبو داود 2480 ج (1).

3-سورء النساء، آیت: 18..

4- (2) واه الترمذی وقال حسن غریب 36753.

5- سورء البقره، آیت: 160..

(6) **ترک مجالس گناه:** کسی که توبه میکند باید از مجالسی که سبب ارتکاب گناه میشد، فوراً دوری کند.

(7) **ترک وسایل گناه:** در بعضی حالات کسانی هستند که توبه میکنند، ولی موجودیت وسایل گناه سبب استمرار آن گناه و دوباره مبتلا شدن به آن گناه میگردد؛ مثلاً: شخصی موسیقی میشوند سپس از آن توبه میکند، ولی سی دی های موسیقی را نگهداشته است روزی حتیاً شیطان او را وسوسه نموده دوباره به گناه مواجهش میکند.

(8) **نیت ترک همیشگی:** هرگاه کسی توبه میکند در نیت داشته باشد که من این گناه را برای همیشه ترک میکنم.

در حقوق بنده گان علاوه بر شرطهای قبلی راضی ساختن مظلوم نیز میباشد، که بر گردانیدن اموال در حقوق مادی و معذرت خواستن از او در حقوق معنوی اش باشد.

یاد داشت: هرگاه کسی انسانی را غیبت، تهمت، سخن چینی.... نموده و اکنون نمیتواند که برایش بگوید، بناءً شرط دو توبه آن بر علاوه شروط قبلی اینست که نخست برای وی دعای خیر کند و ثانیاً در همان مجالس دوباره او را بخوبی یاد نموده اشتباهات خود را بیان نماید.

اقسام توبه: توبه دو نوع میباشد:

1- **توبه واجب:** توبه واجب توبه از ترک اوامر الهی و انجام ممنوعات شرعی میباشد مثلاً: شخصی یکی از اوامر الهی را مانند نماز، روزه، حج، زکات، دعوت، دفاع از سرزمین اسلامی و غیره را ترک نموده و یا هم یک امر ممنوعی را مرتکب شده است، مثل: رشوت، سود، زنا، شراب و غیره.

بناءً توبه درین حالات بالای هر انسان مکلف واجب است که از رحمت الهی باخبر شده به مجردیکه دانست که این کار مخالفت با احکام و ارشادات الهی است فوراً از رحمت الهی استفاده نموده توبه نماید تا گناهانش بخشوده شود.

2- توبه مستحب: توبهء مستحب توبهء را گویند که کسی را از ترک یک کار مستحب و انجام دادن یک مکروه تنزیهی توبه نماید؛ مثلاً: شخصی بعد از ختم وضو کلمهء شهادت را نخوانده و یا هم بوتهای خویش را با پای راست پوشیده است.

به این اساس کسیکه توبهء واجب را انجام میدهد از جملهء ابرار مقتصدین (نیکوکاران مقتصد) به حساب میاید و کسیکه توبهء واجب و مستحب هر دو را انجام دهد از جملهء السابقین (المقرین) بحساب میاید.

اما کسیکه توبهء واجب را ترک میکند از جملهء (ظالمان) به حساب میاید که ظالمان گاهی کافر و گاهی هم فاسقند. (1)

قصهء آدم عليه السلام و شیطان درسی برای توبه کننده گان و کبر کننده گان:

هرگاه قصهء آدم عليه السلام را با مقارنه با قصهء شیطان مورد مطالعه قرار دهیم درسی مهمی حاصل میگردد و آن اینکه حضرت آدم عليه السلام لغزشی نمود ولی لغزش وی به اساس تکبر و خودخواهی نبود سهوی بود که آدم عليه السلام و حوا عليهما السلام به مجرد دانستن این سهو به الله تعالى رجوع نموده گفتند: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا» (2) ترجمه: «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم.

ولی گناه شیطان لغزش نبود بلکه یک عمل قصدی بود که با تکبر، خودخواهی، اصرار به آن گناه و عدم پشیمانی همراه بود.

درسی که ازین قصه گرفته میشود اینست که هرگاه کسی مبتلا به لغزشی در زنده گی خویش شود و به مجرد دانستن آن فوراً به الله تعالى رجوع نماید و مانند حضرت آدم عليه السلام و بی بی حوا عليهما السلام زبان توبهء و رجوع به بارگاه الهی باز کند، توبهء اش قبول میشود. «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (3)

1- رسالة في التوبة تأليف أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس تحقیق: محمد رشاد رفیق سالم - مصر 22/1.

2- سوره الأعراف، آیت: 23 ..

3- سوره البقره، آیت: 37..

ترجمه: سپس آدم عليه السلام از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آنها توبه کرد.) و الله تعالى توبه او را پذیرفت؛ چرا که الله تعالى توبه‌پذیر و مهربان است.

ولی کسانی که در گناه خود اصرار نموده و یا هم گناه را به تکبر انجام میدهند و پشیمان هم نمیباشند؛ مثال آنان مثل شیطان است که راه توبه را خودش بر روی خود بسته نموده است.

روز سیزدهم رمضان

درس سیزدهم (رمضان ماه مبارزه علیه شرک)

شرک در لغت: شرک به معنای شریک، نصیب، مخالطت، مصاحبت، مشارکت، امتزاج و هم صحبتی میاید. کلمات شرکت و مشارکت هم از همین ریشه گرفته شده است عربها میگویند: (أشركته) یعنی او را شریک گردانیدم. خلیل بن احمد فراهیدی میگوید: شرک مخالطت دو جانب را گویند در وقت خواستگاری میگویند ما خواستیم شما را در دوستی خود شریک نماییم "رغبنا فی شَرِكْکُمْ و صَهْرَکُمْ" همچنان شرک راه هایی کوچکی است که توسط قدمها در یک راه ایجاد شده است برای راه میگویند: "طریق مُشْتَرِکٌ" یعنی راهیکه همه در آن شریک هستند.⁽¹⁾

صاحب تهذیب اللغة میگوید: من از بعضی عربها شنیدم که میگفتند: (فلان شریک فلان إذا تزوج بابتته أو بأخته) فلان شریک فلان شخص است، هنگامیکه با دخترش و یا خواهرش ازدواج نموده باشد او میگوید: خانم شخص شریک او میباشد.⁽²⁾

مولف محیط المحيط میگوید: هرگاه بگوییم: (کسی با الله ﷻ شرک نمود) برای او شریک ساخت، بناءً او را (مشرک) یا (مشرکی) گویند.⁽³⁾

در فرهنگ عمید (شرک) به معنای: کفر، اعتقاد به تعدد معبودان، شریک دانستن برای الله (سبحانه و تعالی) و نیز به معنای نصیب و بهره بیان شده است.⁽⁴⁾

در سوره انعام آمده است: ﴿لَا شَرِيكَ لَهُ﴾⁽⁵⁾ یعنی هیچ کسی در مالکیت، ذات و صفات الله ﷻ با وی شریک نیست.

1- معجم العین تألیف خلیل بن أحمد فراهیدی 427/1.

2- تهذیب اللغة تألیف الازهری الیهروی 316/3.

3- محیط المحيط تألیف بطرس بستانی، بیروت: مکتبه لبنان، 1987م. ص 463.

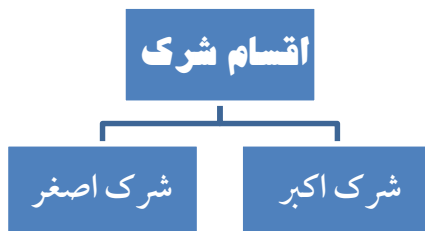
4- فرهنگ عمید تألیف حسن عمید؛ تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ط 6، 1364. ج 2 ص 1311.

5- سوره انعام، آیت: 163..

شرک در اصطلاح: شریک نمودن مخلوقی با الله ﷻ در ذات، صفات، عبادات، افعال و قوانین اش میباشد.

اقسام شرک

شرک به دو بخش تقسیم میگردد، شرک اکبر و شرک اصغر.

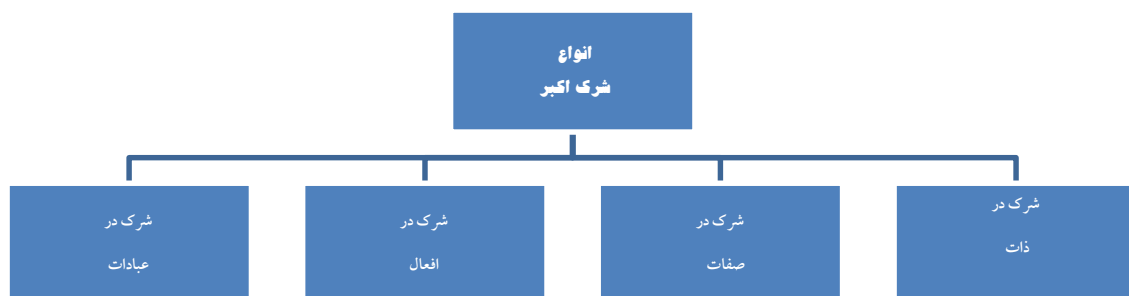


شرک اکبر

1- تعریف شرک اکبر: گرفتن شریک به الله ﷻ در ذات، صفات، افعال، عبادات و قوانین اش می باشد. بناءً شرک ضد توحید میباشد چنانچه کفر ضد ایمان میباشد. ⁽¹⁾

انواع شرک اکبر

شرک اکبر چهارنوع میباشد:



1: شرک در ذات الله ﷻ

الف: کسی را با ذات الله ﷻ شریک ساختن مثل نسبت دادن پسر، دختر، همسر، همتا، مادر، پدر و

1- الإیمان حقیقتہ، خوارمه، نواقضه عند أهل السنة والجماعة تألیف عبد الله بن عبد الحمید الأثری 128/1.

یا هم سایر اقارب و نزدیکان برای الله ﷻ.

ب: نسبت دادن روح به الله ﷻ مثلیکه بعضی از مشرکان عقیده دارند که روح خالق در انسانهاست در حالیکه روح مخلوق است مالک آن الله ﷻ است و در ایت شریف گفته شده است که الله ﷻ این ملک خود را در انسان دمیده است چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (1)

ترجمه: هنگامی که کار آن را به پایان رساندم و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید.

ج: نسبت دادن جسم و اعضای مادی به الله ﷻ. بعضی از مشرکین الله ﷻ را مجسم نموده از او تصویری میسازند و یا به شکل مجسمه خالق را اظهار میدارند.

- بناءً مسیحیان چرا مشرک شده اند بخاطر که حضرت عیسی علیه السلام را پسر الله ﷻ میدانند.

- مشرکان قریش مشرک شدند چرا که ملائکه ها را دخترهای الله ﷻ میدانستند.

2- شرک در صفات الله ﷻ: شرک در صفات اینست که صفات خالق را مثل صفات مخلوق

عقیده نماییم و یا صفات مخلوق را مثل صفات خالق فکر کنیم. مثلاً: علم غیب را که مخصوص الله

ﷻ است به انسان نسبت دادن در حالیکه الله ﷻ میفرماید: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾

(2) ترجمه: به نزد الله ﷻ است کلیدهای غیب و آنرا نمیدانند مگر او.

مشکلات مشرکین در صفات الله ﷻ:

مشکل اول: بعضی از مشرکین جلال و عظمت خالق را در صفاتش فراموش نموده صفات

مخلوق را به خالق نسبت میدهند. مثلاً:

- مشرکین قریش الله ﷻ را دور دانسته برای نزدیک شدن به وی بتها را واسطه ساختند.

- مشرکین یهود صفات بخیلی، پشیمانی، رقابت و غیره را به الله ﷻ نسبت دادند.

1- سوره الحجر، آیت: 29.

2- سوره الانعام، آیت: 59.

- مشرکین قریش صفات مذکر و مونث را که مخصوص مخلوقات است به خالق نسبت دادند.

مشکل دوم: مشرکین صفات خالق را با صفات مخلوق تشبیه مینمایند بناءً فکر میکنند که خالق صفاتی مثل مخلوقات دارد؛ مثلاً: مشرکان فکر میکنند که مخلوق بخاطر ضرورت وسایل میسازد، بناءً سوال میکنند که خالق چی ضرورت داشت که چنان کاری را انجام داد در حالیکه خالق هیچ ضرورتی ندارد و هرگاه خالق ضرورت داشته باشد، خالق نیست.

مشکل سوم: در نامها و صفات الهی توقف ننموده برای خالق نامها و صفاتی را اختراع میکنند که به شان و عظمت وی شایسته نیست، مثلیکه جادوگران نامهایی از خود ساخته مانند: بدوح و غیره نوشته می نمایند و به آن پناه میبرند.

مشکل چهارم: در کیفیت صفات خالق دقیق شده این صفات را مطابق مزاج خود تشریح میکنند.

مشکل پنجم: صفات مخصوص الهی را به مخلوقی نسبت دادن مثلیکه مشرکین نصاری صفات رب، رحمن را به عیسی مسیح دادند و جادوگران و فالبین ها صفات عالم غیب را به مخلوقات میدهند.

3- شرک در افعال (تصرف): مشرکین قریش بدین عقیده بودند که مخلوقات میتوانند در افعالی که مربوط الله ﷻ است تصرف نمایند در نظام جهانی آفتاب، مهتاب و سیاره ها تصرف نمایند و یا اینکه مخلوقی میتواند که به انسان نفع و یا ضرری برساند. مثلاً: اگر فلان درخت را کسی قطع نماید خواهد مرد و یا اگر فلان پرنده را بکشد کور میگردد و اگر به فلان درخت طواف نماید مریضی اش خوب میشود.

بت های شان سمبول های مختلف برای تصرف درین امور بودند؛ مثلاً: عقیده مینمودند که یک بت میتواند که برای انسان جلب منفعت کند و یا هم ضرری را از وی دور بسازد این عقیده نه تنها درین بتها بود بلکه برای بسیاری از حیوانات، پرنده گان، درختان، نباتات، گیاهان و یا اشیای جامد مثل سنگها، مهره ها و غیره نیز چنین عقیده داشتند.

الف- عده از مشرکین درخت مقدسی داشتند و برای آن درخت تعظیم مینمودند و یا هم به

هایی را مقدس می‌شمردند.

ب- بعضی از مشرکین مهره ها و بعضی از دانه ها و غیره را مقدس میدانستند.

دکتر علی شریعتی ادیان قدیم را مورد مطالعه قرار داده میگوید: ((انسانها همواره از مهره گرد و قرمز رنگ و خوشرنگ گرفته که آنرا به اسم فتی شیسیم یاد می‌گردد، از روح جدش گرفته به اسم آنیمیسیم، از اشیاء طبیعی گرفته، از ستاره ها گرفته و از بعضی درختها گرفته از رب الأنواع گرفته از يك تکه سنگ گرفته، همهء اینها را می پرستیده است و مجسمه می ساختند و پرستش میکردند و تمام مدت عمرش را در راه آنها فدا کاری میکردند بلکه خون خودش را به ساده گی نثارانها میکرد.))⁽¹⁾

ج- بعضی از مشرکین شفا بخشیدن را به مخلوق نسبت میدادند در حالیکه زنده نمودن، میراندن، روزی دادن اموری اند که به الله ﷻ تعلق دارد.

4- شرک در عبادات: از دیدگاه قرآن عظیم الشان هر آنچه عبادت است مخصوص الله ﷻ است ولی مشرکین قریش بعضی عبادت ها را برای الله ﷻ و بعضی دیگری را برای بتها که مجسمه های اشخاص صالح و نیک شان بود انجام میدادند مثلاً: برای بتها نذر می گرفتند و به نام آنها قربانی انجام می دادند.

از جمله شرک در عبادت، صلاحیت دادن برای مخلوقی در قانون گذاری حلال، حرام، جایز، نا جایز، خوب و بد نیز می باشد.

مشرکین به طاغوتانی که ادعای قانون گذاری مینمودند، صلاحیت قانون گذاری را میدادند، به همین سبب در قرآن کریم ایمان انسان زمانی مورد قبول واقع میگردد که نخست به این طاغوتان کافر شده سپس به خالق یکتا ایمان بیاورند: ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾⁽²⁾

ترجمه: بنابراین کسی که به طاغوت (بت، شیطان و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به الله ﷻ

1- جهان بینی وایدیولوژی تالیف دکتر علی شریعتی مجموعه آثار (23)، ایران: چاپخانه حیدری، 1382 ص: 44- 45.
2- سوره البقره، آیت: 256..

ایمان آورد به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستن برای آن نیست و الله ﷻ شنوا و داناست.

مؤلف: دلایل امام اعظم ابی حنیفه رحمته الله در عقاید میگوید:

"اله طاغوتی آنرا میگوید که او امر و نواهی کدام رئیس، خان، ملک، سلطان فاجر و فاسق را که

ضد با او امر و نواهی الله ﷻ و رسول الله ﷺ باشد اطاعت کنند." (1)

در زمانه های قدیم چنین رواج داشت که مردم نسبت به احکام الهی رواج ها، عنعنات، فیصله های قومی، تصمیم های خان ها و ملک ها را بهتر و برتر دانسته و فکر میکردند که منفعت ما در همین امور است. مثلاً: الله ﷻ حکمی را درباره کدما موضوعی تعیین مینمود و این حکم صراحت داشت ولی خان، ملک و رئیس آن منطقه مخالف حکم الهی فیصله های دیگری داشت، به عوض اینکه قاتلی که قصداً کسی را کشته است قصاص شود که نص صریح قرآن عظیم الشان چنین میگوید: در مقابل آن بزرگ قبیله فیصله مینمود که دختران به عوضش داده شود و مردم نیز از اوامر این شخص پیروی مینمودند و یا اینکه بعضی از پادشاهان مردم را به اطاعت و عبادت خود امر مینمود و دیگران آنرا پذیرفته مطابق احکام او عمل مینمودند. این انسانهای فرعون صفت طاغوتان عصر خود بشمار میروند؛ زیرا طغیان سرکشی از احکام الهی را میگویند و طاغوتان از احکام الهی سرکشی نموده مطابق نظریات خویش تصمیم میگیرند و مردم را به این نظریات دعوت میکنند.

قرآن کریم فرعون را که سمبول اقتدار در جامعه شرک زده است به عنوان کسی معرفی می کند که خود را معبود خوانده و کسانی را که به او باور دارند و از او اطاعت می کنند چنان معرفی کرده که فرعون را معبود خود گرفته اند فرعون را طاغوت (زمامدار سرکش) و پیروان فرعون را عبدالطاغوت (بندگان طاغوت) می خواند و از دیدگاه قرآن عظیم الشان تا زمانی که انسان طاغوت را نفی نکند و از اطاعت آن عصیان نورزد ایمانش به الله ﷻ و ادعای اعتقادش به توحید قابل قبول نیست چنانچه میفرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ

1- دلایل امام اعظم ابی حنیفه در عقاید تألیف عطاء الله حنفی دیوبندی نقشبندی؛ لاهور: ام ای پرنرتز، 1349 هـ ش، ص 49 - 50.

بِاللهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾

ترجمه: در قبول دین، اگر اهری نیست؛ (زیرا) راه درست از راه انحرافی روشن شده است بنابر این کسی که به طاغوت (بت، شیطان و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به الله ﷻ ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستن برای آن نیست و الله ﷻ شنوا و داناست.

قرآن عظیم الشان یک موضوع دقیق را برای ما بیان میدارد و آن اینکه انسان مؤمن باید ابتدا کافر شود به هر آنچه که غیر الله ﷻ است (طاغوت) و سپس به الله ﷻ ایمان آورد.

نخست این مسلمان باید به طاغوت کافر شود سپس ایمان به پروردگار یگانه آورد چنانچه الله ﷻ فرموده است: ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾ (2)

ترجمه: هر کسی که به طاغوت کافر شد و به الله ﷻ ایمان آورد او ست که به ریسمان محکم تمسک ورزیده است.

در مورد طاغوت مولف فی ظلال القرآن مینویسد: طاغوت صیغه از طغیان (سرکشی) میباشد هر چیزی و کسی را گویند که بر علیه عقل طغیان مینماید و حق را انکار میکند حدودی را که الله ﷻ برای بنده گانش ترسیم نموده است تجاوز میکند، قاعده عقیدتی به وجود الله ﷻ ندارد و قانونی برای شریعتی که الله ﷻ آنرا بیان داشته ندارد و از آنجمله تمامی اسالیب و روش هایست که از منابع غیر الهی گرفته شده است و هر تصور و اندیشه و یا ادبیاتی یا تقلیدی که از الله ﷻ گرفته نشده باشد هر کسی که به تمامی اینها کافر شده و به الله ﷻ ایمان آورده و از او مدد میخواهد اوست که نجات یافته است. (3) از نظر قرآن کریم نفی طاغوت قدم نخستین بسوی توحید است تا طاغوت را نفی نکنی و از آن انکار نهایی شرط نخستین و اساسی توحید را فراهم نکرده ای نفی طاغوت و انکار از آن یعنی اینکه از او داد خواهی نکنی، برای تحاکم و حل و فصل منازعاتت به او رجوع ننمایی، معیارها و ملاک هایش را نپذیری و بکار نگیری و به ضوابط و مقرراتش تن ندهی، با وجود باور به

1- سوره البقره، آیت: 256..

2- سوره البقره، آیت: 256..

3- فی ظلال القرآن تألیف سید قطب 1/271.

طاغوت و داد خواهی از او ادعای ایانت به الله ﷻ دروغ است و در معیار های الهی ارزشی ندارد، قرآن کریم چی قضاوت قاطع و تردید ناپذیری در این رابطه دارد: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ (1)

ترجمه: آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایان آورده اند ولی می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟ با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند اما شیطان می خواهد آنان را گمراه کند و به بیراهه های دور دستی بيفکند.

متأسفانه عده گمان میکنند که شرک فقط اینست که کسی در برابر صنم مرده سر بنده گی خم کند و در پای آن بيفتند و از آن استمداد بجوید ولی اشکالی درین نمی بینند که دریای صنم زنده می افتد و در برابر طاغوت سر بنده گی خم میکند. (2) در عصر امروزی نیز اعتقادات و اندیشه های جدیدی بمیان آمده است که انسان را محور قوانین دانسته و در تشریع و تقنین انسان را اساس قرار میدهد این اندیشه از هر آنچه که الهی است منکر میباشد و تنها انسان را مقنن و مشرع معرفی میدارد پیروی از چنین قوانین و اندیشه خود پیروی از طاغوت است، فقط فرق همینقدر است که فرعون کلاسیک ادعای الوهیت مینمود و مردم را به زور به عبادت خود و قانون خود میگماشت و فرعون معاصر با اسالیب جنگ فکری جدید بشریت را به عبادت خود، قانون خود و برنامه های خود دعوت نموده و بر علیه هر آنچه الهی است مبارزه و ستیزه مینماید.

در ایت دیگری الله ﷻ میفرماید: ﴿وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا﴾ (3)

و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی الله ﷻ باز گشتند.

درین ایه مبارکه مؤمنان حقیقی کسانی را دانسته است که از عبادت طاغوتها اجتناب می ورزند؛

1- سوره النساء، آیت: 60..

2- حقیقت توحید و شرک، ص: 11.

3- سوره الزمر، آیت: 17..

زیرا پیروی از قانون کسی عبادت آن کس شمرده میشود؛ یک قاعدهء اساسی در اسلام اینست که علماً مقنن نیستند بلکه آنان قانونی را که الله ﷻ نازل نموده است برای مردم توضیح، تشریح، تبلیغ و بیان میکنند علماء حق ندارند قانونی مخالف قانونی الهی بسازند.

مثلاً: در قانون حلال و حرام: الله ﷻ گوشت گوسفند را حلال و گوشت خوک را حرام دانسته است، بناءً درین زمینه حتی شخص رسول الله ﷺ حق نداشت که گوشت خوک را حلال بسازد. یکی از اقسام شرک، شرک در اطاعت علماً، گوشه نشینان، رهبران، سلاطین و غیره قانون گذاران در صلاحیت دادن به آنان و پذیرفتن قوانین شان در حلال نمودن محرمات و حرام نمودن حلال میباشد. این نوع شرک در میان پیروان عیسی علیه السلام آغاز شد، آنان گمان میکردند که شرک تنها زمانی میشود که کسی به کسی رکوع و یا سجده نماید در حالیکه صلاحیت حلال و حرام نمودن چیزی را تنها رب العالمین دارد؛ زیرا حتی یک رسول الله نمیتواند چیزی را که الله ﷻ حلال نموده است حرام سازد و یا مثلاً: گوشت خوک را که الله ﷻ حرام نموده است رسول الله آنرا حلال سازد مسیحیان احبار (علماً) و رهبان (زاهدان کسانی که ترک دنیا نموده بودند) را در حلال و حرام سازی پیروی نمودند. ایت شریف در مورد شان میگوید: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمُّرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾⁽¹⁾ ترجمه: آنها می خواهند نور الله ﷻ را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی الله ﷻ جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند هر چند کافران ناخشنود باشند.

در حدیث شریف است که نبی ﷺ این ایت را تلاوت نمود حضرت عدی بن حاتم برایش گفت ای رسول الله ﷺ ما آنها را عبادت نمیکردیم، رسول الله ﷺ برایش گفت: ایا حرامی را که الله ﷻ حرام گفته بود و آنان آنرا حلال مینمودند شما هم حلال نمی شمردید و آنچه را که الله ﷻ حرام نموده بود و آنان حلال میگفتند شما هم حلال نمیگفتید؟ گفت بلی. این کار را میکردیم. نبی کریم

1- سوره التوبة: آیت (31)

ﷺ گفت: پس همین عبادت شان است. (۱)

بناءً رسول الله ﷺ برای آنان فهماند که پیروی از کسی در حلال و حرام سازی در جمله عبادت آن شخص است. به همین قسم هرکسی یک قانون گذاری و یا قانونی را پیروی کند که مخالفت با نصوص قرآنی و سنت نبوی داشته باشد او را معبود خود قرار داده است؛ مثلاً: کسی را در مباح قرار دادن شراب، سودخوری، زنا و فلم های زنا کاری، اختلاط میان نامحرمات، منع تعدد زوجات و غیره پیروی نماید.

ابن کثیر آرای علمادرباره «عُرْوَةُ الْوُثْقَى» را چنین نقل می کند: «عُرْوَةُ الْوُثْقَى»؛ ایمان است.

سدی می گوید: «عُرْوَةُ الْوُثْقَى» اسلام است. سعید بن جبیر و ضحاک می گویند: «عُرْوَةُ الْوُثْقَى» کلمه طیبه لا اله الا الله است.

انس بن مالک می گوید: «عُرْوَةُ الْوُثْقَى» قرآن است. سالم ابن ابی الجعد می گوید: «عُرْوَةُ الْوُثْقَى»

دوست داشتن در راه الله و دشمنی ورزیدن به خاطر اوست. آن گاه ابن کثیر در جمع بندی این آراء

می گوید: «همه این اقوال صحیح است و میان آنها هیچ گونه تعارضی وجود ندارد». (۲)

1 - (روایت ترمذی)

2 - ابن کثیر

روز چهاردهم رمضان

درس چهاردهم (رمضان ماه برگشت صحت و عافیت)

در مورد ارتباط روزه با صحت محترم امین الدین سعیدی (سعید افغانی) (مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره (جرمنی)) تحقیق زیبایی نموده است که در کتاب شان بنام رمضان مبارك و فضایل آن نشر شده است ازینکه این مطلب بسیار جالب بود من خواستم در یکی از درس های رمضان از آن استفاده کنم بناءً موضوع را بدون کدام تغییر نقل نموده ام و برای نگارنده از بارگاه الله عزت وسعادت مندی دنیا و آخرت را استدعا میکنم.

روزه و صحت

طب امروز بعد از چهارده قرن متوجه شد که روزه بسیاری از امراض را تداوی و معالجه مینماید روزه نه تنها بر روح و روان و اخلاق انسان تاثیر میگذارد بلکه موجب زیبایی جسمی انسان هم میگردد طب قدیم هم در زیاتر از اوقات مریضان خویش را به امساك از پر خوری منع نموده و به این امر معتقد بود که تقلیل در پر خوری مانع دفع بسیاری از امراض در وجود انسان میگردد. طب جدید هم بر این امر معتقد است که امساك و روزه در جلوگیری بسیاری از امراض مؤثر است صرف نام آنرا (رژیم غذایی گذاشتند) که ما مسلمانان آنرا به روزه مسمی نموده ایم. دوکتوران روزه را یکی از بهترین عوامل صحتمندی بشری شمرده اند.

نظریات دانشمندان در مورد روزه:

- 1- **پرفیسور دوکتور پوشر دانشمند فرانسوی میگوید:** (روزه بهترین وسیله برای صحت و سلامتی وجود انسان بشمار میرود) روزه برای استراحت معده، روده و منظم کردن ترشحات معدوی و در نهایت برای منظم ساختن هاضمه مفید و مؤثر میباشد. روزه معالجه و تداوی است که از آن فقیر و سرمایه دار بطور مساویانه میتواند استفاده بعمل آورد.
- 2- **داکتر الکسیس کارل میگوید:** (با روزه گرفتن قند در جگر می ریزد و چربیهای که در زیر پوست ذخیره شده اند، پروتین های عضلات و غدد و سلولهای کیسه صفرا، آزاد شده به مصرف تغذیه میرسند).

- 3- **داکتر ژان فروموزان میگوید:** (معالجه با روزه را به شستشوی احشأ تعبیر نموده و میگوید: در آغاز روزه زبان انسان کمی سنگین و بو دار است... که بعد از سه، چهار روز بوی زبان بر طرف میگردد. (اسید آوریك) ادرار کاهش می یابد و در نتیجه برای انسان روزه دار احساس سبکی و خوشی خارق العاده رخ میدهد و همه وجود انسان بسوی استراحت میرود).

4- داکتر تومانیان: میگوید: «فایده بزرگ کم خوری و پرهیز از صرف غذاها، در يك مدت کوتاه، آن است که، چون معده در طول مدت یازده ماه مرتب پر از غذا بوده و در مدت يك ماه روزه داری مواد غذای شکم خود را دفع میکند و همین طور (کیسه صفرا) که برای حل و هضم غذا مجبور است که مواد صفراوی خود را مصرف کند، در مدت سی روز ترشحات صفراوی را صرف در حل و هضم غذای باقی مانده و جمع شده در معده بمصرف میرسند. جهاز هاضمه بدن در نتیجه کم خوری استراحت نموده و به رفع خستگی می پردازد. روزه یعنی کم خوردن و کم نوشیدن در مدت معینی از سال است و این بهترین راه برای سلامتی وجود انسان بشمار میرود هم طب قدیم و هم طب جدید بر اهمیت این امر صحه گذاشته است. روزه برای تداوی امراض جهاز هاضمه، کلیه، کبد (کیسه صفرا) که بسیاری از امراض این بخش را حتی با دواها نمیتوان معالجه کرد، میتوان آنرا به روزه تداوی و معالجه نمود. روزه بهترین معالجه و تداوی برای امراض سوء هاضمه بوده مرض مخصوص کبد (کیسه صفرا) که موجب «یرقان» (زردی) میگردد بهترین معالجه آن همین روزه است بخاطر اینکه این مرض زیادتراً از اوقات به واسطه فعالیت بیش از حد کبد بوجود می آید و موجب خستگی کبد گردیده که به اثر آن کیسه صفراً از فعالیت می افتد و نمی تواند صفراً را از خون بگیرد».

5- داکتر گونسل پا میگوید: تعدادی زیادی از امراض روده که به اثر تخمیر غذا در روده ها بوجود می آید نه به اثر دوا بلکه به اثر روزه بر طرف میگردد.

6- داکتر الکسی سوفورین میگوید: جسم در هنگام روزه به جای غذا از مواد داخلی استفاده کرده و آنرا به مصرف میرساند که در نتیجه آن مواد فاضله و عفونی که در جسم تجمع میکنند و بحیث ریشه و خمیره بیماری مبدل میگردد، با گرفتن روزه از بین رفته و روزه عامل ریشه کن شدن تعدادی زیادی از امراض بشمار میرود. دکتر الکسی سوفورین میگوید: باید انسان جسم خود را با روزه از داخل پاک و نظیف کرداند.

7- داکتر کارلو معتقد است: هر انسان باید در ظرف يك سال مدتی از خوردن غذا زیاد جلوگیری کند؛ زیرا تداوم روزمره غذا موجب تکثر و تولد و در نهایت موجب رشد میکروب ها در وجود انسان میگردد که با احتیاط و کم خوری میکروب ها در وجود انسان روبه ضعف و تقلیل میروند و بهترین معالجه در دفع میکروب ها در وجود انسان همان روزه است که دین اسلام برای سلامتی وجود انسان واجب گردانیده است.

8- داکتر رو میگوید: حتی بسیاری از امراض سفلیس را تنها میتوان با روزه و امساك تداوی کرد.

9- «اوتو بو خنجر» یکتن از محققان مشهور جهان در عرصه طب میگوید: اکثر امراض حاد و مزمن را میتوان با وسیله روزه بهبود بخشید و یا حد اقل از شدت آن کاست وی میگوید: در هنگام روزه جسم انسان همه مواد فاضله را جمع آوری نموده و به احراق آن می پردازد نیروهای نو ساز بدن به هنگام روزه فعال می گردند و به تصفیه و ترمیم بافتهای بدن می پردازد. مدت پنجاه سال از تأسیس «کلینک اوتو بو خنجر» سپری میشود بیشتر از پنجاه هزار انسان در این مرکز صحتی تنها با روزه تداوی و معالجه گردیده اند.

10- داکتر عبد العزیز اسماعیل پاشا دانشمند مشهور میگوید: مصری در حالاتی ذیل برای معالجه از روزه استفاده نموده است:

الف: در مورد اضطرابات مزمن امعاء هنگامی که مقرون با تخمیر مواد زلالیه و مواد نشاسته بی باشد. در این موقع روزه، مخصوصاً از جهت نیاشامیدن آب میان دو خوراك و ایجاد فاصله طولانی نوبت های غذا، علاج قطعی است و این خصوصیت در مورد ماه مبارك رمضان صدق کامل دارد.

ب: هنگام زیاد شدن وزن که به اثر پر خوری و تقلیل حرکت بوجود می آید، روزه با رعایت اعتدال در غذا، افطار و اکتفاً به آب هنگام سحر نسبت به هر معالجه مفید تر و مؤثر تر است.

ج: جلوگیری از مرض شکر.

د: جلوگیری از فشار خون.

هـ: جلوگیری از التهاب حاد و مزمن کلیه ها که مقرون با ترشح و تورم باشد.

و: جلوگیری از امراض قلب که توأم با تورم باشد.

ز: جلوگیری از التهاب ها مزمن مفاصل، بخصوص که توأم با امراض چاقی باشد که اغلباً در بین زنان در سنین چهل سالگی بوجود می آید. تجارب نشان داده است که با گرفتن روزه درجات این مرض نسبت به سایر معالجه های برقی، خونی و استعمال دواها و استعمال تخنيك های پیشرفته طب جدید در وجود انسان تقلیل و تخفیف می یابد.

11- داکتر کارلو میگوید: چون تعداد امراض بیشتر گردیده است مجبور هستم همه انسان ها (اعم از فقیر و غنی) را از تداوی و معالجه که آنرا رسول الله اسلام در جزیره العرب تشریع نموده و بنام روزه آنرا مسمی ساخته است با خبر سازم.

معالجه امراض چشم:

12- داکتر آندر پاسک معتقد است: در صورتیکه انسان، پرابلم ها و ناراحتیهای وخیم در

چشم از جمله

ورم ها، ورم شبکیه، ورم حجره ملتحمه، آب مروارید و آب سبز در چشم مبتلا باشد حتماً باید روزه گیرد.

13- داکتر (آلن مویل) میگوید: روزه دارای چهار فایده اساسی است:

- 1- مانع تجمع مواد سمی در بدن انسان میگردد.
- 2- روزه باعث میگردد که جهاز هاضمه بدن استراحت نسبی یابد.
- 3- به وسیله روزه بدن انرژی خود را صرف دفع سموم در بدن مینماید.
- 4- نیروی حیاتی در بدن انسان تحريك یافته و موجب تقلیل مواد فاضله در بدن میگردد.

فوائد طبی روزه:

اگر نظریات اطباء را در مورد فوایدی روزه بصورت کل جمع بندی نماییم، فواید روزه را از ناحیه طبی بطور ذیل میتوان چنین خلاصه و فورمولبندی نمود:

- 1- جلوگیری از اختلال و مزمن شدن روده ها و بخصوص در هنگامی که فرمانتاسیون و تخمیرات معده و روده، که مریض را دچار درد های شدید می سازد.
 - 2- جلوگیری از چاقی که معمولاً ناشی از پر خوری میشود.
 - 3- جلوگیری از فشار خون.
 - 4- جلوگیری از امراض شکر و قند.
 - 5- تداوی و معالجه امراض چشم (از جمله ورم ها، آب مروارید و آب سبز در چشم).
 - 6- جلوگیری از امراض قلب که توام با تورم باشد.
 - 7- جلوگیری از التهاب های مزمن مفاصل، بخصوص که توام با امراض چاقی باشد.
 - 8- تداوی اکثر امراض حاد و مزمن.
 - 9- تداوی امراض جهاز هاضمه، کلیه، کبد (کیسه صفرا)
 - 10- معالجه و تداوی امراض سؤ هاضمه، مرض مخصوص کبد (کیسه صفرا) که موجب
 - (یرقان) (زردی) میگردد.
 - 11- پاکی نفس و تقلیل جرایم.
- بر اساس تحقیقات بعمل آمده علما بدین باور اند که: امار جرایم، قتل و قتال و نزاع ها در ماه مبارك رمضان در کشور های اسلامی به قوس نزولی خود میرسد.

روزپانزدهم رمضان

درس پانزدهم (اعتکاف سنت رسول الله ﷺ)

به معنای نشستن، مواظبت و حبس میباشد. عربها میگویند: عکفته عن حاجته: او را از حاجتی که داشت مانع شدم المصباح المنیر مادة: (عکف).	اعتکاف در لغت
باقی ماندن در مسجد با شرایط مخصوص آن میباشد	اعتکاف در اصطلاح

شروط وارکان واحکام اعتکاف

اعتکاف چی وقت واجب، چی وقت سنت و چی وقت مستحب میباشد؟	
1- سنت موکد است. اعتکاف سنتی از سنت های رسول الله ﷺ است که انجام دادن آن در آخر رمضان تاکید شده است؛ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْآخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ. (1) ترجمه: عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا همسر گرامی رسول ﷺ می گوید: رسول الله ﷺ تا زمانی که فوت کرد، دهه آخر رمضان را به اعتکاف می نشست سپس بعد از او همسرانش نیز معتکف می شدند.	2- مستحب است. در سایر اوقات سال.

1- رواه البخاري.

3- واجب است. 1- اگر کسی نذر نمود که در فلان وقت اعتکاف میکنم بالایش لازم میگردد. «مَنْ نَذَرَ أَنْ يَطِيعَ اللَّهَ فَلْيَطِعهُ» (1) 2- وقتی کسی اعتکاف را شروع نمود.	
---	--

باقیانندن در مسجد (شب و روز در مسجد بودن).	رکن اعتکاف:
1- اعتکاف کننده. 2- نیت. 3- مکان اعتکاف (مسجد).	شروط اعتکاف:
✓ مسلمان باشد. ✓ عاقل باشد. ✓ عقل داشته باشد، بنأ اعتکاف دیوان، نشه، بی هوش و طفل نمیتوان درست نمیشود. ✓ زن در حالت حیض و نفاس نباشد. ✓ پاکی از جنابت باشد، زیرا باقیانندن جنب در مسجد جایز نیست.	شروط اعتکاف کننده:
مکان اعتکاف برای مردان مسجد میباشد. اما در قسم مکان اعتکاف زنان اختلاف نزد فقهاست: 1- جمهور فقهاء میگویند که برای زن هم مسجد است. 2- فقهای احناف برای زن اعتکاف در منزل را اجازه میدهند؛ زیرا	مکان اعتکاف:

نماز خانمها در منازل شان میباشد و هر گاه زن در مسجد اعتکاف کند به نظر شان کراهت تنزیهی جواز دارد.	
1- همبستر شدن: ﴿وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ﴾⁽¹⁾ و همچنان انسان را بطرف همبستری میکشانند مثل بوسیدن، ولس نمودن همسر. 2- خارج شدن از مسجد: هر گاه معتکف از مسجد خارج شود، اعتکاف مگر خارج شدن از مسجد به عذر شرعی باشد مانند: الف: برای رفع حاجت (بول و غائط و غسل جنابت) همچنان برای قی نمودن و نمودن نجاست از بدن. ب: برای خوردن و نوشیدن در صورتیکه کسی نباشد که برایش غذا و آب بیاورد اگر کسی بود میشکنند. ج: خارج شدن برای نماز جمعه. 3- دیوانگی 4- حیض و نفاس.	فاسده کننده های اعتکاف:
1- سخنان بی جا گفتن. 2- خاموشی: در صورتیکه معتکف فکر کند عبادت است بعضی اشخاص اعتکاف بالکل سخن نمیگویند و فکر میکنند که این کار جزء عبادت اعتکاف است حالیکه چنین نیست.	مکروهات اعتکاف

برای معتکف در داخل مسجد امور ذیل مباح است: 1- خوردن 2- نوشیدن. 3- خوابیدن. 4- خرید و فروش در وقت ضرورت. 5- نکاح و رجعت در صورت ضرورت.	چیزهای مباح برای معتکف
1- به تلاوت قرآن کریم مشغول شدن. 2- به ذکر و دعا مشغول بودن. 3- به خواندن نوافل مشغول بودن. 4- تطبیق تقسیم اوقات 24 ساعته رسول الله ﷺ. 5- از سخنان بیهوده اجتناب کردن. 6- در غیر رمضان برای معتکف مستحب است که روزه باشد. 7- در مسجد جامع باشد تا اینکه برای شرکت در نماز جمعه از مسجد بیرون 8- از خوردن حرام و اسراف و تبذیر اجتناب کند. 9- از ریا کاری اجتناب کند.	آداب اعتکاف

روز شانزدهم رمضان

درس شانزدهم (تراویح)

تراویح جمع ترویحه، یعنی راحت و اسراحت برای نفس میباشد ترویحه در اصل نام مطلق نشستن را گویند و نشستی که بعد از چهار رکعت در نماز های تراویح میباشد بنام ترویحه یاد شده؛ زیرا در آن کمی استراحت صورت میگیرد.	تراویح در لغت
نماز هایی که بعد از فرض خفتن در شبهای رمضان خوانده میشود.	تراویح در اصطلاح

شروط و ارکان واحکام تراویح

دلایل سنت بودن تراویح چیست؟	
رسول الله ﷺ میفرماید: عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رضی الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَلَّى ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي الْمَسْجِدِ فَصَلَّى بِصَلَاتِهِ نَاسٌ ثُمَّ صَلَّى مِنَ الْقَابِلَةِ فَكَثُرَ النَّاسُ ثُمَّ اجْتَمَعُوا مِنَ اللَّيْلَةِ الثَّلَاثَةِ أَوِ الرَّابِعَةِ فَلَمْ يَخْرُجْ إِلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ قَدْ رَأَيْتُ الَّذِي صَنَعْتُمْ وَلَمْ يَمْنَعْنِي مِنَ الْخُرُوجِ إِلَيْكُمْ إِلَّا أَنِّي خَشِيتُ أَنْ تُفَرِّضَ عَلَيْكُمْ وَذَلِكَ فِي رَمَضَانَ. (1) ترجمه: بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها در باره اینکه رسول الله ﷺ	1- دلایل از سنت رسول الله ﷺ:

نیمه شب به مسجد رفت و در آنجا نماز خواند و مردم نیز پشت سر آنحضرت ﷺ نماز خواندند سپس شب بعدی را نماز خواند و مردم با وی نماز خواندند در شب سومی مردم جمع شدند ولی رسول الله ﷺ خارج نشد وقتی صبح شد برای مردم گفت: من آنچه شما کردید، دیدم ولی آنچه مانع بر آمدنم شد، این بود که ترسیدم که بالای شما فرض نشود و این در ماه مبارک رمضان بود.	
خلفای راشدین از زمان عمر رضی الله عنه به نماز تراویح مواظبت نمودند. بناءً نماز تراویح به اجماع مسلمانان یک سنت است.	2- دلیل از اجماع صحابه کرام:
تمامی فقهای اسلام (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) به سنت بودن آن بالای زنان و مردان اتفاق نموده و آنرا از علامات دین میدانند. الاختیار 1 • 68، رد المحتار 1 • 472، العدوی علی کفایة الطالب 1 • 352، 2 • 321، الإقناع للشربینی 1 • 107، المجموع 4 • 31، مطالب أولى النهی 1 • 563.	3- اتفاق علمای اسلام به سنت بودن تراویح:
اصلاً نماز تراویح سنت رسول الله ﷺ میباشد؛ زیرا در حدیث صحیح البخاری خواندیم که رسول الله ﷺ در شب رمضان چند شب تراویح خواند و مردم با جماعت در عقب وی اقتدا کردند ولی بخاطریکه بالای مردم فرض نشود و یا مردم آنرا واجب فکر نکنند در شبهای بعدی که مردم منتظر بودند که رسول الله ﷺ بیاید و به ایشان تراویح را جماعت بدهد رسول الله ﷺ از اتاق خود خارج نشد و صبح هم دلیل آنرا بیان داشت. بناءً از حدیث شریف چند نقطه استنباط شد:	نقش عمر رضی الله عنه در نماز تراویح چی بود؟

1- رسول الله ﷺ تراویح را خوانده بناءً تراویح سنت رسول الله ﷺ بوده است.

2- رسول الله ﷺ نماز تراویح را در جماعت ادا نموده و صحابه کرام رضی الله عنهم نیز ادا نمودند خواندن تراویح در جماعت نیز روش و سنت رسول الله ﷺ میباشد.

3- نماز تراویح سنت است؛ زیرا رسول الله ﷺ بخاطر واجب نشدن بالای مردم، آنرا ترک گفت.

اینکه عمر رضی الله عنه چی کرد: درین حدیث شریف تفصیل آن آمده است: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ الْقَارِي أَنَّهُ قَالَ خَرَجْتُ مَعَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا لَيْلَةً فِي رَمَضَانَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَإِذَا النَّاسُ أَوْزَاعٌ مُتَفَرِّقُونَ يَصَلِّي الرَّجُلُ لِنَفْسِهِ وَيَصَلِّي الرَّجُلُ فَيَصَلِّي بِصَلَاتِهِ الرَّهْطُ فَقَالَ عُمَرُ إِنِّي أَرَى لَوْ جُمِعَتْ هَؤُلَاءِ عَلَى قَارِيٍّ وَاحِدٍ لَكَانَ أَمْثَلُ ثُمَّ عَزَمَ فَجَمَعَهُمْ عَلَى أَبِي بِنِ كَعْبٍ ثُمَّ خَرَجْتُ مَعَهُ لَيْلَةً أُخْرَى وَالنَّاسُ يَصَلُّونَ بِصَلَاةِ قَارِيَّتِهِمْ قَالَ عُمَرُ نِعَمَ الْبِدْعَةُ هَذِهِ وَالَّتِي يَنَامُونَ عَنْهَا أَفْضَلُ مِنَ الَّتِي يَقُومُونَ يَرِيدُ آخِرَ اللَّيْلِ وَكَانَ النَّاسُ يَقُومُونَ أَوَّلَهُ. (1)

ترجمه: عبدالرحمن بن عبدالقاری میگوید که: به همراهی عمر بن الخطاب رضی الله عنهما شبی در رمضان به مسجد رفتیم مردم به شکل پراکنده نماز میخواندند، کسی به تنهایی میخواند و کسی هم با تعدادی دیگری، عمر رضی الله عنه گفت: من فکر میکنم که اگر همه اینها بر یک قاری جمع شوند، سپس تصمیم گرفت و همه را به امامت ابی بن کعب جمع نمود سپس همراهی او شب دیگری خارج شدیم دیدیم

که همه به عقب یک شخص جمع شده اند عمر رضی الله عنه گفت: بهتر نو آوری است و آنچه را که در آن خواب میشوید بهتر است از آنچه که قیام میکنید منظور آخر شب بود مردم آغاز شب را قیام مینمودند و آخر شب را خواب میکردند.

ازین حدیث که صحیح البخاری آنرا روایت نموده است استنباط میشود که:

1- مردم در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و ابوبکر صدیق نماز تراویح میخواندند هم به شکل جماعت و هم به شکل منفردانه.

2- ازینکه مردم هم به جماعت و هم منفردانه میخواندند، ثابت میشود که آنان به سنت بودن تراویح همه اتفاق داشتند.

3- حضرت عمر رضی الله عنه خواست تمامی آنها را در عقب یک امام تنظیم کند؛ زیرا کسانی که جماعت میخواندند باقیانده منفردانه میخواندند برتریت در جماعت بوده است.

4- حضرت عمر رضی الله عنه از جملهء صحابهء بود که در فهم دین و فقیه بودن او شکی وجود ندارد او از جملهء فقهای صحابه است.

5- آنچه را صحابهء کرام رضی الله عنهم میدانستند که تربیه یافتگان و شاگردان مکتب نبوت بودند فهم شان نسبت به فهم ما بهتر است.

6- هنگامیکه حضرت عمر رضی الله عنه چنین پیشنهادی را نمود، هیچ کسی از صحابهء کرام رضی الله عنهم بروی اعتراضی نکردند این به این معنی است که همه با آنچه عمر رضی الله عنه در مورد تراویح فهمیده بود، فهمیده بودند و اتفاق داشتند.

7- اینکه حضرت عمر رضی الله عنه گفته است که نعمت البدعة

منظورش بدعت یا نو آوری لفظی است و در زنده ساختن یک سنت میتوان گفت که نو آوری بسیاری خوبی است مثلاً: درین اوقات مردم سنت نامگذاری اسلامی را زنده نموده اند بسیاری از مردم سنت عقیقه را زنده میکنند که متأسفانه بسیاری از سنت ها در کشور ما فراموش شده است.

روز هفتم رمضان

درس هفتم (نزول قرآن کریم)

ماه مبارک رمضان ماه نزول قرآن عظیم الشأن است بزرگترین تحفه الهی برای هدایت بشریت درین ماه نازل گردیده است. الله ﷻ میفرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (۱)

ترجمه: (روزه، در چند روز محدود) ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن کریم، برای راهنمایی مردم، نشانه‌های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد! و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد! الله ﷻ، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را! هدف این است که این روزها را تکمیل کنید؛ و الله ﷻ را بر اینکه شما را هدایت کرده بزرگ بشمرید باشد که شکرگزاری کنید.

علامه ابن کثیر رحمته الله در تفسیر ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ (۲) میگوید: الله ﷻ ماه مبارک رمضان را نسبت به سایر ماه‌ها توصیف نموده است؛ زیرا قرآن عظیم الشأن درین ماه نازل شده است و همچنانکه این ماه برای نزول قرآن کریم اختیار شده برای نزول سایر کتابهای الهی نیز اختیار شده است ولی فرق صرف همین است که صحیفه‌های تورات، زبور و انجیل يك مرتبه نازل

1 - سوره البقرة، آیت: (185)

2 - سوره البقرة، آیت: (185)

شده ولی قرآن عظیم الشأن در ماه مبارك رمضان بصورت كامل در بيت العزه در آسمان دنيا نازل گردیده که این شب نزول شب قدر در ماه مبارك رمضان بود الله ﷻ میفرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾⁽¹⁾ ترجمه: ما آن (قرآن کریم) را در شب قدر نازل کردیم! و فرموده: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ﴾⁽²⁾ ترجمه: که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم.

سپس در مدت بیست و سه سالگی به شکل متفرق مطابق واقعات بالای پیغمبر ﷺ نازل شده است.

قرآن کریم بحری است برای همه: در عصر امروزی بعضی ها سوال میکنند که قرآن کریم چگونه کتابی است ایا کتاب طب است، یا فلسفه، یا هم قصه، داستان، یا هم ادبیات و هنر؟ اینرا باید همه بدانند که قرآن کریم کتابی مانند کتابهای انسانها نیست بلکه کلام الله ﷻ است که اسلوب و طریقه اش با کتابهای علوم انسانی کاملاً فرق دارد و باید هم فرق داشته باشد؛ زیرا کتاب خالق و مخلوق باید بین هم فرقی داشته باشند. اکنون زمانی ما به بحری داخل میشویم هرکسی مطابق مسلک و فهم خویش از بحر استفاده میکند؛ مثلاً: ماهیگیر ماهی میگیرد و گوهرشناس به بحر غوطه میزند تا دانه های قیمتی را بدست آورد شناور فقط شنا میکند و کشتی ران مسافرینش را به سرحد منزل میرساند و به این شکل هر کسی توشه اش را از بحر مطابق مسلک و دانشش کسب مینماید.

قرآن عظیم الشأن بحری بیکرانی است که برای هر دردی دوا دارد؛ زیرا این کتاب برای رهنمایی همه است و به این اساس هرکسی که قرآن عظیم الشأن را با تخصص و علم خویش مطالعه نماید مطابق مسلک برایش سخن میگوید فلسفه دانان در صورتیکه تعصب نداشته باشند و برای جستجوی حقیقت این کتاب را مطالعه کنند دواي خویش را در آن میابند طیبیان، جامعه شناسان،

1- سوره القدر، آیت: 1..

2- سوره الدخان، آیت: 2..

روانشناسان، فضانوردان، ادیبان، ژورنالیستان، سیاستمداران، اقتصاد دانان، زراعت شناسان، فارمستستان، تاریخ نویسان و هنرمندان همه و همه در صورت مطالعه دقیق و عمیق قرآن کریم بالاخره پی برده اند که این کلام الهی هر کدام را مطابق مسلک و پیشه اش مخاطب قرار داده و حقیقت هایی را بیان داشته است که شاید دیگران از درک آن عاجز شده باند.

قرآن عظیم الشأن کتاب هدایت: نقطه مهمی را که باید در نظر داشته باشیم اینست که قرآن عظیم الشأن کتاب کدام تخصص خاصی نیست و آنرا نباید با کتابهای انسانها مقایسه نمود؛ زیرا شرک در صفات الله ﷻ اینست که صفت مخلوقی را با صفت خالق یکسان بدانیم، بناءً این هم شرک در قرآن کریم است که قرآن کریم را با کتاب مخلوقی مشابه فکر نماییم قرآن عظیم الشأن برای هر کسی مطابق استعدادش سخن میگوید نه به این علت که کتاب در رشته خاصی باشد این سخن غلط است که قرآن کریم کتاب انجنیری است و آنرا باید به یک مسلک انجنیری ارتباط بدهیم بلکه میگوییم که قرآن کریم دلایلی دارد که انجنیران غیر متعصب را قناعت میدهد که این کلام کلام الله ﷻ است. ما گفته نمیتوانیم که قرآن کریم کتاب ساینس است بلکه حقیقت های ساینسی در قرآن عظیم الشأن وجود دارد که با خواندن آن یک دانشمند ساینس عقیده میکند که این حقیقت های ساینسی در قرن بیستم کشف شده است و قرآن کریم آنرا چهارده قرن قبل بیان داشته است بناءً این امر سبب هدایت وی میشود.

به این شکل قرآن عظیم الشأن هرکسی را مطابق رشته و تخصصش خطاب مینماید و برایش دلایلی میدهد که قرآن کریم را قبول نماید الله ﷻ قرآن کریم را برای هدایت بشر از زمان بعثت حضرت محمد ﷺ تا روز قیامت تعیین نموده است قرآن کریم که در زمان بعثت حضرت محمد ﷺ عربها را به بلاغت، فصاحت، اسلوب معجز خویش تسلیم نمود اکنون که اکثریت مسلمانان جهان غیرعرب هستند و آن ملکه قوی زبانشناسی و فصاحت در عربها نیز بشکلیکه در زمان جاهلیت بود نیست چگونه قرآن کریم میتواند که معجزه عصر ما نیز باشد ایا قرآن کریم میتواند مردم عصرامروزی را با پیشرفت های علمی در مجالات مختلف هدایت نماید و ایا قرآن کریم جوابگوی این

همه دانشمندان خواهد بود آیا میتواند سوالات آنان را به شکل عصری و مدرن جوابگو باشد؟ و اگر جواب مثبت باشد چه دلیلی در زمینه داریم؟ در پاسخ این همه سوالات باید عرض نمود که قرآن کریم کتاب الهی است و این کتاب الهی ساخته بشر نیست که علم او منحصر عصر و زمانه اش باشد اگر گفته محمد ﷺ میبود حتماً سطح دانش قرآن کریم مطابق مستوای آنروزی میبود و ازینکه قرآن کریم کلام خالق بشر است و علم خالق بشر بر همه اشیاء محیط است بناءً حقایق قرآنی همیشه ثابت و روشن بوده و برای هر کس مطابق علم و دانشش تا روز قیامت جوابگو میباشد الله ﷻ در عصر قدیم قرآن کریم را در جزیره عرب نازل نمود و در عصر حاضر بزرگترین معجزه عصر (نفت) را نیز در جزیره عرب خلق نموده است این بزرگترین دلیل به شناخت الله ﷻ میباشد که بشر قبل ازینکه به وسایل تکنولوژی دست یابند در زیر زمین ضرورت اساسی (مواد سوخت) این وسایل تکنولوژی را الله ﷻ خلق نمود تا مسلمانان از همه اولتر حقایق قرآنی را کشف نموده با تطبیق حکم الله ﷻ در زمین به اختراع وسایل مورد ضرورات دست یابند و هرگاه نیازی به مواد سوخت داشته باشند در زیر زمین آنرا کشف نمایند و همچنانکه در ساحه معنویت پیشتاز جهان شدند و کعبه شریف مرکز نور بود در عصر مادیت نیز پیشتاز همه باشند و کعبه مشرفه نور بخش آنان باشد، ولی مشکل درین بود که مسلمانان در عصور اول با تطبیق احکام الهی مدنیت بزرگ اسلام را تشکیل دادند و میتوانستند که در عصر حاضر نیز همان مدنیت خویش را حفظ نمایند و از ذخایر زیر زمینی خویش برای پیشرفت بخش مادی این مدنیت استفاده نمایند همانگونه که دین مقدس اسلام را در عصور قدیم برای بشریت رساندند و مدنیت های اسلامی را در شرق و غرب تشکیل دادند و مردم را از عبادت انسان به عبادت خالق انسانها دعوت نمودند در عصر حاضر نیز با استفاده از ین وسایل بتواند بشریت را از درد و رنج زنده گی نجات داده آنانرا صاحب مادیت و معنویت سازند؛ زیرا (مادیت، معنویت و اسلام) میشود تنها مادیت نمیتواند انسان را کامل سازد و او را به خوشبختی ها برساند و همچنان تنها معنویت بعضی از ادیان دست ساخته بشر نیز نمیتواند پاسخگوی تمامی ضرورات انسان باشد، ولی اساسات گسترده اسلامی که شامل تمامی ابعاد زنده گی بشر است

میتواند، خوشبختی انسان را حفظ نماید و روی همین علت مسلمانان این دعای قرآنی را همیشه میخوانند و در ساحه عملی نیز تطبیق مینمایند: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^(۱) ترجمه: پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن! و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!

الله ﷻ از آغاز خلقت انسان برای بشریت دلایلی برای شناخت الله ﷻ بیان داشته است و برای اینکه انسانها بتوانند به وجود الله ﷻ ایمان داشته باشند دلایل زیادی را برای انسان در وجود خود انسان خلق نموده است که ما در درس های قبلی در مورد دلایل فطری و عقلی به وجود الله ﷻ بحثی داشتیم برای اینکه این انسان در شناخت الله ﷻ اشتباهی نکند الله ﷻ برای انسانها کتابهایی را فرستاده که عبارت از 100 صحیفه و چهار کتب بزرگ آسمانی میباشد، که هرکتابی مطابق ضرورت انسانها با معجزات و رسول الله انی تایید شده اند. ازینکه انسانها در طول تاریخ با گذشت زمان عقاید حقیقی را به خرافات مبدل مینمایند و بعضی انسانهای خود خواه حتی در دین و کتاب الله ﷻ دست میزنند و در کتابهای آسمانی گذشته بعد از فوت نمودن پیامبران ﷺ همین انسانها تصرفاتی نمودند.

الله ﷻ به اساس رحمت خویش آخرین کتاب آسمانی را فرستاد درین کتاب هزاران دلیل و برهان به توحید الله ﷻ دین الله ﷻ، ایمان به پیامبران ﷺ، ایمان به روز قیامت، ایمان به ملایکه ها و غیره مسایل بصورت مفصلاً بیان شده است که انسان با دانش مجرد مطالعه آن به حقایق قرآنی پی برده و به آن ایمان میآورد و کسانی که داری تعصب و خود خواهی هستند ازین نعمت محرور میشوند.

سعدی میگوید:

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در دشت لاله روید و در شوره زار خس

برای اینکه همین انسانها به اساس گذشت زمان و تعصبات مختلفی که دامنگیر انسانهای گمراه و حتی انسانهایی که خود را متدین میدانند میشود الله ﷻ آخرین کتاب خود را حفظ نموده و خودش

1- سوره البقره، آیت: 201 ..

ضمانت حفظ قرآن کریم را تا روز قیامت نموده است. ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (1)
ترجمه: ما قرآن کریم را فرستاده ایم و ما آنرا حفظ میکنیم.

روز هفدهم رمضان

درس هفدهم (حقوق قرآن عظیم الشان)

بالای هر مسلمان لازم است که در نخست بدانند که قرآن عظیم الشان بالای وی چند حق دارد بناءً درین بحث حقوق قرار را قرار ذیل تشریح میکنم:

حق اول (حق ایمان): قرآن عظیم الشان بالای هر انسان حق دارد که به آن ایمان بیاورد به این عقیده باشد که قرآن کریم گفته های الله ﷻ است و هرگاه به قرآن کریم ایمان داشت تمامی اعتقادات، اخلاق و اعمال خود را از قرآن عظیم الشان بگیرد.

اکنون هر کسی ادعا میکند که او به قرآن کریم ایمان دارد ولی ایا ثابت میتواند که او به آنچه در قرآن کریم است ایمان دارد؟ بسا اشخاصی هستند که تنها به زبان و به نام به قرآن عظیم الشان ایمان دارند ولی هرگاه ایمان، اعمال، اخلاق و سایر عملکرد های آنان با قرآن کریم مقایسه گردد معلوم میشود ادعایش دروغ است. مثلاً:

1- در نخستین صفحه قرآن کریم میخواند که ﴿أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ پناه میبرم به الله ﷻ از شر شیطان رانده شده.

این شخص ایا حقیقتاً به الله ﷻ پناه برده است، در بسا حالات اشخاصی هستند که به جنها پناه میبرند کسانیکه به نزد جادو گران رفته و آنان برای شان در تعویذ های شان نامها جنها را نوشته، ایا این اشخاص پناه به الله برده اند؟ کسانی هستند که در هنگام مشکلات به غیر الله رجوع میکنند ایا آنان به الله ﷻ پناه برده اند؟ وامر الله ﷻ را دانسته اند که برای شان امر میکند که ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾⁽¹⁾ ترجمه: بگو: پناه می برم به پروردگار مردم.

1- سورة الناس آیت: 1..

2- قرآن عظیم الشان کتاب کامل الهی است که در آن تمامی نظام های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، دنیوی و اخروی موجود است ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾⁽¹⁾ ترجمه: امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

کسانی هستند که با وجود داشتن نام و تذکره اسلامی از نظام اقتصادی و یا نظام سیاسی اسلام منکرند و میگویند که در اسلام نظام اقتصادی و سیاسی وجود ندارد آیا این اشخاص به کامل بودن دین اسلام که قرآن کریم به آن شهادت میدهند ایمان دارند؟ و یا قرآن کریم را به شکل کامل آن پذیرفته اند؟

3- کسانی هستند که در دعواهای شان به عوض حکم قرآن کریم فیصله های قومی را ترجیح میدهند. مثلاً: قرآن عظیم الشان برای قاتل جزای قصاص را تعیین نموده است ولی این شخص یا اشخاص به عوض قصاص بد دادن و بد گرفتن را ترجیح میدهد آیا این شخص به ایت قصاص ایمان دارد؟

4- کسانی که در معاملات زنده گی خویش به بانگهای سود خور علاقمندی داشته و برنامه های آنان را با اسلام مخالف نمیدانند در حالیکه در قرآن کریم سود را جنگ با الله ﷻ دانسته است آیا این شخص به قرآن کریم ایمان دارد؟

5- در قرآن عظیم الشان مهر یک امر مشروع است که شوهر برای خانمش در هنگام عقد نکاح تعیین نموده مطابق رضایت جانبین فقط حق خانم میباشد، ولی این اشخاص ولور (طویانه) را جاگزین مهر نموده اند، آیا این اشخاص به قرآن کریم ایمان دارند؟

6- قرآن عظیم الشان پیروی از رسول الله اسلام را اساس محبت با الله ﷻ میداند؟ ولی کسانی هستند که رواج، عادات و عنعنات وطنی خویش را اساس قرار میدهند. مثلاً: در هنگام ازدواج،

1- سوره آل عمران، آیت: 3...

مجالس غم عنعنات را نسبت به روش رسول الله ﷺ ترجیح میدهند، ایا آنان به امر قرآن عظیم الشأن عمل نموده اند؟

7- اکنون در روایت های تاریخی و بعضی از احادیث ساختگی و دروغین و سخنانی وجود دارد که در آن توهین مستقیم به ملائکه ها، پیامبران ﷺ، صحابه کرام رضی الله عنهم، ازواج مطهرات رسول الله ﷺ و آل بیت رسول گرامی اسلام و حتی نسبت صفات زشت به ذات ذو الجلال نوشته شده است در حالیکه در قرآن عظیم الشأن صفات پروردگار با بسیار بزرگی و عظمت بیان شده است، پیامبران ﷺ شخصیت های برگزیده الهی بیان شده است ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾⁽¹⁾ ترجمه: الله ﷻ، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. رضایت الله از صحابه کرام ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾⁽²⁾

ترجمه: پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند الله ﷻ از آنها خشنود گشت و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ! و عملکرد های آنان تصریح داده شده است، ازواج مطهرات رسول گرامی اسلامی من حیث مادران مؤمنان ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾⁽³⁾ ترجمه: رسول الله نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آنها (مؤمنان) محسوب می شوند.

پاکی و طهارت آل بیت به صراحت بیان شده است: ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾⁽⁴⁾

1- سوره، آل عمران، آیت: 33..
2- سوره التوبه، آیت: 100..
3- سوره الاحزاب، آیت: 6..
4- سوره الاحزاب، آیت: 33..

ترجمه: الله ﷻ فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. اکنون اشخاصی که مخالف این آیات عقیده دارند و روایات را نسبت به نصوص قرآنی ترجیح میدهند آیا آنها به قرآن کریم ایمان دارند و یا به روایت ها و قصه ها؟

بناءً حق قرآن کریم بر هر مسلمان یکتا پرست است که عقیده و اندیشه خود را با آیات قرآنی مقایسه نموده و با اینهء قرآن کریم خوبی ها و زشتی های عمل و اندیشهء خود را ارزیابی نموده از اشتباهات خویش مخلصانه و زدودن هر نوع تعصب به بارگاه خالق یکتا توبه نماید.

الله ﷻ همه ما را توفیق عملکرد به قرآن کریم نصیب نماید (آمین)

حق دوم (حق باور به قرآن): قرآن حق دارد که ما به آن باور داشته باشیم، باور به قرآن عظیم الشأن اینست که تمامی قوانین قرآنی را از دل و جان پذیرفته و آنرا تطبیق نماییم کسانیکه خود را مسلمان میدانند ولی به نظامهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره نظامهای قرآنی باور ندارند، حق قرآن عظیم الشأن را ندانسته اند.

اکنون کسانی هستند که به رواج های خویش بیشتر ارزش میدهند؛ زیرا آنان به این باور اند که رواج های آنان سبب سعادت آنان میگردد و اگر به احکام قرآن کریم باور میداشتند حتماً هر رواج و عنعنات را که مخالف با قرآن بود فراموش مینمودند.

حق سوم (حق دانستن قرآن کریم): بالای هر مسلمان لازم است که مفاهیم قرآنی را خوب بداند و هنگامیکه انسان قرآن عظیم الشأن را فهمد او بخوبی میتواند مطابق ارشادات قرآنی عمل نماید و کسی قرآن عظیم الشأن را خوب میداند که به قرآن کریم وقت بدهد قرآن کریم و رسول گرامی اسلام در روز قیامت شکایت میکنند که ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا قرآن کریم مَهْجُورًا﴾⁽¹⁾ ترجمه: و رسول الله گفت پروردگارا قوم من این قرآن را رها کردند.

1- سوره الفرقان، آیت: 30..

حق چهارم (حق تطبیق قوانین قرآن کریم): حق قرآن کریم هنگامی ادا میگردد که قوانین قرآنی تطبیق گردد، الله ﷻ میفرماید: ﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (۱) ترجمه: مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن الله (سبحانه و تعالی) ست؛ درین ایه مبارکه الله ﷻ بیان داشته است که پادشاهی زمین و آسمان ویژه ای ذات الله ﷻ است بناءً چطور امکان دارد که پادشاهی الله ﷻ بر تمامی موجودات زمین و آسمان قایم باشد و تنها انسانها استثناء قرار گیرند؟ ایا انسانها جزء اساسی کاینات را تشکیل نمیدهند؟ البته که انسانها در صف مقدم قرار داشته اند و حکم الله ﷻ بدون شك متوجه آنان است. ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (۲)

ترجمه: (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی (نماینده‌ای) قرار خواهم داد.

تعیین خلیفه در زمین بدین معناست که این انسان احکام الهی را به نیابت از الله ﷻ در روی زمین تطبیق نماید و این احکام الهی با استناد آیات قرآنی در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تربیوی، اداری و فامیلی مرعی الاجراء میباشد.

ج: حاکمیت بجزء الله ﷻ شایسته کسی دیگری نیست و این حاکمیت الهی وقتی تطبیق میگردد که احکام الهی در سایر بخش های حیات بشر مورد تطبیق قرار گیرد و اگر کسی بگوید که من نیاز را برای الله ﷻ میخوانم و در مسایل اقتصاد و سیاست مطابق اندیشه خود عمل مینمایم در حقیقت دو وجیهه الهی را که بخش سیاسی و اقتصادی دین مقدس اسلام است فراموش نموده است.

و این هم معقول نیست که در سایر مناقشات و موضوعات حقوقی و قضایی تنها از فکر و نظر خویش کار گرفته احکام الهی را در زمینه مراعات ننماییم الله ﷻ خطاب به رسول الله ﷺ میفرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا فِيهَا شَجَرٌ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (۳)

۱- سوره الفتح، آیت: ۱۴..

۲- سوره البقره، آیت: ۳۰..

۳- سوره النساء (۶۵)

ترجمه: به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند.

درین ایت مبارك باید متوجه نقاط ذیل شد:

- 1- قسم نمودن الله ﷻ برای بیان اهمیت موضوع و توجه و ارج گذاشتن بدان استعمال شده است.
 - 2- در مسایل خلافی (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فکری و غیره) لازم است رسول الله ﷺ را حکم قرار داد و مطابق فیصله های رسول الله ﷻ که دایماً مطابق وحی الهی میباشد عمل نمود.
 - 3- عمل به آنچه رسول الله ﷻ فیصله نموده است تنها سبب رستگاری انسان نشده بلکه از فیصله رسول الله ﷻ باید رضایت کامل داشت و قلب آنرا پذیرفت و تنها به ظاهر امر اکتفاء ننموده بلکه تسلیمی خویش را به احکام الهی از جان و دل اظهار نماید.
- یعنی هر که به آنچه الله ﷻ نازل نموده است حکم ننماید (مصدر اصلی احکام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خویش قرآن کریم را نگرداند) آن شخص دارای صفات ظالمانه، فاسقانه و کافرانه میباشد.
- و در مورد کسانی که به حکم الله ﷻ عمل نمی نمایند و بشر را مرجع قانون قرار میدهند و قانون گذاری را ویژه بشر میدانند چنین بیان شده است:

﴿وَمَنْ لَمْ يُحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (1)

ترجمه: کسانی که به آنچه الله ﷻ نازل نموده حکم نکنند، ایشانند فاسقان.

﴿وَمَنْ لَمْ يُحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (2)

ترجمه: کسانی که به آنچه الله ﷻ نازل نموده حکم نکنند، ایشانند ظالمان.

﴿مَنْ لَمْ يُحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ (3)

ترجمه: کسانی که به آنچه الله ﷻ نازل نموده حکم نکنند، ایشانند کافران.

1- سوره المائدة (47)

2- المائدة/45

3- المائدة/44

علمای اسلام بدین نظرند که در صورت عدم تطبیق احکام الهی بصورت سهو، کسالت و بی پروایی انسان فاسق می‌گردد و در صورت عدم تطبیق احکام الهی بصورت قصدی در صف ظالمان می‌باشد و انکار کلی از احکام الهی سبب کفر انسان می‌شود.

۵: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾^(۱) ترجمه: برای هیچ فرد مؤمن (زن باشد و یا مرد) این اختیار (صلاحیت) نیست که در آنچه الله ﷻ و رسول الله ﷺ فیصله نموده اند مطابق نظر خویش تصمیم گیرد و هرآنکه مخالفت او امر الله ﷻ و رسول الله ﷺ را مینماید در گمراهی آشکار داخل شده است.

انسان میتواند در مسایلی که الله ﷻ برای انسان اختیار داده ابراز نظر نماید و برای منفعت عامه بشر قانون بسازد مثل قوانین تعلیم و تربیه، ترافیک، شاروالی ها، شهرسازی، فابریکات صنعتی و غیره ولی در آنچه که الله ﷻ و رسول الله ﷺ فیصله نموده اند شایسته یک مسلمان مخلص و حقیقی است که بدون کدام کمی و کاستی انرا بپذیرد البته این قوانین فرعی که انسان اختیار قانون سازی آنرا دارد لازم است تا تحت پوشش احکام قرآنی بوده کلیات اسلام در آن مراعات گردد.

۶: الله میگوید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۲) ترجمه: امروز برایتان دین تانرا کامل نمودم و نعمات خویش را برای تان به اتمام رسانیدم.

به اساس این ایت مبارك دین اسلام دین کامل است و کمال دین وقتی متحقق می‌گردد که تمامی ابعاد حیات بشر را بشکل کامل آن در بر گیرد (بعد فکری یا عقیدتی، بعد سیاسی، بعد اقتصادی، بعد فردی، اجتماعی و غیره) و هر گاه این دین بعضی ازین امور را نداشته باشد دین کامل گفته نخواهد شد و هر گاه کسی ادعا نماید که دین اسلام تنها بعضی از مسایل روزه و نماز را بحث نموده و

سیاست و اقتصاد جز آن نیست در حقیقت امر اسلام را ناقص تلقی نموده است و یا خودش اسلام را به شکل ناقص فهمیده است.

و: ﴿إِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (1)

ترجمه: اگر در کدام موضوعی منازعه و اختلاف نمودید آنرا به الله ﷻ و رسول الله ﷺ راجع سازید، اگر حقیقتاً

به الله ﷻ و روز قیامت ایمان دارید.

درین ایت مبارک الله مسلمانان را در صورت منازعه و یا اختلاف در امور دنیوی مثل مسائل (فکری، سیاسی، اقتصادی، فردی، اجتماعی) و امور اخروی شان صریحاً امر نموده است تا برای حل این مشکلات به حکم الله ﷻ و رسول الله ﷺ رجوع نمایند و کلمه (ان) که در زبان دری به معنای (اگر) میباشد استعمال شده است یعنی اگر شما واقعاً به الله ﷻ و روز آخرت ایمان دارید پس لازم است مرجع تان در تمام امور زنده گی تان ذات الله ﷻ و رسول الله ﷺ اسلام حضرت محمد ﷺ باشد و در روشنایی قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ قوانین تانرا ترتیب و تنظیم نمایید.

و: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (2) ترجمه: ما قرآن کریم را بالایت نازل نمودیم که در آن بیان هر چیز بوده و هدایت، رحمت و بشارت است برای مسلمانان.

در این ایت مبارک به وضاحت بیان شده است که قرآن کریم در چند بخش محدود نه بلکه مبین تمام امور زنده گی انسانی است تا مسلمانان حقیقی شکل زنده گی (فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) خویش را مطابق ارشادات الهی عیار نمایند. هرگاه نظریات علما و دانشمندان اسلامی را در مورد ارتباط اسلام با سیاست مورد بحث قرار دهیم همه به این اتفاق دارند که سیاست جزء اساسی

1- سوره النساء، آیت: 59.

2- سوره النحل، آیت: 89.

دین مقدس اسلام میباشد و کسانی را که برضد این سخن باشند به ملامتی گرفته آنرا به عدم فهم حقیقت های اسلامی و یا هم وابستگی و غلامی به مستعمرین به شمار میاورند.

امام شهید حسن البنا رحمته الله در رساله خویش بنام (الاسلام والسیاسة) میگوید: "معنای مسلمانی وقتی در فردی کامل میشود که سیاسی باشد و امور کشور و ملتش اهتمام بدهد و بر آن غیور باشد... وظیفه هر جمعیت و سازمان اسلامی این است که اهتمام به امور مسلمین را در صدر برنامه های خود قرار دهد و اگر چنین نباشد باید در فهم و بینش خود از دین تجدید نظر کند؛ زیرا مفهوم اسلام را در نیافته است" (1)

وی بالآخره من حیث یک مفتی و مجتهد بزرگ اسلام اعلان میکند و میگوید: "برادران! من از بالای این منبر با تمام توان و به صراحت و روشنی اعلان میکنم که اسلام با این چیزهای که دشمنان و مزدوران داخلی شان می خواهند که ما را در چهارچوب آن زندانی نمایند بسیار فرق میکند و اسلام راستین اسلام عقیده و عبادت، وطن، هویت، آزادی، قدرت، اخلاق، ثروت، فرهنگ، قانون و حکومت است و بر اساس رهنمود های اسلام انسان مسلمان مکلف است به همه امور دین خود اهتمام بنماید و هر کس به امور اهل اسلام اتهام نورد جزو آنان بحساب نمی آید" (2)

علامه دکتوریوسف "قرضاوی" میگوید: "اسلام قرآن کریم و سنت، اسلام معنویت، اخلاق، اندیشه، تربیت، جهاد، اجتماع، اقتصاد و سیاست است" (3)

دانشمند اسلامی دکتر ضیاء الدین ادریس در کتاب ((اندیشه های سیاسی اسلام)) مینویسد: "تردیدی وجود ندارد، نظامی را که رسول الله صلی الله علیه و آله و مؤمنین همراه او در مدینه پایه گذاری نمودند چنانچه از نگاه واقعیت های عملی آن مورد بررسی قرار گیرد و با معیار های سیاسی دنیای معاصر سنجیده شود می توان آنرا با همه مفاهیمی که کلمه سیاست در بر دارد نظام سیاسی نامید و در

1- سیستم سیاسی در اسلام، مامون الهضیبی، ترجمه محمد ملازاده، ایران: نشر احسان، 1379 هـ ش، ص: 74-75.

2- فقه سیاسی، ص: 43.

3- مرجع سابق، ص: 45.

عین حال این بدان معنی نیست که نمی توان آنرا نظام دینی دانست چنانچه اهداف و انگیزه ها و معنویتی که محور آن است مورد توجه قرار گیرد" (1)

علامه مامون هضیبی میگوید: "اگر منظور از سیاسی بودن این است که ما به مشکلات و درد های جامعه اهتمام می ورزیم و اعتماد داریم که دینی بودن دستگاه اجرایی از مفاهیم و اهداف اسلام است و لازم است برنامه های آن از اسلام اخذ و اقتباس شوند و آزادیهای سیاسی، عزت و اقتدار ملی، رکنی از ارکان اسلام و فریضه از فرایض آن می باشند و ما در راه تکمیل آزادیهای مردم و اصلاح قوه اداری و اجرایی کشور جهاد و مبارزه میکنیم اگر منظور از سیاسی بودن این است ما با کمال صراحت و خطاب به تمامی جهان اعلام میکنیم، بلی ما سیاسی هستیم و این چیزی نیست که ما آنرا آفریده و بر اسلام افزوده باشیم، نه، نه، بلکه این عقیده هر مسلمانی که اسلام را شناخته و آنرا درست فهم کرده میباشد" (2)

حق پنجم (حق تلاوت قرآن کریم): در حق تلاوت قرآن کریم دو نوع حق شامل میگردد، یکی درست خواندن قرآن کریم با ادای درست الفاظ قرآن کریم مطابق احکام تجوید و دومی حق تلاوت نمودن چند ایت روزانه.

حق ششم (حق عمل به قرآن کریم): بزرگترین هدف از نزول قرآن کریم عمل به آن است؛ زیرا ممکن شخصی بسیار خوب تلاوت نماید و شخص دیگری معانی قرآن کریم را بسیار خوب بداند، ولی حق حقیقی قرآن کریم زمانی ادا میگردد که انسان مؤمن بعد از تلاوت و فهم درست قرآن کریم، مطابق ارشادات قرآنی عمل نماید. عقیده خود را مطابق قرآن کریم بسازد، اخلاق خود را از قرآن کریم بگیرد و تمامی اعمال روز مره خویش را در روشنائی قرآن کریم جدول بندی نماید.

حق هفتم (حق تفکر و تدبر در قرآن کریم): یکی از حقوق قرآنی تفکر و تدبر در آیات

قرآن کریم میباشد، بناءً صحابه کرام ~~هشتم~~ هنگامیکه قرآن عظیم الشان تلاوت مینمودند گاهی

1- مرجع سابق، ص: 35- 36 به نقل از صفحه 27-29 کتاب اندیشه های سیاسی اسلام.
2- سیستم سیاسی در اسلام، ص: 69.

تبسم مینمودند و هنگامی هم گریه مینمودند؛ زیرا در آیات رحمت و جنت خوشحال میشدند و در آیات عذاب مثل سختی روز قیامت، سختی پل صراط، سختی سوال و جواب، سختی توزیع دفاتر اعمال، سختی های دوزخ و غیره... گریه مینمودند. ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾^(۱) ترجمه چرا به آیات قرآن نمی اندیشند یا (مگر) بر دلهایشان قفلهایی نهاده شده است.

حق هشتم (حق محبت با قرآن کریم): «وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ - يَعْنِي ابْنَ مَسْعُودٍ - قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَلْيَنْظُرْ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ الْقُرْآنَ فَهُوَ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ وَرِجَالُهُ ثِقَاتٌ.^(۲)

حق نهم (حق دعوت دیگران به قرآن کریم): هرگاه کسی بخواهد که حقوق قرآن کریم را ادا نماید لازم است که در دعوت دیگران به قرآن عظیم الشأن سعی و تلاش ورزد، دعوت قرآن عظیم الشأن به اشکال ذیل صورت میگیرد:

- 1- ایجاد مجالس قرآن کریم شناسی.
- 2- ایجاد کورس های قرآن کریم شناسی.
- 3- صحبت نمودن در مورد قرآن عظیم الشأن در هر جاییکه مسئولیت دارد.
- 4- آموختن قرآن قرآن عظیم الشأن برای اعضای خانواده.
- 5- همکاری در ایجاد کورس های قرآن کریم آموزی و قرآن کریم شناسی.

حق دهم (حق یاد گرفتن زبان قرآن کریم): انسان زمانی میتواند که با قرآن قرآن عظیم الشأن ارتباط مستقیم داشته و مفاهیم آنرا بصورت درست درک نماید که خودش زبان قرآن قرآن عظیم الشأن را بداند. مسلمانان راستین و حقخواه همیشه برای آموختن زبان قرآن قرآن عظیم الشأن سعی و تلاش نموده اند و در شرایط امروزی انسان میتواند که حتی زبان قرآن قرآن عظیم الشأن (زبان عربی) را از طریق کست ها و سی دی ها یاد بگیرد.

1- سوره محمد، آیت: 24.
2- حدیث نمبر (11666) مجمع الزوائد ومنبع الفوائد تألیف نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، دار الفکر، بیروت - 1412 هـ.

آداب تلاوت

تلاوت و شنیدن قرآن عظیم الشأن آدابی در ادکة بالی هر خواننده و شنوده قرآن قرآن عظیم الشأن مراعات آن لازم و ضروری میباشد که عبارت انداز:

1- طهارت و پاکی قبل از تلاوت و تعلیم قرآن عظیم الشأن لازم است که وضوء کامل داشته باشیم؛ زیرا تلاوت کلام رب العالمین چنین تقاضا میکند.

2- مسواک نمودن دهان.

3- نشستن بصورت مودبان در هنگام تعلیم قرآن کریم و هرگاه بتوانیم روبه قبه بنشینیم خوبتر و بهتر خواهد بود.

4- اصغاً (گوش دادن): هرگاه قرآن کریم می‌شنویم لازم است تابصورت درست به آن گوش دهیم.

5- انصات.

6- حضور قلب.

7- خشوع.

8- تدبر: قال تعالی ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (1)

ترجمه: این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند.

﴿أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ﴾ (2)

ترجمه: آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟

1- سوره ص، آیت 29.
2 - سوره المومنون آیت (68)

۹- باترتیل خواندن: قال تعالی ﴿أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ (۱)

ترجمه: یا بر نصف آن بیفزا، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان.

۱۰- قرأت ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ در شروع تمام سوره‌ها بجز سوره التوبة.

۱- سوره المزمل آیت (۴)

روز نهم رمضان

درس نهم (انتقال قرآن)

قرآن عظیم الشان کتابی است که عظمت او را نمیتوان به الفاظ ساده بیان داشت کلام رب العالمین است کلامیست حفظ شده، کی آنرا حفظ میکند؟ الله ﷻ رب العالمین هزاران شیطان و شیطان صفتان در طول چهارده قرن برای شک و نابودی وی هزاران تصمیم گرفته اند همه ناکام شده است. این کتاب گروهی را عزت میبخشد و گروهی را شرمنده و رسوا میکند. این کتاب رحمت الهی است.

سرنوشت ساز است تاریخ بشریت را تغییر داد، از بدترین مردمان بهترین مردمان ساخت، از عقب مانده ترین انسانها انسانهای متمدن ساخت و یثرب را که شهر جنگ، ستیزه و قوم جنگی ها جایی بود که اهل آن بخاطر دو حیوان داحس و غیراً چهل سال میجنگیدند به شهر تمدن مبدل کرد. تا اینکه مدینه الرسول نامیده شد قرآن عظیم الشان از انسانهایکه رعاة الغنم (چوپانان) بودند قاده العالم (رهبران جهان) ساخت.

قرآن عظیم الشان را پروردگار در بهترین مقامات حفظ نموده است الله ﷻ میفرماید که: قرآن عظیم الشان در لوح محفوظ حفظ بوده و میباشد. ﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ﴾ ﴿فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ﴾⁽¹⁾ ترجمه: (این آیات، سحر و دروغ نیست)، بلکه قرآن با عظمت است... که در لوح محفوظ جای دارد! ﴿وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ﴾⁽²⁾ ترجمه: قرآن عظیم الشان در لوح محفوظ از دسترسی هر شیطان حفظ گردیده است.

1 - سوره البروج، آیت: 21، 22.
2 - سوره الصافات، آیت: 7.

از بهترین جای یعنی لوح المحفوظ توسط جبریل امین با امانت و صداقت، باعفت و راستی با عصمت و پاکی یعنی توسط امانت کار آسمان به، به امانت کار زمین آورده شد.

حفظ قرآن عظیم الشأن توسط رسول گرامی اسلام ﷺ در هنگام نزول آن: ﴿سَنُقْرُكَ فَلَا تَنْسَى﴾^(۱) ترجمه: ما بزودی (قرآن را) بر تو می خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد.

ابن عباس رضی الله عنه در مورد ایت: ﴿لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ﴾ می گوید: رسول الله ﷺ هنگام نزول وحی مشقت فراوانی را متحمل می شد. منجمله آنحضرت صلی الله علیه و آله لب هایش را تکان می داد. ابن عباس رضی الله عنه می گوید: من نیز لب هایم را همانطور که رسول الله ﷺ ا تکان می داد تکان می دهم (تا به شما نشان دهم که رسول الله ﷺ چگونه لب هایش را تکان می داد). آنگاه، الله تعالی این آیات را نازل فرمود: (ای محمد، هنگام نزول قرآن عظیم الشأن) شتابزده لبهائیت را (برای فراگرفتن آن) تکان مده؛ زیرا جمع آوری قرآن کریم و حفاظت و یاد دادن آن بعهدۀ ما است پس هنگامی که ما قرآن کریم را خواندیم (بعد) تو خواندن آنرا پیروی کن سپس توضیح و بیان قرآن عظیم الشأن نیز به عهده ما است.^(۲)

ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر این آیات، می گوید: حفظ قرآن عظیم الشأن در سینه و یاد آوری آن به عهده ما است. پس شما سکوت کنید و به آن گوش فرا دهید. در پایان این به عهده ما است که توانایی خواندن آنرا به شما عنایت نماییم بعد از نزول این آیات هرگاه جبریل علیه السلام وحی می آورد رسول الله ﷺ نخست گوش فرا می داد و پس از بازگشت جبریل علیه السلام، آیات را آنگونه که نازل شده بود، تلاوت می کرد.

رسول گرامی اسلام ﷺ به اساس امر الهی که برایش امر شده بود ﴿أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ قرآن کریم تَرْتِیلًا﴾^(۳) ترجمه: یا بر نصف آن بیفز، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان.

1 - سوره الأعلى، آیت: 6.

2 - عن ابن عباس في قوله تعالى: ﴿لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ﴾ قال: كان رسول الله ﷺ يُعَالِجُ مِنَ التَّخْذِيلِ شِدَّةً، وَكَانَ مِمَّا يُحَرِّكُ شَفَقَتَهُ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَأَنَا أَحَرُّكُهُمَا لَكُمْ كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُحَرِّكُهُمَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جُمُعَةً وَقُرْآنَهُ﴾ قَالَ: جُمُعُهُ لَكَ فِي صَدْرِكَ وَتَقْرَأَهُ «فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاسْتَمِعْ لَهُ وَانصِتْ» ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا أَنْ تَقْرَأَهُ، فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعَدُّ ذَلِكَ إِذَا آتَاهُ جَبْرِيلُ اسْتَمَعَ فَإِذَا انْطَلَقَ جَبْرِيلُ قَرَأَهُ النَّبِيُّ ﷺ كَمَا قَرَأَهُ. (بخاری: 5)

3 - سوره المزمل، آیت: 4.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله سخاوتمندترین انسانها بود و سخاوتمندتر از هر وقت زمانی بود که در ماه رمضان، جبرئیل علیه السلام نزد ایشان می آمد جبرئیل علیه السلام در تمام شب های رمضان قرآن عظیم الشأن را با رسول الله صلی الله علیه و آله تکرار می نمود و آنحضرت صلی الله علیه و آله در پخش خیر و نیکی از بادهای و زنده نیز سبقت میگرفت. (1).

حضرت جبرئیل امین علیه السلام در هنگام نزدیک شدن رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در ماه رمضان آن سال دو مرتبه قرآن کریم را با رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مراجعه نمود.

امام بخاری روایت میکند که: بی بی فاطمه زهرا رضی الله عنها فرمود: «أَسَرَّ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله إِنْ جِبْرِيلَ كَانَ يِعَارِضُنِي الْقُرْآنَ كُلَّ سَنَةٍ مَرَّةً وَإِنَّهُ عَارِضُنِي الْعَامَ مَرَّتَيْنِ وَلَا أَرَاهُ إِلَّا حَضَرَ أَجْلِي» (2) ترجمه: نبی کریم صلی الله علیه و آله برایم گفت که جبرئیل علیه السلام هر سال یک مرتبه قرآن عظیم الشأن را با من مراجعه مینمود و امسال دو مرتبه مراجعه نمود من فکر میکنم که اجلم نزدیک شده است.

قرآن عظیم الشأن به کسیکه از آوان خورد سالی و جوان بنام (صادق، طیب، طاهر و امین) مشهور بود به کسیکه سرش به جزء به درگاه الهی به بارگاه دیگری خم نشد... به کسیکه رحمت برای عالمیان شد نازل شد قرآن عظیم الشأن از کسیکه بنام امی معروف بود بزرگترین استاد بشریت ساخت این قرآن کریم توسط بهترین شخصیت های اسلام برای بشریت انتقال داده شد آنان کاتبان وحی شدند و حاملان قرآن کریم شدند. حافظان قرآن کریم گشتند.

قرآن کریم توسط معلم بشریت به شاگردانش تعلیم داده شد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قرآن کریم را به صحابه کرام رضی الله عنهم میاموختاند ﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾ (3) ترجمه: و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را بتدریج نازل کردیم.

1- وَعَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَجْوَدَ النَّاسِ وَكَانَ أَجْوَدَ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جِبْرِيلُ وَكَانَ يَلْقَاهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَيُدَارِسُهُ قُرْآنَ كَرِيمٍ فَلَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَجْوَدُ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ. الحديث أخرجه البخاري في كتاب فضائل قرآن كَرِيم، باب كان جبريل يعرض قرآن كَرِيم على النبي ﷺ. صحيح البخاري ج 6 - ص 101، 102

2- صحيح البخاري ج 6 - ص 101 في كتاب فضائل قرآن كَرِيم، باب كان جبريل يعرض قرآن كَرِيم على النبي ﷺ.

3 - سورة الإسراء آيت: (106)

امام بخاری از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت میکند که میگفت: «وَاللَّهِ لَقَدْ أَخَذْتُ مِنْ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِضْعًا وَسَبْعِينَ سُورَةً» ⁽¹⁾ ترجمه: قسم به الله است که از دهان رسول الله ﷺ هفتاد و چند سوره را آموختم.

دلیل کثرت حافظان قرآن کریم در زمان رسول گرامی اسلام ﷺ این بود که در منطقه (بئر معونه) ⁽²⁾ تقریباً هفتاد تن از حافظان قرآن عظیم الشأن به شهادت رسیدند که بنام "سریة القراء" مشهور است همچنان در جنگ یمامة در خلافت ابی بکر صدیق رضی الله عنه هفتاد تن حافظان قرآن عظیم الشأن به شهادت رسیدند.

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله ﷺ می فرمود: «قَرَأْتُ قرآن را از چهار نفر بیاموزید: 1- عبدالله بن مسعود و نخست، از او نام برد. 2- سالم؛ غلام آزاد شده ابو حذیفه؛ 3- ابی بن کعب. 4- معاذ بن جبل» ⁽³⁾

أبو عبید در کتابش بنام "القراءات" تعداد زیادی از حافظان قرآن کریم را که صحابه النبی رضی الله عنه، ذکر نموده و نامهایی زیادی از مهاجرین، انصار و بعضی از همسران رسول الله ﷺ را ذکر نموده است که حافظان قرآن کریم بودند.

این شاگردان مکتب نبوت، این تربیه شده گان پوهنتون نبوت بخاطر قرآن کریم هجرت کردند و برای تحکیم نظام اسلام با طاغوتان فارس و روم جهاد نمود خونهای خود قربان قرآن عظیم الشأن نمودند، زنده گی خود را وقف قرآن عظیم الشأن کردند و بالآخره رضایت پروردگار را حاصل کردند آیات متعدد قرآن کریم در شان شان نازل شده....

قرآن کریم آن مالدارانی که کاروان های تجارتی داشتند بخاطر هجرت در راه الله ﷻ فقیر شدند ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ﴾ ⁽⁴⁾

1- الأثر أخرجه البخاري في كتاب فضائل قرآن كريم، باب القراء من أصحاب النبي ﷺ. صحيح البخاري ج 6 - ص 102.

2- بئر معونه جایی در منطقه هذیل بین مکه و عسفان، این سریه بعد از غزوه احد در سال 4هـ. صحيح بخاري، كتاب الجهاد والسير، باب العون بالمدد ج 4 - ص 35.

3- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «اسْتَفْرِلُوا قرآن من أَرْبَعَةٍ: مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ فَبَدَأَ بِهِ - وَسَلَامِ مَوْلَى أَبِي حُذَيْفَةَ، وَأَبِي بَنِي كَعْبٍ، وَمُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ». (بخاری: 3758).

4- سوره الحشر، آیت: 8 ..

ترجمه: این اموال برای فقیران مهاجرانی است.

قرآن کریم تایید کرد که آنان بخاطریکه موحدین حقیقی بودند از خانه های شان کشیده شدند
﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ﴾ (1)

ترجمه: که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند.

قرآن عظیم الشأن تایید کرد که بخاطر دین الله ﷻ ماهای شانرا دشمنان توحید چور و چپاول نمودند. قرآن کریم هدف شانرا بیان داشت که آنان هدف بسیار عالی داشتند هدف شان کسب رضایت الله ﷻ بود ﴿يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا﴾ (2)

ترجمه: در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند.

قرآن کریم کار و عمل شانرا بیان داشته ﴿وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ (3)

ترجمه: و الله ﷻ و رسولش را یاری می کنند.

بالاخره برای این مهاجران مدالی داد مدال الهی مدال صداقت: ﴿أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (4)

ترجمه: و آنها راستگویانند!

قرآن عظیم الشأن تایید کرد که آنان نیز دو خانه را برای استقبال مهاجرین آماده ساختند یکی خانه قلب و دیگرش خانه مادی ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (5)

ترجمه: و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند.

آنان بخاطر رضایت الله ﷻ، دوستان الله را دوست داشتند ﴿يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ﴾ (6)

ترجمه: و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند.

-
- 1- سوره الحشر، آیت: 8 ..
 - 2- سوره الحشر، آیت: 8 ..
 - 3- سوره الحشر، آیت: 8 ..
 - 4- سوره الحشر، آیت: 8 ..
 - 5- سوره الحشر، آیت: 9 ..
 - 6- سوره الحشر، آیت: 9 ..

آنان قلبهای پاک داشتند، هیچ خود خواهی، بخل را در قلبهای خود جا نمیدادند ﴿وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا﴾ (۱)

ترجمه: در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند.

مرتبه و درجه آنان تنها به عدالت اکتفا نکرده بود، بلکه به درجهء ایثار رسیده بودند که نه تنها حق جانب مقابل را برایش عادلانه میدادند بلکه برای مهاجرین ایثار میکردند آنانرا نسبت به خود در هر چیزی پیشی میدادند. ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ﴾ (۲)

ترجمه: و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند.

اینگونه اشخاص با چنین صفات عالی نیز مستحق مدالی هستند، آن مدال مدال فلاح و کامیابی است. ﴿فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (۳)

ترجمه: شده اند رستگارانند!

بالاخره قرآن کریم همهء آنانرا در یک خط قرار داده برای شان بشارت داد که الله ﷻ از شما راضی است ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِ﴾ (۴) گفت قرآن کریم ایمان آنانرا تایید نموده برایشان مؤمنین خطاب نمود.

1- سوره الحشر، آیت: ۹.
2- سوره الحشر، آیت: ۹.
3- سوره الحشر، آیت: ۹.
4- سوره الفتح، آیت: ۱۸.

روز نهم رمضان

درس نهم (جمع آوری و نوشتن قرآن کریم)

اول: در عصر رسول الله ﷺ: قرآن عظیم الشأن برای نخستین مرتبه در زمان رسول گرامی اسلام ﷺ نوشته شده است.

منظور از جمع آوری قرآن عظیم الشأن در عصر رسول الله ﷺ نوشتن آن در وسایل نوشتاری آن زمان بود که به شکل جدا جدا در اشیای مختلفی نوشته شده بود. دلائلی که ثابت میکند که قرآن کریم در عصر رسول الله ﷺ نوشته شده بود قرار ذیل است:

دلیل اول: استعمال کلمهء کتاب بر قرآن عظیم الشأن: در آن زمان قرآن کریم را کتاب الله ﷻ می گفتند الله ﷻ میفرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾⁽¹⁾ ترجمه: این است کتابی که در (حقانیت) آن هیچ تردیدی نیست. کتاب در نزد عربها به چیزی اطلاق میگردید که نوشته میبود و ازینکه قرآن عظیم الشأن نوشته شده بود، بناءً آنرا کتاب میگفتند.

دلیل دوم: منع انتقال قرآن عظیم الشأن به مناطق غیر اسلامی: امام بخاری و مسلم از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت میکنند که: رسول الله ﷺ منع نمود از بردن قرآن کریم به سرزمین دشمن.⁽²⁾ این حدیث دلیل است که قرآن کریم در عصر نبوت نوشته شده بود و هرگاه قرآن کریم نوشته نمیبود، چرا رسول گرامی اسلام از بردن آن منع مینمود؟

دلیل سوم: اجازه نوشتن قرآن عظیم الشأن توسط رسول گرامی اسلام ﷺ: امام مسلم از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت میکند که: رسول الله ﷺ فرمود: «لَا تَكْتُبُوا عَنِّي، وَمَنْ

1- سوره البقره، آیت: 2..
2- الحدیث أخرجه البخاري في كتاب الجهاد، باب السفر بالمصاحف إلى أرض العدو صحيح البخاري ج 4 - ص 15، ومسلم في كتاب الإمارة، باب النهي أن يسافر بالمصحف إلى أرض الكفار. صحيح مسلم ج 3 - ص 1490.

كَتَبَ عَنِّي غَيْرَ الْقُرْآنِ فَلْيُمَحِّهُ»^(۱) ترجمه: از من چیزی نوشته نکنید و هرگاه کسی از من بجز قرآن عظیم الشان چیزی دیگری نوشته است آنرا محو نماید. صحابه کرام رضی الله عنهم به اجازه و امر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قرآن عظیم الشان مینوشتند.

دلیل چهارم: موجودیت کاتبان وحی: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله یک تعداد از کاتبانی داشتند که بنام کاتبان وحی مشهور بودند و هرگاه ایتی و یا سوره نازل میشد بر علاوه اینکه آنرا بسیاری از صحابه کرام رضی الله عنهم حفظ مینمودند کاتبان وحی آنرا مینوشتند.

امام بخاری از زید بن ثابت رضی الله عنه روایت میکند که فرمود: من همسایه رسول الله صلی الله علیه و آله بودم و هنگامیکه وحی نازل میشد رسول الله صلی الله علیه و آله کسیکه را به عقب من میفرست پس منهم وحی را نوشته مینمودم.^(۲)

علما در تعداد کاتبان وحی اختلاف نموده اند بعضی ها تعداد کاتبان وحی در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله به ۴۴ کاتب وحی رسانده اند^(۳) و شاید علت درین باشد که بعضی آنان به شکل رسمی وظیفه گرفته بودند و بعضی ها به شکل اختیاری به نزد خود مینوشتند.

مشهور ترین کاتبان که به شکل رسمی از طرف رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای نوشتن قرآن موظف شده بودند عبارت اند از:

۱- عبد الله بن سعد بن أبی سرح قریشی عامری نخستین کاتب وحی در مکه مکرمه که در سال ۳۶ هـ وفات نمود.^(۴)

۲- عثمان بن عفان رضی الله عنه در سال ۳۵ هـ وفات نمود.

۳- علی بن أبی طالب بن عبد المطلب رضی الله عنه در سال ۴۰ هـ وفات نمود.

۴- أبی بن کعب او رئیس قراء است، امام بخاری او را کاتب نبی صلی الله علیه و آله نامیده است^(۱) در سال ۴۵ هـ وفات نمود.

۱- الحديث أخرجه مسلم في كتاب الزهد، باب التثبت في الحديث، وحكم كتابة العلم. صحيح مسلم ج 4 - ص 2298.

۲- الحديث أخرجه ابن أبي داود في كتاب المصاحف ص 3.

۳- انظر المصباح المضي في كتاب النبي الأمي ج 1 - ص 29.

۴- انظر: كتاب الوحي ص 325.

5- معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه در سال 60 هـ. وفات نمود (2)

خلاصه اینکه قرآن عظیم الشان در زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که آنحضرت هنوز در قید حیات بودند هم در سینه ها حفظ گردیده بود و هم توسط کاتبان وحی و سایر صحابه کرام رضی الله عنهم نوشته شده بود.

انس رضی الله عنه می گوید: در زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله چهار نفر که همگی از انصار بودند قرآن کریم را جمع آوری کردند: ابی بن کعب، معاذ بن جبل، ابو زید و زید بن ثابت. یکی از راویان می گوید: از انس پرسیدم: ابو زید کیست؟ گفت: یکی از عموهای من است. (3)

دوم: جمع آوری (نوشتن قرآن کریم) در عصر ابی بکر صدیق رضی الله عنه: منظور از نوشتن قرآن کریم در عصر ابی بکر صدیق رضی الله عنه جمع آوری نوشته های قبلی و گذاشتن آن در یک کتاب بود ازینکه قرآن عظیم الشان در عصر نبوت در سینه های صحابه کرام رضی الله عنهم حفظ بود و همچنان کاتبان وحی و سایر مردم آنرا در وسایل کتابت آن عصر نوشته بودند بناءً تمامی این نوشته ها در عصر ابی بکر صدیق رضی الله عنه از نزد مردم جمع آوری گردید و به شکل یک کتاب تهیه و ترتیب شد در عصر خلافت ابی بکر صدیق رضی الله عنه یک سلسله اعتشاشات از طرف بعضی از قبائل صورت گرفت که از جمله یکی ادعای پیغمبری توسط مسیلمه کذاب بود در غزوه یمامه تعداد زیادی از حافظان قرآن عظیم الشان که تعداد شان بیش از هفتاد حافظ قرآن کریم بود به شهادت رسیدند بناءً این موضوع سبب تشویق صحابه کرام رضی الله عنهم گردید. حضرت عمر رضی الله عنه به نزد ابی بکر صدیق رضی الله عنه آمده برایش درین مورد گفت: امام بخاری از زهری رحمته الله روایت میکند که ابن سباق برایم خبر داد که زید بن ثابت انصاری رضی الله عنه که از جمله کاتبان وحی بود فرمود: حضرت ابی بکر صدیق رضی الله عنه بعد از معرکه یمامه مرا خواست و در نزدش حضرت عمر رضی الله عنه بود، برایم گفت: حضرت عمر رضی الله عنه به نزد آمده گفت که در جنگ یمامه مسلمانان زیادی به شهادت رسیدند و من میترسم که

1- صحیح البخاری ج 6 - ص 99 کتاب فضائل قرآن کریم، باب کتاب النبی صلی الله علیه و آله

2- فتح الباری 9: 19.
3 عن أنس (رضی الله عنه): جمع قرآن کریم علی عهد النبی صلی الله علیه و آله أربعة كلهم من الأنصار: أبي، ومعاذ بن جبل، وأبو زید، وزید بن ثابت. قالت لأنس: من أبو زید؟ قال: أخذ عُمَوتی. (بخاری: 3810).

حافظان قرآن عظیم الشان در جاهای دیگری به شهادت برسند و بسیاری از بخش های قرآن کریم از ما مفقود گردد مگر اینکه آنرا جمع آوری کنید و من به این نظرم که قرآن کریم جمع آوری شود.

ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: من به عمر گفتم چگونه کاری را انجام بدهیم که آنرا رسول الله صلی الله علیه و آله ننموده است؟ عمر رضی الله عنه گفت: قسم به الله تعالی است که این کار خوب است.

به این شکل حضرت عمر رضی الله عنه همیشه به نزد م آمده و درین مورد برایم سخن میگفت تا اینکه الله تعالی برای اینکار سینه ام را باز نمود و من هم با حضرت عمر هم نظر شدم زید بن ثابت رضی الله عنه میگوید: حضرت عمر رضی الله عنه در نزدش نشسته بود و سخنی نمیگفت ابوبکر برایم گفت: تو مرد جوان عاقل است و در نزد ما کدام اتهامی بر تو نیست و همچنان از جمله کاتبان وحی رسول الله صلی الله علیه و آله بودی بناءً به جمع آوری قرآن عظیم الشان آغاز کن قسم به الله تعالی است که هرگاه مرا به انتقال دادن کوهی از کوه ها مکلف مینمود نسبت به این کار برایم ثقیل نبود برایشان گفتم چگونه کاری را انجام میدهید که رسول الله صلی الله علیه و آله انجام نداده است؟ ابو بکر صدیق رضی الله عنه برایم گفت: قسم به الله تعالی است که این کار خوب است زید میگوید: من همیشه درین مورد فکر میکردم تا اینکه الله تعالی سینه ام را درین مورد مانند سینه ابی بکر و عمر رضی الله عنهما باز نموده و به جمع آوری قرآن کریم آغاز نمودم.

(1)

سوال: علت تردد ابی بکر صدیق و زید بن ثابت رضی الله عنهما چی بود؟

جواب: آنان در آغاز فکر میکردند که کاری را که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ننموده است نشود که بدعتی باشد. صحابه کرام رضی الله عنهم به اساس ایمان و اخلاص قوی در هر عملکرد شان بسیار احتیاط میکردند نشود کاری کنند که مخالف با طریقه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله باشد. بناءً درین قسمت بسیار فکر نمودند و استخاره هایی کردند تا اینکه الله تعالی قلب شانرا روشن نمود.

وهنگامیکه دانستند که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به نوشتن آن امر نموده است فقط این نوشته ها تیت و در نزد اشخاص میباشد جمع آوری آنها با هم کار بسیار خوبی است؛ زیرا با وفات صحابه

کرام رضی الله عنه شاید این نسخه ها از بین برود و یا هم کهنه و زدوده شود، بناءً جمع آوری آن در یک جای امن کار منفعت آمیزی است که به نفع اسلام و مسلمانان است.

سوال: در مورد این امر بقیه صحابه کرام رضی الله عنه چی نظر داشتند؟

جواب: تمام صحابه کرام رضی الله عنه درین مورد نظر نیک داشتند و آنرا تایید نمودند بناءً این کار به اجماع همه صحابه کرام رضی الله عنه و رضایت شان صورت گرفت؛ زیرا هیچکسی درین کار مخالفت نکرد.

چگونگی جمع قرآن کریم حضرت ابی بکر صدیق رضی الله عنه حضرت عمر رضی الله عنه و زید بن ثابت رضی الله عنه را وظیفه داد تا در مسجد نبوی نشستہ تمامی نسخه های خطی قرآن کریم را که میاورند بعد ازینکه دو شاهد بر آن نسخه شهادت دهند که در عصر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نوشته شده است بگیرند.

به این شکل قرآن عظیم الشان با شهادت صحابه کرام رضی الله عنه، شهادت حافظان قرآن عظیم الشان و اجماع صحابه کرام رضی الله عنه جمع آوری گردید و در یک کتاب گذاشته شد این نسخه قرآن کریم در نزد ابی بکر صدیق رضی الله عنه باقی ماند تا اینکه او وفات نمود سپس به نزد حضرت عمر رضی الله عنه بود تا اینکه او هم وفات نمود سپس به نزد ام المؤمنین حفصه بنت عمر رضی الله عنه ما باقی ماند.

سوال: آیا قرآن عظیم الشان به شکل کامل آن توسط دیگر اصحاب کرام رضی الله عنه نوشته نشده بود و موجود نبود؟

جواب: قرآن شریف به شکل یک کتاب کامل که آنرا مصحف میگفتند در نزد دیگر صحابه کرام رضی الله عنه نیز موجود بود که مثلاً: مصحف علی بن ابی طالب، مصحف ابی بن کعب، مصحف عبد الله بن مسعود رضی الله عنه ولی مصحفی را که ابی بکر صدیق رضی الله عنه جمع آوری نمود با دقت بیشتر بود.

سوال: آیا این کار از جمله اعمال بسیار بزرگ ابی بکر صدیق رضی الله عنه به حساب نمیرود؟

جواب: درحقیقت حضرت ابی بکر صدیق رضی الله عنه در هنگام خلافت خود برعلاوهء مقابله با دشمنان اسلام نشر اسلام در جاهای زیاد فرستادن لشکر اسامه به روم توانست بزرگترین خدمت به قرآن عظیم الشأن را انجام دهد و به اساس حدیث شریف «مَنْ سَنَّ سُنَّةَ حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا»^(۱) هرکسی یک کاری نیکی را اساس گزاری نماید برایش اجر این کار واجر هرکسی که آن کار را نماید داده میشود. به اساس همین حدیث شریف هرکسی که قرآن کریم را که اکنون در یک کتاب جمع آوری شده است چاپ میکند و به دسترس دیگران قرار میدهد برای ابی بکر صدیق رضی الله عنه نیز اجری ازین چاپها داده میشود؛ زیرا او بود نخستین کسیکه که این کار را انجام داده البته بر علاوه از وی برای حضرت عمر فاروق رضی الله عنه و زید بن ثابت و سایر صحابه کرام رضی الله عنهم حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه درین زمینه میگوید: "أعظم الناس أجرا في المصاحف أبو بكر، فإنه أول من جمع بين اللوحين" بزرگترین انسانها از نگاه اجر وثواب در قرآن کریم حضرت ابی بکر صدیق است، زیرا او نخستین کسی بود که قرآن را جمع آوری نمود.

سوم: جمع قرآن کریم در عصر عثمان بن عفان رضی الله عنه: درعصر عثمان بن عفان رضی الله عنه دین مقدس اسلام به مناطق بسیار دور انتشار نمود که نیاکان ما در کشور عزیز ما افغانستان نیز در زمان حضرت عثمان رضی الله عنه به دین مقدس اسلام مشرف گردیدند درین عصر که مردم قرآن عظیم الشأن را تلاوت مینمودند در شکل تلفظ آنها بعضی از مشکلات دیده شد و حضرت حذیفه رضی الله عنه این مشکل به حضرت عثمان خبر داد امام بخاری از حضرت انس رضی الله عنه روایت میکند که حذیفه بن الیمان به نزد حضرت عثمان آمد او که در فتحه ارمینیه و آذربایجان با عراقیان یکجا مصروف فتح آن مناطق بود، اختلاف آنان در قرائت قرآن کریم او را خسته نمود برای عثمان رضی الله عنه گفت: قبل ازینکه امت اسلام مانند یهودی ها و نصرانیان اختلاف نمایند آنرا درک کن حضرت عثمان مجموعهء از صحابه کرام رضی الله عنهم را در مجلسی خواسته با آنان مشوره نمود، این مجلس فیصله نمود که:

1- الحديث أخرجه مسلم في كتاب الزكاة باب الحث على الصدقة ولو بشق تمر أو كلمة طيبة. صحيح مسلم ج 2 ص 705.

- 1- از قرآن شریفی که آنرا به امر ابی بکر صدیق رضی الله عنه حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه جمع آوری نموده بود، چندین نسخهء دیگری نوشته شود.
 - 2- ازین نسخه ها به هر شهری از شهر ها فرستاده شود تا منحیث نسخهء معتمد و مرجع اصلی بر آن اعتماد شود از آن بخوانند و به دیگران بیاموزند.
 - 3- بقیه نوشته هایی که در آن اشتباهات نوشتاری است و سبب اختلاف میگردد از نزد مردم جمع آوری شده و حریق شوند.
 - بناءً یک کمیسونی متشکل گردید که اعضای آن عبارت بودند از:
 - 4- زید بن ثابت انصاری رضی الله عنه از کاتبان وحی رسول الله صلی الله علیه و آله کسیکه در زمان ابی بکر صدیق رضی الله عنه نیز مسؤولیت جمع آوری قرآن عظیم الشان را به عهده داشت.
 - عبد الله بن زبیر بن عوام قریشی رضی الله عنه که در قرآن شناسی و لهجهء قریش فصاحت و بلاغت عالی داشت.
 - 5- سعید بن عاص قریشی رضی الله عنه که از جملهء شخصیت های فصیح قریش بود و صحابه کرام رضی الله عنهم لهجهء او را شبیه به لهجهء رسول الله صلی الله علیه و آله میدانستند.
 - 6- عبدالرحمن بن حارث بن هشام قریشی.
- تعداد این کمیسیون را بعضی ها چهارتن و بعضی ها 12 تن بیان داشته اند. چنانچه ابی داود از محمد بن سیرین از کثیر بن أفلح روایت میکند که: «لَمَّا أَرَادَ عُثْمَانُ أَنْ يَكْتُبَ الْمُصَاحِفَ جَمَعَ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ قُرَيْشٍ وَالْأَنْصَارِ، فِيهِمْ أَبُو بَنْ كَعْبٍ وَزَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ» ⁽¹⁾ هنگامیکه عثمان میخواست که مصحف ها را بنویسد 12 تن را بر گزید که همه قریشی و در میان شان ابی بن کعب و زید بن ثابت انصاری بودند.
- استاد نورالدین عنتر و دکتر علی بن سلیمان عبید میگویند: بین روایت بخاری که چهارتن را بیان داشته است و روایات دیگر که 5 یا 7 تن دیگری را ذکر نموده اند کدام منافاتی وجود ندارد؛ زیرا

1- أخرجه ابن أبي داود في كتاب المصاحف ص25.

در روایت بخاری اعضای کمیسیون اصلی را بیان داشته است و بقیه روایت اشخاصی دیگری را که با آنان در نوشتن سهم گرفته اند نیز ذکر نموده اند. (۱)

اسلوب نسخه گیری: قرآن عظیم الشان در عصر عثمان رضی الله عنه به شکل ذیل نسخه گیری شد:

1- مصحفی را که زید بن ثابت رضی الله عنه در عصر ابی بکر صدیق رضی الله عنه اصل قرار داده و از آن بقیه نسخه را نوشتند چنانچه حضرت عثمان رضی الله عنه امر نمود تا این مصحف از منزل ام المؤمن (بی بی حفصه) رضی الله عنها آورده شود و از آن نسخه ها گرفته شود.

2- این کمیسیون تحت رهنمای شخص حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه وظایف خود را انجام میدادند.

3- نوشتن کلمات به اسلوب قریش اساس هر اختلافی قرار داده شد؛ زیرا قرآن کریم به لهجه قریش نازل شده است و طرز املائی قریش بهترین و فصیح ترین همهء لهجات بود.

4- نوشتن قرآن کریم به قرائت هفتگانه.

فرستادن نسخه ها به شهرهای بزرگ: حضرت عثمان رضی الله عنه امر نمود تا این نسخه های

قرآنی به شهرهای بزرگ فرستاده شود و یک نسخهء آنرا به نزد خود نگهداشت و نسخهء قبلی را دو باره به منزل حفصه رضی الله عنها فرستاد.

همچنان حضرت عثمان رضی الله عنه تعدادی از حافظان قرآن کریم را نیز به این مناطق فرستاد تا آنان هم قرآن کریم را تلاوت کنند و هم از حافظان قرآن عظیم الشان شکل تلفظ درست آنرا بیاموزانند.

حریق نمودن پارچه های قرآن: بعضی از مستشرقان و دشمنان اسلام ضد عملکرد صحابه

کرام رضی الله عنهم تبلیغات میکنند که چطور عثمان رضی الله عنه امر نمود که باقیانده پارچه های قرآن کریم حریق گردد؟

اصلاً بقیهء پارچه های قرآن کریم که در نزد مردم در شهرهای مختلف به اسالیب مختلف نوشته شده بود سبب اختلاف در قرائت قرآن کریم میگردد بناءً صحابه کرام رضی الله عنهم به این امر موافقت

1- رک علوم قرآن کریم تألیف نور الدین عتر ص: 174. و همچنان جمع القرآن الکریم- حفظاً و کتابه تألیف د علی بن سلیمان العبید ص: 55.

نمودند و حتی بعضی از صحابه مثل حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که در نخست مخالفت نمود سپس دانست که این کار به منفعت اسلام است به این کار رضایت نشان داد. حضرت سويد بن غفلة میگوید که: "قَالَ عَلِيٌّ حِينَ حَرَّقَ عُثْمَانُ الْمُصَاحِفَ: لَوْ لَمْ يَصْنَعُهُ" (1) ترجمه: حضرت علی کرم الله وجهه هنگامیکه عثمان رضی الله عنه این پارچه های قرآن کریم را حریق نمود فرمود: اگر او این کار را نمیکرد من این کار را میکردم.

همچنان از حضرت مصعب بن سعد روایت نمود که میگفت: "أَذْرَكْتُ النَّاسَ مُتَوَافِرِينَ حِينَ حَرَّقَ عُثْمَانُ الْمُصَاحِفَ فَأَعْجَبَهُمْ ذَلِكَ، أَوْ قَالَ: لَمْ يَنْكِرْ ذَلِكَ مِنْهُمْ أَحَدٌ" (2) هنگامیکه حضرت عثمان به حریق نمودن پارچه های قرآن امر نمود مردم زیادی حضور داشتند و این کار مورد پسند همه واقع شد.

اصلاً درین مسائل نسبت به سخنان احساساتی صحابه کرام رضی الله عنهم آنچه که به منفعت اسلام است انجام میدادند امروز هم بسیاری از قرآن های شریف که در منازل به شکل کهنه و فرسوده میباشد و در هر کرانه سبب بی احترامی به آن میشود علمای اسلام فتوا داده اند که این نسخه ها یا دفن وی ا حریق گردند تا در زیر پاها نشده و بی احترامی به آن صورت نگیرد به این شکل صحابهء کرام رضی الله عنهم توانستند که خدمات ارزنده به قرآن عظیم الشان نمایند قرآن شریف را که حضرت عثمان رضی الله عنه کاپی نموده و به شهرهای مختلف فرستاد من حیث مرجع اصلی در تمامی شهر ها از آن استفاده میشد و حافظان قرآن کریم همیشه در حفظ قرآن کریم سهم داشته اند و همین یکی از معجزات قرآن کریم است که امروز میلیونها حافظ قرآن کریم را میابیم که همه به یک شکل قرآن عظیم الشان را بدون اختلاف تلاوت میکنند و این کار ان شاء الله تا روز قیامت دوام خواهد داشت.

1 - لمصاحف ص 12.
2 - لمصاحف ص 12.

روز بیست و یکم رمضان

درس بیست و یکم (لیلة القدر... فضایل و احکام)

قدر به معنای اندازه کردن، معین نمودن و فیصله کردن آمده است یعنی لیلة القدر شبی است که الله ﷻ در آن هر چیزی را صحیحاً اندازه می نماید و وقت آنرا تعیین می کند و احکام را نازل می فرماید و تقدیر هر چیزی را مقرر می نماید. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ «تَنْزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»^(۱)

ترجمه: ما آن (قرآن کریم) را در شب قدر نازل کردیم! و تو چه می دانی شب قدر چیست؟! شب قدر بهتر از هزار ماه است! فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می شوند. شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده.

لیلة القدر در کدام یکی از شب های رمضان می باشد:

حضرت ام المؤمن (عائشه صدیقه (رضی الله عنها)) می گوید: که رسول الله ﷺ فرموده است: «لیلة القدر را در ده شب آخر رمضان در شب های طاق جستجو کنید». (۲) ولی به هر حال برای مسلمانان بهتر این است که هر شب ماه مبارک را به احتمال این که شب قدر باشد به عبادت و قرائت قرآن کریم و دعا بگذرانند و دعا خویش را منحصر به سه و یا چهار شب و یا هم شب های طاق نسازند.

فضیلت شب قدر: شب قدر بر همه شب های سال فضیلت و برتری دارد بخاطر اینکه قرآن کریم در آن شب نازل شده است الله ﷻ می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»

1- سوره القدر، آیت: 1/5.
2- روای حدیث شریف: امام بخاری.

﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾⁽¹⁾

ترجمه: ترجمه: ما آن (قرآن کریم) را در شب قدر نازل کردیم! و تو چه می دانی شب قدر چیست؟! شب قدر بهتر از هزار ماه است! فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می شوند. شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده. در جای دیگر الله می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ﴾⁽²⁾ ترجمه: که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره انداز کننده بوده ایم.

رسول الله ﷺ در باره فضیلت این شب می فرماید: «کسی که در شب قدر بر اساس ایمان به الله ﷻ و امید اجر و پاداش از وی به نیاز بایستد (و به عبادت مشغول شود) گناهان گذشته او بخشیده می شود»⁽³⁾ قدر در یکی از شبهای ده روز آخر رمضان است بدین خاطر به زنده داری این ده روز آخر سفارش شده است در حدیث آمده است: «شب قدر را در شبهای فرد ده شب آخر رمضان تلاش کنید»⁽⁴⁾ رسول الله ﷺ در ده روز آخر رمضان سخت به عبادت مشغول می شدند چنانکه ام المؤمنین (عایشه رضی الله عنها) می فرماید: «هنگامی که ده روز آخر ماه رمضان فرا می رسید رسول الله ﷺ شب بیدار می ماند و خانواده اش را بیدار می کرد و سخت به عبادت مشغول می شد».⁽⁵⁾

از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که می فرماید: به رسول الله ﷺ گفتم: اگر دانستم کدام شب قدر است چه بگویم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُو تَحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي»⁽⁶⁾

«پروردگارا: بی شک تو بسیار آمرزنده ای و آمرزش رادوست می داری. پس مرا بیامرز».⁽⁷⁾

1- سوره القدر، آیت: 1/ 5..

2- سوره الدخان، آیت: 3..

3- امام بخاری (2014) و مسلم (760) روایت کرده اند.

4- امام بخاری (2017).

5- امام بخاری (2024) و مسلم (1174).

6- کتاب: السنن والمبتدعات المتعلقة بالأذکار والصلوات المؤلف: محمد بن أحمد عبد السلام خضر الشقيري الحوامدي (المتوفى: بعد 1352 هـ) المصحح: محمد خليل هراس الناشر: دار الفكر عدد الأجزاء: 1 [ترقيم الكتاب موافق للمطبوع]

7- حدیث صحیح است امام ترمذی (3813) و ابن ماجه (3850) و احمد (171/6).

روز بیست و دوم رمضان

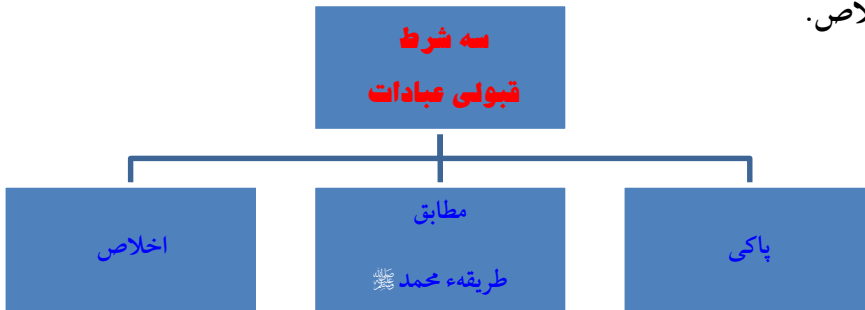
درس بیست و دوم (شرایط قبولی روزه)

عبادت مؤمن زمانی قبول میشود که سه شرط اساسی پذیرش عبادت در آن موجود باشد که این شرایط عبارت اند از:

1- پاکی.

2- مطابقت با طریقه و روش رسول الله ﷺ.

3- اخلاص.



به اساس پاکی باشد اولین موضوعیکه درینجا باید به آن توجه داشت اینست که معیار پاکی و ناپاکی در دین مقدس اسلام به اساس حکم الله ﷻ میباشد پاک در نزد مسلمان به چیزی گفته میشود که الله ﷻ آنرا پاک دانسته است و مردار و ناپاک چیزی است که الله ﷻ آنرا حرام و ناپاک بیان داشته است و رسول الله ﷺ آنرا تشریح و توضیح نموده است.

مهمترین اساس پذیرش عبادات و اطاعت ها به نزد الله ﷻ پاکی و صفایی وسایل آن عبادت است که به الله ﷻ برای قبولی تقدیم میگردد. الله ﷻ پاک است و چیزهای پاک را دوست دارد و اشیای ناپاک و مردار را به درگاه خویش قبول نمی نماید.

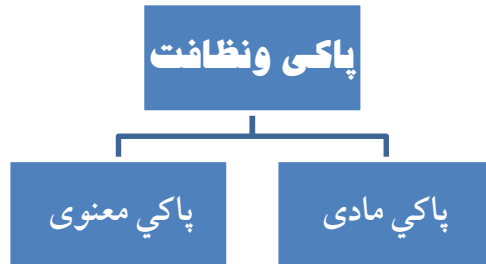
در حدیث شریف است که «إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّباً»⁽¹⁾ ترجمه: الله ﷻ پاک است و بجز اشیای پاک را نمیپذیرد، و مورد قبولش واقع نمیشود.

هرگاه غذای بسیار خوب و یا آب بسیار سرد در هنگام گرسنگی و تشنگی برای تان آورده شود و برای تان بگویند که درین غذا به مقدار بسیار کم کثافت افتاده است و یا در آب تان قطره‌ای از مرداری افتاده آیا شما این غذا را میخورید؟ و یا هم از آن آب مینوشید؟ طبیعی است که نخیر.

چرا؟ برای اینکه طبیعت و شخصیت انسان از استعمال اشیای کثیف متنفر است انسان مخلوق با کرامت است باید از بهترین خوراک‌ها، که بی نهایت پاک باشد استفاده نماید هرگاه انسان که یک مخلوق است چیزهای پاک را دوست دارد از لباس کثیف، مکان نجس و خوراک مکروبی نفرت دارد.

ذات الله ﷻ که پاکی وی از همه برتر است هیچگاهی عبادتی را که کثافت مادی و معنوی داشته باشد نمی پذیرد.

بدین اساس برای هر عبادت در دین مقدس اسلام پاکی معنوی و مادی شرط میباشد.



منظور از پاکی مادی: هرگاه لباس، مکان و یا چیزی را در عبادت استعمال میکنیم لازم است که از نگاه مادی پاک باشد، بناءً در نماز شرط است که لباس نماز گذار و مکانی که در آن نماز را ادا میکنند نجس نباشد.

منظور از پاکی معنوی: در پاکی معنوی مراعات سه امر ضروری میباشد:

1- «عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ نَسَارٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا تَصَدَّقَ أَحَدٌ بِصَدَقَةٍ مِنْ طَيِّبٍ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَنْ وَجَلٍ إِلَّا الطَّيِّبُ إِلَّا أَخَذَهَا الرَّحْمَنُ عَنْ وَجَلٍ بَيْنَيْنِهِ وَإِنْ كَانَتْ ثَمَرَةً فَتَرَبُّو فِي كَفِّ الرَّحْمَنِ حَتَّى تَكُونَ أَكْظَمُ مِنَ الْجَبَلِ كَمَا يُرَبِّي أَحَدَكُمْ فَلَوْهُ أَوْ فَصِيلُهُ» حدیث نمبر 2478 کتاب الزکاة سنن النسائي.

(1) پاکی که به ذات یک چیز تعلق میگیرد: زمانی چیزی را پاک میگوییم که به اساس حکم الهی پاک ثابت شده باشد. مثلاً: نماز خواندن بالای پوست خوک جایز نیست؛ زیرا خوک در ذاتش مردار است.

(2) پاکی که به اسلوب استفاده تعلق میگیرد: شکل دوم پاکی به اسلوب استفاده آن تعلق میگیرد. مثلاً: زمانی ما میخواهیم از گوشت حیوان حلال استفاده نماییم لازم است که ذبح آن به اسلوب اسلامی باشد و هر گاه گوسفند پاک مطابق احکام اسلامی ذبح نشده باشد خوردن گوشت آن جایز و حلال نمیشد همچنان ما پول داریم که از طریق حلال بدست ما آمده است ولی استفاده ازین پول تنها در امور جایز برای یک مسلمان اجازه داده شده است.

(3) پاکی که به قیمت و شکل بدست آمدن چیز تعلق میگیرد: زمانی میتوانیم به چیزی پاک بگوییم که از پول حلال و مشروع بدست آمده باشد. مثلاً: گوشت گوسفند زمانی برای ما حلال میشود که آنرا از پول حلال بدست آورده باشیم.

بناءً در استفاده از هر چیزی 4 شرط وجود دارد:

شرط اول: شرط پاکی و قابلیت استفاده در ذات چیزی: در شریعت اسلامی بسیاری چیز ها هستند که ذاتاً استفاده از آنها نا جایز و نادرست میباشد. مثلاً: از ذات مشروبات الکحولی استفاده نمودن حرام است و یا هم از ذات خنزیر (خون، گوشت، پوست و شحم چربی)) همه حرام میباشد.

شرط دوم: شرط پاکی در اسلوب: پاکی اسلوب سه نوع است:

الف: اسلوب بدست آوردن: برای بدست آوردن هر چیزی اسلوب خاصی در قوانین قرآنی وجود دارد هرگاه با شرایط اسلامی باشد حلال میباشد در غیر آن حرام و ناجایز است. بدست آوردن چیزی از طریق سرقت، دزدی، اختلاس، رشوت، سود، فریب کاری، پیشه های حرام و ناجایز ممنوع و حرام میباشد.

ب: اسلوب تهیه نمودن: در استفاده از بسیاری امور طرز تهیه نمودن آن نیز شرط می باشد. مثلاً: خوردن گوشت گوسفند زمانی جایز است که به اسلوب اسلامی ذبح شده باشد و هرگاه گوسفند که خوردن گوشت آن جایز است به اسلوب اسلامی ذبح نشده باشد، باز هم حلال گفته نمی شود در کشور های غربی مرغ، گوسفند، گاو و غیره حیوانات را توسط برق با اسلوب خاص هلاک میکنند که در آن شرایط ذبح اسلامی مراعات نمی گردد. خوردن گوشت این حیوانات نا جایز است و یا اینکه در تهیه شیرینی باب، مواد غذایی و غیره از شحم و چربی خوک استفاده میکنند، در بسیاری مشروبات شان الکحول وجود میداشته باشد.

ج: اسلوب استعمال و مصرف نمودن: بسا اوقات مال کسی حلال است ولی آنرا به شکل منفی استعمال میکند، بناءً مال پاک باید در امور پاک استعمال گردد محفل هاییکه برای هم چشمی، خود سازی، پول دادن برای رقاصه ها، موسیقی ها و موسیقی سرایان مبتذل، نوشیدن مخدرات، گردهمایی برای دیدن فلم ها، تیاتر های بی حیایی و غیره محافلی اند که از دیدگاه شریعت اسلامی مصرف در آنان جایز نمی باشد و یا هم مصرف نمودن پول در آنچه اجازه نیست که مصرف صورت گیرد.

شرط سوم: شرط پاکی در قیمت: انسان مؤمن عقیده دارد که بدست آوردن مال از راه حلال یکی از شرایط مهم برای حلال بودن هر چیزی می باشد هرگاه کسی چیزی را از پول حرام بدست بیاورد، خوردن آن چیز برایش جایز نمی باشد.

شرط چهارم: شرط پاکی در شخص استفاده کننده: در شریعت اسلامی چیز هایی است که برای بعضی اشخاص حلال و برای بعضی ها حرام می باشد. مثلاً: استعمال طلا و ابریشم برای زنان و دختران حلال و جایز است اما برای مردان و پسران حرام و ناروا می باشد مطابق به چهار شرط فوق هرگاه کسی نماز می خواند لازم است تا جای نماز، لباس های نماز خوان و جسمش از نجاست های مادی و معنوی پاک باشد جای نماز و لباسهایش باید از پول حلال خریداری شده باشد و بدنش نیز از پول حلال تغذیه شده باشد همچنان لازم است که از نجاست های مادی مانند: بول،

غائط، خون، ریم و غیره پاک باشد و با وضو نماز خویش را ادا نباید به همین شکل هرگاه کسی روزه میگیرد، لازم است تا هنگام روزه گرفتن در سحری غذای حلال بخورد و در وقت افطار نیز با غذای حلال روزه خود را افطار نماید همچنان هرگاه کسی به حج میرود باید پول حش از طریق حلال و مشروع باشد با پول های رشوت سرقت ها از بیت المال مسلمانان فریب کاری در تجارت، خرید و فروش طویانه دختران و خواهران اموال غصب و غیره حج نمودن هیچ فایده ندارد.

نتایج حرام خواری: هرگاه شخصی در عبادات خویش حرام و حلال را مراعات ننموده و توجهی به این امر نداشته باشد استفاده از حرام نتایج ذیل را برایش میآورد:

الف: قبول نشدن چهل روز عبادت با خوردن یک لقمه حرام: مهمترین نقطه که دانستن آن بر هر مسلمان لازم است این سخن رسول الله ﷺ میباشد که فرموده است: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنَّ الرَّجُلَ لَيَقْذِفُ اللَّقْمَةَ الْحَرَامَ فِي جَوْفِهِ مَا يَتَقَبَّلُ مِنْهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا» (1) ترجمه: قسم است به ذاتی که نفس محمد به دست اوست شخصی که يك لقمه حرام را به شکمش فرود میبرد، چهل روز اعمال نیک او قبول نمیشود.

ب- قبول نشدن دعای حرام خور: در حدیث شریف به اساس شهادت رسول الله ﷺ دعای انسان حرام خور هرگز قبول نمیگردد، آن حرام خوریکه خوردنی، نوشیدنی و لباسش از مال حرام باشد و سپس دست به درگاه پروردگار ﷻ نموده طلب دعا نماید بهتر است این حدیث رسول الله ﷺ را از زبان نبی کریم ﷺ نقل نموده و یاد گیریم: حضرت اَبی هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ میفرماید که رسول الله ﷺ گفت:

ای مردم! الله ﷻ پاک است و قبول نمیکند مگر چیزهای پاک را الله ﷻ منان را به چیزی امر نموده است که پیامبران علیهم السلام را به آن امر نموده، میفرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (2) ترجمه: ای رسول الله ان! چیزهای پاک را بخورید، اعمال نیک نمائید من از

1- والذی نفس محمد بیده إن العبد لیقذف اللقمة الحرام فی جوفه ما یتقبل منه عمل أربعین يوماً (الطبرانی فی الصغیر عن ابن عباس) [المنای] أخرجه الطبرانی كما فی مجمع الزوائد (291/10) قال الهیثمی: فیه من لم أعرههم. وأخرجه أيضاً: الطبرانی فی الأوسط (310/6)، رقم (6495).

2- سوره مومنون، آیت: 51..

تمامی اعمال شما با خبر هستم همچنان فرموده: «يا ايها الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (1)
 ترجمه: ای مومنان! از رزقی که برای تان داده ام، چیزهای پاک را بخورید. بعداً رسول الله ﷺ فرمود: شخصی سفر طولی میکند، با موهای ژولیده و غبار آلود، دست به آسمان میکند و میگوید: ای پروردگارا! ای پروردگارا! درحالیکه خوراکش حرام است، نوشیدنی اش حرام است، لباسهایش حرام است، و با حرام تغذیه شده است، کجا دعایش قبول میگردد؟ (۲)

ج- جسمیکه از حرام تغذیه شود با آتش دوزخ میسوزد: ابن کثیر از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت میکند که من این ایت شریف را در نزد رسول الله ﷺ تلاوت نمودم: «يا ايها النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» (3) ترجمه: ای مردمان از غذاهای حلال و پاک بخورید. حضرت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه عرض نمود: ای رسول الله! برای من دعا نما که الله ﷻ مرا مستجاب الدعاء (کسیکه دعایش قبول میگردد) بگرداند، رسول الله ﷺ گفت: ای سعد! غذایت را پاک بگردان، قسم است به ذاتی که نفس محمد به دست اوست، شخصیکه يك لقمه حرام را به شکمش فرود میبرد، چهل روز اعمال نیک او قبول نمیشود و هر کسیکه بدنش از حرام و سود تغذیه شده باشد، آتش دوزخ برایش اولی تر است. (4) هرگاه به معنای این حدیث شریف متوجه شویم، میبینیم کسانی که از پول حرام استفاده نموده و مشغول عبادت میشوند، درحقیقت عبادت شان قبول نشده است.

ازین حدیث رسول الله ﷺ به صراحت معلوم میگردد، که انسانیکه خوراکش، نوشیدنی اش، لباسش از مال حرام باشد و یا جسمش از حرام تغذیه شده باشد هر قدر به دربار الله ﷻ دعا کند دعایش قبول نمیشود.

1- سوره البقره، آیت 172..
 2 عن أبي هريرة قال قال رسول الله ﷺ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنْ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» وَقَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ فَأَنَّى يُسْتَجَابَ لِذَلِكَ (حدیث 7998 مسند امام احمد)
 3- سوره البقره، آیت: 168..
 4 عن ابن عباس قال: تليت هذه الآية عند النبي ﷺ "يا أيها الناس كلوا مما في الأرض حلالا طيبا" فقام سعد بن أبي وقاص فقال يا رسول الله ادع الله أن يجعلني مستجاب الدعوة فقال "يا سعد أظن مطعمك تكتن مستجاب الدعوة والذي نفس محمد بيده إن الرجل ليقتذف اللقمة الحرام في جوفه ما يتقبل منه أربعين يوما وإنما عبد نيت لحمه من السحت والربا فالنار أولى به".

د- صدقه نمودن یک خرماي حلال به اندازه یک کوه میگردد: برعکس هرگاه

یک مسلمان مخلص از مال حلال خویش به اندازه یک خرما در را الله ﷻ مصرف مینماید الله ﷻ همین مال کم وی را به اندازه کوه ها گردانیده و برایش اجر میدهد، حضرت ابی هریره رضی الله عنه میفرماید که رسول الله ﷺ فرمود: هرگاه کسی به اندازه یک خرما از مال حلال صدقه دهد در حالیکه الله ﷻ بغیر از چیزهای پاک را قبول نمیکند سپس پروردگار متعال این مال پاک را نمو میدهد تا اینکه این مال پاک به اندازه یک کوه میگردد. (۱)

هـ اموری که در آن شک است انسان را در حرام مبتلا میکند: حضرت نعمان پسر

بشیر میفرماید که: از محمد صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: حلال معلوم و آشکار است و حرام هم معروف و بیان شده است در میان حلال و حرام اموریست که در آن شك و شبهه نهفته است و آنرا بسیاری از مردمان نمیدانند هرکسیکه از اموری که در آن شك و شبهه است، اجتناب ورزید برای خود پاکی در دین را خواستار شده است و هرکسیکه در شبهات واقع شد مانند کسی که در اطراف مزرعه ای دیگران مالش را میچراند و عنقریب حیواناتش در مزرعه دیگران داخل خواهند شد آگاه باشید که برای هر پادشاهی حریمی است و حریم الهی در زمین الهی، محرمات (امور حرام) میباشد، آگاه باشید که در وجود انسان يك پارچه خونی است هرگاه آن پارچه خون اصلاح شد تمامی جسد اصلاح میشود و هرگاه فاسد شد تمامی بدن فاسد میگردد و آن پارچه خون، قلب است. (۲)

الله ﷻ میفرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (۳) ترجمه: ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید، که او دشمن آشکار شما است.

نجات در چیست: تفسیر قرطبی میگوید: حلال را حلال گویند زیرا گره خطر بواسطه آن

باز میگردد و حضرت سهل بن عبدالله رضی الله عنه میفرماید: نجات در سه چیز نهفته است:

1- حدیث 1321 کتاب زکات بخاری شریف.
2- حدیث نمبر (50) کتاب الإیمان، بخاری شریف
3- سورة البقرة، آیت: 168..

الف: خوردن حلال: اساس نجات خوردن حلال است؛ زیرا خوردن حرام سبب میشود که همهء و سایل انسان مردار شده و هر عبادتی که با وسایل حرام صورت گیرد مورد قبول واقع نمیشود و هرگاه عبادت قبول نشد مشکل است که انسان نجات بیابد.

ب: ادای فرایض: آنچه را الله ﷻ فرض نموده است در روز قیامت محاسبه صورت میگیرد و انسانی که در فرایض بی تفاوتی میکند حتماً به مشکلات زیاد مواجه میگردد.

ج: اقتدا به نبی کریم ﷺ: بزرگترین نجات در متابعت از رسول الله ﷺ میباشد، زیرا کسانی که سخنان رسول الله را گذاشته به ارشادات اشخاصی دیگری که مخالف گفته های رسول الله سخن میگویند، در روز قیامت به مشکلات زیادی مواجه شده و نجات شان بسیار مشکل خواهد بود.

عقبه بن عامر رضی الله عنه میفرماید که گفتم ای رسول الله! نجات در چیست؟ گفت: زبانت را حفظ کن، خانه ات برای فراخ باشد، و بر گناهانت گریه کن.

به اساس اخلاص باشد

الله ﷻ ذات نهایت صاحب قدرت میباشد، هیچگاهی عملی را که باوی کسی شریک گردد نمیپذیرد. هرگاه کسی در عبادت الله ﷻ 1٪ کسی دیگری را شریک نماید، الله ﷻ همان 99٪ را به همان شخص میدهد، و هیچ چیزی از آنرا نمیپذیرد. به این اساس لازم است که انسان در عبادت خویش کسی را با الله (سبحانه و تعالی) شریک نکند، همیشه متوجه باشد که آنچه عبادت نامیده میشود، خاص برای ذات الله ﷻ انجام داده شود.

مثلاً: کسی میخواهد صدقه کند، از او میپرسیم: شما چرا اینقدر مصرف رامتحمل شدید؟ هرگاه هدفش الله ﷻ باشد، میگوید: برای رضایت الله ﷻ اینکار را نمودم، و یا هم این انسان صدقه خویش را چنین خفیه به مستحقین میدهد که هیچ کسی از آن خبر نمیشود، اما اگر از شخص ریا کار بپرسیم که شما چرا اینقدر مصرف نمودید؟ میگوید برای اینکه مردم بالای ما تبصره نکنند، خنده نکنند، و نگویند که هیچ مصرفی نکرد، و یا هم این رواج قومی ماست، و ما باید مطابق آن عمل نماییم.

بناء بر هر مسلمان با ایمان لازم است که اخلاص در عبادت را در نظر داشته، و همیشه توجه اش به خالق یگانه باشد، در غیر آن عبادتش قبول نمیگردد.

مطابق قرآن و سنت باشد

عبادت در اسلام اینست که در مورد آن عبادت در قرآن عظیم الشان و یا سنت رسول الله ﷺ ذکر شده باشد، مثل: نماز، روزه، زکات، حج، صله رحم، احترام والدین، ذکر، دعوت به اسلام، جهاد برای دفاع از مقدسات و غیره عباداتی که در عصر نبوت منحیث عبادت پذیرفته شده است.

بعضی از مردمان اعمال نیک را انجام میدهند، اخلاص نیز دارند، پاکی مادی و معنوی آنها نیز در نظر دارند، ولی اعمال شان با سنت رسول الله ﷺ مطابقت ندارد، آنان بعضی از اعمال را مطابق خواست خویش و یا از بعضی از ادیان دیگری نقل نموده، به آن متصل میشوند.

بناء بالای هر مسلمان فرض است که برای اینکه یک عمل را عبادت نامگذاری نماید اصل آن عبادت را در قرآن و سنت جستجو کند.

زیرا دین مقدس اسلام در زمان حضرت محمد ﷺ تکمیل شده است و آیت: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ (۱)

ترجمه: امروز، دین شما را کامل کردم.

و معیار قبولی عبادت آنست که اصل در قرآن و سنت داشته و به شکلی آن عبادت شود که رسول الله ﷺ آنها را انجام داده است.

روز بیست و سوم رمضان

درس بیست و سوم (اثر اخلاق و آداب در حفظ عقیده و ایمان)

موضوع اخلاق و ادب یکی از موضوعات مهم در تمامی بخش های اعتقادی، عبادی، معاملاتی و سایر احکام و قوانین اسلامی میباشد. حضرت محمد ﷺ میفرماید: «إِنَّ خَيْرَكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا» (1)

ترجمه: بهترین شما با اخلاق ترین شماست. اهمیت بزرگ اخلاق درینست که رسول الله اکرم ﷺ میفرماید که: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى إِذَا لَمْ تَسْتَحْيَ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ» (2)

ترجمه: آنچه را مردم از سخنان پیامبران ﷺ درک نموده اند اینست که هرگاه حیا نداشته باشی هر چیزی را که خواسته باشی انجام ده. مفهوم حدیث شریف اینست که تمامی پیامبران ﷺ امت خویش را به حیا که رکن اساسی اخلاق است دعوت مینمودند و میگفتند که انسان بی حیا هر عمل زشت را انجام میدهد.

عظمت اخلاق در دین مقدس اسلام به اندازهء است که هر اعتقاد مسلمان، عملکرد وی، عبادتش، سخنانش، ارتباطاتش که به اساس بی ادبی باشد بی ارزش و باطل بیان شده است.

الف: بخش اعتقادات: دین مقدس اسلام اخلاق و اعتقادات با هم ارتباط بسیار قوی دارند هرگاه کسی آداب و اخلاق را با الله ﷻ، پیامبران ﷺ، کتابهای آسمانی، ملائکه ها، قیامت و غیره امور همین احترام و ادب به آنها، ما عقیده داریم که پیامبران ﷺ از گناهان کبیره و صغیره معصوم و پاک میباشند. به همین سان احترام به سایر شخصیت هاییکه در قرآن عظیم الشأن پاکى آنان بیان شده است، لازم و فرض میباشد.

1- حدیث نمبر (5575) کتاب کتاب الآداب، صحیح البخاری.
2- حدیث نمبر 5655 باب اذا لم تستح فاصنع ما شئت، کتاب الادب، صحیح البخاری.

ب: بخش عبادات: به اساس قواعد اسلامی هر عبادتی که منفی اخلاق گردد باطل و به بارگاه الهی قبول نمیگردد.

نماز یک عبادت مهم است، بناءً نماز انسان زمانی درست میگردد که معیار های اخلاقی در پهلوی سایر احکام در آن مراعات گردد. مثلاً: سوال میشود که چرا فلاح و کامیابی نصیب کسانی است که در نماز خود خشوع دارند؟ و چرا کسیکه خنده قهقهه میکند هم نمازش باطل میگردد و هم وضویش میشکند؟ جوابش در اساس اخلاق و ادب است؛ زیرا کسیکه در نماز خود خشوع دارند، نهایت درجه ادب را با خالق خود مراعات میکند، او میداند که یک مخلوق ضعیف است خود را در مقابل خالق خود ذلیل ساخته با بسیار تواضع و عاجزی در مقابل پروردگار ارکان نماز را ادا میکند و برعکس کسیکه خنده میکند در مقابل خالق خود بی ادبی نموده است به همین سان در تمامی عبادت های اسلامی نقش ادب و اخلاق بسیار مهم بوده. مثلاً: روزه دار واقعی کسی است که ادب و اخلاق را با مردم چنان مراعات کند که حتی اگر کسی او را دشنام دهد و یا به جنگ دعوت کند برایش بگوید که من روزه دار هستم و نمیخواهم کاری مخالف اخلاق اسلامی را انجام دهم.

زکات یک عبادت بزرگ و یکی از بناهای اساسی اسلام است ولی زکات منفی اخلاق باشد مساوی به عدم قبولی زکات میگردد، الله ﷻ در قرآن شریف میفرماید: ﴿لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَدَى﴾ (۱)

ترجمه: نیکی های خود را با منت گزاری و اذیت رسانی به فقراء باطل نکنید. ازین ایت شریف معلوم میگردد که انسان زکات دهنده در هنگام دادن زکات معیار های اخلاقی را کاملاً مراعات نموده و سخنی نگوید که در آن منت گزاری و یا اذیت رسانی به فقیری باشد.

همچنان حج میرود که مورد قبولی الله ﷻ واقع میگردد همان حجی است که در آن رفت، فسوق وجدال نباشد در آن حتی از سخنان شهوت آمیز با هوسر اجتناب شود، کارهای فاسقانه و جنگ وجدال در آن نباشد.

1- سوره البقرة، آیت: 264..

ج: بخش معاملات: معاملات روزانه انسانی خواه مربوط به روابط اجتماعی و فامیلی باشد، یا هم معاملات تجارتي و اقتصادي باشد، ياهم ساير معاملات و عقد هاي ديگري باشد که در چوکات دين مقدس اسلام مطابق قانون اسلام صورت ميپذيرد، نيز به وابسته به معيار هاي اخلاقي ميباشد به همين علت است که رابطه يک مرد نامحرم با زن نامحرم به اساس نکاح شرعي که اساس آن رعايت اخلاق اسلامي است صورت ميگيرد، خارج شدن خانم و رفتن وي براي انجام واجباتش نيز مقيد با حجاب اسلامي ميباشد که اساس آنرا حياي اسلامي و حفظ اخلاق جامعه تشکيل ميدهد.

مراعات ادب و اخلاق براي يک مسلمان نخست با الله ﷻ، حضرت رسول الله اکرم ﷺ، صحابه کرام رضی الله عنهم، قرآن عظيم الشان، احکام اسلام، قوانين و نظام اسلام و ساير مقدسات اسلام داراي اهميت بسيار عالي بوده که، بي توجهي و هزل درين امور سبب خارج شدن يک مسلمان از دايره ايمان ميگردد.

روز بیست و چهارم رمضان

درس بیست و چهارم (ادب و اخلاق با شعائر اسلام)

ادب و اخلاق با الله ﷻ

سرچشمه تمام آداب و اخلاق مراعات ادب با ذات الله ﷻ میباشد؛ الله ﷻ ذات پاک و مقدس است انسان مؤمن در سرخط تمامی اعمال خود رعایت ادب و اخلاق با خالق را در نظر میداشته باشد. یگانه فرق میان انسان موحد و مشرک در رعایت ادب با خالق است؛ بزرگترین بی ادبی به خالق را میتوان در نقاط ذیل خلاصه نمود:

- 1) استعمال الفاظی که مخالف شان، عظمت و بزرگی خالق باشد این الفاظ خواه به شکل قصدی و جدیت باشد و یا هم به شکل مسخره گی، ساعت تیری و لهو و لعب.
- 2) دشنام دادن و بد گفتن به خالق به شکل عمدی باشد و یا هم به شکل ساعت تیری و هزل.
- 3) استعمال نامها و صفات جدیدی که در قرآن کریم و احادیث صحیحہ رسول گرامی اسلام ﷺ صراحتاً نیامده باشد. مانند استعمال نامهایی چون عاشق، معشوق، خمار و غیره؛ زیرا اسماء الله توقیفی بوده و کسی حق ندارد که نام جدیدی برای الله ﷻ بسازد.
- 4) کدام نام و صفت الله ﷻ را به شکل توهین و تحقیر استعمال نمودن نیز سبب خارج شدن یک مسلمان از دایره ایمان میگردد.

- 5) انجام دادن کدام عبادت به غیر الله ﷻ نیز بی ادبی در مقابل خالق بوده این عملکرد شرک پنداشته شده و شرک تمامی اعمال انسانرا از بین میرد. مثلاً: سجده نمودن، رکوع نمودن، قربانی نمودن، نذر، ذبح نمودن حیوان و یا پرندۀ در مقابل انسان، حیوان، پرندۀ، زنۀ، مردۀ و غیره

مخلوقات که این اعمال خواه به شکل جدی باشد و یا به شکل ساعت تیری و مسخره گی و هزل و یا هم به شکل تمثیل و نقش بازی نمودن.

(6) فکاهی گفتن به نام خالق خواه به شکل قصدی باشد و یا هم به شکل هزل و ساعت تیری.

(7) انتقاد، توهین، تحقیر، استخفاف و استهزاء به احکام و ارشادات الله ﷻ، خواه به شکل قصدی و جدیت باشد و یا هم به خاطر هزل و بی تفاوتی.

ادب و اخلاق با ملائکه های الله ﷺ

ملائکه ها مخلوقات معصوم و پاک الله ﷻ هستند، ما همه به ملائکه ها ایمان داریم که آنان تمامی اوامر الله ﷻ را بالای خود تطبیق میکنند، تعداد ملائکه بسیار زیاد است و مشهور ترین آنان ملائکه هایی هستند که نامه های شان در قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ ذکر گردیده است. انسان مؤمن در وقت گرفتن نامه های آنان با بسیار ادب برخورد نموده و آنانرا منحیث مخلوقات معصوم الهی عقیده مینماید و با گرفتن نام هر کدام شان علیه السلام میگوید.

ادب و اخلاق با کتابهای الله ﷻ

الله ﷻ برای هدایت بشریت کتابهای آسمانی را فرستاده است که ما مسلمانان به تمامی کتابهای آسمانی ایمان داریم ﴿كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ﴾ (1)

ترجمه: تمامی مؤمنان به الله، فرشتگان، کتابهای آسمانی پیامبران ﷺ ایمان دارند. بناءً ما مسلمانان به تورات، زبور، انجیل نیز ایمان داریم و به این باور هستیم که هر سه کتاب برای بیان توحید (یگانگی) و رهنمایی امت آن سه رسول الله فرستاده شده بودند ولی ازینکه این کتابها برای مدت معین بودند، و با نازل شدن قرآن عظیم الشأن.. آنها منسوخ شده و اکنون عمل نمودن به آنها جایز نمیشد بخصوص اینکه در آنها تصرفاتی نیز صورت گرفته است.

آخرین کتابهای آسمانی قرآن کریم است بی ادبی به قرآن عظیم الشأن به هر شکلی که باشد خواه به شکل جدیت و یا هم به شکل هزل و مسخره گی کفر پنداشته میشود. احترام به قرآن عظیم الشأن تقاضا میکند که از نوشتن قرآن کریم با اشیاء نجس چون خون و غیره اجتناب کنیم از نوشتن قرآن کریم در اماکنی که سبب اهانت به قرآن کریم میگردد، اجتناب کنیم.

1- سوره البقرة، آیت: 285 ..

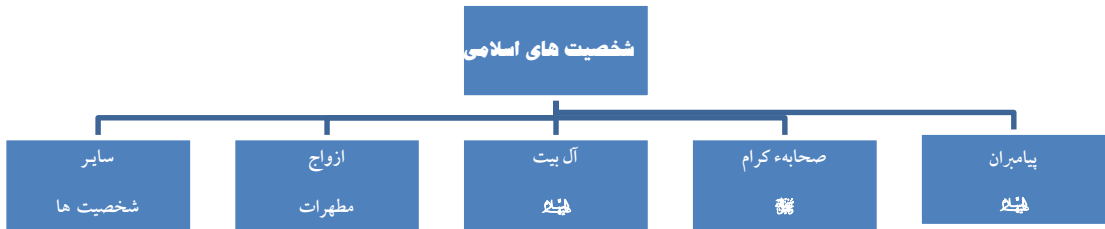
ادب و اخلاق با احکام و قانون الله ﷻ

احکام شریعت اسلام دارای قدسیت خاصی است که شارع آن رب العالمین میباشد از دیدگاه شریعت اسلامی انسان مؤمن پروردگار خود را نه تنها به انجام عبادات پرستش میکند، بلکه یکی از اساسات مهم پرستش خالق پیروی از احکام و قوانین وی میباشد روی این اصل هر کسیکه مخالف احکام الهی به حکم کسی دیگری تسلیم گردد از دایره شریعت اسلام خارج میگردد. علت مشرک شدن نصرانی ها همین بود که آنان علماء و راهبان خود را در ساختن قوانینی ضد قوانین الهی پیروی نمودند. ما مسلمانان پروردگار خویش را با تطبیق احکامش پرستش میکنیم تطبیق قوانین وی را جزء عقیده خود دانسته و تسلیمی به قوانین دیگران را تسلیمی به طاغوت میدانیم.

درس بیست و پنجم روز (بیست و پنجم) رمضان

ادب و اخلاق با شخصیت های اسلامی

اللهم در میان انسانها شخصیت هایی را برای ما معرفی نموده است که ما آنانرا منحیث شخصیت های عالی شناخته و برتریت و بهتر بودن آنانرا آنچنانکه قرآن عظیم الشأن معرفی مینماید باور داریم شخصیت های اسلامی را میتوان به پنج بخش اساسی تقسیم نمود:



اول- ادب و اخلاق با پیامبران ﷺ: دین مقدس اسلام احترام و ادب با تمامی پیامبران را بالای هر مسلمان لازم دانسته و آنرا جزء عقیده شان بیان داشته است. لازم است بدانیم که پیامبران ﷺ اشخاص عادی نبودن بلکه برگزیده گان رب العالمین میباشد: ﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾⁽¹⁾ ترجمه: الله ﷻ از فرشتگان رسولانی برمی گزیند و همچنین از مردم؛ الله ﷻ شنوا و بیناست!

در قرآن عظیم الشأن و احادیث شریف نامهای رسول الله ﷺ ذکر شده است و آیت شریف میفرماید که: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا

1- سوره الحج، آیت: 75..

كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١﴾ ترجمه: ما پیش از تو رسولانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگفته، و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم؛ و هیچ رسول الله ﷺ حق نداشت معجزه‌ای جز بفرمان الله ﷻ بیاورد و هنگامی که فرمان الله ﷻ (برای مجازات آنها) صادر شود بحق داوری خواهد شد؛ و آنجا اهل باطل زیان خواهند کرد!

به این اساس بالای هر مسلمان در مورد تمامی پیامبران ﷺ نقاط ذیل لازم بوده و باید به این نقاط ایمان داشته باشند و عملاً آنرا در زنده گی خویش تطبیق نمایند:

الف: ایمان داشتن به تمامی پیامبران الهی ﷺ.

ب: عدم فرق نمودن بین رسول الله ان.

ج: ایمان داشتن به عصمت پیامبران ﷺ و از گناهان صغیره و کبیره پاک میباشند.

د: استخدام الفاظ شایسته: در قرآن عظیم الشأن در مورد استخدام اصطلاحات و الفاظ دقت

زیاد بیان شده است و حتی برای صحابه کرام رضی الله عنهم در مورد استخدام اصطلاحاتی که معنای مترادف داشتند ولی در استعمال یکی از آنها چیزی از بی احترامی احساس میگردید و سبب ناراحتی رسول الله اکرم ﷺ میشد، منع صریح در قرآن کریم بیان شد تا صحابه کرام رضی الله عنهم با استعمال الفاظ کاملاً درست که در آنها ادب با رسول الله ﷺ مراعات میگردد، عادت نمایند و همچنان دشمنانش نیز نتوانند که از فرصت استفاده نموده رسول الله ﷺ را رنج دهند الله ﷻ فرمود: ﴿لَا تَقُولُوا رَاعِنًا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا﴾ (2) ترجمه: شما نگویید ما را مراعات نما، بلکه بگویید که بطرف ما نظر کن.

ه: اجتناب از کلمات توهین آمیز: قرآن عظیم الشأن درین مورد میفرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ

يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾ (3) ترجمه: آنها که الله ﷻ و

1- سوره الغافر، آیت: 78..

2- سوره البقره، آیت: 104..

3- سوره الاحزاب، آیت: 57

رسول الله ش را آزار می دهند، الله ﷻ آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است.

دوم) ادب و اخلاق با آل بیت (رضی الله عنهم اجمعین): آل بیت رسول الله ﷺ شخصیت های بزرگوار اسلام میباشند و محبت آنان جزء اساسی محبت با شخص رسول الله ﷺ میباشد: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۱) ترجمه: و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و الله ﷻ و فرستاده اش را فرمان برید الله ﷻ فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان (رسول الله) بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

درین آیت شریف الله ﷻ برای همسران رسول الله ﷻ امر میکند که در منازل خود نشسته و مانند زنان عصر جاهلیت تبرج نکنند نماز بخوانند، زکات بدهند از الله ﷻ و رسولش اطاعت کنند و در آخر آیت الله ﷻ برای شان یقین میدهد که این همه امور برای اینست که الله ﷻ می خواهد از شما زشتی ها را دور نموده و شما را پاک سازد. با قرائت این آیت مبارک هر مسلمان مؤمن به آل بیت رسول الله ﷻ و پاکی آنان 100٪ ایمان داشته و سخنی نمیگوید که به پاکی همسران رسول الله ﷻ و سایر اعضاء خانواده رسول گرامی اسلام ﷺ کدام بی ادبی گردد. مسلمانان همیشه در نماز های خود و در درودی که میفرستند میگویند: (اللهم صلی علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید)^(۲) ترجمه: پروردگارا! درود بفرست بر محمد و آل محمد چنانچه درود فرستاده بر ابراهیم و آل ابراهیم، تویی مستحق حمد و تمجید. آل رسول الله ﷻ شامل تمامی اعضاء مؤمن فامیل وی میشوند که در آنها اولادها، همسران، کاکاها، پسران کاکا، دامادهایش و نواسه هایش تمام اعضای فامیلش.

1- حدیث نمبر (3702) ترمذی شریف، کتاب المناقب، مناقب الحسن والحسین.
2- صحیح مسلم حدیث نمبر (614).

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: «أَخَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَجَاءَ عَلَى تَدْمُعٍ عَيْنَاهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخِيَتَ بَيْنَ أَصْحَابِكَ وَلَمْ تَوَاحِ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحَدٍ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ وَفِيهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي أَوْفَى (1) ترجمه: عبدالله پسر عمر رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله ﷺ بین اصحاب خویش برادری نمود (یعنی برای شان گفت که هرکسی یک از جمله اصحاب را برادر خود قرار دهد) درین هنگام حضرت علی رضی الله عنه با چشمان پر از اشک آمده و گفت ای رسول الله! بین اصحابت برادری نمودی و بین من و هیچکسی برادری نکردی؟ رسول کریم صلی الله علیه و آله برایش گفت: تو در دنیا و آخرت برادر من هستنی احترام به آل بیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تقاضا میکند که سخنی نگوییم که در آن توهین تحقیر آل بیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله باشد و هر روایت و قصه که شخصیت آنانرا ضعیف بی همت بی ایمان و عاصی و گناهکار نشان میدهد آنرا با خواندن این آیت قرآنی رد کنیم؛ زیرا بی ادبی و زشت خطاب نمودن آنان با ایت تطهیر در تضاد واقع میگردد.

سوم) ادب و اخلاق با امهات المؤمنین (رضی الله عنهن): در بحث قبلی که آل بیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بحث گردید، ولی بازهم برای تاکید بیشتر لازم است که این آیت شریف را نیز در نظر داشته باشیم که ازواج مطهرات که همسران نبی کریم صلی الله علیه و آله میباشند به اساس آیت قرآنی مادر تمامی مؤمنان هستند: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (2) ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و آله به مؤمنان از خودشان سزاوارتر (ونزدیکتر) است و همسرانش مادران ایشانند. بناءً به اساس این آیت مبارک همسران رسول الله صلی الله علیه و آله مادران مؤمنان هستند، مادران ابوبکر صدیق رضی الله عنه، عمر فاروق رضی الله عنه، عثمان ذی النورین رضی الله عنه، علی بن ابی طالب رضی الله عنه، بلال رضی الله عنه، سلمان رضی الله عنه، من، شما و تمامی مؤمنان میباشند. به این اساس احترام به همسران رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله احترام به تمام

1- حدیث نمبر 3804 سنن الترمذی.

2- سوره الاحزاب، آیت: 6.

مسلمانان جهان از عصر رسول الله ﷺ تا امروز میباید و بی ادبی به آنان بی ادبی به تمام شخصیت های اسلام است.

چهارم) ادب و اخلاق با اصحاب رسول الله ﷺ: حضرت محمد ﷺ مکتبی را تأسیس نمود و در مکتب و مدرسه آنحضرت ﷺ شاگردانی درسهای نظری و عملی خواندند و آموختند که همه آنها الگو و نمونه مثال برای تمام بشریت تا روز قیامت میباشد هرگاه شخصیت هر فرد از شاگردان مکتب محمدی را مطالعه نماییم بخوبی تمامی صفات عالی انسانی ایمانی و اخلاقی را در آنان احساس میکنیم همه مسلمانان عقیده دارند که رسول الله ﷺ در تربیه شاگردان خویش کاملاً موفق بوده و شاگردانش نیز همه به درجه عالی کامیاب گردیده اند. بناءً نمره استاد و شاگرد 100% بوده است. این اعتقاد و باور به رسول الله ﷺ و آل و اصحابش تقاضا میکند که ما در نخست با همه محبت داشته باشیم و ثانیاً ادب و اخلاق را با همه آنان مراعات نماییم اگرچه در مورد صحابه کرام رضی الله عنهم مهاجرین انصار روایات تاریخی عجیب و غریب به ما رسیده است که این روایات تاریخی غالباً از اختلافات و تقسیم مردم به احزاب و گروه های سیاسی و بعضی اختلافات فکری نشأت نموده است، که برای فهم و احترام به آل بیت رسول الله ﷺ و به صحابه کرام رضی الله عنهم یگانه رهنمای مسلمانان مخلص قرآن عظیم الشأن میباشد؛ زیرا قرآن عظیم الشأن را الله ﷻ از دستبرد هرکسی نجات داده و در حفظ خود داشته است و این هم یک قاعده اساسی است که هر روایت و حدیث و سخنی که مخالف قرآن کریم باشد مسلمانان آنرا رد میکنند؛ زیرا چنین نصوص امکان دخالت های انسانی داشته و گاهی هم بعضی از دشمنان اسلام خواستند تا احادیثی را ساخته و به رسول الله ﷺ نسبت دهند و یا هم بعضی از روایات تاریخی را بافتند تا مسلمانان را بد نام نمایند،

"یکتن از قوماندانان روم قدیم برای کاتب خود در مورد تاریخ چیزهایی را میگفت تا بنویسد به این اساس برایش گفت: نوشته کن در منزل هارون الرشید خلیفه مسلمانان 300 کنیز است و عباسه خواهر هارون الرشید 200 غلام جوان در منزلش دارد کاتب برایش گفت: جناب مردم این سخنان شما را هرگز باور نمیکند شما چیز میگویید که هیچ امکان ندارد در منزل عباسه یک غلام

پیرهم وجود ندارد و در منزل هارون الرشید بجز یک یا دو نفر خدمتگار کسان دیگری نیست او برایش گفت: احق من این روایات را برای مردم این عصر که حقیقت ها را میدانند نوشته نمیکم، این روایات را برای مردمان قرن ها بعد نوشته میکنم تا با بدنامی رهبران مسلمانان اختلافاتی میان آنان پیدا شود در رهبران خود شک کنند در حکومت های اسلامی و نشر اسلام شک کنند در مورد هر شخصیت اسلامی بد گمان باشند و به این اساس در وقت خواندن این روایات شخصیت آنان را پیروی نکرده و به این شکل امکان ایجاد حکومت های قوی نداشته باشد شما میدانید که هارون الرشید از حکومت روم جزیه میگیرد. " هرگاه یک مؤمن با اخلاص این روایات را میخواند و بخوبی میداند که دشمنان اسلام برای سرنگون نمودن عزت اسلامی و زرع اختلافات میان امت اسلامی از هیچ چال و فریبی دریغ نکرده اند بناءً لازم است که ما مسلمانان، برای اصلاح تمامی افکار خویش به قرآن عظیم الشأن که یگانه رهنمای بشریت است مراجعه نماییم.

اگرچه روایات زیادی در مورد آل بیت رسول الله ﷺ، مهاجرین و انصار رضی الله عنهم داریم که بسیاری این روایات شخصیت عالی مقام هر کدام را ثابت میکند، ولی در بعضی ازین روایات لغزش هایی وجود دارد که برای تصحیح آن بهتر است قرآن عظیم الشأن را درین مورد شاهد قرار دهیم در مورد صحابه کرام رضی الله عنهم (خلفای راشدین، مهاجرین و انصار) بهترین راه برای اصلاح تمامی اعتقادات است؛ قرآن عظیم الشأن است که میفرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يَبَايَعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (1)

ترجمه: به راستی الله ﷻ هنگامی که مؤمنان زیر آن درخت با تو بیعت می کردند از آنان خشنود شد و آنچه در دلهایشان بود بازشناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد. درین آیت شریف نخست بدانیم که کسانی که با رسول الله ﷺ بیعت کردند تقریباً 1400 صحابی مبارک بود که در رأس آنان خلفای راشدین بودند الله ﷻ برای آنان دو نقطه را بیان داشته

1- سوره الفتح، آیت: 18..

است. 1- آنانرا ﴿الْمُؤْمِنِينَ﴾ گفته است یعنی آنان مؤمنان بودند. پس کسیکه به قرآن کریم ایمان دارد هرگز نمیتواند در مؤمن بودن آنان که به نص قرآن کریم ثابت است، شک داشته باشد.

2- برای آنان ﴿رَضِيَ اللَّهُ﴾ گفته است یعنی الله ﷻ از آنان راضی است. بناءً هیچکسی نمیتواند که بگوید که آنان کاری کرده اند که الله ﷻ را خفه ساخته است؛ زیرا قرآن کریم کتابی است که در آن هیچ شکی نیست، کتابی است که تمامی کتابهای قبلی را نسخ نموده و کتابی دیگری نیست که او را نسخ کند. با دانستن این آیت قرآنی هر مؤمن بکتا پرست، تمامی قصه هایی را که در تضاد با این آیت مبارک باشد، باطل دانسته و قرآن کریم را اصل عقیده خود قرار میدهد. همچنان قرآن عظیم الشأن در مورد مهاجرین و انصار فرموده است: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (1)

ترجمه: و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند الله ﷻ از ایشان خشنود و آنان نیز از او خشنودند و برای آنان باغهایی آماده کرده که از زیر درختان آن نهرها روان است همیشه در آن جاودانه اند این است همان کامیابی بزرگ.

پنجم) ادب و اخلاق با سایر شخصیت های قرآنی: در قرآن عظیم الشأن نامهای شخصیت هایی دیگری مانند لقمان حکیم، بی بی مریم، خانم فرعون و غیره آمده است که به اساس احترام به قرآن کریم و شهادت قرآن کریم لازم است که در گرفتن نام و مقام این اشخاص نیز آداب اسلام کاملاً رعایت گردد.

1- سوره التوبه، آیت: 100..

روز بیست و ششم رمضان

درس بیست و ششم (صدقه فطر)

زکات در لغت به معنای نمو، زیادت، صلاح، پاکی و خارج نمودن قسمتی از مالی برای فقراء برای پاکی مال گفته میشود.

صدقه: فطر در لغت: به معنای شق نمودن و برای افطار نمودن روزه دار هم میگویند که فطر زیرا دهانش را باز میکند. ⁽¹⁾ و ازینکه عید فطر برای عیدی گفته میشود که بعد از ماه رمضان میاید بناءً صدقه فطر یا زکات فطر هم برای آن مبلغ مالی استعمال شده است که در ماه رمضان برای فقراء داده میشود.

صدقه فطر در اصطلاح: صدقه فطر است که ماه رمضان واجب میگردد.

زکات فطر که در ختم روزه توسط توانمندان به فقراء داده میشود به اندازه یک صاع (205 کیلوگرام) گندم میباشد که بالای مسلمانان واجب است منظور از زکات فطر همان مقدار طعام غذا و یا پولی است که در ختم روزه ماه مبارک رمضان برای فقراء داده میشود.

شرائط وجوب ادای زکات فطر:

برای واجب شدن زکات فطر شرایط ذیل شرط میباشد:

- 1- اسلام.
- 2- آزادی.
- 3- قدرت داشته باشد.
- 4- مالک نصاب باشد.

1- لسان العرب تألیف محمد بن مکرم بن منظور الأفريقي المصري، بیروت: دار صادر، ط1، 55/5

زکات فطر بالای تمامی اعضای خانواده از بزرگان و خورده سالان همه واجب میباشد و حتی نوزادی که قبل از غروب آفتاب شب عید به دنیا آید صدقه فطرش نیز پرداخته میشود.

روز بیست و هفتم رمضان

درس بیست و هفتم (سه کتاب)

در زمان رسول الله ﷺ سه کتاب وجود داشت:

1- کتاب مقرأ.

2- کتاب مفتوح.

3- کتاب متحرک.

1) کتاب مقرأ (کتاب منزل الهی): منظور از قرآن کریم مقروء قرآنی است که از جانب الله ﷻ بالای حضرت محمد ﷺ توسط جبرئیل امین علیه السلام نازل گردیده که باسورهء فاتحه شروع و با سورهء الناس ختم میگردد. این قرآن کریم را قرآن مقرأ میگویند؛ زیرا قرائت میشود و متلوهم میگویند زیرا تلاوت میشود.

2) کتاب مفتوح (کتاب باز الهی): منظور از قرآن مفتوح عالم هستی و یا این طبیعت و جهان است رسول الله ﷺ و صحابه گرانقدر وی بعد ازینکه قرآن عظیم الشأن را به شکل تیوریک آن مطالعه نموده مفاهیم آنرا درک مینمودند به شکل پراکتیک و عملی مفاهیم قرآنی را در کتاب باز الهی که این عالم هستی هست تطبیق مینمودند، این جهان کتاب باز الهی است انسانها، حیوانات، پرندگان، نظام شمسی، کوه ها، دریا ها و این مخلوقاتی که درین طبیعت هستند همه از صفحات این کتاب باز الهی اند و به اساس گفتهء سعدی شیرازی که میگفت:

هر ورقش دفترست معرفت کردگار

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (۱)

ترجمه: همانها که الله ﷻ را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند؛ و می‌گویند: بار الها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!

شاعر با ایانی به طبیعت نظر نموده با عقل خویش مفاهیمی را درک نموده و آنرا در قالب نظم آورده است و میگوید:

آیت توحید بینم بردرودیوراها	آسمانها کهکشانشا، ثابت و سیارها
شاهدانی بروجودخالق یکتای خویش	بحروبرها، درها، دریاچه ها کهسارها
روبه بستان تاگواهی بروجودحق دهند	بیدها، گلها، علفها، سرو اسپیدارها
درگل وسنبل نگرین آیت توحیدرا	ساقه ها، گلبرگها و رقهها، خارها
چیس این زیبای اندرفصل زیبای بهار	در بیابانها، چمن ها، جنگل ونیزارها
کیست نقاش طبیعت کاین همه نقش بدیع؟	جز اله حی سبحان کس کند این کارها
باد از بهر چه فراشی کند در بوستان؟	از چی سیلی می زند مردانه بر رخسارها؟
از چه بنهد تاج برسر لاله همچون میرها؟	از چه پیچد پیچک اندر شاخ گل، چون مارها؟
چیست اسرار طبیعت غیر فرمان الله (سبحانه وتعالی)؟	حکم قانونها، روشها، نظم
و استقرارها	

صد گواهی بروجود وحکمت و علمش دهد ذره ها، سلولها، اتمها، بارها
از اتم تا کهکشانشا تا سحابیها همه بنده حقند وفرمانبر، نه خود مختارها

(۳) کتاب متحرک: شاگردان مکتب نبوت بعد از اینکه قرآن عظیم الشان را به شکل نظری مطالعه نموده مفاهیم آنرا با دقت دانسته سپس حقایق قرآنی را در عالم هستی به شکل تطبیقی آن

مشاهده نموده و به وجود و وحدانیت الله ﷻ باور داشتند خود شان به قرآن های متحرکی مبدل شده بودند. وقتی کسی از آنان میپرسید که برای شان قرآن کریم را تشریح نماید برایش صحابی مبارکی را نشان میدادند مثلاً: میگفتند به طرف حضرت علی علیه السلام نظر کن... این شخص تمامی اعمال مطابق قرآن عظیم الشأن است.

درس بیست و هشتم روز (بیست و هشتم) رمضان

اعترافات غربی به حقیقت های قرآنی

قرآن کریم کلام الهی است هر انسان دانشمند خواهی نه خواهی با مطالعه آن به حقانیت آن پی میبرد بعضی ازین دانشمندان با وجود اینکه مسلمان نشده اند و هنوز توفیق هدایت نصیب شان نگردیده است به حقانیت قرآن کریم اعتراف میکنند؛ زیرا آنان عینک تعصب را در چشم نگذاشته اند که هر چیزی را برای شان تاریک نشان دهد صحابه کرام ~~علیهم السلام~~ نیز با خدمات عالی که به قرآن عظیم الشان نمودند و مسلمانان بعد از آنها نیز قرآن کریم را تا عصر- امروزی به بسیار امانت به ما انتقال دادند بناءً در نتیجه یگانه کتابی که در طول 14 قرن با همان اصالت خود باقی مانده است قرآن کریم است، همهء مسلمانان به این باور اند که قرآن کریم کتاب محفوظ الهی است بدون تحریف تا عصر امور باقی مانده است و ازینکه رب العالمین تضمین حفظ آنرا نموده است بناءً تا روز قیامت به همان اصالت خود باقی میماند اینکه قرآن کریم کلام الهی و حفظ شده است حتی دانشمندان غیر مسلمان به این نقطه اعتراف نموده اند، درین بحث بسیار خوبست که نظریات بعضی ازین دانشمندان را مورد بررسی قرار دهیم.

الف: اعتراف به اینکه قرآن بدون تحریف است: بسیاری از دانشمندان غربی که مطالعات و تخصصات دقیق در قرآن شناسی داشته اند به این نقطه اعتراف نموده اند که قرآن کریم از دستخورد تحریف و تغیر سلامت مانده است.

(Wherry)  وهیری دانشمند غربی است که در مورد قرآن کریم میگوید: "از میان تمام صحیفه ها قرآن مجید از همه آنها خالص تر (Purest) و غیر مخلوط می باشد" منظور وی اینست که در میان تمامی کتابهاییکه به الله تعالی نسبت داده میشود و کتابهای آسمانی گفته میشوند، یگانه کتاب

قرآن عظیم الشأن است که با همان اصالت خود باقیمانده است و از تحریف و تغییر سلامت بوده است مترجم معروف قرآن مجید به زبان انگلیسی آقای پالم (Palemer) می گوید: "صحیفهای که توسط حضرت عثمان ترتیب داده شده از آن زمان تاکنون مورد تایید و متفق علیه است".

لین پول (Lanepoole) می گوید: "بزرگترین خوبی قرآن کریم این است که در اصالت آن هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد هر حرفی که امروز از آن می خوانیم با اعتماد کامل و می توانیم بگوییم که از هزار و سیصد سال قبل همین گونه بوده است".⁽¹⁾

آری با توجه به همین واقعیت است که اسلام به نبوت جدیدی نیاز ندارد که شکوک و شبهات را از بین ببرد حق و باطل را مشخص نماید و نقاب از چهره دروغگویان بردارد و نه نیاز به کتاب جدید وجود دارد که جایگاه کتب نسخ شده را بگیرد که مورد تحریف واقع شده اند.⁽²⁾

ولیم مور کسی است که به تعصب رسول الله ﷺ بسیار مشهور است ولی با وجود آنهم به حفظ قرآن عظیم الشأن اعتراف نموده است او میگوید: "هنوز ربع قرن از رحلت حضرت محمد ﷺ نگذشته بود که اختلافات و تفرقه هایی پدید آمد که بر اثر آن حضرت عثمان رضی الله عنه به شهادت رسید و این اختلافات هنوز نیز وجود دارند اما همه فرقه ها اعتقاد براینند که قرآن مجید یکی است در واقع اتفاق نظر فرقه های گوناگون بر قرآن مجید دلیل انکارناپذیری بر این امر است که صحیفهای که پیش روی ما قرار دارد عین همان صحیفهای است که به دستور خلیفه بدچانس⁽³⁾ تدوین شده بود شاید در تمام جهان هیچ کتاب دیگری وجود ندارد که بعد از گذشت دوازده قرن عبارت آن بدون تغییر محفوظ شده باشد در قرآن کریم اختلاف قرائت نیز تا حد حیرت انگیزی اندک می باشد و آن هم به خاطر اعراب و حرکت هایی است که خیلی بعد زده شده است." دو نقطهء که باید به آن درینجا توجه داشت یکی اینکه حضرت عثمان رضی الله عنه چنانچه قبلاً خواندیم قرآن کریم را تدوین نه بلکه آنرا به نسخه های مختلف کاپی نمود و به ولایات مختلف اسلامی فرستاد و دوم اینکه عثمان

1- به نقل از تفسیر «مولانا عبدالماجد دریابادی» به زبان انگلیسی.

2- مأخوذ از النبوة والأنبیاء فی ضوء القرآن، 227.

3- به خاطر امانت عین تعبیر نقل شده است. و گر نه به عقیده اهل سنت و جماعت حضرت عثمان خلیفه راشد است و مظلومانه به شهادت رسیده است و چه شانس بالآخر از شهادت وجود دارد.

بدچانش نبوده؛ زیرا او به اثر توطئه های دشمنان اسلام به خصوص ابن سبای یهودی که میان مسلمانان اختلافاتی را ایجاد نمود به درجه عالی شهادت نائل گردید وی بر علاوه اینکه از جمله شهدای اسلام است در جمله ده شخصی است که رسول گرامی اسلام ﷺ به جنتی بودن وی شهادت داده است کلمه بدچانس را بهترست برای شخص ولیم مور استعمال نماییم؛ زیرا وی با وجود دانستن همه حقیقت ها، تعصب نمود و از قبول حق انکار کرد و بدچانس کسیست که علم، دانش، استعداد و توانائی خود را در خدمت استعمار قرار دهد که بالاخره برایش شرمنده گی دنیا و آخرت میسر گردد. اما کسیکه قهرمانانه به شهادت میرسد، او سعادت دنیا و آخرت را حاصل نموده است.

ب: اعتراف به اینکه قرآن قانون کامل است:

توماس کارلایل می گوید: قرآن کریم اساس تشریع برای هر زمان و مکان و سرچشمه احکام قضایی و قانون متبع در امور زنده گی بوده و راه زنده گی سعادت‌مندانه ای را برای پیروان خود روشن می سازد یکی از مزایای قرآن کریم که دقت آن باعث دهشت و اعجاب من شده است این است که در جمله هایی کوچک به بعضی از حقایق بزرگ اشاره نموده است.

ادوارد گیسبون می گوید: قرآن کریم دستور عمومی و قانون اساسی مسلمین است؛ دستوری است شامل مجموعه قوانین دینی، اجتماعی مدنی، تجاری، نظامی، قضایی، جنایی و جزایی.

هربرت جرج ولز می گوید: قرآن کریم بهترین راهنمای يك عقیده قلبی یعنی توحید و اخلاق فاضله است شاید نیروی معنوی این کتاب منحصر به ساده گی اوامر و نواهی آن باشد چنانکه گاهی يك کلمه آن چندین حقیقت را در بر می گیرد قرآن کریم کتاب علمی، دینی، اجتماعی، تربیتی، اخلاقی و تاریخی است. مقررات و احکام آن با اصول قوانین و مقررات دنیای امروزی هماهنگ و برای همیشه قابل پیروی و عمل است.

لیون تولستوی (فیلسوف و نویسنده ی مشهور روسی): هر کس بخواهد ساده گی و بی پیرایه بودن اسلام را درک کند باید قرآن کریم را بخواند در آنجا قوانین و تعلیماتی بر مبنای حقایق روشن و آشکار صادر و احکام آسان و ساده برای عموم بیان شده است.

ویل دورانت می گوید: در قرآن کریم قانون و اخلاق یکی است رفتار دینی در قرآن شامل رفتار دنیوی نیز هست و همهء امور آن از جانب الله ﷻ وحی شده است.

ارنست رنان می گوید: اگر کسی خواسته باشد به کتابی که از آسمان نازل شده است ایمان بیاورد آن کتاب فقط قرآن کریم است؛ زیرا کتب دیگر آسمانی امتیازات قرآن کریم را ندارند.

دکتر گوستا ولوبون (مورخ بزرگ و مشهور فرانسوی) میگوید: قرآن کریم که کتاب آسمانی مسلمین است، به تعالیم و دستورات مذهبی منحصر نمی شود بلکه مشتمل است بر دستورات سیاسی، اجتماعی، خوبی ها، مهمان نوازی، اعتدال در خواهش های نفسانی، وفای به عهد، اکرام به والدین، کمک کردن به بیوه و یتیم و سرپرستی آنان، نیکی کردن در مقابل بدی و... که در موارد متعددی به آن ها تاکید شده و در آن تمام این صفات و خصلت های پسندیده تعلیم داده شده است.

ج: اعتراف به اینکه قرآن کریم تمدنی را ایجاد نمود اروپاییان نیز مدیون این تمدن میباشند:
ریتو بنورث اعتراف می کند: "علوم طبیعی و فلکی و فلسفه از قرآن کریم اقتباس شده است و علماء مدیون قرآن کریم هستند."

رود یویل کشیش فرانسوی می گوید: قرآن کریم روح قوی است که يك ملت فقیر و نادان را منقلب نمود و تمدن نیرومندی را که رونق کامل داشت به وجود آورد تمدنی که بالهای خود را از سمت غرب تا اسپانیا و از سمت شرق به حدود هند و چین گسترش داد و در اندك زمانی امپراتوری بزرگی را تأسیس نمود قرآن کریم مقام والایی دارد اروپا نباید فراموش کند که مدیون این کتاب است؛ کتابی که آفتاب علم را در میان تاریکی قرون وسطی در اروپا جلوه گر ساخت.

رودویل (اسلام شناس انگلیسی) میگوید: قرآن کریم مقام والایی دارد؛ زیرا نام الله جل و علاه، خالق جهان و ستایش او را در میان ملل بت پرست نشر داد و آن را به همه کس اعلام کرد اروپا نباید فراموش کند که مدیون قرآن کریم است همان کتابی که آفتاب علم را در میان تاریکی قرون وسطا در اروپا جلوه گر ساخت.

فیلسوف فرانسوی گول لایوم در کتابش بنام (تفصیل آیات) مینویسد: علم در جهان توسط مسلمانان نشر گردید و مسلمانان علوم را از قرآن کریم گرفتند و قرآن کریم بحری از علوم است مسلمانان از بحر قرآن کریم جوی هایی را کشیدند که آب آن به تمام جهان جاری گردید.

خاور شناس بریطانوی دینورت میگوید: واجب است تا اعتراف نمایم که علوم طبیعی، فلکی، فلسفه و ریاضیاتی که در اروپا انتشار نموده است بصورت عام از برکت تعالیم قرآنی می باشد و ما درین راستا مدیون مسلمانان هستیم، بلکه اروپا ازین ناحیه مدیون کشورهای اسلامی می باشد.

د: اعتراف به اینکه قرآن کریم علاقمندان و خواننده گان بسیار زیادی در جهان امروزی دارد و دارای تأثیر عالی در بین مردم است: نویسندگان دائره المعارف بریتانیکا به این واقعیت اعتراف مینمایند، که قرآن کریم کتابی است که از نگاه خواننده گانش در صدر اول در میان تمامی کتابها قرار دارد درین دایره المعارف آمده است: «قرآن مجید در روی زمین تنها کتابی است که بیش از همه خواننده دارد».^(۱)

گفته می گوید: اگرچه ما همواره از قرآن کریم روی بر می گردانیم و در همان مرحله اول از آن اظهار تنفر می نماییم اما آن خیلی زود ما را به سوی خود جذب کرده و شگفت زده می نماید و در نهایت ما را وادار می کند که در مقابل آن سر تعظیم و احترام فرود آوریم سبک و اسلوب قرآن کریم و هماهنگی و توافق آن با محتوا و هدفش محکم و استوار بسیار عالی و باشکوه، با هیبت و سرسام آور

1- دائره المعارف برتانیکا عنوان محمد.

و دارای رفعتی حقیقی و ابدی است... از این رو این کتاب در تمام زمانها تأثیری نیرومند از خود به جای می گذارد.

ولتر می گوید: اگر تمام قرآن کریم را از اول تا آخر آن بخوانید يك كلمهء كودكانه در آن نخواهید یافت قرآن کریم در حقیقت مجموعه ای است از پندهای اخلاقی، دستورهای دینی، راز و نیاز به درگاه الله تعالی تحذیر و تشویق جهانیان و شرح سرگذشت فرستادگان الله تعالی.

جی مارگولیوت می گوید: اقرار می کنم که قرآن کریم مهمترین موقعیت را در میان کتابهای مذهبی جهان به خود اختصاص داده است... این کتاب برای اولین بار از افراد ناهمگون قبایل صحرایی در شبه جزیره عرب امتی از قهرمانان ساخت و آنان نیز به نوبه خود اقدام به ایجاد چنان سازمانهای وسیع سیاسی مذهبی در جهان اسلام نمودند که یکی از بزرگترین نیروهایی است که اروپا و غرب برای آن حساب ویژه ای باز نموده اند.

تاریخدان بریطانوی "کارلیل" در مورد قرآن کریم میگوید: هرگاه نظری به این کتاب مقدس بیاندازیم، حقیقت های بزرگی را مشاهده میکنیم، همچنان خاصیت های اسرار وجود را میبینیم که به شکل پخته در مضامین آن موجود است، که این همه به وضاحت نام عظمت قرآن کریم را نشان میدهد و این ویژه گی فقط مخصوص قرآن کریم است و در هیچ کتاب علمی، سیاسی و اقتصادی دیگری نیست. بلی خواندن بعضی از کتابها تاثیر عمیقی در ذهن انسان میگذارد و لکن این تاثیر نمیتواند با تاثیر قرآن کریم مقایسه شود.

جان دیون پورت می گوید: قرآن کریم تا آن حد معجزهء جاوید شناخته شده است که محمد ﷺ آن را دلیل قوی و مؤید رسالتش اعلام نمود و آشکارا فصیح ترین مردان آن روز عربستان را به مبارزه دعوت نمود تا يك سورهء مانند قرآن کریم بیاورند. قرآن کریم مانند اناجیل نیست که فقط به عنوان میزان و شاخصی درباره عقاید دینی، عبادت و عمل پیروانان شناخته شده باشد بلکه دارای مکتب و روش سیاسی نیز هست کلیهء مسایل حیاتی و مالی با اجازهء همین منبع و مصدر قانونگذاری حل می شود. در میان محسنات زیادی که قرآن به حق واجد آن است دو نکتهء

بسیار مهم وجود دارد یکی لحن تعظیم و تکریم هنگام ذکر نام الله ﷻ و دیگری وجود نداشتن فکر، بیان و یا داستانی خلاف تقوا یا حاکی از سوء اخلاق و بی عفتی و عدم طهارت که آن را معیوب و لکه دار نماید در صورتی که با کمال تأسف این نواقص در موارد بسیار زیادی در کتب یهود دیده می شوند.

دکتر جرنیه فرانسوی میگوید: من تمام آیه های قرآن کریم را که در زمینه علوم طبیعی و بهداشت و طب بودند مطالعه نمودم و آنها را با دقیق ترین قوانین علوم طبیعی و پیچیده ترین اصول ثابت شده علوم عقلی منطبق دیدم و یقین پیدا کردم که هزار سال قبل جز الله (سبحانه و تعالی) هیچ کسی بر روی زمین از آن قوانین و اصول آگاه نبوده است؛ پس به حقانیت و خدایی بودن چنین کتابی ایمان آوردم.

موریس بوکایل می گوید: بررسی کامل عینی و بی طرفانه قرآن کریم در پرتو دانش مدرن، ما را به درك توافق بین این دو (قرآن کریم و علم) رهنمون می سازد و نیز این حقیقت را روشن می سازد که در زمان محمد ﷺ نه او و نه هیچ انسان دیگری نمی توانسته است چنین مطالب شگفت انگیزی را که با علم امروز مطابقت می کند به رشته تحریر در آورد.

دکتوره لورا واکسیا واکلیری استاد پوهنتون ناپولی در کتابش به نام (پیشرفت سریع اسلام) (51/4) مینویسد: کتاب اسلام که کتاب آسمانی و معجز می باشد کتابی است که ممکن نیست کسی مثل آنرا تقلید نماید اسلوب آن در ادب نظیری ندارد تاثیری که این کتاب در روح انسان مینماید ناشی از امتیازات و مقام عالی آن میباشد... چگونه ممکن است که این کتاب معجز از ساخته محمد باشد او که شخص ناخوانی بود؟ ما درین کتاب خزانه های از علوم را میبینیم که از امکانات بسیار اشخاص ذکی و بزرگترین فیلسوفان و قویترین شخصیت های سیاسی و قانونی برتر است بناءً ممکن نیست که قرآن کریم ساخته یک انسان دانش آموز و یا دانشمند باشد.

و: اعتراف به اینکه قرآن موافق عقل است نه برعکس عقل:

ماکسیم رودنسون می گوید: قرآن کریم کتاب مقدسی است که عقلانیت جایگاه بسیار بزرگی را در آن اشغال نموده است در این کتاب الله ﷻ برای مردم همواره دلیل و برهان ارائه می نماید و در مناسبت‌های متعدد برای انسان تکرار می کند که پیامبران ﷺ همراه دلیل و برهان مبعوث شده اند به نظر می رسد عقل گرایی قرآنی همچون سنگ سخت مستحکم و اصلی بنیادی است.

پروفسر هانری کربن (فیلسوف معاصر فرانسوی): اگر اندیشه های محمد خرافی بود و یا اگر محمد ﷺ رسول الله ﷻ نبود هیچگاه جرات نمی کرد حرفی از علم به میان آورد و بشر را به علم دعوت کند.

ز: اعتراف به اینکه قرآن کریم آرامش بخش روح و روان انسان میباشد:
پروفسور آرتورج آربری (دانشمند و خاورشناس انگلیسی) میگوید: هنگامی که به پایان ترجمه قرآن کریم رسیدم موضوعی (مربوط به زنده گی) مرا پریشان کرده بود اما در طول ایام پریشانی، قرآن کریم مرا چنان آرامشی بخشید و چنان حفظ کرد که برای همیشه رهین منتش شدم.

ول دیورانت مؤرخ مشهور میگوید: قرآن کریم در مسلمان عزت نفس، عدالت و تقوایی را ایجاد نمود که ما نظیر آنرا در هیچ کرانه از کرانه های عالم دیده نمیتوانیم.

ج: اعتراف به اینکه قرآن وسیلهء هدایت بشریت است:

آلبرت انیشتین متفکر و فیزیکدان فوق بزرگ جهان میگوید: قرآن کریم کتاب

جبر یا هندسه یا حساب نیست بلکه مجموعهء قوانینی است که بشر را به راه راست هدایت می کند، راهی که بزرگترین فلاسفه از تعریف آن عاجزند.

جان دیفن بورت کتابی نوشته است بنام (معذرت به محمد و قرآن کریم) او

میگوید: قرآن کریم بی نهایت از نقصان دور است به شکلی که محتاج به کوچگترین اصلاح و

تصحیح ندارد و گاهی هم شخصی آنرا از اول تا آخر مطالعه میکند بدون اینکه برایش کدام

خستگی ایجاد شود وی علاوه میکند: درین شکی نیست که قرآن کریم با بلیغ ترین و فصیح ترین

زبان نال گردید و لهجهء قریش در اصالت و ادب خویش از همه برترین داشت و قرآن کریم با

تشبیهات بلیغ و زیباترین آن مملو است وی در نتیجه میگوید: کشیش ها سالهای طویلی ما را از

فهم حقیقت های قرآن کریم و عظمت رسول الله اسلامی محمد ﷺ دور نگهداشتند و لکن

زمانیکه بطرف علم گام گذاشتیم و پرده های جهل و تعصب کشنده از چشمان ما دور شد و

نزدیک است که این یگانه کتاب توجه عالم را بخود بکشاند و محور اندیشه های بشری گردد... ما

از قرآن کریم دوری میکردیم ولی نظر ما را بخود جلب نمود ما را متحیر ساخت تا اینکه به

اساسات، قوانین بزرگ و علمی آن تسلیم شدیم.

روز بیست و نهم رمضان

درس بیست و نهم (اثر قرآن کریم در مسلمان شدن غربی ها در عصر امروزی)

قرآن عظیم الشان که کتاب معجز الهی تا روز قیامت می باشد بر علاوه اینکه بسیاری از دانشمندان غربی به حقانیت قرآن کریم و ارزش های آن اعتراف نموده اند تعدادی از دانشمندان و علمای بزرگ غرب با دانستن حقیقت های قرآن کریم به دین مقدس اسلام مشرف شده اند که درین قسمت بحث مثالهایی از دانشمندانی غربی را که به دین مقدس اسلام مشرف گردیده اند معرفی می دارم.

الف: مسلمان شدن جوزیف ادوارد استس⁽¹⁾؛ او آقای (جوزیف ادوارد استس یا یک دعوتگر اسلامی امریکایی شیخ یوسف استس) که قبلاً پیرو دین مسیحیت بوده و از ایالت تکزاس امریکا می باشد هر گاه بخوایم او را از نگاه اخلاقی توصیف نماییم به هیچ صورتی حقش را ادا کرده نمیتوانیم و شاید ما یک صفت از هزاران صفت وی را بیان کنیم. او دارای شخصیت متوازن بوده عمرش بلند تراز 55 سال می باشد. ﴿فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضِلَّهُ يُعْضِلْ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَأَثَمَاءَ يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾⁽²⁾ ترجمه: آن کس را که الله ﷻ بخواند هدایت کند سینه اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده می سازد؛ و آن کس را که بخاطر اعمال خلافش بخواند گمراه سازد سینه اش را آنچنان تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا برود؛ این گونه الله ﷻ پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی آورند قرار می دهد.

1- اسم قبل از اسلام: جوزیف ادوارد استس، اسم بعد از اسلام: شیخ یوسف استس، تابعیت: ایالات متحده امریکا، شهادتنامه های علمی: شهادتنامه ماستری در هنر ها سال 1974م شهادتنامه دکتورا در علم اللاهوت (الهیات)، تاریخ مشرف شدن به اسلام: سال 1991م، زبان عربی و علوم اسلامی را از سال 1991م الی سال 1998م آموخت، تحت رهنمایی: شیخ محمد عبد الرحمن، علت مسلمان شدنش: دعوت يك مسلمان به مسیحیت بود.
تبصره: همانگونه که اسلام دین توحید است دین حق و فطرت دین گذشت و بخشش و دین دعوت و رهنمایی بوده که تمامی پیامبران مردمان را به آن دعوت نموده. هر گاه يك هسته ودانه این دین در جایی برود، به زودی حاصل آن نمایان شده و به توفیق الله ﷻ ثمرات آن در هر حالتی آشکار میگردد. و بالاخره درخت بزرگی میشود. انسان نباید دین نیاکان را ترك نموده و به دین دیگران توجه خویش را مبذول بدارد.
ببینید چگونه این دانشمند گرامی مردم را به دین قبلی خویش دعوت مینمود، بزودی به اسلام مشرف میشود، و یکتا از دعوتگرانی میشود که دیگران به او اقتدانموده و نمونه مثال برای دعوت با اسلوب زیباییش میشود و حتی در قلب کسانی که در فامیل های مسلمانان متولد شده اند نیز تاثیر میگذارد.
2- سوره الانعام، آیت: 125..

آغاز زنده گی ام با اسلام: نامم بعد از مسلمان شدنم "یوسف اِستس" و قبل از اسلام "جوزیف" اِدوارد اِستس بود، دریک فامیل نصرانی که بسیار به نصرانیت ملتزم بودند و در وسط امریکا زنده گی میکردند تولد شدم پدران و نیاکانم نه تنها کلیسا ها و مکتب ها را اعمار نموده اند بلکه خود را قربانی خدمت به نصرانیت نیز نموده بودند مطالعات من تنها در دین مسیحیت نبوده بلکه من هندوویزم، یهودیت و بودیزم را نیز در مدت 30 سال مطالعه نموده ام من با پدرم در برنامه های تجارتی زیادی کار نموده ام و برنامه های رفاهیت و نهایشات جذابی داشتیم پیانو و اورج را در تکزاس او کلاهوما و فلوریدا نوازیدیم و پول هنگفتی را که ملیون ها دالر میشد درین سالها بدست آوردیم، ولی من خاطر آرام نداشتم؛ زیرا خاطر آرام، بدون معرفت حقیقت و پیدا نمودن راه درست، برای خلاصی حاصل نمیگردد. میخواستم او را مسیحی بسازم! قصه اسلام چنین نیست که کسی برایم قرآن کریم و یا کتابهای اسلامی را تحفه داده باشد و من آنرا فقط مطالعه نموده باشم و اسلام تنها در قلبم داخل شده باشد، بلکه من یکی از دشمنان سرسخت اسلام بودم و مردم را به مسیحیت دعوت میکردم و هنگامیکه شخصی مرا به اسلام دعوت نمود من حرص داشتم که خودش را به مسیحیت دعوت نمایم نه برعکس که من مسلمان شوم؛ این کار در سال 1991 زمانی بود که پدرم مصروف تجارت با یک شخص مصری بود و از من خواست تا با آن شخص ملاقات نمایم برایم فکر پیدا شد و در ذهنم خیال اهرام ها، دریای نیل و غیره خطور نمود سپس پدرم برایم اطلاع داد که این شخصی که با او ملاقات خواهم کرد مسلمان است بسیار ناممکن بود که باور کنم... مسلمان!! برای پدرم چیزهایی را بیان داشتم که من از مسلمانان شنیده بودم آنان صندوق سیاهی را در صحرای مکه عبادت میکنند و آن کعبه است نخواستم که باین شخص مسلمان ملاقات نمایم ولی پدرم اصرار نمود که باید با او ملاقات نمایم و برایم اطمینان داد که او شخص بسیار بالطف و شفقت است، بناءً به ملاقات وی موافقه نمودم ولی هنگامیکه او را دیدم در شک افتادم که شاید او همان مسلمانی باشد که میخواهم باوی ملاقات کنم گمان میکردم که او شخص بزرگی باشد که چینی پوشیده و دستار بزرگی به سر نموده و ابروهایش با هم پیوست باشند و در سرش هیچ مویی

نبوده یعنی (کل) باشد. او ما را خوش آمدید گفته با ما احوال پرسی نمود همه آن برایم هیچ معنایی نداشت و تا هنوز هم در تصور من آنان تروریستان جلوه مینمودند.

سپس از وی پرسیدم: ایا به الله ﷻ ایمان داری؟ گفت: بلی. باز پرسیدم به ابراهیم علیهما السلام ایمان داری؟ و به اینکه، چگونه کوشش نمود تا پسرش را برای الله ﷻ قربانی کند؟ گفت: بلی.. با خود گفتم: اکنون بسیار کار ساده است نسبت به آنچه من فکر میکردم سپس برای نوشیدن چای به یک مکان کوچکی رفتیم و سخن گفتن در مورد موضوع مهمی یعنی اعتقادات هنگامیکه درین کافی کوچک برای چند ساعتی نشسته بودیم سخن میگفتم و اکثریت سخنان را من میگفتم او را انسان نهایت بالطف، آرام و با حیا یافتم تمامی سخنانم را میشنید و هرگز سخنانم را قطع نمیکرد.

روزی از روزها (محمد عبد الرحمن) همین دوست ما نزدیک بود که خانه را که به همراهی دوستش زنده گی میکرد، ترک نماید و میخواست که برای مدتی در مسجدی زنده گی نماید با پدرم صحبت نمودم که هرگاه ممکن باشد از محمد دعوت کنیم که در منزل بزرگ ما که در شهر است برود و در آنجا با ما بماند و به این طریق برای زنده گی کردن با ما نقل مکان نمود ما در تکراس بسیار نصرانی ها داشتیم و من یکتا آنها را میشناختم او مریض و در شفاخانه بود و وقتیکه صحت یافت او را دعوت نمودم که او نیز در خانه ما با ما زنده گی نماید و در هنگام رفتن به خانه به این کشیش در مورد بعضی از اعتقادات و مفاهیم در اسلام با او سخن گفتم مرا به دهشت انداخت وقتیکه برایم خبر داد که کشیش های کاتولیک اسلام را مطالعه مینمایند و درین موضوع احياناً شهادتنامه دکتورا میگیرند. بعد ازینکه در خانه مستقر شدیم همه با هم در اطراف یک میز بعد از خفتن برای مناقشه امور دینی می نشستیم و هر کدامی یک نسخه از انجیل (بایبل) را بدست داشتیم که هر کدام از یکدیگر فرق داشتند در نزد خانم (انجیل «نسخه جیمی سواگارت شخصیت دینی مسیحی جدید و در نزد کشیش طبعاً (کتاب مقدس کاتولیک ها) همچنان در نزد وی هفت کتابهای انجیل پروتستانی دیگری نیز بود بناءً وقت زیاد ما را در تعیین نسخه صحیح که زیاده تر مورد اعتماد در میان این همه انجیل ها است گذشتانیدیم و همه کوشش می نمودیم تا محمد عبد الرحمن را قناعت دهیم تا مسیحی

شود یک قرآن کریم و چندین انجیل: بیاد دارم که من از محمد سوال کردم که: چند نسخه قرآن کریم در طول 1400 سال گذشته بوجود آمده است؟ برایم گفت که بجز یک قرآن کریم، قرآن کریم دیگری وجود ندارد و این قرآن کریم ابداً تغییر نکرده است و برایم تأکید نمود که قرآن کریم در دل صد ها هزار مردم حفظ شده است و هر گاه درین مورد در خلال قرن ها تحقیق نماییم خواهیم یافت که میلیون ها انسان قرآن کریم را بصورت کامل حفظ نموده اند و آنرا برای دیگران تعلیم داده اند این سخنان برایم غیر ممکن بود چگونه ممکن است که این کتاب مقدس حفظ شود و برای تمامی خواندن و معرفت معنای آن آسان باشد؟! درین ما یک دیالوگ دوام داشت و همه اتفاق کردیم که به هر چیزیکه قناعت نمودیم همه به آن ایمان آورده و در آینده جزء عقیده ما باشد. به این شکل صحبت ها را با او آغاز نمودیم آنچه مرا بسیار متعجب ساخت این بود که محمد هیچگاهی در هنگام گفتگوها، بر اعتقادات، کتابها و شخصیت های ما تجاوز نکرده و همه به سخنان وی نهایت احساس راحت میکردند هنگامی خواستم او را به مسیحیت دعوت کنم به بسیار آرامش و معقولیت برایم گفت: هر گاه برایم ثابت گردد که مسیحیت نسبت به اسلام دین حق است من ترا در دینی که آنرا پیروی میکنی متابعت خواهم کرد برایش گفتم: موافق هستیم سپس محمد عبدالرحمن شروع به سخن نموده گفت: چی دلیلی دارید که ثابت نماید که دین شما بهترین ادیان و دین حق است؟ گفتم: ما به دلایل ایمان نداریم ولی به احساسات و شعور ایمان داریم و ما دین خود را از آنچه انجیل ها میگویند، جستجو میکنیم. محمد گفت: این کافی نیست که ایمان به احساسات و اعتقاد به علم ما باشد بلکه اسلام دلایل، احساسات و معجزاتی را تقدیم مینماید که دین در نزد الله ﷻ دین اسلام است جوزیف ایوی این دلایل و آنچه حقیقت اسلام را ثابت میکند از محمد خواست؛ محمد گفت: نخستین دلیل کتاب الله ﷻ یعنی (قرآن کریم) میباشد کتابیکه در آن هیچ تغییر و تحریفی از زمان نزولش بالای محمد (محمد ﷺ) قبل از 1400 سال تاکنون رخ نداده است این قرآن کریم را تعداد زیاد مردمان حفظ مینمایند، تقریباً در حدود 12 میلیون مسلمان این کتاب را حفظ دارند و هیچ کتابی در روی زمین نیست که او را به این تعداد مردمان حفظ نمایند مثلیکه مسلمانان قرآن کریم را از اول تا آخر

حفظ میکنند. ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾⁽¹⁾ ترجمه: ما قرآن را نازل نمودیم و ما او را حفظ میکنیم. این دلیل کافیست براینکه دین به نزد الله ﷻ اسلام است.

معجزه های قرآن: از همین لحظه برای جستجوی دلایل کافی، که ثابت نماید که اسلام دین حق است، آغاز نمودم و مدت سه ماه تحقیق مسلسل را در برگرفت، بعد از آن در کتاب مقدس یافتم که عقیده راستین که حضرت عیسیٰ ﷺ به آن ایمان داشت عقیده توحید (یکتا پرستی) میباشد و من در آن نیافتم که سه خدا باشد مثلیکه بعضی ها ادعا میکنند و در یافتم که عیسیٰ ﷺ بنده و رسول الله ﷻ میباشد و او خالق بشریت نیست او مانند سایر پیامبران ﷺ است که برای دعوت به وحدانیت الله ﷻ آمده بود و بر این ثابت شد که تمامی ادیان آسمانی در مورد ذات الله ﷻ هیچ اختلافی نداشتند و همه به عقیده ثابت دعوت مینمایند که (لا اله الا الله) است که درین جمله دین مسیحیت نیز قبل ازینکه در آن این اتهامات داخل گردد شامل میباشد دانستم که اسلام برای پایان دادن به رسالات آسمانی آمده دین را تکمیل نموده و مردمان را از عقیده مشرکانه به عقیده توحید و ایمان به الله یکتا دعوت مینماید و داخل شدن من به دین مقدس اسلام تکمیل ایمان به این خواهد بود که مسیحیت مردم را به ایمان به الله واحد دعوت می نمود و اینکه حضرت عیسیٰ ﷺ بنده و رسول الله ﷻ بود و هر کسیکه چنین ایمان نداشته باشد از مسلمانان نیست. سپس دریافتم که الله ﷻ کافران را چلنج داده است که سوره مثل قرآن کریم بیاورند و یا هم حد اقل سه ایتی مثل سوره ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكِتَابَ﴾ بیاورند ولی آنان ازین کار عاجز شدند. ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾⁽²⁾ ترجمه: و اگر در باره آنچه بر بنده خود (رسول الله) نازل کرده ایم شک و تردید دارید (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را (غیر الله) برای این کار فرا خوانید اگر راست می گوئید!

1- سوره الحجر، آیت: 9.

2- سوره البقره، آیت: 23.

همچنان از معجزه ها دریافتیم که همه ثابت میکنند که دین الله ﷻ دین اسلام است همان پیشگویی های قرآن کریم در مورد آینده است مثل: ﴿الْم﴾ ﴿عَلَبَتِ الرُّومُ﴾ ﴿فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيَغْلِبُونَ﴾^(۱) ترجمه: الم رومیان مغلوب شدند! (و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد؛ اما آنان پس از (این) مغلوبیت بزودی غلبه خواهند کرد...

این پیشگویی ها تا بحال واقع شده و یا در آینده ها واقع خواهد شد و چیز های دیگری در قرآن ذکر شده مثل سوره الزلزال که از زلزله سخن میگوید که در هر منطقه بوقوع میپوندد همچنان رسیدن انسان به فضا بواسطه علم و این تفسیر بیت شریف است که میگوید: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا ۚ لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾^(۲) ترجمه: ای گروه جنّ و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی توانید، مگر با نیروی (فوق العاده)!

این سلطنت همان سلطنت علم است که انسان به واسطه آن به فضا رسیده است این بازدید صادقانه قرآن عظیم الشأن میباشد. همچنان از جمله معجزاتی که در من اثر نمود (العلقة) است که آنرا قرآن کریم ذکر نموده و آنرا دانشمند کانادایی «کوسمر» توضیح نموده گفته: علقه چیز است که به رحم مادر تعلق میگیرد و این همان حقیقتی است که قرآن کریم آنرا قبل از اینکه علمای جنین شناسی در عصر امروزی کشف نمایند بیان داشته است و این بیانی است برای کافران و ملحدان و بعد از این بحث سه ماهه که محمد عبدالرحمن با من در زیر یک سقف سپری نمود توانست که محبت بسیاری را کسب نماید و هنگامیکه او را میدیدم که به الله ﷻ سجده میکند و پیشانی اش را به زمین میگذارد، میدانستم که این عمل یک کار عادی نیست. محمد عبد الرحمن مثل يك فرشته: یوسف استس در مورد دوستش میگوید: شخصی مانند (محمد عبدالرحمن) یک چیز کمبود دارد و آن دوبالی که مانند فرشتگان پرواز نماید و بعد از اینکه در مورد وی چیزی را دانستم دوست کشیشم از محمد پرسید که

1- سوره الروم، آیت: 1-3..

2- سوره الرحمن، آیت: 33..

آیا ممکن است با وی به مسجد برویم تا در مورد عبادت مسلمانان و نماز های شان بیشتر بدانیم؟ دیدیم که مسلمانان به مسجد میایند نماز میخوانند و میروند گفتم: بدون کدام سخنرانی و موسیقی رفتند؟ گفت: بلی روزها گذشت، کشیش از محمد عبدالرحمن خواست، تا او را مرتبه دیگری تا مسجد همراهی نماید ولی درین مرتبه آنقدر تاخیر نمودند که فضا تاریک شد کمی پریشان شدیم که آیا حادثهء به آنان رخ داده؟ بالاخره رسیدند، هنگامیکه دروازه را باز نمودم، محمد را زود شناختم، پرسیدم این شخص دیگر کیست که لباس سفیدی با کلاهی پوشیده و یک دقیقه انتظار میکند! این همان دوستم آن کشیش بود!!! برایش گفتم: آیا مسلمان شدی؟ گفت: بلی. از امروز مسلمان شدم بسیار خسته شدم که چرا او نسبت به من به مسلمان شدن پیشی نمود بعد از آن به بالا رفتم و در مورد کمی فکر نمودم و با خانمم درین مورد صحبت نمودم، خانمم برایم گفت: او خودش نیز نزدیک است مسلمان شود؛ زیرا دانسته است که این دین حق است حقیقتاً مثلیکه تصادم کرده باشم به پایان رفتم و محمد را از خواب بیدار نمودم از او خواستم تا برای بحث روی یک مطلب با من بیاید رفتیم و در طول این شب با هم سخن گفتیم وقت نماز صبح نزدیک شد درین وقت یقین نمودم که اخیراً حقیقت به سراغم آمد و فرصت برایم آماده است صبح آذان داده شد بالای یک لوحه چوبی خود را انداخته سرم را به زمین گذاشتم و دعا نمودم که پروردگارا! اگر ممکن باشد رهنمایی ام کند بعد از مدتی سرم را بلند نمودم چیزی را ندیدم هیچ پرنده و یا فرشتهء را ندیدم که از آسمان فرود آیند نه آوازی شنیدم و نه هم موسیقی و هیچ روشنی را ندیدم دانستم که موضوع نزدیک است و وقت هم مناسب است تا از فریب نفس خویش، توقف نمایم و مناسب است تا یک مسلمان راستکار و صادق شوم اکنون دانستم که کاری را که بالایم لازم است انجام دهم... در ساعت 11 صبح در مقابل دوشاهد (کشیش سابق که بنام (فادر پیتز جاکوب) بود و محمد عبدالرحمن) قرار گرفته کلمه شهادت را اعلان نمودم و گفتم ((لا اله الا الله محمد رسول الله)) و بعد از چند دقیقه خانمم نیز بعد از شنیدن خبر مسلمان شدنم اسلام خویش را اعلان نمود پدرم درین موضوع محافظه کار بود ماه های زیادی انتظار نمود تا اینکه کلمه شهادت را بزبان آورد همه یکبار مسلمان شدیم!! سه نفر از رهبران

دینی سه طایفه مختلف یک بار مسلمان شدیم و راه مختلف جدی را نسبت به آنچه اعتقاد داشتیم درپیش گرفتیم کار درین حد تمام نشد بلکه در همین سال یک محصل انستیتوت لاهوتی از "تینسی" که نامش (جو) بود بعد از مطالعه قرآن کریم، نیز به اسلام مشرف شد و هنوز هم کار درینجا توقف نکرد بلکه بسیاری از اسقف ها و کشیش ها، و صاحبان دین های مختلف به اسلام مشرف میشوند و اعتقادات سابقه خویش را ترک میکنند. آیا این بزرگترین دلیل به صحت دین مقدس اسلام و حقانیت آن نیست؟! بعد ازینکه مسلمان شدن ما یک موضوع عادی نه، بلکه هیچ تصور نمیشد که به هیچ وضعیتی ما به اسلام مشرف شویم. تمامی این دلایل قبلی ثابت مینماید که دین حقیقی نزد الله ﷻ دین اسلام است و مرا و ادا را نمود تا به راه راستی بروم که الله ﷻ از زمان ولادت ما در وجود ما فطرتاً خلق نموده؛ زیرا انسان با فطرت (توحید) خلق میشود و فامیلش او را یهودی و یا نصرانی میسازد، اسلام آوردن من یک کار فردی نبود بلکه اسلام مجموعی بود که من و تمامی فامیل ما مسلمان شدیم پدرم بعد ازینکه به کلیسا زیاد متمسک بود مسلمان شد و مردم را به کلیسا دعوت مینمود بعد از آن خانم و اولاد هایم مسلمان شدند و حمد است خالق را که ما همه را مسلمان گردانید حمد است خدایی را که ما را به اسلام هدایت نمود و ما را از امت محمد ﷺ که بهترین مخلوقات است گردانید. قلب من به محبت اسلام (محبت و حدانیت الله ﷻ و ایمان به الله ﷻ) ارتباط گرفته و اکنون به اسلام بسیار قوی غیرت مینمایم نسبت به اینکه قبلاً به نصرانیت میکردم به دعوت به اسلام آغاز نمودم و چهره پاک اسلام را که من شناختم برای دیگران بیان میدارم که این دین اخلاق، گذشت، دین محبت و رحمت است برنامه های دعوت به دین مقدس اسلام اکنون شیخ یوسف استس به کشور های مختلف اسلامی و غیر اسلامی برای ادای مسوولیتش من حیث یک مسلمان برای دعوت به اسلام سفر مینماید. او برنامه های زیادی تلویزیونی دعوتی و کست هایی دارد که چهره زیبای دین مقدس اسلام را و تاثیر دین اسلام را در بشریت توضیح مینماید او به اساس دعوت کمیته شناسایی با اسلام کویت به آن کشور سفر نموده و چندین کنفرانسی در مورد دین مقدس اسلام و موقف والای آن از سایر ادیان و ارتباط اسلام با سایر ادیان ارائه نموده و برنامه های (توقفاتی با قرآن کریم برای

تلویزیون کویتی) را ثبت کرد بواسطه شیخ یوسف چهل نفر بعد از کنفرانسی در مکسیکو مسلمان شدند و مرکز زمانی به لرزه آمد که این چهل شخص با یک صدا کلمه شهادت را بزبان میراندند و میگفتند: "أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمداً رسول الله".

ب: اثر قرآن در مسلمان شدن داوود موسی بیدکوک: یکی از واقعات زمان پیغمبر ﷺ این بود که مشرکین قریش از وی خواستند تا مهتاب را برای ایشان دوحصه نمایند سپس آنان ایمان می آورند امام ترمذی در کتابش از جبر پسر مطعم روایت می کند که مهتاب در زمان پیغمبر ﷺ دوشق شده حتی به دو بخش بالای دوکوه تقسیم گردید مشرکین گفتند محمد ﷺ ما را جادو نموده است شماری از آنان گفتند اگر ما را جادو می نمود تمام مردم را جادو نمی تواند آیت قرآن شریف نازل شد: ﴿اقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ﴾ (1) ترجمه: قیامت نزدیک شد و مهتاب شق گردید.

سپس مشرکین از مسافرین که در مناطق مختلف بودند سوال نمودند مسافرین نیز این رویداد را مشاهده نموده بودند. معجزه انشقاق مهتاب تنهاب معجزه برای مردمان آنزمان نبود بلکه آثار آن تا امروز باقی است دوکتوزغلول نجار که یکی از دانشمندان اسلامی مشهور مصر می باشد دریکی از سخنرانی هایش گفت که او در باره این معجزه در انستیتیوت طب پوهنتون کاردیف بریتانیا صحبت می نمود بعد از ختم صحبت اش یک دانشمند بریتانوی برخاسته از او اجازه خواست تا در باره انشقاق قمر صحبت داشته باشد. نخست خود را معرفی نموده و نامش را داوود موسی بیدکوک معرفی نمود بیان داشت که او مسلمان شده است وی رئیس اسلامیک ارگانایزیشن آف بریتیش می باشد بیدکوک قصه اش را با انشقاق قمر چنین بیان داشت که این معجزه سبب شد تا در قرن بیستم او به دین مقدس اسلام مشرف شود؛ زیرا یکتا از مسلمانان برایش یک جلد قرآن کریم با ترجمه انگلیسی تحفه داده بود و هنگامیکه قرآن کریم را باز نمود به این سوره مبارک نظرش افتاد

1- سوره قمر، آیت: 1..

هیچ باور نمی کرد که مهتاب شق شده باشد و سپس با هم یکجا شده باشد او قرآن کریم را بسته و مطالعه اش را ترک نمود.

بعداً به خواست الله ﷻ در تلویزیون بی بی سی برنامه را از سفرهای فضایی مشاهده نمود که نطق مشهور بریتانوی جیمز جیرک با سه تن از علمای فضانوردی امریکایی در سال ۱۹۷۸ میلادی مصاحبه داشت در جریان مصاحبه گوینده بر مصارف سفرهای کیهانی انتقاد نمود که میلیونها دالر مصرف می کنند درحالیکه در روی زمین ملیون ها از گرسنگی، مرض، جهل و عقب مانده گی هلاک می شوند دانشمندان فضا نوردی در پاسخ گویندهء برنامه گفتند سفرهای فضایی توانسته است که در تشخیص و علاج بسیاری از امراض کمک نماید همچنان در صنعت، زراعت و غیره در جریان گفتگو صحبت بالای نخستین سفر کیهانی که یکتن از کیهانوردان توانست که به سطح مهتاب پائین شود مصارف آن زیاده از صد ملیون دالر بود گوینده بالای مصرف انتقاد نمود یکتن از فضا نوردان گفت در این سفر یک حقیقت کشف شد اگر چندین برابر این مبلغ را مصرف می نمودند نمی توانستند مردم را به راستی این حقیقت قناعت دهد گوینده پرسید راستی این حقیقت چیست؟ آنان گفتند: مهتاب در زمانه های قدیم دوشق شده است سپس دوباره باهم پیوسته است. اکنون آثاری وجود دارد که در سطح قمر دیده می شود که تا داخل مهتاب امتداد دارد. موسی داوود بید کوک می گوید: زمانیکه این سخن را از زبان کیهانوردان شنیدم از چوکی ام به سوی تلویزیون خیز نمودم و گفتم معجزهء که توسط محمد ﷺ یکهزار و چهارصد سال قبل صورت می گیرد و قرآن کریم آنرا روایت می کند در عصر علم و تکنالوژی اشخاصی را الله ﷻ مسخر می سازد تا مبلغ بزرگی را به مصرف رسانیده و این حقیقت را در یابند بدون شک این دین، دین حق است دوباره به ترجمه قرآن کریم آغاز نمودم و نخستین آیتی سورهء قمر مرا واداشت تا بگویم: "لا اله الا الله محمد رسول الله".

ج: اثر قرآن در مسلمان شدن دکتور موريس بوكايل: موريس بوكايل کیست؟! آیا

میدانی که موريس بوكايل چی اعمالی را انجام داده است؟! او شخصیت عالی فرانسوی و یکی از

رموز دانش و علم است، در فامیلی تولد شده که و الدینش فرانسوی بودند، او مانند والدینش به دامان مسیحیت بزرگ شد وقتی مرحله لیسسه خویش را ختم نمود، شامل پوهنحی طب پوهنتون فرانسه شد، تا وقتی که شهادتنامه فراغت را حاصل نمود اول نمره عمومی بود، سپس از جمله مشهور ترین و دانشمند ترین جراحان معاصر فرانسه شد از جمله عملیات های جراحی اش یک قصه بسیار جالبی است که زنده گی اش را تغییر داد و داخلش را به حق کشاند و سبب شد تا مسلمان شود، این قصه زیباست که هم اکنون خدمت شما تقدیم میگردد فرانسه در جمله کشورهاییست که به آثار قدیم و عتیقه بی نهایت دلچسپی دارد و به تحقیقاتی پیرامون چنین مطالب ارج گذار است زمانیکه رهبراشتراکی سابق فرانسه (فرانسو میتران) زمام حکم را در سال 1981 م بدست گرفت فرانسه از جمهوری عربی مصر خواست تا مجسمه مومیایی فرعون مصر- را غرض تحقیقات علمی و معالجه به کشور فرانسه بفرستد جسدی را که کشور فرانسه تقاضا میکرد مربوط رمسیس (فرعون موسی) بود؛ زیرا کلمه فرعون، لقبی بود که در آن زمان برای شاهان مصر- استعمال میگرددی و جمع آن فراعنه میشود حکومت مصر- این تقاضای شان را پذیرفت و جسد طاغوت مصری به فرانسه برده شد در میدان هوایی بین المللی فرانسه، رئیس جمهور فرانسه وزرا و مسوولین بزرگ آنکشور غرض استقبال جسد فرعون چنان ایستادند مثل اینکه به استقبال پادشاه زنده قرار داشته باشند و مثل اینکه او هنوز هم به مصریان میگوید «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»⁽¹⁾ وقتی مراسم استقبال شاهی برای فرعون مصر در سرزمین فرانسه ختم شد جسدش را به یکی از مراکز خاص فرانسوی انتقال دادند، تا بزرگترین علمای باستان شناسی و جراحان فرانسه و دکتوران متخصص، تحقیقات خویش را در مورد وی و اسرارش آغاز نمایند رئیس جراحان و نخستین مسوول برای تحقیق این مومیای فرعونی پروفیسور موريس بوکای بود. سایر متخصصین مشغول ترمیم مومیا بودند، ولی رئیس آنان موريس بوکای به چیز دیگری مخالف آنان مشغول بود او میخواست بداند که این پادشاه فرعونی چگونه مرد؟ و در ساعات اخیر شب نتایج تحقیقاتش معلوم شد بقایای نمک در

1- سوره النازعات، آیت: 24 ..

جسد فرعون دلیل بزرگی برین بود که او بسبب غرق وفات نموده است. جسدش از بحر بعد از غرق شدنش بزودی کشیده شده سپس آنرا بزودی مومیا کردند تا نگهداشته شود، ولی یک کار بسیار عجیبی که او را به حیرت انداخته بود این بود که جسد وی نسبت به جسد دیگر فرعونیان بسیار سالم مانده بود، با وجود اینکه او را از بحر کشیده اند موریس بوکایل میخواست گزارش علمی خویش را درین زمینه تقدیم نماید که به نظر آنان اکتشافات جدیدی در مورد جسد فرعون میباشد و آن اینکه او از بحر کشیده شده و بعد از غرق فوراً مومیایی شده است.

درین هنگام کسی در گوشش برایش گفت: عجله نکن مسلمانان در مورد غرق شدن این مومیا سخن میگویند: او این سخن را رد کرد و با تعجب گفت: این حقیقت بدون اکتشافات علمی بسیار پیشرفته و وسایل کمپیوتری بسیار دقیق فهمیده نمیشود کسی برایش گفت که قرآن کریم مسلمانان قصه غرق فرعون و سلامتی جسدش را بعد از غرق خبر میدهد. بسیار به دهشت افتاده سوال نمود: چگونه این سخن را میگوید در حالیکه این مومیا اصلاً در سال 1898 میلادی کشف شد، یعنی 200 سال قبل تقریباً در حالیکه قرآن کریم آنان از 1400 سال قبل موجود است. این چطور میتواند که در عقل جور بیاید نه تنها عربها بلکه تمامی بشریت، در مورد مصری های قدیم و مومیایی نمودن شان هیچ چیزی نمیدانستند مگر قبل از سالهای بسیار کم درین شب (موریس بوکای) به مشاهده جسد فرعون نشست در مورد آنچه دوستش برایش در گوشش گفت فکر مینمود، به اینکه قرآن کریم مسلمانان از نجات این جسد بعد از غرق خبر میدهد در حالیکه آنان در کتاب مقدس (بایبل) شان (انجیل لوقا و متی) در مورد غرق شدن فرعون در هنگامیکه موسی را تعقیب مینمود خبر میدهد، ولی از قصه مرگش هیچ چیزی نمیگوید، با خود میگفت: آیا این همان فرعون مصر است که موسی را تعقیب می نمود؟ آیا این معقول است که محمد شان این را بیشتر از 100 بدانند و من اکنون آن را بدانم؟ (موریس) درین شب نتوانست که خواب کند از آنان خواست تا برایش نسخه تورات را بیاورند در سفر خروج تورات میخواند. (آب برگشت، اسپها و تمامی لشکر فرعون را که در عقب شان داخل شده بود، گرفت هیچ کسی از آنان باقی نماند) موریس بوکای حیران ماند

حتی انجیل در مورد نجات این جسد و باقی ماندنش بشکل سالم بعد از معالجه و ترمیمش، چیزی نگفته است، فرانسه مومیا را دو باره به مصر در داخل تابوت شیشه ای زیبایی که لیاقت فرعون را داشت فرستاد ولی.. موریس، قرار نگرفت و خاطرش آرام ننشست، از وقتی که خبر سخنان مسلمانان بگوشش در مورد سلامت جسد فرعون رسید وسایلش را جمع نموده و تصمیم گرفته که به عربستان سعودی برای اشتراک در کنفرانس طبی که تمامی علمای جسد شگافی مسلمانان در آن اشتراک نمایند.

در آنجا نخستین سخنانش را در مورد نجات جسد فرعون بعد از غرق بیان داشت یکی از مسلمانان برخاسته و قرآن عظیم الشان را باز نموده و این آیت شریف را خواند: ﴿فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ﴾⁽¹⁾ ترجمه: امروز جسدت را نجات میدهیم، تا برای کسانی که بعد از تو می آیند، نشانه از قدرت باشد، بسیاری از مردم از نشانه های قدرت ما غافلند.

این آیت بالای موریس بوکایل تاثیر بسیار سخت نمود. یکبار نفسش در حرکت آمد و در مقابل تمامی حاضر ایستاد و با صدای بلند آواز نمود که من مسلمان شدم و به این قرآن کریم ایمان آوردم؛ درینجا حقانیت قرآن عظیم الشان ثابت میگردد؛ زیرا الله ﷻ میفرماید: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾⁽²⁾

ترجمه: ما نشانه های قدرت خود را در افق های جهان و نفسهای شان برای شان نشان میدهیم تا بدانند که قرآن کریم حق است، آیا این کفایت نمیکند که پروردگارت بر همه چیز شاهد است.

(موریس بوکای) به حالت دیگری به فرانسه برگشت، در آنجا ده سال باقی ماند و کاری دیگری جز تحقیقاتی در مورد مطابقت حقیقت های علمی و کشف شده جدید با قرآن کریم تا به این نتیجه رسد که: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾⁽³⁾

1- سوره یونس، آیت: 92..

2- سوره فصلت، آیت: 53..

3- سوره فصلت، آیت: 42..

ترجمه: که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی آید؛ چرا که از سوی الله ﷻ حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.

از نتایج این تحقیقات این دانشمند فرانسوی تألیف کتابی بود که تمامی کشور های عربی را لرزاند و علماء را نیز بسیار به شگفت آورد، عنوان کتابش بود: قرآن کریم، تورات، انجیل و علم.

مطالعه کتابهای مقدس در روشنائی علوم جدید

این کتاب چی کرد؟ در نخستین طبعش از تمامی کتابفروشی ها خلاص شد. سپس به هزاران جلد چاپ شد، بعد ازینکه از زبان فرانسوی به زبانهای مختلف انگلیسی، عربی، اندونزیایی، فارسی، صربی، اوکرائی، ترکی، اردو، کچراتی و آلمانی ترجمه گردید در تمامی کتابخانه های شرق و غرب نشر گردید و در دست تمامی جوانانی مصری، مراکشی و خلیجی در امریکا دیده میشد او میخواست از این کتاب در قناعت دیگران استفاده نماید این بهترین کتابی بود که مردم را از نصرانیت و یهودیت به اسلام میکشاند و حقیقت های کمال اسلام را برایش بیان میداشت بسیاری از علمای یهود و نصارا که چشمان شان از دیدن حقیقت ها کور و نابینا است خواستند که این کتاب را رد کنند، ولی نتوانست که هیچ چیز بجز از جدل های بیهوده را رد کنند و کوشش های بیفایده نمودند؛ زیرا شیطان آنان را وسوسه نمود.

دکتور (ولیم کامبل): آخرین کسی بود که درین راستا کوشش نمود، و کتابی بنام (قرآن کریم و کتاب مقدس در روشنائی تاریخ و علم) نوشت، به شرق و غرب رفت ولی نتوانست که هیچ چیزی بدست آورد عجیب اینکه بسیاری از غربی ها خواستند تا کتاب موريس بوكايل را رد کنند و زمانی در کتاب وی بسیار دقیق شدند، خودشان در مقابل دیگر کلمه شهادت را بزبان آوردند، موريس بوكای در مقدمه کتاب خود مینویسد: (جوانب علمی قرآن کریم گمان نمیکردم که به این اندازه امور دقیق را در مسایل مختلف، بیان نماید موضوعاتی که کاملاً با پیشرفت ها و اکتشافات علمی مطابقت نماید و آنهم در یک متنی باشد که بیشتر از 14 قرن نوشته شده است عزیزان دانشمند

نمیتوانیم برین پیکره فرعونى چیزی تبصره نماییم، فقط این سخن خدای یکتا را میخوانم که میفرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (1)

ترجمه: آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند. بلی قسم به خداست که اگر از جانب غیر از خدای یکتا بود، این حقیقتش در مورد قرآن کریم ثابت نمگردید: ﴿قَالِیَوْمَ نُنَجِّیْكَ بِدَنِّكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آیَةً﴾ (2)

ترجمه: ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی! حقیقتاً جسد فرعون یک نشانه از قدرت الهی بود که اسلام را در قلب موریس بوکایل مستقر ساخت.

1- سوره النساء، آیت: 82..

2- سوره یونس، آیت: 92..



روزی و مرمضان

درس سی و مرم (عید رسید)

تعریف عید در لغت و اصطلاح :

عید در لغت : عید در لغت از کلمهء عودت یا برگشت گرفته شده است و عید مکانی یا زمانی را گویند که برگشت میکند و یا اینکه مردم بسوی آن برگشت میکنند.

عید یا مکانی و یا هم زمانی میباشد . مثال عید مکانی گردانیدن قبر ها به شکل عید گاه چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم است ازین کار منع فرمود (لا تجعلوا قبری عیدا) (۱) یعنی قبر مرا عیدگاه نسازید. (۲) همچنان زمانها هم اعیاد میشوند ، زیرا در اوقات معینی برگشت و عودت میکند ، وزمانیکه سوال میشود که (هل کان فیها عید من أعیادهم ؟) آیا کدام عیدی از عیدهای شان درینجا بود ؟ که میتواند منظور عید زمانی و یا مکانی باشد .

فلسفه عید ها چیست ؟

درین هیچ جای شک نیست که اساس عیدها مقدس بودن هر عید در نزد صاحبان آن دین میباشد، مسلمانان عید هایی دارند که به اساس قرآن عظیم الشان و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم تعیین گردیده است .

عید فطر عیدی است که مخصوص مسلمانان میباشد.

¹ آخرجه أبو داود (2024) .

² المكان أو الزمان الذي يعود ، أو يُعاد إليه ، فالعید قد يكون مكانيا ؛ لأنه اسم للمكان الذي يعتاد المجيء إليه في وقت معتاد ؛ ومثال ما يراد له المكاني قوله عليه الصلاة والسلام : « لا تجعلوا قبری عیدا » یعنی : لا تجعلوا هذا المكان مكانا تعتادون المجيء إليه

انس بن مالک - رضي الله عنه - مي فرمايد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) به مدينه منوره تشریف آوردند، و اهل مدينه براي خود دو روز داشتند که (هر سال) در آن دو روز خوشي و سرگرمي مي کردند. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) از ايشان پرسيد: «اين دو روز چه روزهايي است؟» گفتند: ما از دوران جاهليت در اين دو روز بازي و سرگرمي مي کرديم. فرمود: «إن الله قد أبدلكم بهما خيراً منها: يومَ الأضحى و يومَ الفطر» (البته الله متعال براي شما در عوض اين دو روز؛ دو روز ديگر که بهتر اند قرار داده است: روز عيد اضحى، و روز عيد فطر).

به اين اساس مسلمانان سه روز عيد دارند :

1- عيد فطر که بعد از ماه مبارک رمضان مسلمانان خوشی میکنند ، زیرا يكماه عبادت خالق متعال را نموده اند.

2- عيد اضحى يا عيد قربان که حجاج غرض اداى فريضه حج ميروند، و مسلمانان جهان درين روز با خواندن نماز عيد در شهرهاى شان اين روز را خوشی میکنند.

3- روز جمعه که در هر هفته تکرار مي شود.

روز عيد روز خوشي و سعادت، روز آشتي و صله رحمي، روز عطف و مهرباني براي فقيران، روز شکر و سپاسگزاري، روز خوردن و نوشيدن و ذکر الله جل جلاله است.

* روز عيد را روزه گرفتن جايز نيست، حضرت ابوسعيد خدری - رضي الله عنه - روايت کرده اند که رسول الله - صلي الله عليه و سلم - از روزه گرفتن دو روز نهي کردند: روز عيد فطر و روز عيد قرباني. صحيح مسلم (3، 153).

و همچنان از روزه گرفتن روز جمعه بطور تنهائي نهي فرموده اند، از ابوهريره - رضي الله عنه - روايت است که رسول الله - صلي الله عليه و سلم - فرمودند: «لَا يَصُومُ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا أَنْ يَصُومَ قَبْلَهُ أَوْ يَصُومَ بَعْدَهُ» (هيچ يکي از شما نبايد روز جمعه را روزه بگيرد مگر آنکه يک روز قبل و يا يک روز بعد از آنرا نيز روزه مي گرفته باشد). صحيح مسلم (3، 154).

برادري بنام برهان الدين در سايت نوار اسلام در مورد آداب روز عيد مقاله زيبايي نوشته است كه قسمت هايي اين مقاله را با اختصار درينجا نقل ميكنم:

1 - تكبير گفتن، از غروب آفتاب آخرين روز رمضان تا شروع در نماز عيد فطر، چنان كه الله متعال فرموده است: «و لتكملوا العدة و لتكبروا الله علي ما هداكم و لعلكم تشكرون»، و صحابه كرام و تابعين شان و ساير مسلمانان تا امروز اين شعيره بزرگ را برپا داشته اند.

و طريق؟ آن چنين است كه بگويد: «الله اكبر الله اكبر، لا اله الا الله، الله اكبر الله اكبر، والله الحمد» (مردان آواز خود را با آن بلند مي كنند، اما زنان آواز خود را نزد نامحرمات بلند نبايد كرد.

(و اين تكبيرات را هميشه در خانه ها و بازارها و مساجد و غيره تكرر مي كنند.

2 - غسل براي روز عيد، لباس هاي پاكي و زيبا پوشيدن، عطر و خوشبوئي.

(عبدالله بن عمر - رضي الله عنهما - در روز عيد پيش از بيرون شدن براي نماز عيد غسل مي كردند.

(الموطأ 428)، و بهترين لباس هاي خود را تن مي كردند (سنن بيهقي باسند صحيح 3، 281).

(و از جابر - رضي الله عنه - روايت است كه گفت: رسول الله (صلي الله عليه وسلم) لباسي داشت كه آنرا خاص در روزهاي عيد و روز جمعه تن مي كردند. (صحيح ابن خزيمة: 1765).

3 - پيش از بيرون شدن به نماز عيد فطر، سنت آنست كه با چندا خرما افطار كند، و آنرا تاق بخورد، يعني سه يا پنج و يا هفت خرما بخورد، و اگر خرما نبود با هرچه ميسر بود افطار كند (بخاري: 953).

4 - همه مسلمانان بايد در نماز عيد شركت كنند، و در اين محفل بزرگ حضور داشته باشند، حتي

زنان نيز با مراعات ستر و عفت در نماز عيد شركت كنند، حتي زناني كه عذر شرعي (عادت ماهانه) دارند حاضر شوند، ولي در بيرون نمازگاه بشينند.

(ام عطيه - رضي الله عنها - كه يكي از زنان صحابه بود، روايت کرده است كه رسول الله - صلي الله عليه وسلم - دستور داد اينكه زنان نيز براي نماز عيد بروند، حتي زنان باكره و ازدواج ناكرده را

دستور داد اینکه شرکت کنند، بلکه زنان حایضه را نیز امر کردند که حاضر شوند مگر بیرون مصلي بنشینند، و در این کار نیک و دعوت مسلمانان حضور یابند.

5 - سنت آنست که به عیدگاه پیاده برود، و از یک راه رفته و از راه دیگری باز گردد، چون رسول

الله - صلي الله عليه وسلم - همین طور می کردند. (بخاری: 986).

6 - تهنیت و تبریک و شادباش گفتن یکدیگر به مناسبت عید سعید، به هر لفظ خوب و مناسبی که

بوده باشد، مثل: الله از شما طاعات و عبادات تان را قبول فرماید، عیدتان مبارک، عیدتان بخیر، و

امثال آن.

7 - البته یکی از بهترین آداب عید اینست که هریک از ما و شما بکوشد تا خوشی و سعادت را در دل

های همگان داخل کند، و آن هم از طریق: کمک فقیران و بی نوایان، و سرمالیدن یتیمان، و هدیه برای

دوستان و خردسالان، و زیارت اقارب و خویشاوندان، و آشتی با خفه بودگان، و تبریک دادن عید

برای همسایگان، و امثال آن از کارهای نیک که باعث محبت و اخوت و تقوی؟ روابط اجتماعی و

وحدت و یکدستی می گردد. چون حکمت اساسی و هدف عالی این گونه مناسبات دینی همین چیز

است.

خاتمه

در خاتمه این رساله از الله متعال ﷻ استدعا میکنم که این عمل را از بنده گنهگارش بپذیرد و در نامه اعمالم قرار دهد و ذخیره روزی که ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾ ﴿إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾⁽¹⁾ ترجمه: در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه الله ﷻ آید.

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِضْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾⁽²⁾
ترجمه: پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن! پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان،) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»⁽³⁾
ترجمه: «ای خالق متعال! بر محمد و آل محمد رحمت نازل کن همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم رحمت نازل فرمودی. همانا تو ستوده شده و با عظمت هستی. ای خالق متعال! بر محمد و آل محمد برکت نازل کن همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل فرمودی همانا تو ستوده شده و با عظمت هستی».

1- سوره شعراء، آیت: 88/89..

2- سوره البقره، آیت: 286..

3- بخاری (4797).

آخرین تحفه

امتحان روزه کامل

دوستان محترم: برای اینکه فیصدی کامل بودن روزه خود را معلوم کنیم، لازم است، این سوالات را خود ما جواب گفته و سپس جوابهای صحیح را جمع آوری نماییم، هرگاه علامات صحیح را که خود ما برای خود نمره داده ایم، به صد برسد، بناءً روزه ما % 100 است و هرگاه نمرات ما 50 شده بناءً روزه ما % 50 است و در صورتیکه از آن پایانتر باشد چند روز بازهم بخاطر کامل شدن روزه ما اعمال خود را تغییر دهیم و کاپی این سوالات را در روزهای دیگر دوباره خانه پری کنیم تا بالاخره روزه کامل شود.

1- آیا میدانی که رمضان را رمضان میگویند که گناهان انسان توسط عبادت ها سوزانده میشود؟

بلی () نخیر ()

2- آیا میدانی که روزه دوری نمودن از خوردنی ها، نوشیدنی ها، خواهشات شهوانی و اخلاق زشت

میباشد؟ بلی () نخیر ()

3- آیا تعهد میکنی که در رمضان از سخنان زشت و اخلاق زشت دوری کنی؟ بلی () نخیر ()

4- آیا میدانی که قبل از رمضان یک روز یا دو روز روزه گرفتن توسط رسول الله ﷺ منع شده است؟ بلی ()

نخیر ()

5- آیا میدانی که برای کسیکه قبل از رمضان چندین روز روزه گرفته، یک روز و دو روز قبل برایش جایز میباشد؟

بلی () نخیر ()

6- آیا میدانی که در روزه تنها روزه گرفتن ماه رمضان فرض است خواه 29 روز باشد و یا 30 روز؟ بلی ()

نخیر ()

7- آیا میدانی در رمضان از چیزهای حلال اجتناب میکنیم پس باید از امور حرام بکلی خود را دور کنیم؟ بلی ()

نخیر ()

8- آیا میدانی که رسول الله ﷺ فرموده که: امت من تا وقتی به خیر هستند که در سحر تاخیر نایند؟ (بلی) (نخیر)

9- آیا میدانی که امت رسول الله ﷺ تا وقتی به نیکی هستند که در افطار عجله نایند بمجرد شنیدن آذان

افطار کنند؟ (بلی) (نخیر)

10- آیا میدانی که روزه کامل روزه است که با تمامی اعضای بدن باشد؟ (بلی) (نخیر)

11- آیا میدانی که رسول الله ﷺ فرمود: کسیکه سخنان زشت و اعمال بد را ترک نکند الله ﷻ به ترک غذایش

احتیاجی ندارد؟ (بلی) (نخیر)

12- آیا تعهد میکنی که در هنگام روزه از مزاق های بیجا و سخنان زشت و جنگ و جدل خود داری کنی؟ (بلی) (نخیر)

13- آیا میدانی کسیکه در رمضان دیگران را اذیت میکند روزه اش ناقص و خراب شده است؟ (بلی) (نخیر)

14- آیا میدانی که با غیبت نمودن کسی عبادت هایت را برای همان شخص SMS میکنی؟ (بلی) (نخیر)

15- آیا میدانی که مسکین قیامت کسی است که اعمال نیکش برای مردم تقسیم میگردد؛ زیرا حق آنانرا خورده

است؟ (بلی) (نخیر)

16- آیا میدانی که با شنیدن صدای زن ناهرم آواز خوان در روز قیامت در گوشهای آن مرد سرب انداخته

میشود؟ (بلی) (نخیر)

17- آیا تعهد میکنی که چشمانت را در هنگام روزه از دیدن دختران رقاصه در تلویزیون نگهداری کنی؟ (بلی) (نخیر)

18- آیا میدانی که در رمضان باید چشم، دست، گوش و قلب انسان باید روزه دار باشد؟ (بلی) (نخیر)

19- آیا تعهد میکنی که در رمضان هنگام خریداری غذا ها برای فقراء نیز غذایی بخری؟ (بلی) (نخیر)

20- آیا میدانی هنگامی کسی روزه دار را دشنام بدهد و یا باوی جنگ کند برایش باید بگوید که من روزه

دارهستم؟ (بلی) (نخیر)

21- آیا گوشتی را که با آن روزه ات را افطار میکنی حقیقتاً حلال شده و یا در خارج با برق کشته شده؟ (بلی) (نخیر)

22- آیا میدانی که پاداش روزه را فقط الله ﷻ برایش میدهد؟ (بلی) (نخیر)

- 23- آیا میدانی که دیدن فلم های مبتذل در رمضان، شنیدن موسیقی های مبتذل روزه ات را مکروه و یا فاسد میکنند؟ بلی () نخیر ()
- 24- آیا در رمضان متوجه فقیران میشوی و با ایشان کمک میکنی؟ بلی () نخیر ()
- 25- آیا میدانی که برای روزه دار شایسته نیست که خود را در کارهای بی فایده (لهو لعب) مصروف سازد؟ بلی () نخیر ()
- 26- آیا میدانی که کسیکه روزه بگیرد و نماز نخواند روزه اش میشود ولی قبول نمیگردد؟ بلی () نخیر ()
- 27- آیا در عید رمضان از پوشیدن لباسهای هندو ها بخاطر عدم مشابعت با کافران اجتناب میکنی؟ بلی () نخیر ()
- 28- آیا برای خانم، خواهر و مادرت فهانده ای که مشابعت با هندو ها نارواست و از آن باید اجتناب نمود؟ بلی () نخیر ()
- 29- آیا با دیدن روزه خور متأثر میشوی و عکس العمل نشان میدهی؟ بلی () نخیر ()
- 30- آیا در ماه رمضان حد اقل سه ایت قرآن کریم را با ترجمه اش میخوانی؟ بلی () نخیر ()
- 31- آیا میدانی که روزه مانند سپر است و درین روز روزه دار هیچ عمل منفی را انجام نمیدهد؟ بلی () نخیر ()
- 32- آیا میدانی که ترک نماز ترک سخن گفتن با الله ﷻ است بناءً بی نماز با الله ﷻ جنگی است؟ بلی () نخیر ()
- 33- آیا تعهد میکنی که در ماه رمضان با الله ﷻ آشتی کنی و در ماه های دیگر نیز آشتی باشی و نماز بخوانی؟ بلی () نخیر ()
- 34- آیا فکر میکنی که افطار روزه با مال حرام روزه را خراب میسازد بناً از رشوت و حرام دوری کنی؟ بلی () نخیر ()
- 35- آیا میدانی که ده روز اول رمضان دهه رحمت الله ﷻ است و باید ازین رحمت استفاده کنی؟ بلی () نخیر ()
- 36- آیا میدانی که ده روز دوم رمضان دهه مغفرت است و بهترین فرصت برای توبه کردن و بخشش است؟ بلی () نخیر ()
- 37- آیا میدانی که دهه سوم دهه آزادی از آتش دوزخ است که میتوان با استفاده از رمضان خود را نجات دهیم بلی () نخیر ()

38- آیا میدانی که فکرت زمانی روزه دار می باشد که در هنگام فکر کردن بخود به فقراء نیز فکر نهایی؟ بلی ()

نخیر ()

39- آیا میدانی که تنها روزه کسی قبول میگردد که افطاری و سحری اش از پول حلال و غذای حلال باشد؟

بلی () نخیر ()

40- آیا تعهد میکنی که خیرات را مطابق سنت تنها برای فقیران دهی و از تقسیم کارهای ریا کاری اجتناب

کنی؟ بلی () نخیر ()

41- آیا میدانی که خوراک، پوشاک و خانهء حرام سبب عدم قبول دعای انسان میشود؟ بلی () نخیر ()

42- آیا میدانی که رسول الله ﷺ برای حضرت سعد گفت که غذایت را پاک کن تا دعایت قبول گردد؟

بلی () نخیر ()

43- آیا تعهد میکنی که در رمضان با برادران و خواهرات مانند یک مسلمان نیک برخورد کنی؟ بلی () نخیر ()

44- آیا تعهد میکنی که بخاطر رضایت الله ﷻ لباس اسلامی بپوشی و ستر عورت را مراعات کنی؟ بلی ()

نخیر ()

45- آیا وعده میکنی که رادیو و تلویزیون را بخاطر برنامه زشت اش خاموش کنی؟ بلی () نخیر ()

46- آیا تعهد میکنی که در رمضان روزانه کست ها و سی دی های اسلامی را بشنوی و ببینی؟ بلی () نخیر ()

47- آیا در وقت داخل شدن به خانه برای مادر، خانم و خواهرات سلام میدهی؟ بلی () نخیر ()

48- آیا تعهد میکنی که بعد از رمضان نمازت را دوام دار ادا کنی و بارتفتن رمضان دوباره با الله (سبحانه و تعالی)

جنگی نشوی؟ بلی () نخیر ()

49- آیا نماز تراویح را مثل رسول الله ﷺ و صحابه کرام رضی الله عنهم بسیار به آهستگی و خشوع میخوانی؟ بلی ()

نخیر ()

50- آیا تعهد میکنی در صورتیکه امام تان نماز تراویح را در 50 دقیقه بخواند مخالفت نمیکنی؟ بلی () نخیر ()

51- آیا میدانی که در رمضان دروازه های جنت باز میشود و صدا میشود که ای انسان برگرد و جنت را نصیب

خود کن؟ بلی () نخیر ()

52- آیا تعهد میکنی که در ماه مبارک رمضان خود را به دعوت به اسلام مشغول نهایی؟ بلی () نخیر ()

53- آیا تصمیم داری کاری کنی که در ماه مبارک رمضان از جمله آزاد شده گان از دوزخ باشی؟ بلی ()

نخیر ()

- 54- آیا میدانی با هر گناه یک نقطهء سیاه در قلبت پیدا میشود و در صورت عدم توبهء بالاخره قلب سیاه میگردد؟
 بلی () نخیر ()
- 55- آیا میدانی که عبادت در شب قدر از 1000 ماه عبادت بهترست؟ بلی () نخیر ()
- 56- آیا تصمیم داری که شب قدر را در عبادت سپری کنی تا عبادت 83 سال و 3 ماه را نصیب شوی؟ بلی ()
 نخیر ()
- 57- آیا دوستان با تقوا داری که در مجالس شان اشتراک کنی و مجلس عبادت حساب شود؟ بلی () نخیر ()
- 58- آیا میدانی که خانمی که موهایش را نامحرم ببیند با حجاب نیست زیرا موها شامل عورت زنان میشود؟
 بلی () نخیر ()
- 59- آیا میخواهی که در شب قدر مجلسی بسازی، دوستان و علما را دعوت کنی و تا صبح همه مصروف عبادت شوید؟ بلی () نخیر ()
- 60- آیا در ماه مبارک رمضان برنامه دعوت اسلامی، برای فامیلت داری؟ بلی () نخیر ()
- 61- آیا تصمیم داری که در ماه مبارک رمضان 10 کست یا سی دی اسلامی را به مردم رایگان توزیع کنی؟
 بلی () نخیر ()
- 62- آیا به آنچه درینجا با الله تعهد میکنی حقیقتاً گامهای عملی خواهی برداشت؟
- 63- آیا برای خواندن و ترجمهء قرآن کریم وقتی را در نظر خواهی گرفت؟ بلی () نخیر ()
- 64- آیا در موبایلت به عوض موسیقی های مبتذل کدام ترانه اسلامی را ثبت میکنی؟ بلی () نخیر ()
- 65- آیا میدانی که بی بی عایشه رضی الله عنها با رسول الله صلی الله علیه و آله در بین دو عید نکاح و ازدواج نموده است؟ بلی ()
 نخیر ()
- 66- آیا میدانی که هرگاه روز عید در روز جمعه بیاید بناءً نکاح در بین نماز عید و نماز جمعه جایز نیست؟ بلی ()
 نخیر ()
- 67- آیا میدانی که روزه دار مسوولیت دارد که در فکر فقراء باشد و به عوض غذا های زیاد به فقرا کمک کند؟
 بلی () نخیر ()
- 68- آیا تصمیم داری از کمپیوتر، تایپ و تلویزیونت اموری را که روزه را مکروه میسازد حذف کنی؟ بلی ()
 نخیر ()

- 69- آیا تصمیم داری که در هنگام خریدن کالای عید برای خود و فامیلت برای یتیمان و فقیران نیز لباس عید بخری؟ بلی () نخیر ()
- 70- آیا میدانی که ماه رمضان یک کورس یکماهه تقواست تا در 11 ماه دیگر مطابق آن خود را متقی بسازیم؟ بلی () نخیر ()
- 71- آیا در بانک الهی حساب نمبری داری که در آن نیکی ها را پس انداز کنی؟ بلی () نخیر ()
- 72- آیا میدانی که در ماه رمضان نماز نفل به اندازه فرض و نماز فرض هفتاد چند ثواب دارد. بلی () نخیر ()
- 73- آیا میدانی که روزانه 86400 یونت عمرت یا به بانک رحمان میرود و یا هم به بانک شیطان؟ بلی () نخیر ()
- 74- آیا تصمیم داری که ازدواج خود و یا اعضای فامیلت مطابق طریقه رسول الله باشد یعنی عروسی اسلامی باشد؟ بلی () نخیر ()
- 75- آیا خوش داری که فرهنگ اسلامی نسبت به رواج های قبیلوی تان تطبیق گردد و قرآن کاملاً تطبیق گردد؟ بلی () نخیر ()
- 76- آیا فکر میکنی با اعمال امروزی ات ممکن خواهد بود که در روز قیامت زیر بیرق محمد ﷺ باشی؟ بلی () نخیر ()
- 77- آیا روزی برای ساختن کدام دارالایتم و خدمت به یتیمان و بی سرپرستان فکر کرده ای؟ بلی () نخیر ()
- 78- آیا کدام فرزند و یا برادرت را تشویق نموده ای که درس های قرآنی بخواند و یا قرآن را حفظ کند؟ بلی () نخیر ()
- 79- آیا معنای نمازت را کاملاً یاد داری؟ بلی () نخیر ()
- 80- آیا تعهد میکنی که بعد ازین با شنیدن آذان به مسجد بروی؟ بلی () نخیر ()
- 81- آیا تعهد میکنی که از مسخره ساختن دیگران اجتناب کنی و بعد از رمضان نیز همان سان باشی؟ بلی () نخیر ()
- 82- آیا میدانی کسیکه در نماز خفتن و صبح به جماعت قصداً نرود نامش درلست منافقان ثبت میگردد؟ بلی () نخیر ()
- 83- آیا تصمیم داری در اختیار همسر خودت و یا کدام عضو فامیلت طریقه رسول الله ﷺ را مراعات کنی؟ بلی () نخیر ()

- 84- آیا تعهد میکنی که در مخالفت به عوض دعوت خواننده ها و موسیقی مبتذل از علمای اسلام دعوت کنی؟
(بلی) (نخیر)
- 85- آیا تصمیم داری که محفل عروسی خودت و یا اعضای فامیلت به شکل اسلامی باشد و در آن گناه نباشد؟
(بلی) (نخیر)
- 86- آیا در تصمیم گیری هایت رضایت الله ﷻ را نسبت به رضایت مردم ترجیح میدهی؟ (بلی) (نخیر)
- 87- آیا میدانی که کسیکه نماز را قصداً ترک کند نمیخواهد با الله ﷻ گپ بزند و خوف کفرش می باشد؟ (بلی)
(نخیر)
- 88- آیا در غم دیگر مسلمانان متأثر و غمگین میشوی؟ (بلی) (نخیر)
- 89- آیا برتریت را در تقوا دانسته از نشنلستی و قوم پرستی اجتناب میکنی؟ (بلی) (نخیر)
- 90- آیا میدانی که قوم پرستی و زبان پرستی مخالف قرآن کریم و گفته های الله ﷻ می باشد؟ (بلی) (نخیر)
- 91- آیا میدانی که اگر روزه دار سهواً در هنگام فراموشی چیزی بخورد یا بنوشد هیچ پروایی ندارد؟ (بلی)
(نخیر)
- 92- آیا میدانی که در هنگام روزه اگر اشتباهاً آب نوشیده شود باید آنروز را قضایی بیاوری. (بلی) (نخیر)
- 93- آیا میدانی که قصداً یک قطره آب و یا یک لقمه نان را خوردن بالایت دوماه کفاره را لازم میگرداند؟ (بلی)
(نخیر)
- 94- آیا میدانی که رسول الله ﷺ گفته که سحر کنید که در آن برکت است؟ (بلی) (نخیر)
- 95- آیا میدانی که گناه صغیره را دوامدار انجام دادن بالاخره آنرا به گناه کبیره مبدل میگرداند؟ (بلی) (نخیر)
- 96- آیا میدانی که خوردن نان در خانه مرده دار مخالف سنت رسول الله ﷺ اسلام می باشد؟ (بلی) (نخیر)
- 97- آیا در هنگام مشکل یا الله یا الله گفته با صبر و نماز برای رفع مشکل سعی می ورزی؟ (بلی) (نخیر)
- 98- آیا تصمیم داری که در هنگام قدرت در اعتکاف بنشینی و این سنت را زنده کنی؟ (بلی) (نخیر)
- 99- آیا برای استقبال از عید تصمیم داری برای فقرا هم لباسهایی خریداری کنی؟ (بلی) (نخیر)
- 100- آیا برای رساندن این پیام تصمیم داری که حداقل 10 ورق را کاپی نموده به دیگران توزیع نمایی؟ (بلی)
(نخیر)

مؤمنین به پاخیزید این ندای قرآن است
 مؤمنین به پاخیزید این ندای قرآن است
 جان به کف زجاخیزید این ندای قرآن است
 جان به کف زجاخیزید این ندای قرآن است
 لا اله الا الله پرچم عزیز ما
 لا اله الا الله پرچم عزیز ما
 زیرپای کافر شد دشمنان همه خندان
 زیرپای کافر شد دشمنان همه خندان
 قدسیان همی نالند اشک خون همی بارند
 قدسیان همی نالند اشک خون همی بارند
 تابکی به زنجیرم اینخدای مظلومان
 تابکی به زنجیرم اینخدای مظلومان
 مؤمنین به پاخیزید این ندای قرآن است
 جان به کف زجاخیزید این ندای قرآن است
 قبلهء شما گوید محشر مسلمانان
 قبلهء شما گوید محشر مسلمانان
 بی انیس و بی یارم ای خدا! گویان
 بی انیس و بی یارم ای خدا! گویان
 قدرتم برفت از دست قلبم ازدرون بشکست
 قدرتم برفت از دست قلبم ازدرون بشکست
 ای عمر کجایی تو تاکنی ماراشادان
 ای عمر کجایی تو تاکنی ماراشادان

مؤمنین به پاخیزید این ندای قرآن است
 مؤمنین به پاخیزید این ندای قرآن است
 جان به کف زجاخیزید این ندای قرآن است
 جان به کف زجاخیزید این ندای قرآن است
 کوچیچین مسلمانان بوسنی و فلسطین کو
 مسلمین پریشانند کافران همه حیران
 انگلیس و آمریکا آندو گرگ درنده
 امت محمد را کرده بی سروسامان
 امت محمد را کرده بی سروسان
 مردمان افغان را کودکان و پیران را
 میکشند مسوزد وای ای مسلمانان
 کار دشمنان شادیست ناله و فغان ازما
 یاد عزت دیروز چشم میکند گریان
 روح مصطفی محزون خیلی قدسیان دلخون
 طوق بندگر تاکی ای جوان گذر از جان
 خون پاک اصحابت درس میدهد مارا
 جان و دل فدا سازیم بهر دین مولامان
 شربت شهادت را عاشقانه می نوشیم
 سر فدای دین حق جان فدای آن جانان
 مؤمنین به پا خیزید این ندای قرآن است
 مؤمنین به پا خیزید این ندای قرآن است
 جان به کف ز جا خیزید جنگ کفر و ایمان است

جان به کف ز جا خیزید جنگِ کفر و ایمان است

مصادر ومراجع

- (1) قرآن عظيم الشأن .
- (2) ابن حبان ، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معبد التميمي ابو حاتم الدارمي البُستي (المتوفى: 354هـ) . صحيح ابن حبان . تحقيق شعيب الأرناؤوط ، بيروت : مؤسسة الرسالة ، ط2 ، (1414 - 1993) .
- (3) ابن حنبل ، ابي عبد الله أحمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (متوفى سال : 241هـ) . مسند الإمام أحمد بن حنبل . تحقيق شعيب الأرناؤوط ، عادل مرشد و آخرون ، إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي، مؤسسة الرسالة ، ط1 ، (1421 هـ 2001 م) .
- (4) ابن كثير ، ابو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ) . تفسير القرآن العظيم . تحقيق سامي بن محمد سلامة، دار طيبة للنشر والتوزيع، ط2 ، (1420هـ - 1999 م)، 2، 472 .
- (5) ابن ماجه ، أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد (المتوفى: 273هـ) . سنن ابن ماجه . تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي ، دمشق: دار إحياء الكتب العربية ، (دت) .
- (6) ابن منظور ، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي الإفريقي (متوفى سال : 711هـ) . لسان العرب . بيروت: دار صادر ، ط3 ، (1414 هـ) .
- (7) ابو حيان ، محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (المتوفى: 745هـ) . البحر المحييط . تحقيق صدقي محمد جميل الناشر، بيروت: دار الفكر ، (1420 هـ) .
- (8) الباني ، ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (المتوفى: 1420هـ) . سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها . رياض: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، ط1 ، (1415 هـ 1995م) .

(9) الباني، ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (المتوفى: 1420هـ). خطبة الحاجة التي كان رسول الله (ﷺ) يعلمها أصحابه. بيروت: المكتب الإسلامي - (1400).

(10) الباني، ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (المتوفى: 1420هـ). السلسلة الصحيحة، الرياض: مكتبة المعارف، (ب ط).

(11) الباني، ابو عبد الرحمن ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (متوفى سال: 1420هـ). خطبة الحاجة التي كان رسول الله (ﷺ) يعلمها أصحابه. بيروت: المكتب الإسلامي - (1400).

(12) الباني، ابو عبد الرحمن ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (متوفى سال: 1420هـ). السلسلة الصحيحة، الرياض: مكتبة المعارف، (ب ط).

(13) الباني، ابو عبد الرحمن ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (متوفى سال: 1420هـ). صحيح الأدب المفرد للإمام البخاري. دار الصديق، ط1. (1421هـ ق).

(14) بخاري، محمد بن اسماعيل أبي عبدالله، (1387هـ ق). الأدب المفرد، هند: المكتبة الرحيمية (ب-ت).

(15) بخاري، محمد بن اسماعيل أبي عبدالله، (1387هـ ق). الجامع الصحيح المستند المختصر من امور رسول الله (ﷺ) وسننه وأيامه، هند: المكتبة الرحيمية (ب-ت).

(16) بستانی؛ بطرس. المحيط المحيط. بيروت، مكتبة لبنان، ط1، 1987.

(17) بيهقي احمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُو جردى الخراساني، أبو بكر البيهقي (متوفى سال: 458هـ). شعب الإيمان. تحقيق عبد العلي عبد الحميد حامد، رياض: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع، ط1، (1423 هـ - 2003 م)، 34.11.

- 18)** بيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي. السنن الكبرى تأليف البيهقي، هند: مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة ببلدة حيدر آباد، الجزء الثاني، الطبعة الاولى، 1344 هـ ق.
- 19)** ترمذي، محمد بن عيسى بن سَورة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى (متوفى سال : 279هـ). سنن الترمذي. تحقيق وتعليق أحمد محمد شاكر و محمد فؤاد عبد الباقي، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، ط3، (1395 هـ-1975م).
- 20)** جريسي، دكتور خالد بن عبدالرحمن. سهر پارسيان. ترجمه اسحاق بن عبدالله عوضي، دت، چاپ اول (1387، 1429 هـ ق).
- 21)** جوهرى، ابونصر اسماعيل بن الحماة الجوهرى الفارابي (المتوفى: 393 هـ)، (ب-ت). تاج اللغة وصحاح العربية. تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، ط4، (1407 هـ - 1987 م).
- 22)** زبيدي، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني أبو الفيض، الملقب بمرتضى. تاج العروس من جواهر القاموس؛ (دت)، (دن).
- 23)** سمعاني، ابو المظفر، منصور بن محمد بن عبد الجبار ابن أحمد المروزي السمعاني التميمي الحنفي ثم الشافعي (المتوفى: 489 هـ). تفسير القرآن. تحقيق ياسر بن إبراهيم وغنيم بن عباس بن غنيم، رياض دار الوطن، (1418 هـ-1997م).
- 24)** فقيه، عبدالله. لجنة الفتوى بالشبكة الإسلامية. فتاوى الشبكة الإسلامية. (1430 هـ 2009 م).
- 25)** فيروزآبادي، مجد الدين محمد بن يعقوب. القاموس المحيط: بيروت، دارالفكر (1415 هـ ق-1995 م).
- 26)** فيروزآبادي، مجد الدين محمد بن يعقوب. القاموس المحيط: بيروت، دارالفكر (1415 هـ ق-1995 م).

- (27) قاری، ملا علی، مرقاۃ المفاتیح شرح مشکاة المصابیح: جزء 14، ب د، ب ت
- (28) قشیری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری (المتوفی: 261هـ). المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (صحیح مسلم). تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (ب ط)، (ب،ت).
- (29) کویت، زارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويتية. الموسوعة الفقهية الكويتية. قام بتنسیقه وفهرسته أبو عمر، کویت: دارالسلاسل، ط 2، (1427 هـ).
- (30) نسائی، ابو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفی: 303هـ). السنن الكبرى = سنن النسائي. حققه وخرج أحاديثه: حسن عبد المنعم شلبي، بیروت: مؤسسة الرسالة، ط 1، (1421 هـ - 2001 م).
- (31) نیسابوری، ابو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفی: 405هـ). المستدرک علی الصحیحین. تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ط 1، (1411 - 1990).
- (32) هضیبی سیستم سیاسی در اسلام، مامون الهضیبی، ترجمه محمد ملا زاده، سیستم سیاسی در اسلام: یران، نشر احسان، (1379 هـ ش).
- (33) هیثمی، أبو الحسن نور الدین علی بن أبي بكر بن سليمان الهیثمی (المتوفی: 807هـ). مَجْمَعُ الزَّوَادِ وَمَنْبَعُ الْفَوَائِدِ. تحقیق حسام الدین القدسی، قاهره: مكتبة القدسي، (1414 هـ - 1994 م). البخاری، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله. صحیح البخاری: بیروت دار ابن کثیر، الطبعة الثالثة، (1407 - 1987).
- (34) بستانی، بطرس ز المحيط المحيط: بیروت، مكتبة لبنان، ط 1، 1987م، ص: 937.
- (35) زحیلی، وهبه ز الفقه الاسلامی وادلتہ: دمشق: دار الفكر، 548.4.
- (36) عمید، حسن. فرهنگ عمید: تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ط 6، (1364ه ق) ج 2.

(37) قارى، ملا على، مرقاۃ المفاتيح شرح مشكاة المصابيح: جزء 14، ب د، ب - ت).